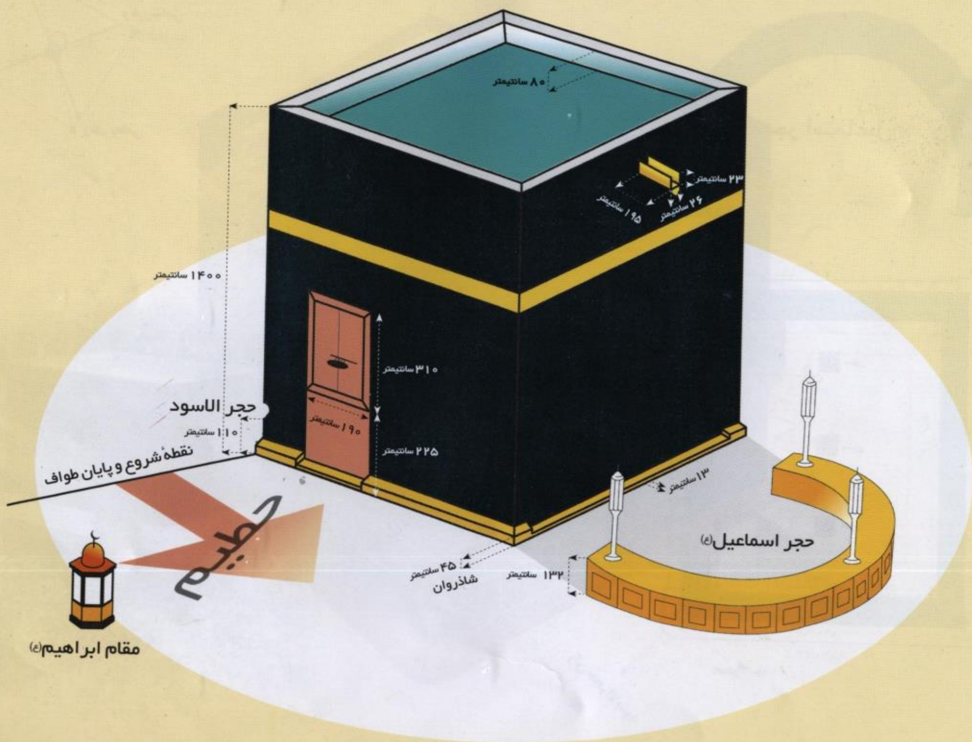
احکام حـج درمذهب حنفي

و معارف الحــرمين

گرد آورنده:سیّد عبدالله نقشبندی مجدّدی



بسم الله الرحمن الرحيم

احکام حــج درمذهب حنفي

و

معارف الحــرمين

گرد آورنده:سيّد عبدالله نقشبندی مجدّدی

نام کتاب : احکام حج در مذهب حنفی و معارف الحرمین

گردآورنده : خادم خانقاه پیران کبارطریقه عالیه نقشبندیه مجددیه شمسیه

الحاج سیّدعبدالله نقشبندی مجدّدی

ناشر : گل‌نشر

شمارگان : ۲۰۰۰ جلد

نوبت چاپ: اول - ۱۳۸۵

چاپ و صحافی: چاپخانه گل‌نشر

قطع: وزیری ۱۷۶ صفحه

شابک :۰ – ۳۵ – ۸۲۸۴ - ۹۶۴

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیپا.

۱.احکام حج. ۲.آموزش.

الف.نقشبندی مجددی ، الحاج سید عبد الله ب. عنوان.

۳ح۷ن/۲/۲۹۵ ۲۹۷/۸۶

کتابخانه ملی ایران ۵۴۰۷ – ۸۵ م

فهرست مطالب

عنوان	صفحه
مقدمه گرد آورنده	۱
فرضیت حج به آیات قرآن	۵
ثبوت افعال حج در آیات	″
احادیث درباره فضیلت حج وعمره	۱۱
تاریخچه بنای کعبه	۱٤
مقصد اول	**۲۱**
آماده شدن برای حج	″
احکام سفر	۲٤
مقصد دوم	**۲۵**
دربیان شرایط وحکمتهای حج	″
تعریف وشروط حج	″
فرضیت حج به آیات قرآن	″
سنت نبوی	″
اجماع مسلمانان	۲٦
شمه ای از حکمتهای حج	″
فضیلت حج	۲۹
شروط حج	″
فرایض حج	۳۱
واجبات حج	″
سنتهای حج	۳۲
مستحبات حج	۳۳
مکروهات حج	″
مفسدات حج	۳٤
دربیان انواع حج	″
بیان حج قران	″

دم قران ۳۵
چه چیز جایگزین دم می شود؟ ″
بیان حج تمتع ۳٦
شروط حج تمتع ″
بیان هدی در تمتع ۳۷
مقصد سوم ۳۸
احرام ومواقیت ″
تعریف احرام ″
احرام مفرد چگونه است ۳۹
نماز احرام ″
نیت احرام وتلبیه ″
میقات ۴۰
میقات زمانی ۴۱
میقات کسانی که درخود میقات یا بین حرم ومیقات ساکن اند ″
میقات کسانی که درمکه ویا زمین حرم ساکن اند ″
کیفیت احرام ″
کیفیت نیت حج وعمره ۴۳
احکام احرام ۴۵
ممنوعات احرام ″
مباحات احرام ۴۶
فرق بین احرام واعمال زنان با مردان ۴۷
مقصد چهارم ۴۷
دربیان طواف سعی ونُسُک سه گانه ″
نحوه داخل شدن در حرم وشهر مکه ″
بیان چگونگی طواف ۴۹
ارکان طواف ۵۰
شرایط طواف ″
واجبات طواف ۵۱

سنتهای طواف	۵۳
مستحبات طواف	۵۴
مباحات طواف	〃
مکروهات طواف	۵۵
محرمات طواف	۵۶
انواع طواف	〃
طواف قدوم	〃
طواف قدوم از این اشخاص ساقط است	۵۷
طواف افاضه	〃
طواف وداع	〃
طواف عمره	۵۸
طواف نذری	〃
طواف تحیه مسجد	〃
طواف نفلی	〃
طریقه استلام حجرالاسود	〃
استلام در مواقع ازدحام	۵۹
شروع طواف	
استلام رکن یمانی	۶۰
شروع طواف از حجرالاسود واجب است	〃
برپا شدن نماز جماعت درحین طواف	۶۱
نماز مقام ابراهیم (ع)	۶۳
طواف قدوم	۶۴
سعی بین صفا ومروه	〃
حکم سعی	۶۷
کیفیت سعی	〃
شروط سعی	۶۸
واجبات سعی	〃
سنتهای سعی	۶۹

مستحبات سعی	٦٩
مکروهات سعی	〃
بعداز طواف وسعی مفرد چه کار کند؟	۷۰
مقصد پنجم	**۷۰**
دربیان حج فرض و وقوف به عرفات	〃
شروع افعال حج درمنی وعرفات	〃
وقوف عرفات	۷۱
ادعیه ماثوره در عرفات	〃
جمع بین صلاتین در عرفات	۷۶
وقت وقوف به عرفه	۷۷
شروط صحت وقوف به عرفه	۷۸
احکام وقوف به عرفه	〃
واجبات وقوف	〃
سنتهای وقوف	۷۹
مستحبات وقوف	〃
مکروهات وقوف	۸۰
حرکت به سوی مزدلفه	〃
کیفیت ادای نماز در مزدلفه	〃
وقوف به مزدلفه	۸۱
دعای ماثوره مزدلفه	〃
رفتن به سوی منی	۸۲
رمی جمره عقبه	〃
اوقات رمی جمره ها	۸۴
کیفیت رمی	〃
بیان ذبح وحلق	〃
قصر(کوتاه کردن مو) برای زنها	۸۵
بیان طواف زیارت	〃
رمی روز یازدهم ذی الحجه	〃

رمی روزهای دوازدهم وسیزدهم ذی الحجه	۸۶
قیام محصب	〃
مقصد ششم	**۸۷**
دربیان طواف وداع ونیابت حج وعمره	〃
طواف وداع	〃
ادعیه ماثوره در طواف وداع	〃
بیان نیابت حج	۸۹
اگر حج بَدَل فاسد شد چه حکمی دارد؟	۹۰
بیان عمره	〃
فرایض و واجبات عمره	۹۱
احصار	۹۲
فوت شدن حج	۹۳
مسایل مربوط به مناسک حج	〃
مقصد هفتم	**۹۵**
دربیان محظورات احرام	〃
جنایات	۹۷
جنایت قارن	۹۹
محظورات متفرقه وتدارک آنها	۱۰۰
مقصد هشتم	**۱۰۷**
در مواضع مخصوصی از مکه که زیارت آنها ماثوره است	〃
مکانهای نماز رسول اکرم (ص) در مسجدالحرام	〃
مولدهای متبرکه	۱۰۸
سراهای متبرکه	〃
مساجد متبرکه موجود در مکه مکرمه	〃
کوههای متبرکه	۱۱۰
مقابر متبرکه	〃
مواضع اجابت دعا	۱۱۱
توسعه مسجدالحرام	〃

مناره های مسجدالحرام	۱۱۲
ابواب مسجدالحرام	″
حدود زمین حرم	۱۱۳
مساجد بین راه مکه ومدینه	″
مقصد نهم	**۱۱۴**
بیان آداب زیارت روضه اطهر ومدینه طیبه	″
آداب ورود به مدینه منوره	″
آداب ورود به مسجد النبی(ص)	۱۱۵
بیان کیفیت حضور بر روضه مطهره	″
توسل به رسول خدا (ص)	۱۱۶
رساندن سلام از جانب دیگران	۱۱۷
عرض سلام خدمت صدیق اکبر(رض)	″
عرض سلام خدمت فاروق اعظم(رض)	″
استوانه های مخصوصه در روضه الجنان	۱۲۰
زیارت بقیع و احد	۱۲۱
مسجد قبا اولین مسجد در اسلام	۱۲۵
دعای ماثوره مسجد قبا	″
مساجد معروف مدینه	۱۲۶
چاههای متبرکه مدینه	۱۲۸
کیفیت وداع مدینه منوره و رسول کریم (ص)	۱۲۹
شمه ای از توسعه مسجد نبوی	۱۳۱
اصطلاحات واماکن متبرکه	۱۳۴
مسافات ومساحات	۱۴۶
منابع وماخذ	۱۴۹
صد سلام	۱۵۰
مجموعه تصاویری از اماکن متبرکه	۱۵۳
اختتامیه	۱۶۵

بسم الله الرحمن الرحیم

اَلْحَمْدُ لِلّهِ الَّذِیْ جَعَلَ الْبَیْتَ الْعَتِیْقَ سَبَبًا لِلْعِزِّ وَالشَّرَفِ وَغُفْرَانِ الذُّنُوْبِ وَمِنَ الْعَذَابِ حِرْزًا وَجَعَلَهُ مَثَابَةً لِلنَّاسِ وَاَمْنًا وَخَاطَبَنَا سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى ﴿وَلْیَطَّوَّفُوْا بِالْبَیْتِ الْعَتِیْقِ﴾ .

وَ الصَّلَوةُ وَالسَّلَامُ عَلَى رَسُوْلِهِ الْمُصْطَفَى الَّذِیْ قَالَ سُبْحَانَهُ وَ تَعَالَى فِیْ وَصْفِهِ ﴿ عَزِیْزٌ عَلَیْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِیْصٌ عَلَیْكُمْ بِالْمُؤْمِنِیْنَ رَئُوْفٌ رَّحِیْمٌ﴾ وَقَالَ (ع) بِشَارَةً لِاُمَّتِهِ «مَنْ حَجَ لِلّهِ فَلَمْ یَرْفَثْ وَ لَمْ یَفْسُقْ رَجَعَ كَیَوْمٍ وَلَدَتْهُ اُمُّهُ» وَعَلَى آلِهِ الطَّیِّبِیْنَ الطَّاهِرِیْنَ وَ صَحْبِهِ الْكِرَامِ اَجْمَعِیْنَ .

اما بعد! حج رکن پنجم دین مبین اسلام است. التجا و امید از پروردگار عالمیان که همه مسلمانان جهان توفیق حج بیت الله الحرام یابند که با عشق و علاقه، سوز و گداز عازم بیت الله الحرام شوند به سبب لطف و فضل و کرمی که حق ـ سبحانه و تعالی ـ عنایت فرماید چنان لطف و عنایتی که به پای جان وتن با دیده گریان و اشک‌ریز با قلب سرشار از عشق و محبت و سینه‌ای‌که به یک‌آهش همه‌کدورت ها و کسالت ها و محبت دنیا بسوزد و با گوش شنوا بر این وعده صدق «حَجَّةٌ مَبْرُوْرَةٌ خَیْرٌ مِنَ الدُّنْیَا وَمَا فِیْهَا وَحَجَّةٌ مَبْرُوْرَةٌ لَیْسَ لَهَا جَزَاءٌ اِلَّا الْجَنَّةُ» **و با فکر بیدار و آگاه بر اسرار و حقایق و رموز و اشارات هریک از مناسک حج و با سعی و اهتمام کامل به لقای کعبه معظمه آماده و رهسپار شوند و از امرپروردگار غفلت نورزند که اجل درکمین است و شب و روزها درگذر .آن پروردگاری که به یک توبه نصوح و اشک ندامت، هزاران کوههای گنه را ویران و منهدم می کند، با یک برگشتن خالص و مستقیم قلم عفو بر همهٔ گذشته ها کشد، بنگر این لطف عظیم و با قدر که از برای پاک کردن بنده ای که عمری در گنه بسر برده و روزگار خویش به جفا و غفلت و بی وفایی از دست داده او را توفیق بر زاد و راحله بقعه متبرکه مشرفه داده، چه خوش لطفی وکرمی چه خوش فضل و احسانی! چه خوش گفت آن عارف خدا که : « گر بیایی در باز است و گرنه، حق بی نیاز است».**

الهی! با آن عظمت و کبریایی که تو می دانی چقدر لطف و احسان کرده ای که بنده ضعیفی را توشه زاد و راحله دهی تا از بهر محو گناهان خود چاره ای بسازد و با ذوق و عشق عاشق لقای کعبه متبرکه شود. درصورتی که آن رسول رب العالمین و آن محبوب خالق کاینات آنکه حق فرموده: « لَوْلَاكَ لَمَا خَلَقْتُ الْأَفْلَاكَ» آن رسول برگزیده که به تشریف ﴿قُلْ اِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّوْنَ اللهَ فَاتَّبِعُوْنِی يُحْبِبْكُمُ اللهُ ...﴾ مشرف شده اند وصف کعبه مشرفه کند. بس است تو را تا به جان و دل با عشق و محبت با ذوق و علاقه عزم حرکت زیارت آن بقعه متبرکه کنی .

یا رب! در این که گنه عمری به یک حج کعبه متبرکه فرو ریزد چه اسرار و حقایقی نهفته است؛ یارب! اگر ازحقیقت کعبه معرفتی نصیب بینوایی شود، به پای دویدن فراموشش شده بلکه به پای جان و دیدهٔ گریان بِدَوَد. همه محبت های دنیا و راحتی ها را فراموش کرده برای لقای کعبه متبرکه با عشق، درد، سوز و گداز بِدَوَد. ز حقیقت کعبه گر گویم شمه‌ای کو طاقت شنیدن؟ گر خواهی ز حقیقتش معرفتی درکتابهای عارفان بجوی. «وَاشَوْقَا اِلَی لِقَاءِ الْكَعْبَةِ الْمُعَظَّمَةِ»

قال الله تبارک تعالی :﴿اِنَّ اَوَّلَ بَيْت وُّضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِی بِبَكَّةَ مُبَارَكًا وَّهُدًى لِّلْعَالَمِيْنَ فِيْهِ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ مَّقَامُ اِبْرَاهِيْمَ وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا وَلله عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ اِلَيْهِ سَبِيْلًا وَمَنْ كَفَرَفَاِنَّ اللهَ غَنِیٌّ عَنِ الْعَالَمِيْنَ ﴾

بشارت ز محبوب رب العالمین که«مَنْ حَجَّ لِلّهِ فَلَمْ يَرْفَثْ وَلَمْ يَفْسُقْ رَجَعَ كَيَوْمٍ وَلَدَتْهُ اُمُّهُ»تورا کافی است. این حدیث، مرهمی ست بردلهایی که به خنجرکسالت مجروح شده اند. و هم قلوبی که گم کردهٔ محبت و علاقه و ذوق زیارت این بقعه متبرکه اند، بر این حدیث شریف تفکر عمیق و فکر دایم کنند، تا دریابند آن ذوق و شوق آن میل و آرزوی لقای کعبه متبرکه را. و این ذوق و محبت و عشق لقای کعبه از سینه و قلب پدر بزرگوارم هر لحظه موج می زد، تا باعث شد که چهارده مرتبه مشرف به زیارت و لقای بقعه متبرکه شوند و دائم تأکید به زیارت این بقعه متبرکه می کردند.

چنان پدری که تا آخرین لحظهٔ عمر از پی بیرون کردن مظلومی از زیر پنجه نفس شیطان انسی و جنّی شب و روز قرار نداشت، و در تبلیغ احکام باجرأت و

همت و عزم متین انواع مشقت ها را متحمل می شد. این هم واضح است که این طور اشخاص که سخن حق را به گوش بندگانش برسانند؛ مورد قبول مخالفان دین واقع نمی شوند، همین حق گفتن شان بود که منجر به اسارتشان گشت. پدر بزرگوارم پیشوای سالکان، رهنمای گم کردگان محبت حق،عالم ربانی، واقف اسرار و حقایق، بیان کنندهٔ حقایق و دقایق راه عرفان، شکست دهنده ماسوا از قلوب سالکان، عالم محقق، مرشدنا حضرت حاجی صاحب شمس الحق نقشبندی مجدّدی ـ قدس الله تعالی سره و اَدَام برکاته علیه ـ که تا آخرین لحظهٔ حیات در عمل کردن به دستورات شرعی و علم و معرفت، توصیه های بلیغ بر محبان و دوستان خود داشتند، و هزاران سالک راه عرفان و محبت حق، از برکت سعی و کوشش های مزیدشان به نهایت مقامات معرفت رسیده اند.

در مجلس صحبت شان چنان تمکین و آرامش دل میسر می شد، که هر کسی که به صحبت مجلس شان می نشست، فوراً همه فکر و وسواس ماسوا از قلبش فرو می ریخت، فقط قلبش متوجه حق ﷻ می شد. چون که یکی از صفات اولیای حق این است که در صحبت شان قلب متوجه به حق می شود و از ماسوا بیزار. هر چند که کسی در اثر غمها و پریشانیهای دنیا غافل از حق می شد؛ به مجرد دیدن جناب شان فوراً قلبش به یاد و محبت و شوق حق برخوردار می گشت؛ و دائم در فرضیت حج و زیارت حرمین شریفین، صحبت داشتند و توصیه ها می کردند تا از این برکت عشق ومحبت که به لقای بیت الله العظیم داشتند؛ توفیق یافتند به نوشتن رساله هایی در فضیلت حج و طریق حج کردن و این رساله ها را مهیا برای چاپ کتاب «مناسک حج» کرده بودند، که قضای حق در رسید و در سال۱۳۵۸توسط دولت کمونیستی اسیر و تا کنون از ایشان خبری در دست نیست.« انا لله و انا الیه راجعون».

گر بر سر کوی عشق ما کشته شوی   شکرانه بــده که خونبهای تو منم

مصراع: این کار دولت است کنون تا که را دهند

و در فراغ خود چشمهای محبان و مریدان و مخلصان را لبریز از اشک کردند.

فراق دوست اگر اندک است اندک نیست

درون دیده اگر نیم موست بسیار است

بلکه حصه زیادی از کتب شریعت و تصوف و کتابها و رسالات که تحریر کرده بودند، به سبب اشغال کمونیست ها از بین رفت تا بالاخره به زحمات زیادی

توانستم تعدادی از رسالات که در حج بیت الله العظیم تحریر کرده بودند؛ جمع آوری کرده تا نظر به تأکید آن پدر بزرگوار و عارف حق موفق شدم که به حسب الامر ایشان این رسالات حج را کاملتر و مکملتر کنم و این توفیق که خداوند منّان برایم نصیب و ارزانی داشته هم فضل است هم کرمی.براستی هم به سبب برکات و فیوضات این آیه شریفه ﴿ اَلْيَوْمَ اَكْمَلْتُ لَكُمْ دِيْنَكُمْ ...﴾ توفیق یافتم که بر خود لازم دانسته و هر چه زودتر رسالات پدربزرگوار و مرهم دل عاشقان،تسلّی ده عاشقانی که هر دم به آرزوی لقای حق کفن درگردن و جان درکف‌اند.اما خداوند منّان از برای مصلحت و حکمتی این عاشقان جان باز را در دنیا می گذارد بلی این رسالات پدر بزرگوار را با استفاده از کتاب های معتبر تکمیل و کاملتر کنم.

اما دیار هجرت، دیاری لبریز از فیض و بخشایش و برکات و سرشار از قوت روحی است که سبب تقویت دین می شود. چون که امنیت و آرامش و فراغت نعمتی است که در این دیار هجرت میسّر شده. پس به شکر این نعمت اقدام کرده به توفیق خداوند منان شروع در تکمیل رسالات فوق الذکر کردم و مسمّی به «احکام حج در مذهب حنفی و معارف الحرمین » شده و امید که خداوند تعالی به لطف و عنایت خود اولاً خوانندگان این کتاب را توفیق حج مبرور دهد و نیز این کتاب را وسیله ای برای ادای مناسک حج به طبق دستورات شرعی کند و سببی برای عفو و مغفرت آن پدر بزرگوار شود که باعث و محرک جمع آوری کتاب حاضر گشتند؛ و هم از آنجا که لطف و الطاف خداوند را نهایت نیست، امید که این مهاجر فقیر و مذنب که از نعمت هجرت استفاده گرفته و در فکر پیشرفت دین است،مورد عفو و غفران حق قرار گیرد. از برادران عزیز خصوصاً کسانی که موفق به زیارت حرمین شریفین شدند،تقاضا دارم که در اماکن مقدسه مخصوصاً محل قبولیت دعا، این عاجز ناتوان را در دعای خیر یادآوری فرمایند. ومن الله التوفیق.

ز تـو امیـد دارم یـا الـهـی — خلاصی ده مرا از هر مناهی

زجمله روی ماباخویشتن کن — ز ما یکسوی آفات فتن کن

منم شمس الحق آشفته‌حالی — مدد خواهم ز تو در امتثالی

ثَبّتَنَا اللهُ سُبْحَانَهُ عَلَى الصِّرَاطِ الْمُسْتَقِيْمِ وَ السَّلَامُ عَلَى مَنِ اتَّبَعَ الْهُدَى

خادم خانقاه پیران کبار طریقه عالیه نقشبندیه

الحاج سیّد عبدالله نقشبندی مجددّی

اثبات فرضیت حج به آیات قرآن

﴿وَلِلهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ اِلَيْهِ سَبِيْلاً ﴾[1]رکن پنجم از ارکان دین اسلام حج بیت الله الحرام است. حج در لغت به معنی قصد است و اصطلاحاً بستن احرام، وقوف به عرفه و گرد خانه کعبه گردیدن، با نیت و وقت معین راحج می نامند. و حج فرض قطعی است بنا به آیه متبرکه فوق و سبب آن خانه کعبه است. اگر کسی فرضیت آن را انکار کند،کافر می شود.

ثبوت افعال حج در آیات

۱-﴿وَاِذْ جَعَلْنَاالْبَيْتَ مَثَابَةً لِّلنَّاسِ وَ اَمْنًا وَّ اتَّخِذُوامِنْ مَّقَامِ اِبْرَاهِيْمَ مُصَلًّى وَعَهِدْنَا اِلَى اِبْرَاهِيْمَ وَاِسْمَاعِيْلَ اَنْ طَهِّرَا بَيْتِيَ لِلطَّائِفِيْنَ وَالْعَاكِفِيْنَ وَالرُّكَّعِ السُّجُود﴾[2](و آنگاه که ساختیم خانه کعبه را محل امن و مرجع مردم وگفتیم درمقام ابراهیم نماز بگزارید و وحی فرستادیم به سوی ابراهیم و اسماعیل، اینکه پـاک سازید خـانه مـرا برای طواف کنندگان و اعتکاف کنندگان وکسانی که رکوع وسجده می کنند.)

۲-﴿وَاِذْقَالَ اِبْرَاهِيْمُ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا بَلَداً امِنًا وَّارْزُقْ اَهْلَهُ مِنَ الثَّمَرَاتِ مَنْ امَنَ مِنْهُمْ بِاللهِ وَالْيَوْمِ الْاخِرِقَالَ وَمَنْ كَفَرَ فَاُمَتِّعُهُ قَلِيْلًا ثُمَّ اَضْطَرُّهُ اِلَى عَذَابِ النَّارِ وَبِئْسَ الْمَصِيْرُ﴾ [3]

(وآنگاه که ابراهیم دعاکرد، پروردگارا این شهر را امن بگردان. و روزی بده ساکنان آن را از میوه ها، آن طور کسانی که ایمان به خدا و روز آخر آوردند و خداوند فرمود: کسی که کافر شد، او را نیز در دنیا، روزی دهم. بعد ازآن او را به بیچارگی، به سوی عذاب آتش برانم و این بدجایگاهی است.

۳-﴿ اِنَّ الصَّفَا وَالْمَرْوَةَ مِنْ شَعَائِرِ اللهِ فَمَنْ حَجَّ الْبَيْتَ اَوِاعْتَمَرَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِ اَنْ يَّطَّوَّفَ بِهِمَا وَمَنْ تَطَوَّعَ خَيْراً فَاِنَّ اللهَ شَاكِرٌعَلِيْمٌ ﴾[4]

۱- آیه ۹۷ جزء۴ سوره آل عمران

۲- آیه ۱۲۵ جزء۱ سوره بقره

۳- آیه ۱۲۶ جزء ۱ سوره بقره

۴- آیه ۱۵۸ جزء ۲ سوره بقره

(به درستی که صفا و مروه از نشانه های خداوند است، پس هرکه حج کند و یا عمره به جای آورد، بر او وبالی نیست که هر دو را طواف کند و اگر کسی عمل نیکی از نوافل انجام دهد، خداوند قبول کننده و دانا است .

٤-﴿وَاَتِمُّواالْحَجّ وَالْعُمْرَةَ للهِ فَاِنْ اُحْصِرْتُمْ فَمَا اسْتَيْسَرَمِنَ الْهَدْىِ وَلَا تَحْلِقُواْ رُؤُوْسَكُمْ حَتّى يَبْلُغَ الْهَدْىُ مَحِلَّهُ فَمَنْ كَانَ مِنْكُمْ مَّرِيْضًااَوْبِهِ اَذًى مِّنْ رَّاْسِهِ فَفِدْيَةٌ مِّنْ صِيَامٍ اَوْ صَدَقَه اَوْنُسُك فَاِذَا اَمِنْتُمْ فَمَنْ تَمَتَّعَ بِالْعُمْرَةِ اِلَى الْحَجِّ فَمَااسْتَيْسَرَمِنَ الْهَدْىِ فَمَنْ لَّمْ يَجِدْفَصِيَامُ ثَلَاثَةِ اَيَّامٍ فِى الْحَجِّ وَسَبْعَة اِذَا رَجَعْتُمْ تِلْكَ عَشَرَةٌ كَامِلَةٌ ذَلِكَ لِمَنْ لَّمْ يَكُنْ اَهْلُهُ حَاضِرِى الْمَسْجِدِالْحَرَامِ وَاتَّقُوا اللهَ وَاعْلَمُواْ اَنَّ اللهَ شَدِيْدُالْعِقَابِ ﴾ [1]

(و حج و عمره را با رعایت فرایض و سنن و آداب آن برای خدا تمام کنید، اگر از ترس دشمن یا بیماری ، محصور شدید، پس آن چیزی که برای شما آسان است از قربانی به محل ذبح آن بفرستید و سرهای خود را نتراشید تا وقتی که قربانی به محل خود یعنی منا برسد.اگر کسی از شما مریض باشد یا به سر او رنجی رسیده باشد از زخم و یا حشرات(و بدین سبب سر را بتراشد)پس فدیه بدهد از روزه یا صدقه و یا قربانی و وقتی که ایمن شُدید از دشمن و یا مریضی ، احرام ببندید. هرکس بهره مند شد به ادای عمره تا وقت حج، لازم است بر او آنچه آسان است از قربانی دادن ، اگر کسی قربانی نداشت، سه روز در ایام حج روزه بگیرد و هفت روز وقتی که ازسفرحج برگردد، تا ده روز کامل شود و این حکم برای کسانی است که از اهالی مکه نباشند. بترسید از خدا و بدانید که خداوند به شدت عقوبت می کند.)

٥- ﴿ اَلْحَجُّ اَشْهُرٌ مَّعْلُوْمَاتٌ فَمَنْ فَرَضَ فِيْهِنَّ الْحَجَّ فَلَارَفَثَ وَلَا فُسُوْقَ وَلَاجِدَالَ فِى الْحَجِّ وَمَا تَفْعَلُواْ مِنْ خَيْرٍ يَّعْلَمْهُ اللهُ وَتَزَوَّدُواْ فَاِنَّ خَيْرَالزَّادِ التَّقْوَى وَاتَّقُوْنِ يَا اُولِى الْاَلْبَابِ﴾ [2]

١- آیه ١٩٦ جزء ٢ سوره بقره

٢- آیه ١٩٧ جزء ٢ سوره بقره

(ماههای حج معین است« شوال ، ذی قعده و ده روز از ذی الحجه» هرکس لازم کرد بر خود حج را ـ یعنی احرام بست ـ پس برای او جایز نیست که با زنان جمع شود و سخنان لغو و گناه و دشنام و مناقشه در حج نیست، هر عمل نیکی انجام دهید، خدا آنرا می داند و توشه سفر همراه خود بردارید، هر آیینه بهترین توشه پرهیزگاری است از من بترسید ای صاحبان دانش.)

۶-﴿ لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ اَنْ تَبْتَغُواْ فَضْلاً مِّنْ رَّبِّكُمْ فَاِذَا اَفَضْتُمْ مِّنْ عَرَفَاتٍ فَاذْكُرُواللهَ عِنْدَ الْمَشْعَرِ الْحَرَامِ وَاذْكُرُوْهُ كَمَا هَدَاكُمْ وَ اِنْ كُنْتُمْ مِّنْ قَبْلِهِ لَمِنَ الضَّالِّيْن﴾[1]

(برشما گناهی نیست در اینکه در ایام حج بوسیله معامله و یا کارگری طلب روزی کنید ، زمانی که از عرفات برگشتید خدا را به تهلیل و تکبیر، در مزدلفه نزدیک مشعرالحرام یاد کنید و یاد کنید خدا را آن طور که شما را راه نمود. بی شک قبل از این شما از جمله گمراهان بودید.)

۷-﴿ثُمَّ اَفِيْضُواْ مِنْ حَيْثُ اَفَاضَ النَّاسُ وَاسْتَغْفِرُوااللهَ اِنَّ اللهَ غَفُوْرٌ رَّحِيْمٌ ﴾[2]

(بعد از آن باز گردید از جایی که مردم باز می گردند و از خدا طلب آمرزش کنید ، هر آیینه خدا آمرزنده و مهربان است.)

۸-﴿ فَاِذَا قَضَيْتُمْ مَّنَاسِكَكُمْ فَاذْكُرُوا اللهَ كَذِكْرِكُمْ آبَاءَكُمْ اَوْ اَشَدَّ ذِكْرًا فَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَّقُوْلُ رَبَّنَا آتِنَا فِى الدُّنْيَا وَمَا لَهُ فِى الْآخَرَةِ مِنْ خَلَاقٍ﴾[3]

(وقتی که به جای آوردید ارکان حج خود را، یاد کنید خدای را یعنی در منا مانند یاد کردن شما پدران خویش را، بلکه خدای را زیادتر یاد کنید. از مردم کسی هست که می گوید: پروردگارا بده به ما در دنیا، یعنی متاع دنیا و او را از آخرت هیچ بهره ای نیست .)

۹-﴿وَمِنْهُمْ مَنْ يَّقُوْلُ رَبَّنَا آتِنَا فِى الدُّنْيَا حَسَنَةً وَّ فِى الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَّقِنَا عَذَابَ النَّارِ اُولَئِكَ لَهُمْ نَصِيْبٌ مِّمَّا كَسَبُواْ وَاللهُ سَرِيْعُ الْحِسَابِ﴾[4]

۱- آیه ۱۹۸ جزء ۲ سوره بقره

۲- آیه ۱۹۹ جزء ۲ سوره بقره

۳- آیه ۲۰۰ جزء ۲ سوره بقره

۴- آیه ۲۰۱ جزء ۲ سوره بقره

(و از مردم کسی هست که می گوید :ای پروردگار ما بده ما را در دنیا نعمت و عافیت و علم و در آخرت، نعمت عفو و آمرزش و ما را از عذاب دوزخ محفوظ دار.)

۱۰-﴿ وَاذْكُرُوا اللهَ فِي اَيَّام مَّعْدُوْدَات فَمَنْ تَعَجَّلَ فِيْ يَوْمَيْنِ فَلَا اِثْمَ عَلَيْهِ وَمَنْ تَأَخَّرَ فَلَا اِثْمَ عَلَيْهِ لِمَنِ اتَّقَى وَاتَّقُوا اللهَ وَاعْلَمُوْا اَنَّكُمْ اِلَيْهِ تُحْشَرُوْنَ﴾[۱]

(یاد کنید خدا را در روزهای مشخص یعنی ایام تشریق، اگر کسی عجله کند در دو روز اول یعنی از منا به سوی مکه حرکت کند، بر او گناهی نیست و اگر کسی بیشتر از دو روز بماند بر او هم گناهی نیست و این برای پرهیزگاران است ، بترسید از خدا و بدانید که شما به سوی او محشور (برانگیخته) می شوید.)

۱۱-﴿ اِنَّ اَوَّلَ بَيْت وُّضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِيْ بِبَكَّةَ مُبَارَكًا وَّهُدًى لِّلْعَالَمِيْنَ فِيْهِ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ مَّقَامُ اِبْرَاهِيْمَ وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا و وَلِلهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ اِلَيْهِ سَبِيْلًا وَمَنْ كَفَرَفَاِنَّ اللهَ غَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِيْنَ ﴾[۲]

(به درستی اولین خانه ای که برای مردم ساخته شد، آن است که در مکه است. برکت داده شده و هدایت گر برای عالمیان است. در آن خانه نشانه های روشن است از آن جمله: جای ایستادن ابراهیم‌عليه‌السلام، هر کس داخل این خانه شد ایمن است و بر مردم حق خداﷻ است حج خانه کعبه برای کسی که اسباب و توانایی رفتن به آن راداشته باشد و کسی که کافر شود بدون شک خدا از هر دو جهان بی نیاز است.)

۱۲-﴿يَا اَيُّهَا الَّذِيْنَ آمَنُوْا لَا تُحِلُّوْا شَعَائِرَ اللهِ وَلَا الشَّهْرَ الْحَرَام وَلَا الْهَدْىَ وَلَا الْقَلَائِدَ وَلَا آمِّيْنَ الْبَيْتِ الْحَرَامِ يَبْتَغُوْنَ فَضْلًا مِّنْ رَبِّهِمْ وَرِضْوَانًا وَاِذَا حَلَلْتُمْ فَاصْطَادُوْا﴾[۳]

(ای کسانی که ایمان آورده اید هتک حرمت نشانه های خدا را نکنید و همچنین به ماه حرام و قربانی و هدیه حجاج را که به قلاده ها نشاندار شده اند،

---

۱ - آیه ۲۰۳ جزء ۲ سوره بقره

۲- آیه ۹۶جزء ۴ سوره آل عمران

۳ - آیه ۲جزء ۶ سوره مائده

بی حرمتی نکنید و نه آنهایی که قصد بیت الله را دارند در حالی که فضل و رضایت پروردگار خود را می طلبند و وقتی که حلال شدید از احرام، شکار کنید.)

۱۳- ﴿يَا اَيُّهَا الَّذِيْنَ آمَنُوْا لَيَبْلُوَنَّكُمُ اللهُ بِشَىْءٍ مِّنَ الصَّيْدِ تَنَالُهُ اَيْدِيْكُمْ وَ رِمَاحُكُمْ لِيَعْلَمَ اللهُ مَنْ يَّخَافُهُ بِالْغَيْبِ فَمَنِ اعْتَدَى بَعْدَ ذَٰلِكَ فَلَهُ عَذَابٌ اَلِيْمٌ﴾ [1]

(ای کسانی که ایمان آورده اید هر آیینه شما را پروردگار شما به چیزی از شکار که بدست و یا نیزه ها گرفته اید آزمایش می کند تا بنماید خداوند کسی که غایبانه از او می ترسد، هرکس که تجاوز کرد بعد از این، برای او عذاب دردناک است.)

۱٤-﴿ يَاۤاَيُّهَاالَّذِيْنَ آمَنُوْا لَاتَقْتُلُوا الصَّيْدَوَاَنْتُمْ حُرُمٌ وَ مَنْ قَتَلَهُ مِنْكُمْ مُّتَعَمِّدًا فَجَزَاءٌ مِّثْلُ مَا قَتَلَ مِنَ النَّعَمِ يَحْكُمُ بِهِ ذَوَا عَدْلٍ مِّنْكُمْ هَدْيًا بَالِغَ الْكَعْبَةِ اَوْ كَفَّارَةٌ طَعَامُ مَسَاكِيْنَ اَوْ عَدْلُ ذَٰلِكَ صِيَامًا لِّيَذُوْقَ وَ بَالَ اَمْرِهِ عَفَا اللهُ عَمَّا سَلَفَ وَمَنْ عَادَ فَيَنْتَقِمُ اللهُ مِنْهُ وَاللهُ عَزِيْزٌ ذُوانْتِقَام﴾ [2]

(ای کسانی که ایمان آورده اید در حالت احرام شکار را نکشید و کسی که از شما مُحرِمین قصداً او را بکشد، پس جزای او واجب است که فدیه دهد مثل آن چیزی که کشته است از چهار پایان مانند شتر ، گاو و گوسفند و حکم کند به این جزا دو نفر صاحب عدالت که از شما باشد، آن هدیه به کعبه برده شود و صدقه داده شود و یا اینکه عوض آن کفاره دهد تا آن را به مساکین و فقیران بخشند و یا برابر آن روزه بگیرد تا جزای کردار خود را بچشد، خدا از آنچه که گذشت عفو کرده است.کسی که باز گردد به مثل این عمل، خدا از او انتقام می گیرد و خداوند غالب و انتقام گیرنده است.)

۱۵- ﴿ اُحِلَّ لَكُمْ صَيْدُالْبَحْرِ وَطَعَامُهُ مَتَاعًا لَّكُمْ وَ لِلسَّيَّارَةِ وَحُرِّمَ عَلَيْكُمْ صَيْدُ الْبَرِّ مَادُمْتُمْ حُرُمًا وَاتَّقُوا اللهَ الَّذِى اِلَيْهِ تُحْشَرُوْنَ﴾ [3]

۱- آیه ۹۴جزء ۷ سوره مائده

۲ - آیه ۹۵جزء ۷ سوره مائده

۳- آیه ۹۶جزء ۷ سوره مائده

(برای محرم و غیر محرم شکار دریا و خوردن آن حلال است برای انتفاع شما و کاروان که توشه سازند و شکار بیابان در حالت احرام برای شما حرام است. بترسید از خدا، آن خدایی که به سوی او حشر کرده می شوید.)

۱۶-﴿ جَعَلَ اللهُ الْكَعْبَةَ الْبَيْتَ الْحَرَامَ قِيَامًا لِّلنَّاسِ وَالشَّهْرَ الْحَرَامَ وَالْهَدْيَ وَالْقَلَائِدَ ذَلِكَ لِتَعْلَمُوْا اَنَّ اللهَ يَعْلَمُ مَا فِي السَّمٰوَاتِ وَمَا فِي الْاَرْضِ وَاَنَّ اللهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيْمٌ اِعْلَمُوْا اَنَّ اللهَ شَدِيْدُ الْعِقَابِ وَاَنَّ اللهَ غَفُورٌ رَّحِيْمٌ﴾ [1]

(خدای تعالی خانه کعبه را که خانه بزرگواری است، سبب انتظام امور مردم گردانید همچنین ماه حرام و قربانیهای بی نشان و قربانیهای نشاندار را نیز سبب قوام امور گردانید. این برای آن است تا بدانید که خداوند می داند آنچه که در آسمانها و آنچه که در زمین است و بدانید که خداوند به همه چیز دانا است . بدانید که خدا به سختی عقوبت می کند و بدانید که خدا آمرزنده و مهربان است.)

۱۷-﴿ اِنَّ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا وَيَصُدُّوْنَ عَنْ سَبِيْلِ اللهِ وَالْمَسْجِدِ الْحَرَامِ الَّذِي جَعَلْنَاهُ لِلنَّاسِ سَوَاءً نِ الْعَاكِفُ فِيْهِ وَالْبَادِ وَمَنْ يُّرِدْ فِيْهِ بِإِلْحَادٍ بِظُلْمٍ نُّذِقْهُ مِنْ عَذَابٍ اَلِيْمٍ﴾ [2]

کسانی که کافر شدند و از راه خدا و مسجدالحرام مردم را باز می دارند آن مسجدی که آن را برای مردم یکسان قرار دادیم، چه کسانی که ساکن هستند و چه صحرا نشینان و هرکس که آنجا اراده ظلم و یا کجروی کند او را عذاب دردناک می چشانیم.)

۱۸-﴿وَاِذْبَوَّاْنَا لِاِبْرَاهِيْمَ مَكَانَ الْبَيْتِ اَنْ لَّا تُشْرِكْ بِي شَيْئًا وَّطَهِّرْ بَيْتِيَ لِلطَّائِفِيْنَ وَ الْعَاكِفِيْنَ وَالرُّكَّعِ السُّجُوْدِ ﴾ [3]

(وقتی که معین ساختیم برای ابراهیم جای خانه کعبه را و وحی فرستادیم به وی که با من هیچ چیزی را شریک قرار مده و خانه مرا پاک کن برای طواف کنندگان و قیام کنندگان و کسانی که رکوع و سجده می کنند.)

---

۱ – آیه ۹۷جزء ۷ سوره مائده

۲– آیه ۲۵جزء ۱۷ سوره حج

۳- آیه ۲۶جزء ۱۷ سوره حج

۱۹-﴿وَ اَذِّنْ فِی النَّاسِ بِالْحَجِّ یَأْتُوْكَ رِجَالًا وَّ عَلَى كُلِّ ضَامِرٍ یَّأْتِیْنَ مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِیْقٍ لِّیَشْهَدُوْا مَنَافِعَ لَهُمْ وَیَذْكُرُوا اسْمَ اللهِ فِیْ اَیَّامٍ مَّعْلُوْمَاتٍ عَلَى مَا رَزَقَهُمْ مِّنْ بَهِیْمَةِ الْاَنْعَامِ فَكُلُوْا مِنْهَا وَ اَطْعِمُواالْبَائِسَ الْفَقِیْرَ ثُمَّ لْیَقْضُوْا تَفَثَهُمْ وَلْیُوْفُوْا نُذُوْرَهُمْ وَلْیَطَّوَّفُوْا بِالْبَیْتِ الْعَتِیْقِ﴾ [1]

(و ای ابراهیم ندا کن در میان مردم تا به حج بیایند پیش تو پیاده و سوار بر هر شتر لاغر و بیایند این شتران از راههای دور، تا حاضر شوند منافع خود را و یاد کنند اسم خدا را در روزهای معلوم «ایام نحر و تشریق» و همچنین یاد کنند خدا را بر ذبح آنچه که آنها را روزی داده است از چهار پایان، پس بخورید از گوشت آنها و درماندگان و فقرا را نیز بخورانید بعد از ذکر خدا و به جای آوردن نسک و باید که دور کنند چرک بدن خود را و به نذر های خود وفا کنند و طواف نمایند به این خانه قدیمی.) اختصاراً چند آیه در مسائل حج جهت استفادهٔ طالبین ذکر گردید.

احادیث دربارهٔ فضیلت حج وعمره

((مَنْ حَجَّ للهِ فَلَمْ یرفَثْ وَلَمْ یَفْسُقْ رَجَعَ كَیَومٍ وَلَدَتْهُ اُمُّهُ)) [2] ((وَفِیْ رِوَایَةٍ خَرَجَ مِنَ الذُّنُوْبِ كَیَوْمٍ وَلَدَتْهُ اُمُّهُ)) کسی که زیارت نمود کعبه را برای خدا و جماع یا سخن لغو و معاصی از او صادر نشد، بیرون می شود از گناه مثل روزی که از مادر متولد شده و در روایتی بیرون می شود از گناهان خود مانند روزی که مادرش او را بدنیا آورده است. ((مَنْ خَرَجَ مِنْ بَیْتِهِ حَاجًّا اَوْ مُعْتَمِراً ثُمَّ مَاتَ اُجْرِیَ لَهُ اَجْرُ الْحَاجِّ وَ الْمُعْتَمِرِ اِلَى یَوْمِ الْقِیَامَةِ وَمَنْ مَاتَ فِی اِحْدَى الْحَرَمَیْنِ لَمْ یُعْرَضْ وَلَمْ یُحاسَبْ وَقِیْلَ لَهُ اُدْخِلِ اَلْجَنَّةَ)) [3]

« هر که بیرون شد از خانه خود به قصد حج یا عمره و قبل از انجام نسک بمیرد، داده می شود برای او مزد حاجی و عمره گزار تا روز قیامت و آنکه بمیرد در

۱- آیه ۲۷،۲۸،۲۹جزء ۱۷ سوره حج

۲ - مشکوۀ متفق علیه ص ۲۲۱

۳- مشکوۀ از بیهقی ص ۲۲۳

یکی از حرمین مکه یا مدینه پیش کرده نشود و محاسبه نگردد در قیامت و گفته شود به او که در بهشت داخل شو».

((حَجّةٌ مَبْرُوْرَةٌ خَيْرٌ مِنَ الدُّنْيَا وَمَا فِيْهَا وَحَجّةٌ مَبْرُوْرَةٌ لَيْسَ لَهَا جَزَاءٌ اِلّا الْجَنّةُ))[1]

یک حج مقبول بهتر است از دنیا و هر آنچه در او است و حج مقبول را پاداشی غیر از بهشت نیست ((اَلْحُجّاجُ وَالعُمّارُ وَفْدُاللهِ وَزُوّارُهُ اِنْ سَأَلُوْا اَعْطَا هُمْ وَاِن اسْتَغْفَرُوا غَفَرَ لَهُمْ وَاِنْ دَعَوْا اُسْتُجِيْبَ لَهُمْ وَاِنْ شَفَعُوا شُفِعُوا)) [2]

حاجیان و عمره گزاران وارد شوندگان و زیارت کنندگان خدا می باشند اگر چیزی بخواهند به ایشان می دهد و اگر آمرزش طلبند آمرزیده شوند و اگر دعاکنند دعای ایشان قبول می شود و اگر عذر کسی را بخواهند شفاعت ایشان پذیرفته می شود.((اِنّ الْحَجَرَ الْاَسْوَدَ يَاقُوْتَةٌ مِنْ يَوَاقِيْتِ الْجَنّةِ وَاِنّهُ يُبْعَثُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ لَهُ عَيْنَانِ وَلِسَانٌ يَنْطِقُ بِهِ يَشْهَدُ لِكُلّ مَنِ اسْتَلَمَهُ بِحَقّ وَصِدْقٍ))[3] به درستی که حجرالاسود یاقوتی است از یاقوتهای بهشت. و برانگیخته می شود روز قیامت در حالی که دو چشم دارد که می بیند و او را زبانی است که سخن می گوید و شهادت می دهد برای هر کس که او را به درستی و راستی لمس کرده است.

((مَا رُئِيَ الشّيْطَانُ فِيْ يَوْمًا فِيْهِ اَصْغَرَ وَلَا اَدْحَرَ وَلَا اَحْقَرَ وَلَا اَغْيَظَ مِنْهُ فِيْ يَوْمِ عَرَفَةَ))[4] دیده نشده است شیطان در هیچ روز کوچکتر و رانده تر و خوارتر و خشمناک تر از بودنش در روز عرفه و این همه جهت دیدن اوست فیوضات و برکات بی‌منتهای خدای تعالی را بر اهل عرفات((لَايُشَدُّ الرّحَالُ اِلّا لِثَلَاثَةِ مَسَاجِدَ اَلْمَسْجِدِالْحَرَامِ وَمَسْجِدِيْ هَذَاوَالْمَسْجِدِالْاَقْصَى))[5] نباید بسته شود زینهای شتر

---

۱ - رواه الترمذی والنسایی مشکوة ص ۲۲۲

۲- ابن ماجه مشکوة ص ۲۲۳

۳ - مختصر احیاءالعلوم ص ۱۱۷

۴- طلحة بن عبیدالله مشکوة ص ۲۲۹

۵- متفق علیه ردالمحتار ج ۴ ص ۶۴

برای کوچ . به نسبت تفاضل مساجد از محلی به محلی دیگر، مگر برای سه مسجد: یکی مسجد الحرام که گرداگرد کعبه است؛ دیگری مسجد من یعنی مسجدی که الان روضهٔ مبارک رسول اللهﷺ داخل وی قرار دارد در مدینه منوره و دیگری مسجدالاقصی در بیت المقدس((صَلَوةٌ فِیْ مَسْجِدِ الْمَدِیْنَةِ بِعَشَرَةَ آلَافِ صَلَوةٍ وَصَلَوةٌ فِیْ الْمَسْجِدِالْاَقْصَی بِاَلْفِ صَلَوةٍ وَصَلَوةٌ فِی الْمَسْجِدِالْحَرَامِ بِمِائَةِ آلَافِ صَلَوةٍ))[1] ادا کردن یک نماز در مسجد مدینهٔ منوره، برابری می کند مزد ده هزار نماز سایر مساجد را و یک نماز در مسجدالاقصی مزد هزار نماز باقی مساجد را دارد و به ادای یک نماز در مسجدالحرام مزد صد هزار نماز که در دیگر مساجد ادا شود داده می شود.

((مَنْ وَجَدَ سَعَةً وَلَمْ یَفِدْ اِلَیّ فَقَدْ جَفَانِیْ))[2] کسی که یافت فراخی نعمت دنیوی را و توانایی راه را پیدا کرد و به زیارت من مشرف نشد، به تحقیق ستم کرده است مرا ((مَنْ جَاءَنِیْ زَائِرًا لَایَهُمُّهُ اِلّا زِیَارَتِیْ کَانَ حَقًّا عَلَی اللهِ اَنْ اَکُوْنَ لَهُ شَفِیْعًا))[3] کسی که به زیارت من آمد و مقصودش سوای زیارت نبود، ثابتست بر خدا بنا به وعده خودش: اینکه در روز قیامت شفاعت خواه او باشم. ((مَنْ زَارَنِیْ بَعْدَ وَفَاتِیْ فَکَاَنَّمَا زَارَنِیْ فِیْ حَیَاتِیْ))[4] آنکه زیارت کرد مرا بعد از فوت من، گویا زیارت کرده است مرا در عهد زند گانی من: یعنی درجه اصحاب را درمی یابد.((مَا بَیْنَ قَبْرِیْ وَمِنْبَرِیْ رَوْضَةٌ مِنْ رِیَاضِ الْجَنّةَ وَمِنْبَرِیْ عَلَی حَوْضِیْ))[5] بین قبر و منبرمن باغیست از باغهای بهشت و منبرم بر حوضی که خدا به من بخشیده واقع است.

۱- ردالمحتارج ۳ ص ۶۲۴ کتاب حج

۲ - روایت از ابن عدی و دار قطنی مختصر احیاء العلوم

۳ - طبرانی ص ۱۴۳

۴ - رواه طبرانی و دار قطنی ابن عمر ص ۱۴۲

۵_ مختصر احیاء العلوم صفحه ۱۴۵

تاریخچه بنای کعبه

قوی ترین دلیل بر فضل کعبه چگونگی بنای آن است که شمه ای از آن در رشته تحریر می آید. آنچه از کتیبه های متقدمین به نظرمی رسد آن است که بنای فعلی کعبه دهمین بنای آن است، بدین ترتیب:

۱ـ بنای فرشتگان

۲ـ بنای حضرت آدم صفی الله عليه السلام

۳ـ بنای اولاد آدم عليه السلام

۴ـ بنای حضرت ابراهیم خلیل الله عليه السلام

۵ـ بنای طائفه عمالقه

۶ـ بنای قوم جرهم

۷ـ بنای قصی بن کلاب

۸ـ بنای قریش

۹ـ بنای عبدالله بن زبیر رضي الله عنه

۱۰ـ بنای حجاج بن یوسف ثقفی

واما آنچه مشهور ومعروف است پنج بنا است:

اول بنا بود که چون خداوند به ملائکه فرمود: ﴿اِنِّیْ جَاعِلٌ فِی الْاَرْضِ خَلِیْفَةً﴾[1]

فرشتگان گفتند: خدایا کسی را غیر از ما خلیفه تعیین می کنی که ذُرِّیّات او فساد کاری و خونریزی کنند، حال اینکه ما همیشه به تسبیح و تقدیس تو اشتغال داریم؛ باری تعالی جل جلاله به طریق عتاب فرمود:﴿ اِنِّیْ اَعْلَمُ مَالَا تَعْلَمُوْنَ ﴾[2]ملایکه متنبه شده، به عرش خدا ملتجی گردیده هفت مرتبه گرد عرش طواف نموده، گریه و زاری آغاز نموده، از پروردگارخود خواستار عفو و رضایت شدند. خداوند جل جلاله عذر ایشان را پذیرفته، امر فرمود تا در زمین خانه ای به نام وی بسازند که بعد از این هر کس مستوجب غضب وی گردد، چون از عمل خود پشیمان گشته، گرد آن خانه طواف کند و چنان باشد که گرد عرش طواف کرده و چنانچه جرم ملائکه به طواف عرش جبیره گشته، از غضب الهی برآمدند. طواف آن خانه نیز کفارۀ گناهان گشته، طواف کننده را از غضب خداوندی رهایی بخشد، حسب الامر الهی ملائکه بیت الله را به

۱- آیه ۳۰ جزء ۱ سوره بقره

۲- آیه ۳۰ جزء ۱ سوره بقره

مقامی بنا کردندکه اگر فرضاً بیت المعمورکه در زیر عرش واقع است فرود آید، تماماً بالای این خانه واقع شود.

دوم : بنای آدمعلیه السلام و آن، چنان بود که چون آدمعلیه السلام از بهشت بیرون شده، به زمین فرود آمد؛ سر مبارکش در آسمان و هر دو پایش در زمین و از نهایت پریشانی مثل کشتی در حرکت بود تا به حکم باری تعالی جثّه اش کوتاه گردیده ، به شصت ذرع[1] رسید، بنابراین از ملائکه دور افتاده ، آواز ایشان را نیز نمی شنید، مناجات کرد که خدایا چه حالت است که درد فراق ملائکه را به آواز ایشان تسکین می دادم، فعلاً از آن هم محروم افتاده ام، خداوند فرمــود: از که می نالی در حالی که عصیان خودت سبب دوری گردیده، غم و اندوه وی متزائد گشته، علی الدوام می گریست تا خداوند توبه اش را پذیرفته، امر به رفتن آدم علیه السلام از سرهند به مکه داد، آنجا خیمه ای از بهشت برای تسلیت وی فرستاده شد، آنگاه فرمان بیچونی در رسیدکه یا آدم علیه السلام خانه ای به نام من بنا کرده، گرد آن طواف کن چنانچه ملائکه گرد عرش طواف می کنند؛ آدمعلیه السلام برای تعیین محلّ خانه متفکر بودتا جبرئیل علیه السلام جناح خود را بر زمین زده، بشکافت تا جایی که اساس بنای ملایکه در قعر زمین ظاهر شد. حیرت آدم علیه السلام افزوده گشت که به چه وسیله خواهد توانست اساس قدیم را با زمین برابر کند ملائکه به کمک وی مأمور گشته سنگلاخها از طور سینا و طور زیتا که در شام و کوه جودی در جزیره و کوه لبنان و کوه حراء که در مکه واقع است بریده، در شکاف انداخته، به اندک فرصتی با روی زمین برابرش ساختند ، خلاصه آدم علیه السلامخانه را به راهنمایی جبرئیل علیه السلامو معاونت سایر ملائکه بنا نموده، طوافش می کرد و هم چنان طواف می شد تا طوفان نوحعلیه السلام.

ســوم : بنای حضرت ابراهیم علیه السلام و سببش آن بود که بیت شریف در اثر طوفان نوحعلیه السلام محو گردیده، تل سرخی باقی بود و مردم از اطراف و جوانب به زیارتش می آمدند و به مقاصد خود می رسیدند تا به مرور آن تل نیز بی اثر گردیده ، بر زایرین پوشیده گشت. در این اثنا امر ربّ جلیل به حضرت ابراهیم خلیلعلیه السلام در رسید که برو به مکه و کعبه را همانند گذشته بنا کن و سکینه و مرغ صُرَد را که به فارسی کاک گفته می شود دلیل وی گردانید، سکینهٔ بناء به گفتهٔ راوی به شکل ابر هر کجا می رفت روی سرش سایه می انداخت و صُرد پیشاپیش پرواز نموده آواز می کرد تا به مکه رسید، در موضع کعبه صُرد ایستاد و سکینه سایه انداخته، آواز

۱- هر ذرع۴۸/۵ سانتی متر می باشد.

داد که یا ابراهیم‌علیه السلام: بر مقدار سایۀ من خانه را بنا کن و زیادت و نقصان را در وی راه مده؛ جگر گوشۀ خلیل خدا حضرت اسماعیل‌علیه السلام که از طفلیّت به حکم قضا و قدر در آنجا سکونت داشت و سن مبارکش به سی و شش سال رسیده بود ـ به سلام پدر آمده آگاه از مقصد و مرام وی گردید. پدر فرمود: از جانب پروردگار مأمورم به بنای خانۀ کعبه و می خواهم تو نیز در این امر با من شرکت نمائی. پسر گفت: هر چه فرمان پروردگار تو باشد سَمْعاً وَ طَاعَةً به خدمت حاضرم. پدر و پسر حواشی سایۀ سکینه را حفر نمودند به حدی که پایه اصلی نمودار شد؛ سپس ملائکه مأمور به معاونت گشته، از پنج کوه مذکوره سنگهای بزرگ بریده به اطراف کعبه جمع نمودند ـ پسر ازآن سنگها به دست پدر می داد و پدر بر کار زده پایه ها را بالا می برد؛ تا به جایی رسیدکه دستش به سرپایه نمی رسید. اسماعیل علیه السلام سنگی بزرگ نزدیک آورد تا پدرش بر سنگ ایستاده دست خود را به سر پایه برساند. چون قدم مبارک خلیل خدا علیه السلام بر آن سنگ نهاده شد ثقالت نبوت در وی اثر کرده به اندازه هفت انگشت قدم مبارک در سنگ فرو رفت و بر آن استوار گردید و آن سنگ با اندازه ترفیع قوائم افزوده می گشت. هر چه پایه ها بالاتر می رفت سنگ نیز بزرگتر و بلندتر می شد تا پایه های خانه را نُه متر ارتفاع داد.

روایت است که در زمان طوفان نوح‌علیه السلام ذات بیچونی حجرالاسود را در جبل ابی قبیس به ودیعت سپرده بود و ابراهیم خلیل‌علیه السلام از این واقعه اطلاعی نداشتند ولی چون به محل مخصوص او رسید در خاطرش گذشت که سنگ نشانداری در آنجا نصب کند تا مبدأ و منتهای طواف بر زائرین مشتبه نشود. پسر به دستور پدر چنان سنگی را می جست که ناگاه از جبل ابی قبیس آوازی بر آمد که «یَاخَلِیْلَ الْجَلِیْلِ هَا اَنَا ذَا» یعنی ای دوست پروردگار بزرگ آگاه باش که سنگ مخصوص آن موضع منم؛ به شنیدن این آواز بالا رفته، سنگ را شناخته بر گرفت و به محلش نصب کرد. اندازه بیت شریف در این بنا از رکن اسود تا شامی ۳۲ ذرع و از شامی تا غربی۲۲ ذرع و طول سقف آن ۳۱ ذرع و پهنایش ۲۱ ذرع بود و دروازه اش به زمین چسبیده، همیشه باز بود و آن سنگ زیر پای حضرت ابراهیم علیه السلام از شعائر دین خدا گشته، تا کنون معروف به مقام ابراهیم علیه السلام و مصلای خاص و عام می باشد؛ و این بنا از در و پوش و پرده معرّی بود تا زمان تُبعِّ حُمَیْرِی که بر تمام دنیا پادشاهی داشت و همیشه صدهزار حکیم و دانشمند با خود داشت تا به تدبیر امور جسمانی

و مملکت داری وی قیام نمایند؛ زمانی بنا به تدبیر ایشان اراده سیر و سیاحت سرتاسر مملکت خود نموده، ولایت به ولایت و شهر به شهر می گشت و رعایا از وی استقبال نموده، احترام و تعظیم به جای آورده، شترها و گاوها در مقدم او قربانی می کردند، تا به مکه معظمه رسید، اهالی مکه؛ چنانچه رسوم سلاطین آن دوره بود، به تعظیم وی نپرداختند ازین رو تُبّع به غضب افتاده از وزیر خود مستفسرِ علت شد. وزیر تعمیهٔ مدبّرانه نموده، گفت: اینها اعراب اند و رسوم احترام شاهی را نمی دانند. وزیر دیگر گفت: چنان نیست که از لحاظ نادانی به احترام نپرداخته باشند؛ بلکه ایشان را خانه ایست که آن را بیت الله می نامند و به واسطه همان خانه، جهانیان از ایشان احترام می گیرند. از این سبب به عجب و غرور افتاده، شاه و گدا را یکسان می شمرند. عقیده تُبّع فاسد گردیده، ارادهٔ تخریب کعبه و مکه را در دل مخمر کرد. هنوز به کسی اظهار نکرده، به سر درد شدیدی مبتلا گشته، آبهای بدبو از چشم و دهان و گوش و بینی او جاری شد و به اندک فرصتی جمله ندیمان از تعفّن بستوه آمده، فرار کردند و حکما نیز از معالجه اش عاجز آمده، گفتند: ما آثار بلیّات زمینی را می دانیم ولی تداوی آفات آسمانی از عهده ما بیرون است. وی را تنها گذاشته، جمله گریختند وزیر بیچاره به هر یک از علما و حکما التجا برده، جوابی مکفی نمی شنید. آخر الامر یکی از علما، وزیر را گفت: اگر پادشاه آنچه دردل خود داشت را به صداقت برایم تشریح کند، شاید تدبیری اندیشم. وزیر به خوش وقتی میان او و پادشاه خلوت کرد. عالم پرسید: شاها گمان می کنم دربارهٔ این خانه ارادهٔ بد کرده باشی. تُبّع به عقیده خود اقرار نمود. عالِم گفت: ملکا ! صاحب این خانه عالم اسرار است؛ از سر صدق توبه کن و عقیده خود را درباره وی نیک گردان. مَلِک به فرمودهٔ عالِم به خدا باز گشت نموده، عهد کرد که در آینده هیچ گاه خیر خود را از کعبه و ساکنین حرمش دریغ ندارد. به ساعتی نکشید که مرض به کلی زائل گردید؛ آن گاه مَلِک با دلی نرم به دست همان عالم ایمان آورد و کعبه را به هفت جامه پوشانیده، برای او دروازه و قفل و حاجب و خدمتگذار دائمی مقرر نمود و به تصدق چندین شتر ساکنین حرم را دعوت کرده، به خلعت های زیاد شاد و خرم ساخت و از ایشان دعا خواسته، به اتفاق علما و حکما و وزرا بیرون شد تا به زمین یثرب که در آن زمان دارای یک چشمه و بدون خانه و بنا و زراعت بود رسید بر در آنجا چهار صدنفر از سران علما از لشکر خارج

گردیده، با یکدیگر بیعت کردند که به هیچ نحوی از یثرب بیرون نشوند. مَلِک واقف گشته، حکمت را پرسید.

فرمودند: مَلِکا ماچنین عقیده داریم که آن حرم مورد اعتقاد تو یعنی مکه و ایضاً این سرزمین، به قدوم پیغمبر آخرالزمان محمد ﷺ مشرف خواهد گشت و ما امیدواریم خود ما یا ذریات ما صحبتش را دریافته به سلک امتش درآییم که آیۀ کریمه﴿ كُنتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ ﴾[1]در شأن ایشان آمده است. ملک را نیز از استماع این سخن آرزوی اقامت در دل افتاده، چون در آن زمان آمادگی مرکزیت و مقر سلطنت را نداشت، نتوانست آرزوی خود را رواج دهد اما برای علما اجازه داده، مقرر فرمود برای هر یک منزلی بنا کنند و چهار صد کنیز از خاصان خود را آزاد کرده، هر یک را به عقد عالمی در آورد و خلعت ها و اموال بسیار در اختیار ایشان گذاشت و بیعت نامه سفارشی به آن حضرت ﷺ نوشت تا او را به شمار امت خود محسوب فرمایند و پایانش را مهر نموده، بدست عالمی که باعث شفای مرضش گردیده بود داده، فرمود: شخصاً و یا نسل به نسل به وسیلۀ اولاد خود به دست مبارک رسول خدا ﷺ برساند؛ سپس خودش با همراهان کوچ نموده، به بلاد هند رسیده، داعی اَجَل را لبیک گفته سلطنت عاریتی را به صاحب حقیقی آن واگذار نمود و از فوت تُبّع تا بعثت خاتم رسالت ﷺ هزار سال طول کشید و علما همانجا سکونت گرفته، توالد و تناسل می نمودند تا شیوع خبر بعثت. آنگاه اولاد به وفق وصیت آبا واجداد، مکتوب را بوسیله ابولیلی به خدمت پیغمبر ﷺ فرستادند. آن حضرت ﷺ وی را در قبیله ی بنی سلیم شناخته، فرمودند: ابو لیلی! مکتوب تُبّع با تواست؟ عرض کرد: بلی یا رسول الله ﷺ و بسیار به حیرت افتاد زیرا هیچ کس در مکه واقف آن حال نبود، نامه را به دست مبارک ﷺ داده، حضرت ﷺ پسر عم خود- حضرت علی رضی الله عنه را امر به تلاوت فرمود. پس از تلاوت و استماع مضمون مکتوب، سه مرتبه مرحبا بالاخ الصالح بر زبان مبارک ﷺ جاری شد. بعد ابولیلی را امر بازگشت به مدینه را دادند تا مژدگانی قدوم مبارک ﷺ را به اولاد علما که اخیراً به انصار ملقب گردیده بودند، برساند و متعاقباً آن حضرت ﷺ به مدینه تشریف فرما

۱- آیه ۱۱۰ جزء ۳ سوره آل عمران

شدند و بدون دلیل و مقدمه با وجود خواستار زیاد بر ابوایوب انصاری که از اولاد همان عالم طبیب تبع بود، وارد شدند این حال نیز سبب ازدیاد یقین اهالی گشت.

چهارم : بنای قریش سببش آنکه زنی مجمرۀ آتشی در کعبه برد تا بر آن خوشبویی تبخیر کند. شراره های آتش پرید؛ چون پرده های زیادی روی هم آویزان بود آتش گرفت و چنان خانه را در گداز آورد که بعضی از سنگها ترکیده از هم گسیخت و سیل نیز آمده از شکاف سنگها داخل خانه می رفت، قریش به اضطراب افتاده، می ترسیدند که اگر خانه ویران شود، بر اهالی عذاب نازل خواهد شد و جرأت دستکاری هم نداشتند؛ تا اینکه کشتیی از روم در شعیبیه -که نزدیک جده است- تصادف نموده، شکست، قریش خبر یافته، چوبهای کشتی را خریده، اهلش را اجازۀ دخول مکه دادند و اموال تجارتی ایشان را بدون برداشتن عشر و گمرک به فروش رسانیدند. یکی از اهل کشتی به نام باقوم که در صنعت نجاری و بنّایی مهارتی وافی داشت، التزام نمود که کعبه را به هیأت سابقش بنا کند ولی هرگاه ارادۀ تخریب کعبه می کردند، ماری بر ایشان حمله نموده، همه را متواری می ساخت بالاخره مرغی بزرگتر از کرکس ظاهر شد و مار را به چنگال گرفته، جانب اجیاد برد. قریش فرصت یافته، پایه های خانه را برداشته، به کمک و دستیاری باقوم، کعبه را از نو بنا نهادند. در این بنا حضرت رسول اکرم ﷺ نیز شرکت داشتند. حتی در وضع حجرالاسود بین قریش منازعه رخ داد آخر رأی بر آن قرار گرفت که مردی باید این وظیفه را انجام دهد که زودتر از دیگران وارد مسجدالحرام گردد. واجد این شرط حضرت محمد ﷺ گردیده، بدست مبارکش حجرالاسود را به مقامش استوار گردانید. در این بنا ارتفاعش به هیجده ذرع رسید و از پهنا قدری داخل حطیم داده شد.

پنجم : بنای عبدالله بن زبیر رضی الله عنه و آنچنان بود که یزید، حصین بن نمیر را با سپاهی عظیم به جنگ عبدالله رضی الله عنه فرستاد عبدالله رضی الله عنه با تابعانش به مسجدالحرام متحصن شده، گرداگرد کعبه خیمه ها زدند. سپاه حصین بر جبل ابی قبیس و احمر، منجنیق نصب کرده تیر می انداختند در نتیجه پوش و استار کعبه پاره پاره و احجارش شکستگی پیدا کرد و ایضاً حریقی رخ داد که سببش تشخیص داده نشد در این اثنا خبر مرگ یزید منتشر گشت. حصین مکه را ترک داده به شام رفت. عبدالله رضی الله عنه پس از هزیمت سپاه مخالف به صدد تعمیر شکستگی های خانه افتاده، با اهل حل و عقد مکه مشوره کرد، عده ای رأی به ترمیم و عدۀ دیگر رأی کندن

خانه و بنای نو نهادن را دادند طائفۀ اخیر رأی خود را تقویت کردند به حدیثی که عایشه (رض) روایت نموده از رسول خدا ﷺ :((لَوْلَا قَوْمُكِ حَدِيْثُ عَهْدٍ بِكُفْرٍ لَنَقَضْتُ الْكَعْبَةَ فَجَعَلْتُ لَهَا بَابَيْنِ وَاَسَّسْتُ عَلَى قَوَاعِدِالْخَلِيْلِ صَلَوَاتُ اللهِ عَلَيْهِ))[1]عبدالله را این آرزو به غیرت آورده، رأی طائفه اخیر را پسندیده، جواب قائلین به ترمیم را چنین داد که هیچ یک از شما را نمی بینم که به ترمیم خانه پدرش راضی شود؛ من چگونه بیت پروردگار عالمیان ﷻ را پینه کاری کنم و کعبه را از اساس برداشته ، قواعد حضرت ابراهیم ؑ را پیدا نموده، بر وفق آرزوی حضرت پیغمبر ﷺ حطیم را داخل خانه داد و دروازه دخولی و خروجی به زمین هموار گذاشت و پرده و پوش خانه را که از چرم و پلاس بود، به حریر و دیباج مبدّل کرد. بنای فعلی کعبه بنای اوست مگر چون حجاج ثقفی به دستور عبدالملک اموی به جنگ عبدالله ؓ آمده، وی را به شهادت رساند. تعصّب عداوتش نگذاشت که بنای کعبه به نام عبدالله ؓ یاد شود؛ نامه ای به عبد الملک نوشت؛ مضمونش آنکه پسر زبیر در کعبه بر خلاف دوره پیغمبر ﷺ تصرفاتی نموده دستور دهید تا بنای وی را منهدم ساخته، به نام ملک بنایی موافق ساختمان قریش بسازم. عبدالملک امر داد تا اضافه کاریهای عبدالله ؓ را بردارد ولی اصل خانه را برحال بگذارد.حجاج خوشحال گشته پایه ای از وسط بیت شریف برآورده، به سقف رسانید و حطیم را خارج کرد و دروازه غربی را بسته، دروازه شرقی را بر کرسی قرار داد.

خلیفه هارون الرشید یا پدر یا جدش که حدیث مذکور بر او محقق شده بود، خواست بنای عبدالله ؓ را تجدید کند. مالک بن انس ؓ وی را سوگند داد که بیت الله را ملعبه سلاطین قرارمده که هر یک به ضدّ دیگری تغییری دهد، این نصیحت در قلب خلیفه جایگزین شده، اولاد خود را نیز وصیت نمود تا حرمت کعبه را سنجیده، بدون ضرورت تغییرش ندهند بنابراین کعبۀ امروزی بنای عبدالله بن زبیر ؓ است؛ با قدری تغییرات حجاج و گویند در سال ۱۰۳۹ هجری قمری در اثر سیل، روی دیوار شامی که بنای حجاج بود، قسمتی از دیوار شرقی و غربی منهدم گردیده ،سلطان مراد خان عثمانی دیوارها را مرمّت نموده، سطح خانه را به رخام فرش کرد و درسال۱۳۷۰قمری نیز به وسیله ملک سعود، ترمیماتی شده، بنای اولاد

۱- مختصر صحیح بخاری ص ۲۸۴

آدم و عمالقه و جرهم و قصی نیز ممکن است مرمّت کاریهایی بوده که به شهرت نرسیده است.

از امام اعظم (رح)پرسیدند:کعبه را چرا کعبه گویند؟ گفت چون مربع است. چرا مربع است؟ چون محاذی بیت معمور است آن چرا مربع است؟ چون محاذی عرش است و آن مربع است؟ چون کلماتی که اسلام برآن بنا شده، چهار تا است. سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر و هر مقامی زایری مناسب خود دارد.

مقصد اول :آماده شدن برای حج

وقتی که اراده حج می کند، مستحب است مسایلی را مدنظر قرار دهد از آن جمله:

۱ــ رضایت پدر و مادر را حاصل کند.

۲ــ قرض خود را ادا کند و یا از طلبکار اجازه بگیرد.

۳ــ با شخصی عالم و عاقل و خیر خواه برای وقت حرکت مشورت کند.

۴ــ موافق دستور سنت استخاره کند، طریقش آنکه با طهارت کامل دو رکعت نماز خالصاً لله ادا کرده، در رکعت اول فاتحه و کافرون و در رکعت دوم فاتحه و اخلاص تلاوت نموده، پس از سلام دستها را بالا آورده این دعا را بخواند:((اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْتَخِیْرُكَ بِعِلْمِكَ وَاسْتَقْدِرُكَ بِقُدْرَتِكَ وَاَسْئَلُكَ مِنْ فَضْلِكَ الْعَظِیْمِ فَاِنَّكَ تَقْدِرُ وَلَا اَقْدِرُ وَتَعْلَمُ وَلَا اَعْلَمُ وَاَنْتَ عَلَّامُ الْغُیُوْبِ اَللّٰهُمَّ اِنْ كُنْتَ تَعْلَمُ اَنَّ هٰذَا الْاَمْرَ خَیْرٌلِّیْ فِیْ دِیْنِیْ وَمَعَاشِیْ وَعَاقِبَةِ اَمْرِیْ فَاقْدِرْهُ لِیْ وَ یَسِّرْهُ لِیْ ثُمَّ بَارِكْ لِیْ فِیْهِ وَ اِنْ كُنْتَ تَعْلَمُ اَنَّ هٰذَا الْاَمْرَ شَرٌّ لِّیْ فِیْ دِیْنِیْ وَمَعَاشِیْ وَعَاقِبَةِ اَمْرِیْ فَاصْرِفْهُ عَنِّیْ وَاصْرِفْنِیْ عَنْهُ فَاقْدِرْلِیَ الْخَیْرَ حَیْثُ كَانَ ثُمَّ اَرْضِنِیْ بِهِ))

۵ ــ از گناهان صغیره و کبیره توبه کند.

۶ ــ رد مظالم نماید.

۷ــ به هر کس خصومتی دارد از وی حلالیّت بخواهد.

۸ــ زاد و راحله(توشه سفر) از مال حلال به دست آورد؛ زیرا از نفقه حرام اگر چه فرض ساقط می گردد ولی به معرض قبول نمی رسد تا ثوابی بر آن مرتب شود.

۹ــ رفیق نیک اختیار کند.

۱۰ـ نیت خود را از فخر و ریا و تجارت پاک نماید و خود را برای حج خالص گرداند.

۱۱ـ در حال فراخی وقت؛ حرکت خود را به روز پنج شنبه یا دوشنبه اندازد.

۱۲ـ با خویشان و خانواده خود وداع کند و به خانه هر یک رفته، حلالیّت بخواهد.

۱۳ـ وقت خروج در منزل و بیرون به اندازه وسعت خویش صدقه بدهد.

۱۴ـ در خانه دو رکعت نماز خالصاً لله ادا کند.

۱۵ـ حین حرکت از خانه بخواند: ((اَللّٰهُمَّ اِنِّی اَعُوْذُ بِكَ مِنْ اَنْ اَضِلَّ اَوْ اُضَلَّ اَوْ اَزِلَّ اَوْاُزَلَّ اَوْ اَظْلِمَ اَوْاُظْلَمَ اَوْ اَجْهَلَ اَوْيُجْهَلَ عَلَیَّ اَللّٰهُمَّ اَنْتَ الصَّاحِبُ فِی السَّفَرِ وَالْخَلِيْفَةُ فِیْ الْاَهْلِ اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَعُوْذُ بِكَ مِنَ الضَّيْعَةِ فِی السَّفَرِ وَالْكَابَةِ فِی الْمُنْقَلَبِ اَللّٰهُمَّ اقْبِضْ لَنَا الْاَرْضَ وَهَوِّنْ عَلَيْنَا السَّفَرَ))

۱۶ـ به در خانه که رسید پای بیرون نهاده ((بِسْمِ اللهِ تَوَكَّلْتُ عَلَی اللهِ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللهِ الْعَلِیِّ الْعَظِيْمِ)) **گفته، آیت الکرسی شریف را بخواند.**

۱۷ـ تا در منزل سوره قریش و قدر بخواند.

۱۸ـ مسجد محل را به دو رکعت نماز، وداع کند.

۱۹ـ وقت سوارشدن سه مرتبه ((بسم الله ، الله اکبرگفته سُبْحَانَ الَّذِیْ سَخَّرَ لَنَا هَذَا وَمَا كُنَّا لَهُ مُقْرِنِيْنَ وَاِنَّا اِلَی رَبِّنَا لَمُنْقَلِبُوْنَ اَللّٰهُمَّ اِنَّا نَسْأَلُكَ فِیْ سَفَرِنَا هَذَا الْبِرَّ وَالتَّقْوَی وَمِنَ الْعَمَلِ مَا تَرْضَی اَللّٰهُمَّ هَوِّنْ عَلَيْنَا سَفَرَنَا هَذَا وَاطْوِ عَنَّا بُعْدَهُ اَللّٰهُمَّ اَنْتَ الصَّاحِبُ فِی السَّفَرِ وَالْخَلِيْفَةُ فِی الْاَهْلِ اَللّٰهُمَّ اِنِّی اَعُوْذُ بِكَ مِنْ وَعْثَاءِالسَّفَرِ وَكَابَةِ الْمَنْظَرِ وَسُوْءِالْمُنْقَلَبِ فِی الْمَالِ وَالْاَهْلِ)) **بخواند.**

۲۰ـ به هر شهر و قریه که رسید ((اَللّٰهُمَّ اِنِّی اَسْأَلُكَ مِنْ خَيْرِ هَذِهِ الْقَرْيَةِ وَخَيْرِ اَهْلِهَا وَخَيْرِ مَافِيْهَا وَاَعُوْذُ بِكَ مِنْ شَرِّ هَذِهِ الْقَرْيَةِ وَشَرِّ اَهْلِهَا وَشَرِّ مَافِيْهَا)) **را بخواند.**

۲۱ـ به هرمنزلی((رَبِّ اَنْزِلْنِی مُنْزَلاً مُبَارَكًا وَاَنْتَ خَيْرُ الْمُنْزِلِيْنَ بِسْمِ اللهِ تَوَكَّلْتُ عَلَی اللهِ اَعُوْذُ بِكَلِمَاتِ اللهِ التَّامَّاتِ كُلِّهَا مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ وَذَرَأَ وَبَرَأَ سَلَامٌ

عَلَی نُوحٍ فِی الْعَالَمِیْنَ اَللّٰهُمّ اَعطِنَا خَیْرَ هَذَا الْمَنْزِلِ وَخَیْرَمَافِیْهِ وَاکْفِنَاشَرّهُ وَ شَرّ مَافِیْهِ))را بگوید.

۲۲ـ وقت کوچ از هر منزلی((اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الّذِیْ عَافَانَا فِی مُنْقَلَبِنَا وَمَثْوَانَا اَللّٰهُمّ کَمَا اَخْرَجْتَنَا مِنْ مَنْزِلِنَا هَذَا سَالِمِیْنَ بَلّغْنَا غَیْرَهُ آمِنِیْنَ)) را زمزمه کند.

۲۳ـ وقت پیش آمدن شب ((یَا اَرْضُ!رَبِّی وَرَبُّكِ اللهُ اَعُوْذُ بِاللهِ مِنْ شَرّكِ وَ شَرّمَا فِیْكِ وَشَرّ مَا یَدُبُّ عَلَیْكِ وَاَعُوْذُ بِاللهِ مِنْ شَرّ اَسَدٍ وَاَسْوَدَ وَمِنَ الْحَیّةِ وَالْعَقْرَبِ وَمِنْ سَاکِنِ الْبَلَدِوَ وَالِدٍ وّ مَا وَلَدَ)) را بگوید.

۲۴ـ سحرگاهان: ((سَمِعَ سَامِعٌ بِحَمْدِاللهِ وَحُسْنِ بَلَائِهِ عَلَیْنَا رَبّنَا صَاحِبْنَا وَ اَفْضِلْ عَلَیْنَا عَائِذاً بِاللهِ مِنَ النّارِ)) بخواند.

۲۵ـ تقوی و پرهیزگاری: بایدشخص حاجی بداند که بهترین توشۀ سفر حج تقوی و پرهیزگاری است. خداوندﷻدر مورد سفر حج می فرماید: وَتَزَوّدُوافَاِنّ خَیْرَ الزّادِ التّقْوَی**یعنی با خود توشه بردارید و یقیناً که بهترین توشه تقوی و پرهیزگاری است.**

۲۶ـ انتخاب امیر: تعداد همراهان چه زیاد باشد و چه کم، و سفر خواه کوتاه باشد و خواه دراز باید به اتفاق همدیگر شخصی را که عالم و با تقوی باشد به حیث امیر سفر خود تعیین نماید. اگر این چنین شخصی در بین شما وجود نداشت کس دیگری را که مناسب تر باشد انتخاب نماید. تعیین امیر به سفر علاوه از فواید دنیوی یک امر شرعی می باشد و از سنتهای سفر است .

۲۷ـ گذشت و همکاری با همه کس صفت نیک و پسندیده ای است ولی در سفر حج لازم تر است. بناءً شخص حاجی بکوشد تا از دل آزاری و خورده گیری و سر و صدا به همراهان پرهیز کند و از هیچ نوع کمک و همکاری به همراهان خود دریغ نورزد.

۲۸ ـ دعای وداع: مستحب است که شخص پیش از خارج شدن به حج با اقوام و دوستان خود وداع و از ایشان بخشش خواهد و در حین وداع چنین گوید « اِسْتَوْدِعُکُمُ اللّهَ الّذِیْ لا تَضِیْعُ وَدَائِعُهُ» **یعنی شما را به آن خداوند به امانت**

می سپارم که امانتش ضایع نمی گردد. و هم مستحب است که شنونده در جوابش بگوید: «اِسْتَوْدِعُ اللّهَ دِیْنِكَ وَاَمانَتَكَ وَ خَوَاتِمَ عَمَلَكَ»

«دین تو را و مال و عیال تورا و خاتمۀ اعمال تو را به خداوند پاک می سپارم.»

احکام سفر

سفر دارای احکام خاص خود است که نسبت به حالت اقامت در بسیاری موارد فرق می کند و مهمترین احکام متعلّق به آن به شرح زیر می باشد:

۱- در مسافرت هایی که حدود۹۰ کیلومتر و بیشتر از آن است شخص باید نمازهای چهار رکعتی را دو رکعت بخواند.

۲- نمازهای سه و دو رکعتی را به همان حال بخواند.

۳- نمازهای سنت را همان طور ادا نماید، سنّت است که نمازهای سنت را بطور کامل ادا نماید.

۴- در مذهب احناف جمع بین دو نماز در دو جای جواز دارد:

الف) روز عرفه در عرفات، بین نماز ظهر و عصر

ب) شب عید قربان در مزدلفه بین نماز شام و عشاء(خفتن)، با شرطهایی که در این کتاب در جایش گفته می شود.

۵-اگر وقت نماز شد و شخص هنوز در وطنش بود و مسافرت را آغاز نکرده بود، لازم است که نماز را کامل ادا کند.

۶- اگر به اول وقت مسافر بود و پیش از فوت وقت نماز به خانه رسید باید آن نماز را احتیاطاً کامل ادا نماید.

۷-مسافر اگر به مقیم اقتدا کند باید نماز را کامل ادا کند.

۸-مقیم اگر به مسافر اقتدا کند، مسافر باید نمازش را کوتاه خواند و مقیم بعد از سلام مسافر، نمازش را کامل ادا نماید.

۹- خوردن روزه در سفر برای مسافر جایز است. و اگر در سفر برایش زحمتی نمی باشد گرفتن روزه بهتر است.

۱۰- اگر شخصی بعد از طلوع از خانه خود بیرون شود باید این روز را روزه بگیرد و در بقیه روزها مختار است.

۱۱- شخصی که به سفر رفت تا برگشتن در همه احکام حکم‌مسافر را دارد، مگر که ۱۵ روز یا بیشتر از آن نیت اقامت کند.

مقصد دوم : در بیان شرایط وحکمتهای حج

تعریف و شروط[1] حج

۱ـ حج رکن پنجم اسلام بوده و معنی لغوی اش همانا قصد و عزم بسوی امری بزرگ و با عظمت است. و در اصطلاح فقها عبارت است از قصد بسوی بیت الله الحرام در وقت معین جهت ادای مناسک حج.

فرضیت حج به آیات قرآن

۲ـ حج بعد از فراهم شدن شروط آن بر هر فرد مسلمان فرض عین بوده و فرضیت آن به قرآن و سنت نبوی و اجماع امت اسلامی ثابت و لازم گردیده است ﴿ وَ لِلّٰهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ اِلَيْهِ سَبِيْلًا وَمَنْ كَفَرَفَاِنَّ اللهَ غَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِيْنَ ﴾[2]

«خاص برای خداوند بر مردمی که استطاعت و توانایی داشته باشند حج لازم است،و کسی که از ادای آن سرپیچی نماید به تحقیق که خداوند متعال از جهانیان بی نیاز است.»

و این سیاق به بلیغ ترین وجهی فرضیت و لزوم حج را برای کسی که توانایی ادای آن را داشته باشد، اثبات می نماید، زیرا ذیل آیه کریمه که می فرماید:« و من کفر ... » این فرضیت و لزوم را هرچه بیشتر و تمام تر، تأکید و تثبیت می نماید چه تعبیر به (کفر) از عدم ادای آن ـ البته با وجود داشتن استطاعت ـ قوی ترین دلیل بر شدت فرضیت و نهایت لزوم آن است.

سنت نبوی

۳- علاوه بر قرآن کریم، احادیث نبوی نیز فرضیت حج را با صراحت تمام تأیید و تأکیدمی نماید و از آن جمله است این حدیث پیامبراکرمﷺکه می فرمایند: « بُنِيَ الْاِسْلَامُ عَلَى خَمْسٍ شَهَادَةِ اَنْ لَا اِلَهَ اِلَّا اللهُ وَ اَنَّ مُحَمَّدً رَسُوْلُ اللهِ ،وَاِقَامِ الصَّلَاةِ ، وَاِيْتَاءِ الزَّكَاةِ ، وَصِيَامِ رَمَضَانَ وَالْحَجِّ».[3]

۱- عبارت از اموری است که هرگاه در کسی موجود شد حج بروی لازم وفرض می گردد واگر یکی از آنها تحقق نپذیرفت شخص به ادای حج ملزوم نخواهد بود.

۲ - سوره آل عمران آیه ۹۷

۳- مشکوۀ متفق علیه عن ابن عمر (رض) ص ۱۲

یعنی اسلام بر پنج چیز بنا یافته گواهی و اقرار بر اینکه جز خدای یگانه معبود دیگری نیست، و حضرت محمد ﷺ پیامبر برحق اوست.

بر پاداشتن نماز، دادن زکات، روزه ماه مبارک رمضان، حج بیت الله الحرام.

اجماع مسلمانان

۴- علماء وفقهای عالم اسلام در مذاهب مختلف از صدر اسلام تا امروز به فرضیت حج بر شخصی که توانایی آن را داشته باشد،برای یک بار در عمر اجماع و اتفاق داشته و منکر فرضیت این رکن اسلامی را مرتد و خارج از دین اسلام شمرده و علاوه بر آن گفته اند کسی که مکان دیگری را به غیر ازبیت الله الحرام برای خود و یا دیگران حج قرار داده و آن را به جای کعبه مشرفه بداند نیز کافر و مرتد است.

شمه ای از حکمتهای حج

حج گرچه از عبادات محضه است ولی با آن هم می توان در آن حکمتها و فواید زیادی را مشاهده کرد که از آن جمله می توان به چند موردی اشاره کرد: کنگره حج بهترین فرصت برای مسلمین کل جهان در امور دینی، سیاسی، نظامی، اجتماعی، اقتصادی است.حج بهترین راه برای اتحاد و وحدت مسلمین می باشد.

آری برای ارتباط قلوب مسلمانان سراسر جهان و محبت شان با همدیگر، حج بهترین وسیله است. امیر، غریب، فقیر، ثروتمند، عربی، عجمی همه در یک لباس و در زمان واحد با صدایی واحد در آمده و کلیه تفاوتهای اقلیمی، قومی، نژادی از میان برداشته می شود.

کسانی که می خواهند تبلیغ کنند و یا مطالبی را در دنیا منتشر سازند، حج بهترین فرصت برایشان می باشد، آری توسط حجاج،ممالک مختلف دنیا با بهترین نحو و آسانترین وجه مطالب خود را به گوشه و کنار دنیا می رسانند. کسانی که خواسته باشند بهتر و بیشتر کسانی را به ضیافت بپذیرند، از میهمانان پروردگار عالم بهتر چه کسانی خواهند بود؟ می توان در مراسم حج میهمانی وسیع ترتیب داد و به میهمانان پروردگار رحمن خدمت کرد برای آشنایی بیشتر با مسلمین و اطلاع از درد و مشکلات همدیگر، کنگره حج بهترین فرصت می باشد. بهترین فرصت برای افاده دینی، تبلیغ و تعلیم خلق الله ایام حج است. وحفاظت از سنتهای نیاکان و آثار انبیاء‡ درحج بسیار روشن و آشکار است که روحیه

انسان‌را قوی می‌سازد و نیز برای رسیدگی به مشکلات اقتصادی مسلمین ازحج فرصتی بهتر وجود ندارد.

در مراسم حج از اطراف و اکناف عالم تمام صالحین ، اقطاب و ابدال گرد می آیند که انسانهای لایق و شایسته از برکات آنان بهره ها می برند. تشبه به ملایکه که مدام دور عرش طواف می کنند پیدامی شود.و رسول اکرم(ص)فرمودند: «من تشبه بقوم فهو منهم»کسی که خود را مشابه قومی کند از جمع آنان به شمار می آید، لذا تشبه با ملائکه که مخلوقی معصوم و بی گناه هستند سعادت بزرگی است ولو برای چند روز که موسم حج است ارزش فراوان دارد. سفر از طرفی روشنگر اخلاق مسافر می شود و از جهتی سبب سلامتی بدن می گردد. رسول اکرمﷺ فرمود: «سافرواتصحوا» سفر کنید تا سلامت باشید.و حکتمهای بی شماری در آن نهفته است که هر انسان عاقلی با کمی غور و تدبر می تواند آنها را کشف نماید.

سفرحج نمونه‌ی سفرآخرت است،همانطور که در دنیا آدم ناگزیر به وداع اهل و عیال و اعزه و احباب می شود، بعد از مرگ هم مرغوبات و اهل و عیال باید ترک داده شوند و تنها راهی آخرت شوند وقتی که غسل احرام می کند به یاد غسل میت می‌افتد و چون لباس احرام را به تن می کند پارچه‌های کفن به یادش می آید همانطور که در جده از آدرس و نشانی مطوف و دلیل سؤال می کنند،در روز قیامت سؤال می شود که از امتان کدام پیغمبر است، میدان عرفات نمونهٔ محشر و رستاخیز قیامت است که هر کسی با نشانی و پرچم خاص تحت نظر معلم و مطوفی می باشد در میدان محشر نیز هر فرقه ای تحت لوای پیامبر خود مبعوث و محشور خواهد شد. اسلام می خواهد که ملل مسلمان لااقل سالی یک بار در یک جا گرد هم آمده و از نزدیک با هم آشنا شوند و از درد دل یکدیگر با خبر شوند و از مشکلات یکدیگر آگاهی یافته و در رفع آن بر پایه‌ی نوع دوستی و اخوت اسلامی و همکاری‌بکوشند و در واقع با عمل حج کنگره بزرگ اسلامی از همهٔ ملل مسلمان تشکیل می شوند، حج وسیله ای است برای احیای سنن و معارف حضرت ابراهیم خلیل(ع) یعنی زنده داشتن اسوه حسنه ی حضرت ابراهیم (ع) و سایر پیامبران برگزیده ی خدا که در راه خدا از هر نوع جانبازی و از خودگذشتگی وتسلیم و رضا و اطاعت و فرمانبرداری دریغ نفرمودند. همچنان در اماکنی که حج برگزارمی شود، آثار متبرکه ای نیز وجود دارد که تاریخ‌آن با زندگی‌حضرات انبیاء کرام و پیامبران

گرامی ارتباط مستقیم دارد و مشاهده نزدیک آنها موجب تجدید یاد آن وقایع که وسیله ی نزول رحمتهای الهی بر پیامبران بوده است، گردیده و بدین وسیله باعث تحریک جذبات دینی و طراوت ایمانی در قلب مؤمن خواهد بود.

بزرگی به یکی از مریدان خود می فرماید: به هنگام نزول به میقات، آیا نیت آن داشتی که جامه ی گناه به کنار افکنی و جامه ی طاعت بپوشی به هنگام برهنه گشتن از جامه های دوخته ات،آیا نیت آن داشتی که از ریا و نفاق و ورود در شبهه دور شوی؟ به هنگام غسل کردن،آیا نیت آن داشتی که خود را از لغزشها و گناهان شست و شو دهی؟ آیا هنگامی که نظافت کردی و احرام پوشیدی و پیمان حج بستی، نیت آن داشتی که با داروی توبه‌ی خالص برای خدای متعال خود را از گناه پاک کنی؟ به هنگام احرام بستن آیا نیت آن داشتی که هر آنچه را خداوندﷻ حرام کرده بر خود حرام کنی؟ به هنگام بستن پیمان حج، آیا نیت آن داشتی که هر پیمان غیر الهی را زیر پا نهی؟ به هنگام رسیدن به مکه آیا نیت آن داشتی که از این سفر تنها مقصد تو خداست؟ به هنگام سعی آیا نیت آن داشتی که از شر شیطان و نفس اماره به خدا پناه بری؟ و او که دانا به نهان است بر این امر واقف است.

آنگاه فرمود: آه آن کس که با حجر الاسود مصافحه کند با خدا مصافحه کرده سپس فرمود: آنگاه که سعی نمودی، نیت آن داشتی که میان ترس و امید باشی؟ و آنگاه که موی سرت را تراشیدی، آیا نیت آن داشتی که از تمام پلیدیها و از میقات ظلم به آدمیان پاک شوی و همچون روز ولادتت از مادر از گناهان بیرون روی؟ و آن گاه که قربانی کردی، آیا نیت آن داشتی که با تمسک به حقیقت پارسائی گلوی طمع را ببری؟ و سنت حضرت ابراهیم (ع) را پیروی کنی که با سر بریدن فرزند و میوه‌ی دل و آرام جان خود طریقه بندگی و تقرب به خدا را برای آیندگان پس از خود پایه گذاشت؟ به هنگام بازگشت به مکه و انجام طواف بازگشت، آیا نیت آن داشتی که با بهره گیری از رحمت خدا به اطاعت او باز گشته ای و به دوستی او تمسک جسته ای و واجبات او را ادا کرده ای و به قرب خدا رسیده ای؟ مرید در جواب همه سوالات، جواب منفی می دهد.

آن‌گاه در پایان فرمود:«ارجع فانک لم‌تحج»بازگرد که به‌حقیقت حج نکردی .

فضیلت حج

برای حج فضیلت و برکات زیادی در احادیث نبوی ذکر گردیده است که قبلاً بیان شده و در این جا یکی از این احادیث را ذکر می کنیم:

((مَنْ حَجَّ لِلّٰهِ فَلَمْ يَرْفُثْ وَلَمْ يَفْسُقْ رَجَعَ كَيَوْمٍ وَلَدَتْهُ أُمُّهُ))

«کسی که زیارت نمود کعبه را برای خدا و جماع یا سخن لغو و معاصی از او صادر نشد، بیرون می شود از گناه مثل روزی که از مادر متولد شده است.»

و شکی نیست که این حدیث بزرگترین فضیلت و عالی ترین بشارت برای قاصدین و حجاج بیت الله الحرام است ولی همان طور که در حدیث نبوی به آن اشاره رفته است این فضیلت برای کسانی است که: حج شان خاص برای خدا بوده و از شروع تا ختم حج از بد زبانی و مردم آزاری دوری نموده مرتکب افعال خلاف شریعت نشده باشد.

شروط حج

عبارت از اموری است که هرگاه درکسی موجود شد حج بر وی لازم و فرض می گردد و اگر یکی از آنها تحقق نپذیرفت شخص به ادای حج ملزم نخواهد بود و این شروط عبارتند از :

۱- مسلمان بودن ۲- عاقل بودن ۳- بالغ بودن ۴- آزاد بودن ۵- علم داشتن به فرضیت حج ۶- قدرت داشتن بر ادای حج .

شرط اول اسلام داشتن : بر شخص کافر چه کافر اصلی (یهود و نصاری) باشد و چه کافر عارضی (مرتد) حج فرض نبوده و ادای آن از وی صحت ندارد. اگـر غـیر مسلـمان مـثل: یهـود، نصـاری، هـندو، کمونیست، آتش پرست و غـیره... حج کرد حج شان باطل و مردود است. و نیز اگر شخص کافری حج را ادا نمود و سپس رحمت خداوند شامل وی شد و مسلمان گشت اگر شروط حج در وی موجود شد حج را دوباره ادا نماید و اگر مسلمانی بعد از ادای حج مرتد شد و باز مسلمان‌شد و شروط حج بر وی موجود گردید لازم است که حج را دوباره بجا آورد زیرا مرتد شدنش حج گذشته اش را باطل و حبطه گردانیده است.

شرط دوم بالغ بودن:حج بر طفل نابالغ اگرچه عاقل و ممیز و ثروتمند باشد فرض نیست.

طفل نابالغ اگرحج کرد حج وی برایش نفل منظور می گردد اما هنگامی که بالغ گردید و شرایط حج در وی موجود شد باید حج فرض را دوباره ادا کند. اگر طفلی هنگام احرام بستن بالغ نشده بود و بعد از احرام بستن بالغ گردید اگر بلوغش پیش از وقوف به عرفه بوده تجدید نیت نماید حجش فرض ادا می گردد، در غیر این صورت حجش نفل ادا می شود.

شرط سوم عاقل بودن: حج بر شخص دیوانه، سفیه، ابله که خوب و بد را از هم تشخیص نمی دهد، فرض نیست.

اگر شخص دیوانه حج کرد درصورتی که قابلیت و درک احرام بستن و طواف و وقوف عرفه را داشته باشد اگر چه دیگر مناسک را بطور کامل ادا نکند، حج او مقبول و صحیح است ولی اگر چنین قابلیت و درک را نداشت در ظاهر حکم به صحت حجش نمی گردد ولی از لطف خداوند مهربان دور نخواهد بود که به فضل خود حج او را قبول کند و او را مورد رحمت خود قرار دهد. اگر دیوانه حج کرد حجش نفل ادا می شود و اگر بعداً هوشیار شد و حج بر وی فرض گردید،باید دوباره حج را ادا نماید.

شرط چهارم آزاد بودن : کسی که مملوک (غلام) دیگری باشد، حج بر وی فرض نیست. اگر در زمان مملوکیت حج کرد، حجش نفل ادا می شود و هنگامی که آزاد شد و حج بر وی فرض گردید، دوباره باید حج فرض را ادا نماید.

شرط پنجم علم داشتن به فرضیت حج: اگرکسی در مکانی زندگی می کند که اسلام در آنجا منتشر نشده، اگرمسلمان شد و چیزی از احکام اسلام و فرضیت حج را نمی دانست تا زمانی که علم به فرضیت حج نداشته باشد حج بر وی فرض نیست.

شرط ششم توانایی به ادای حج : حج بر کسی که توانایی آن را نداشته باشد فرض نیست. استطاعت و توانایی بر دو نوع است: نوعی است که بین زن و مرد مشترک است، نوعی است که مختص به زن است.

الف) توانایی مشترک[1] بین زن ومرد

۱- قدرت بر زاد و راحله که بیشتر از حاجات اصلی خود مال داشته باشد آن طور که مخارج رفت و آمد به مکه برای خودش، و مخارج کسانی که نفقه آنها بر عهده او است را در طول مدت مسافرت داشته باشد و اهل او در این مدت گرفتار

۱- یعنی چهار شرط مذکور همان طور که برای مرد شرط شده برای زن هم شرط است.

تنگدستی نشوند و زن علاوه بر شرایط یاد شده همراهی محرم و یا شوهر برای او ضروری است.

۲- سلامتی بدن ۳- امنیت راه ۴- امکان رفتن

ب) توانایی خاص برای زن

۱- داشتن محرم شرعی

۲- نبودن زن در عده

تذکر:

لذا هر مسلمانی که حج بر او فرض شد، در ادای آن تأخیر نکند و کوشش نماید که در اولین فرصت ادای حج کند، اگر عمداً در ادای این فریضه تأخیر کند گنهکار می شود. و خوف کافر شدن نیز هست بنا برآیه ﴿ وَمَنْ كَفَرَ بجای مَنْ لَّمْ يَحُجّ ﴾ و حدیث «مَنْ ماتَ وَلَمْ يَحُجّ فَلْيَمُتْ اِنْ شاءَ يَهُودِيًّا اَوْنَصْرَانِيًّا»

فرایض حج: در حج سه چیز فرض است :

۱- احرام بستن

۲- وقوف (ایستادن) به عرفه

۳- طواف زیارت.

واجبات حج: واجبات حج به شرح ذیل است:

۱- احرام از میقات

۲- همزمان بودن تلبیه با احرام

۳-تلبیه[1]

۴-قرار دادن خانه به طرف چپ

۵- شروع طواف از حجر الاسود

۶- پیاده طواف کردن در صورت نداشتن عذر

۷-طهارت از بی وضویی

۸- بودن طواف از پشت حطیم

۹-پوشیدن عورت

۱۰- دو رکعت نماز طواف

---

۱ - لَبّيْكَ اَللّهُمّ لَبّيْكَ ط لَبّيْكَ لَا شَرِيْكَ لَكَ لَبّيْكَ ط اِنّ الْحَمْدَ وَالنِّعْمَةَ لَكَ وَالْمُلْكَ ط لَا شَرِيْكَ لَكَ ط

۱۱- سعی بین صفا و مروه

۱۲-واقع شدن سعی بعد از طواف

۱۳- نیت سعی

۱۴- شروع سعی از صفا و ختم به مروه

۱۵- پیاده سعی کردن

۱۶- هفت شوط بودن سعی

۱۷- تراشیدن یا کوتاه کردن موی سر

۱۸- وقوف مزدلفه

۱۹- جمع نماز مغرب و عشاء در مزدلفه

۲۰- رمی جمره

۲۱- طواف صدر(وداع) برای غیر اهل حرم

۲۲-ترتیب بین رمی، ذبح[۱] و حلق[۲]

۲۳- دم شکر (قربانی) برای قارن و متمتع

۲۴- بودن طواف افاضه[۳] در ایام عید

سنتهای حج: سنتهای حج عبارتند از :

۱- طواف قدوم[۴] بر کسی که خارج مواقیت به نیت حج مفرد و یا حج قران به مکهٔ مکرمه آمده است.

۲- رفتن از مکه مکرمه به منی در روز هشتم ذی الحجه

۳- مبیت (شب را ماندن) در منی در شب عرفه

۴- حرکت از منی به سوی عرفات بعد از طلوع آفتاب در روز نهم ذی الحجه

۵- غسل کردن ـ در صورتی که میسر باشد ـ جهت وقوف به عرفه.

۶- مبیت به مزدلفه

۷- حرکت از مزدلفه به سوی منی قبل از طلوع آفتاب در روز دهم ذی الحجه

---

۱ - قربانی کردن

۲ - تراشیدن

۳ - طواف فرضی وطواف زیارت هم می گویند که بدون آن طواف حج صحت پیدا نمی کند.

٤ - هنگام ورود به مکه معظمه حجاج اولین طوافی را که می کنند آن را طواف قدوم وطواف تحیه می گویند این طواف برای قارن ومفرد آفاقی سنت است.

۸- مبیت[1] به منی در شب یازدهم و دوازدهم ذی الحجه و هم چنین شب سیزدهم بر کسی که تا غروب آفتاب روز دوازدهم از منی خارج نشده باشد.

۹- استراحت کردن ـ برای چند لحظه ـ به هنگام ترک منی و آمدن به سوی مکه مکرمه بعد از ایام منی .

مستحبات حج: مستحبات عبارتند از :

۱- بلند گفتن تلبیه برای مردها و آهسته گفتن آن برای زنها.

۲- غسل کردن جهت دخول به مکه مکرمه

۳- وقوف به عرفه به نزدیک جبل الرحمه

۴- بسیار تلبیه گفتن

۵- دعا و استغفار زیاد به هنگام وقوف به عرفه

۶- جمع بین نماز ظهر و عصر در عرفات

۷- وقوف به عرفه به نزدیک امام مسلمین و یا پشت سر آن، البته در صورت موجود بودن امام در عرفات

۸- وقوف بر خود بلندی مشعرالحرام بعد از صبح روز دهم و باید دانست که اصل‌وقوف در جایی از مزدلفه واجب و این که این وقوف در خود مشعرالحرام باشد مستحب است.

۹- ادای نماز صبح در مزدلفه در تاریکی به طوری که بین طلوع آفتاب و ادای نماز فاصله چندانی نباشد.

۱۰- انجام دادن طواف زیارت در روز دهم ذی الحجه.

مکروهات حج: اهم مکروهات حج عبارتند از :

۱- تأخیر در وقوف به عرفه بعد از ادای نماز ظهر و عصر بدون عذر

۲- جمره زدن با ریگی که یک بار با آن جمره زده شده باشد و بعضی از علماء بر آنند که جمره زدن به چنین ریگی اصلاً جواز ندارد.

۳- جمره زدن با سنگ پارچه و یا ریگی بزرگتر از اندازه معمولی

۴- نتراشیدن و یا کوتاه کردن همه موی سر هنگام خارج گردیدن از احرام

۵- مبیت در خارج از منی در شب نهم، یازدهم و دوازدهم ذی الحجه

۶-ترک سنتی از سنتها.

۱- شب گذراندن

مفسدات حج : حج با ترک کردن وقوف به عرفه فاسد می شود و همچنین با ترک کردن رکنی از ارکان و جماع کردن فاسد می شود به اتفاق مذاهب.

دربیان انواع حج

اقسام سه گا نه حج: حج بر سه قسم است:

مفرد: مفرد به معنی تنها است و این که فقط به نیت حج احرام بندد.

قران : به معنی اتصال و پیوست است؛ این که به نیت حج و عمره احرام بندد و به مکه رفته واعمال حج و عمره را تا آخر انجام دهد و(مانندمتمتع)خود را حلال نسازد.

تمتع: به معنای استفاده کردن و فایده گرفتن است و این که اول در ماههای حج، عمره ادا کند، بعد خود را حلال سازد و قبل از این که به وطن برگردد در همان سال برای حج احرام بسته و حج را ادا کند. اگر کسی در جایی سکونت دارد و بعد از ادای عمره از مکه و میقات خارج گردیده و هنوز به وطن نرسیده برگشته و در همان سال حج کرد بنا به قول ارجح در مذهب حنفی متمتع است. از این سه نوع به هر نحوی که حج کند فرض از ذمه او ساقط می شود اما قران افضل است سپس تمتع و بعد از آن مفرد.

بیان حج قران[1]

طریقه ی حج قران این است که در ماههای حج (شوال،ذیقعده و دهه ی اول ذی الحجه) احرام ببندد و دو رکعت نماز احرام بخواند واین چنین نیت کند: اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اُرِیْدُالْحَجَّ وَالْعُمْرَةَفَیَسِّرْهُمَالِیْ وَتَقَبَّلْهُمَامِنِّیْ

(پروردگارا من اراده ی حج وعمره را کردم پس آن هر دو را برای من آسان فرما و از من قبول کن).

سپس تلبیه حج و عمره بگوید اگر قبل از ماههای حج احرام ببندد قران از او قبول می شود با کراهت تحریمی. قارن(کسی که حج قران بجا می آورد) اول طواف عمره را با سعی بجا بیاورد و در حالت طواف رمل (پهلوانی)و اضطباع (یعنی لباس احرام را طوری بپوشد که شانه ی راست برهنه و شانۀ چپ پوشیده باشد)هم بکند بعد از اتمام عمره سر خود را نتراشد اگر اشتباهاً تراشید، حلال[2] نمی شود بلکه بر

---

۱ - احرام حج وعمره را با هم بستن اول عمره وبعد از آن حج را ادا کردن.

۲ - یعنی از احرام بیرون نمی شود.

او دو دم واجب می شود، قارن همین که از سعی عمره فارغ شد، دوباره برای حج با رمل و اضطباع طواف کند و سعی بین صفا و مروه را انجام دهدکه این طواف را طواف قدوم می نامند .

برای قارن افضل این است که در همین طواف سعی نیز بکند ولی برای مفرد افضل نیست. قارن باید اول طواف عمره کند این برای او واجب است. اگر اول نیت طواف قدوم کرده بود، باز هم طواف عمره حساب می شود نه طواف قدوم. نزد احناف حج قران از حج تمتع و مفرد افضل است و برای اهل مکه و کسانیکه داخل میقات ساکن هستند و برای کسانی که قبل از ماههای حج مقیم مکه شده اند، قران جایز نیست .

دم قران

در دهم ذی الحجه وقتی که حاجی از جمره های سه گانه فارغ شد، بر وی ذبح واجب است و این دم را دم قران و دم شکر می نامند.برای این دم یک گوسفند یا یک هفتم گاو یا شتر با شرایطی که در قربانی وجود دارد، جایز است اگر گاو یا شتر ذبح شود لازم است که همه‌ی شرکا نیت قربت داشته باشند. اگر یکی از شرکا نیت تقرب نداشته باشد، از بقیه هم قربانی قبول نمی شود در موقع دادن این دم باید نیت دم قران بکنند تا از دم جنایت و نفل و قربانی فرق شود. ذبح بدون نیت نکند و خوردن گوشت این مذبوحه برای صاحب آن جایز است اما بهتر است به طریقه ی قربانی سه قسمت کند یک قسمت را صدقه کند و یک قسمت را به دوستان خود بدهد و قسمت آخر را خودش مصرف نماید که این روش مستحب است .

برای قارن رعایت ترتیب در این سه چیز واجب است: اول رمی کند بعد از آن ذبح کند و بعد از این دو حلق نماید. در طواف زیارت سنت این است که ذبح بعد از رمی و حلق باشد. اگر قبل از آنها هم بود جائز است. برای مفرد ترتیب در رمی و حلق واجب است ولی دم شکر برای او مستحب است .

چه چیز جایگزین دم می شود؟

اگر قارن بیشتر از مصرف بازگشت به وطن، مال نداشته باشد که با آن حیوان دم را خرید نماید و حیوانی هم در اختیار ندارد، این شخص به جای دم باید ده روز روزه بگیرد. سه روز را باید قبل از دهم ذی الحجه روزه بگیرد و بقیه را بعد از ایام نحر.بهتر است که سه روز اول در روزهای هفتم و هشتم و نهم باشدو اگرمی ترسید

به سبب روزه وقوف به عرفه را خوب نمی تواند ادا کند از روز ششم تا هشتم روزه بگیرد. این روزها را بهتر است پی در پی روزه بگیرد ولی اگر متفرق گرفت، باز هم جایز است. هفت روز دیگر را بعد از ایام تشریق روزه بگیرد خواه در مکه خواه در جای دیگر و هر جا برای او آسان تر است روزه بگیرد دراین هفت روز هم پی در پی گرفتن روزه افضل است از متفرق گرفتن. ولی متفرق گرفتن هم جایز است اگر سه روز قبل از دهم را نتوانست روزه بگیرد بر او دم واجب می شود. درچنین وضعی اگر قدرت مالی نداشت، بعد از رمی حلق نموده، خود را حلال سازد ولی بر او دو دم واجب می شود یکی دم شکر و دیگری دم حلال شدن پیش از ذبح. اگر کسی سه روز قبل از دهم را روزه گرفت و در ایام نحر پیش از حلق قادر بر ادای دم شد بر او ذبح کردن واجب است، روزه پذیرفته نمی شود. اگر بعد از ایام نحر قدرت مالی پیدا کرد، بر وی گرفتن همان هفت روز روزه واجب است .

تذکر: اگر شخصی فقط نیت احرام عمره کرد و هنوز از طواف عمره چهار شوط (چرخ) ادا نکرده بود، احرام حج را هم بست در این صورت قران درست است اگر از طواف عمره چهار شوط انجام داده بود احرام حج بست دراین‌صورت قران نمی شود. اگر اول احرام حج بست و پیش از طواف قدوم احرام عمره هم بست، در این صورت هم قران می شود اگر چه این گونه عمل کردن شایسته نیست.

بیان حج تمتع

برای اهل مکه و ساکنان میقات و کسانی که پیش از ماههای حج وارد مکه شده اند و مقیم شده اند تمتع جائز نیست و برای غیر این اشخاص مذکوره تمتع جائز است در نزد احناف تمتع از مفرد افضل تراست .

شروط حج تمتع

۱- واقع شدن عمره درماههای حج ،به این معنی که طواف عمره درماههای حج که ازاول شوال الی نهم ذی الحجه می باشد،واقع گردد بنابراین اگر کسی پیش ازداخل شدن ماههای حج، عمره نموده و سپس در مکه باقی بماند و حج نمود حجش تمتع نمی شود ولی اگر این شخص از مکه خارج گردیده و در ماههای حج از میقات احرام بسته و دوباره عمره نماید، می تواند متمتع شود.

۲- باز نگشتن به مقام ومسکن، یعنی بعد از ادای عمره نباید به وطن و مسکن خود برگردد و اگر برگشت ولو آنکه عمره اش درماههای حج همان سال واقع شده باشد و سپس در همان سال حج نمود، حجش تمتع نیست.

۳- واقع شدن عمره و حج در یک سال، اگر کسی درماههای حج امسال فقط عمره نمود، سپس در مکه مکرمه باقی ماند و سال آینده حج نمود، حجش تمتع نیست.

۴- عدم سکنی گزینی درمکه مکرمه، اگر کسی قصد کرد که بعد از ادای عمره برای همیشه درمکه مکرمه سکنی گزیند و در این نیت خود صادق بود ولو آنکه در همان سال حج کند متمتع شمرده نمی شود، ولی اگر نیت اقامت موقت، مثلًا یکسال،دو سال یا بیشتر از آن را نموده و در همان سال حج کرد، متمتع شمرده شده و هدی تمتع (دم) بر وی لازم می گردد.

۵- مکی و میقاتی نبودن، بنابراین برای مکی چه ساکن اصلی باشد و چه ساکن موقت و برای کسی که سکونتش داخل میقات است،حج تمتعی نیست .

طریق ادای تمتع این است که اول احرام عمره ببندد، بعد از طواف و سعی ، حلق نموده حلال شود؛ متوجه باشد که عمره در ماههای حج ادا شود بعد از حلال شدن غیر از وطن هر جا که می خواهد سکونت کند بعد از آن از میقات احرام حج ببندد اگر مقیم مکه بود از مکه احرام حج بسته به منا برود بستن احرام حج پیش از روز هشتم افضل است بعد از آن همانطور که در بحث مفرد بیان شد عیناً همانطور اعمال حج را ادا کند برای متمتع دم شکر مثل قارن واجب است اگر استطاعت مالی نداشت،ده روز به همان ترتیب که درباب قران ذکر شد،روزه بگیرد.

بیان هدی[1]در تمتع

اگر متمتع همراه خود حیوانی آورده بود که در اصطلاح آن را هدی می نامند و برای متمتع آوردن آن افضل است بهتر این است که اول احرام عمره ببندد سپس هدی را پیش براند و با خود به مکه ببرد. هدی حیوانی را گویند که به نیت ثواب به منظور ذبح به حرم آورده باشند هدی حیواناتی مانند گاو و شتر و گوسفند و بز را شامل میشود اگر هدی بدنه بود که در اصطلاح بدنه به شتر یا گاو می گویند، در گردنش قلاده بیندازد چیزی مانند ریسمان یا غیر آن یا قسمتی از پوست بدنش را بشکافد به نحوی که به گوشت آسیب نرسد خونی که از این زخم بیرون می آید و حیوان را رنگین می کند را اشعار می نامند و این عمل مستحب است. متمتعی که هدی همراه دارد بعد از ادای عمره حلق یا قصر نکند یعنی از عمره حلال نشود،

۱- حیوانی را گویند که به نیت ثواب به منظور ذبح به حرم آورده باشد، هدی حیواناتی مانند گاو،شتر ، گوسفند وبز را شامل می شود.

برای این شخص احرام عمره تا بعد از اعمال حج باقی می ماند و اگر از او جنایتی سر بزند مثل قارن جزای دو احرام بر او لازم است. بعد از اینکه حج را ادا کرد در روز دهم بعد از رمی و ذبح حلق کند و به این ترتیب از دو احرام خارج شود .

تذکر:

متمتعی که بعد از بستن احرام هدی آورده باشد و قارن و همچنین متمتعی که هدی نیاورده اما بعد از انجام عمره حلال نشده باشد و احرام حج بسته باشد این هر سه نوع داخل دو احرام هستند اگر از اینها یکی مرتکب جنایت شود باید دو برابر مفرد جزا بدهد. زیرا که مفرد در یک احرام است و اینها در دو احرام هستند متمتعی که هدی نیاورد و بعد از ادای عمره حلال شود، اگر جنایت کند مثل مفرد یک جزا داده می شود .

مقصد سوم : احرام ومواقیت[1] (جمع میقات)

تعریف احرام

احرام عبارت است از داخل شدن در حرمت مخصوصی است که عبارت از حج یا عمره باشد و یا به عبارت دیگر: احرام نیت کردن و آن تلبیه گفتن جهت ادای حج یا عمره است. احرام کردن چیزی در اصطلاح، چون حاجی به نیت حج و عمره با هم یا یکی از آنها تلبیه (لبیک اللهم لک لبیک الخ)می خواند چند چیز بر وی حرام می گردد، به همین دلیل این را احرام می نامند. ولی بطور مجاز دو چادر مخصوص را که حاجی در وقت مخصوصی می پوشد احرام می گویند احرام در نزد ما شرط است.

کسی که متوجه بیت الله الحرام شد و اراده حج نمود، و قبل از احرام بیهوش شد، خوابید یا مریض‌شد باید نیت کرده باشد و رفیقش به جای او تلبیه بگوید و یا رفیقش به جای او نیت کند و بگوید خدایا او اراده حج را دارد پس برایش آسان کن و از او قبول فرما، و به جای او تلبیه گوید. اگر او همچنان در بیهوشی و خواب باشد، چنانچه خودش قبلاً امر کرده بود و دیگری به جای او انجام دهد جایز است و شخص بیهوش به نیت و تلبیه محرم می گردد، همچنین کفایت می کند که رفیقش به جای او بگوید،و برای صحت احرام شرط نیست و لازم نیست که او را از پوشیدن لباس دوخته شده باز دارد، و شخص بیهوش طواف داده شود و

---

۱ - جمع میقات ومیقات آن محلی است که بر عازمین مکه مکرمه از آنجا احرام بستن واجب است.

این در نزد ما جایز است. حنفی به مجرد نیت محرم نمی شود تا این که تلبیه بگوید.

احرام مفرد چگونه است؟

وقتی حاجی مفرد خواست احرام ببندد، اولاً وضو بگیرد اگرچه غسل افضل است، مستحب است که قبل از احرام ناخن ها را کوتاه کند، موی لب و زیر ناف را دور سازد، موهای سر را شانه کند و یا بتراشد، اگر زوجه اش همراه او بود و عذر نداشت با او مقاربت کند، بعد از وضو و یا غسل لنگ و ازار را ببندد که بلندی آن از ناف تا قوزک پاها باشد و بر بدن چادری بیندازد و اگر لازم بود لنگ را با کمر بند ببندد، و در موقع احرام سر و صورت خود را نپوشاند.

در احرام سنت است که لباس دو عدد پارچه سفید نو و یا تمیز باشد، قبل از نیت احرام مستحب است که بر بدن خود و بر لباس احرام خوشبویی بمالد .

نماز احرام

وقتی که لباس احرام را به تن پوشید، سنت است که دو رکعت نماز نفل به جای آورد، اگر در رکعت اول بعد از حمد سوره کافرون و در رکعت دوم سوره توحید را بخواند، افضل است، و سوره های دیگر را خواندن نیز اشکال ندارد.

نیت احرام و تلبیه

وقتی که از نماز فارغ شد این دعا را خوانده و نیت حج و نیت احرام کند،نیت این است :(اَللّٰهُمّ اِنّی اُرِیْدُ الْحَجّ فَیَسِّرْهُ لِیْ وتَقَبّلْهُ مِنّی(نَوَیْتُ الْحَجّ وَ اَحْرَمْتُ بِهِ لِلّٰهِ تَعَالَی) «پروردگارا، من اراده حج کردم برایم آن را آسان بفرما و از من بپذیر (نیت کردم برای حج و احرام بستم به آن برای رضای خدای تعالی» و سپس به نیت حج تلبیه مأثوره را بگوید :لَبّیْكَ اللّٰهُمّ لَبّیْكَ ط لَبّیْكَ لَا شَرِیْكَ لَكَ لَبّیْكَ ط اِنّ الْحَمْدَ وَالنّعْمَةَ لَكَ وَالْمُلْكَ ط لَا شَرِیْكَ لَكَ ط

توضیح: تلبیه مأثوره همین است که قبلاً ذکر شد، در بین آن چیزی اضافه نکند ولی در آخر آن اضافه کردن دعا جایز است. لَبّیْكَ وَسَعْدَیْكَ ط وَالْخَیْرُ بِیَدَیْكَ ط وَالرّغْبَاءُ اِلَیْكَ ط وَالْعَمَلُ لَبّیْكَ حَقًّا ط تَعَبُّدًا وَرِقًّا ط اَللّٰهُمّ اَحْرَمَ لَكَ شَعْرِیْ وَبَشَرِیْ وَجَسَدِی وَجَمِیْعُ جَوَارِحِی مِنَ الطِّیْبِ وَالنِّسَاءِوَكُلّ شَیْءٍ حَرّمْتَهُ عَلَی الْمُحْرِمِ اَبْتَغِی

بِذَلِكَ وَجْهَكَ الْكَرِيْمَ ط آمین. گفتن تلبیه به آواز بلند مستحب است ولی زیاد سر و صدا هم شایسته نیست خصوصاً در مساجد که باعث تشویش نمازگزاران می شود و مستحب است که هر بار پشت سر هم سه بار تلبیه بگوید و در آخر درود بخواند اکنون احرام دار گردید.

تلبیه یعنی لبیک ها را ورد ساخته، خصوصاً بعد از نماز و وقت سوار و پیاده شدن و صعود و نزول و ملاقات اشخاص و اوقات سحر، به آواز بلند بخواند و این احرام اولین فرض حج است. مانند اینکه تکبیر تحریمه اولین فرض نمازها است و بعد از لبیک ها دعا کند هر دعایی که می خواهد ولی دعای مأثور در این موقع این است : اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْئَلُكَ رِضَاكَ وَالْجَنَّةَ وَأَعُوْذُ بِكَ مِنْ غَضَبِكَ وَالنَّار(پروردگارا من رضای تو را می خواهم و جنت را و از غضب تو و از آتش دوزخ به تو پناه می برم).

میقات[1]

میقات در لغت حد است و در شریعت مکان و زمان معین برای عبادت مخصوص و در نزد ائمه اربعه واجب است. اگر احرام را به میقات مقدم داشت به اتفاق جایز است. اگر شخصی از یکی از این میقات ها بگذرد بدون احرام در حالی که اراده حج یا عمره را دارد پس اگر قبل از اینکه احرام ببندد به میقات برگردد در این صورت چیزی بر او لازم نیست. (به اتفاق) اما اگر بعد از گذشتن از میقات احرام بست و هنوز چیزی از افعال حج را انجام نداده بود این آراء در نزد حنفی بر مکی منطبق است، که ترک کند میقات خود را؛ پس برای حج از حل و برای عمره از حرم محرم شود.

اگر به میقات برگشت و لبیک گفت دم از او ساقط می شود اما اگر لبیک نگفت دم ساقط نمی گردد طبق فرموده ابن عباس(رض) به آن کسی که بعد از میقات محرم شده بود گفت: که برگرد به میقات و تلبیه بگوی در غیر این صورت حجی برای تو نیست بنابر این تلبیه از میقات واجب است. مواضعی را که بستن احرام برای داخل شدن به زمین حرم لازم است، میقات می نامند و آن پنج موضع است:

۱- ذوالحلیفه: برای کسانی که از مدینه طیبه به مکه مکرمه می روند.

۲- یلملم: برای کسانی که از شبه قاره هند می روند.

۱- جمع میقات ومیقات آن محلی است که بر عازمین مکه مکرمه از آنجا احرام بستن واجب است.

۳- قرن المنازل: میقات اهل نجد و کسانی که در حکم آنها است.

۴- ذات عرق[1]: میقات اهل عراق و آنانکه در حکم مردم عراق است می باشد.

۵- جحفه: میقات مردم شام می باشد.

تذکر: اگر کسی بدون احرام از این حدود مذکوره و یا از محاذی (برابر) آن عبور کند گنهکار می شود.

میقات زمانی[2]

همان اوقاتی است که خداوند متعال در قرآن کریم از آن به (ماههای معین) یاد کرده و فرموده است:﴿اَلْحَجُّ اَشْهُرٌ مَعْلُوْمَاتٌ﴾یعنی وقت و هنگام حج ماههای معینی است و اکثر علما برآنند که این اوقات معینه عبارت از ماه شوال، ماه ذی القعده و ده روز اول ذی الحجه است.

میقات کسانی که در عین میقات یا بین حرم[3] و میقات ساکن اند

کسانی که اهل میقات اند و یا بین میقات و حرم ساکن هستند اگر ارادۀ حج یا عمره نداشته باشند بدون احرام می توانند داخل مکه شوند لیکن اگر کسی نیت حج یا عمره دارد بدون احرام داخل مکه رفتن حرام است پس باید احرام بسته و رهسپار زیارت شود .

میقات کسانی که در مکه و یا زمین حرم ساکن اند

کسی که در شهر مکه یا داخل زمین حرم سکونت دارد اگر می خواهد حج کند مستحب است که از مسجدالحرام، احرام ببندد و اگر این افراد بخواهند عمره به جای آورند باید از محدودۀ حرم بیرون رفته احرام ببندد و سپس داخل حرم شود.

کیفیت احرام

کسی که عزم حج یا عمره را دارد باید احرام ببندد و در احرام امور پنج گانه زیر به ترتیب انجام می گیرد:

۱- نظافت و طهارت　　　۲- پوشیدن لباس احرام

---

۱ - اسم محلی است که دراین ایام ویران شده است ازمکه مکرمه تقریباً به مسافت سه روز به طرف عراق واقع است آن میقات کسانی است که از عراق به مکه می آیند.

۲ - اوقاتی که خداوند متعال در قرآن کریم از آن به « ماههای معین» یاد کرده است.

۳ - زمین چهار طرف مکه مکرمه را تا مقدار دور حرم می گویند وبر حدود حرم نشانه هایی هم نصب شده است ودر حدود حرم شکار کردن وبریدن درخت وچرانیدن گیاه حرام است.

۳- ادای دو رکعت نماز ۴- نیت ۵-تلبیه

اول: نظافت و طهارت در احرام سنت و یا مستحب بوده و به انجام دادن این کارها حاصل و کامل می گردد:

۱- گرفتن ناخنهای دست و پای

۲- تراشیدن و یا کوتاه نمودن موی لب

۳- ازاله و از بین بردن موی بغل و عانه

۴- شستن سر و بدن

۵- غسل نمودن و یا اقلاً وضو ساختن

۶- شانه زدن سر و ریش

۷- استعمال کمی خوشبویی

تذکر:

۱- اگر چه که غسل برای احرام بهتر است ولی برای ادای این سنت وضو هم کافی است.

۲- چون مقصد وحکمت از غسل احرام نظافت است بر زن ولو آنکه در عادت ماهانه مریضی ولادت هم باشد نیز سنت است.

۳- اگر کسی آب را برای غسل یا وضو نتوانست فراهم کند همان طور احرام ببندد و تیمم لازم نیست ولی برای ادای دو رکت نماز احرام مانند هر نماز دیگر باید تیمم کند.

۴- اگر کسی با وجود بودن آب غسل و یا وضو احرام بست احرامش با کراهیت جواز داشته و بر وی چیزی از دم و صدقه لازم نمی‌گردد.

۵- خوشبویی را که قبل از احرام بستن استعمال می کند بهتر است از نوعی باشد که رنگ و اثر آن برای‌مدت زیادی‌نمی ماندبهتر است که استعمال خوشبویی فقط در بدن بوده و از استعمال آن در لباس احرام خودداری شود.

دوم پوشیدن لباس احرام : بعد از حصول نظافت و طهارت لباسهای عادی را از جان خود کشیده و لباس احرام را که عبارت از (ازار) و (ردایی) است، بپوشد.

تذکر:

۱- ازار باید عورت را که از ناف تا زیر زانو است بپوشاند.

۲- مستحب است که لباس احرام دارای رنگ سفید، جدید و یا شسته شده و دور از تفاخر و زینت باشد.

۳- در وقت پوشیدن لباس احرام نباید شانه اش را بیرون کند زیرا محل این عمل هنگام طواف قدوم است.

۴- اگر برای احرام بستن فقط یک قطعه لباس پوشید به شرطی که عورت او را بپوشاند با کراهت جواز دارد.

۵- برای رفع سردی و گرمی می تواند از دو جامه استفاده کند.

۶- رنگ سفید در لباس احرام مستحب است و باقی رنگها جایز است.

۷- احرام زن لباسهای عادی اوست و نیز بکوشد که لباس وی دور از مظاهر زینت و فتنه باشد.

۸- زن هنگام احرام نباید روی خود را بپوشاند بلکه هر چه بیشتر خود را از دید نامحرم دور نگه دارد.

سوم ادای دو رکعت نماز: بعد از پوشیدن لباس احرام به نیت سنت احرام دو رکعت نماز بخواند.

تذکر:

۱- اگر به میقات مسجدی بود مستحب است که نماز احرام را در آن مسجد بخواند.

۲- دو رکعت نماز احرام سنت و ترک آن مکروه است. در صورت ترک، دم یا صدقه لازم نمی گردد.

۳- مستحب است در رکعت اول نماز احرام، سوره (قل یا ایها الکافرون) و در رکعت دوم (قل هو الله احد) را بخواند.

چهارم نیت کردن: بعد از ادای دو رکعت نماز همان طور که نشسته و رو به قبله است نیت احرام کند و تلبیه هم بگوید و بعد از گفتن تلبیه محرم شمرده شده و داخل عبادت حج و یا عمره و یا هر دو همان طور که نیت کرده است می شود.

کیفیت نیت حج و عمره

۱- اگر نیت حج مفرد را داشت بگوید:«اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اُرِیْدُ الْحَجَّ فَیَسِّرْهُ لِیْ وَتَقَبَّلْهُ مِنِّیْ». و یا به فارسی گوید خدایا نیت حج خانه مشرفه ات را دارم الهی این کار را بر من آسان کرده و قبول درگاه خود بگردان.

۲- اگر نیت عمره و حج را با هم داشت که حج قران گفته می شود چنین بگوید:«اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اُرِیْدُ الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ فَیَسِّرْ هُمَالِیْ وَ تَقَبَّلْهُمَا مِنِّیْ» (پروردگارا من

اراده ی حج و عمره را کردم پس آن هر دو را برای من آسان فرما و از من قبول کن).

۳- اگر نیت عمره را تنها داشت بگوید: « اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اُرِیْدَ الْعُمْرَةَ فَیَسِّرْهَا لِیْ وَتَقَبَّلْهَامِنِّیْ»(پروردگارا من اراده‌ی عمره را به خانه مبارکت کردم پس آن را برای من آسان فرما و از من قبول کن).

تذکر:

۱- مستحب است که نیت به قلب و زبان باشد. یعنی قلباً اراده حج و عمره نموده و به زبان خود تعبیر نماید.

۲- اگر کسی به قلب خود نیت کرده و به زبان خود چیزی نگفت باز هم احرامش از همان چیزی که قلباً نیت کرده صحیح می گردد.

۳- اگر کسی درحال عدم تعیین نیت، طواف نکرد وراساً به عرفات رفت احرامش احرام حج شمرده می شود.

۴- اگر کسی برای حج نیت کرد ولی نوع آن را از فرض، نذر و یا نفل تعیین نکرد در صورتی که هنوز حج فرض را ادا نکرده باشد این احرامش از حج فرض می باشد.

پنجم تلبیه[1]: شخص محرم باید متصل به نیت تلبیه گوید زیرا تلبیه جزیی از نیت احرام است یک بار گفتن آن فرض است و احرام بدون آن صحت پیدا نمی کند.

تذکر:

۱- مستحب است که نیت و تلبیه متصل به هم باشند و گفتن آن تا هنگام به راه افتادن و حرکت کردن اگر بسیار به تأخیر نیفتد نیز جواز دارد.

۲- سنت است که تلبیه در هر مناسبتی چون نشستن، برخاستن، داخل شدن، سوارشدن، خواب شدن و... گفته و تکرار گردد.

۳- هنگام تلبیه گفتن به کسی سلام نباید داد و دیگری هم او را سلام نگوید تا مجبور به رد سلامش شود و اگر کسی او را سلام کرد می تواند جواب سلام او را گفته و یا تا خلاص شدن از تلبیه در جواب دادن تأخیر کند.

۱- لَبّیْکَ اَللّٰهُمّ لَبّیْکَ ط لَبّیْکَ لَا شَرِیْکَ لَکَ لَبّیْکَ ط اِنّ الْحَمْدَ وَالنّعْمَةَ لَکَ وَالْمُلْکَ ط لَا شَرِیْکَ لَکَ ط

۴- در گفتـــن تلــبیه طــهارت شــرط نیســـت می تواند در حالت بی وضویی، جنابت، عادت ماهانگی و مریضی ولادت بگوید.

۵- بهتر است هرکس به تنهایی تلبیه گوید و گفتن آن بطور دسته جمعی و نغمه سرایی اصل شرعی ندارد.

۶- مستحب است که به آواز بلند گفته شود ولی در جایی که باعث اذیت دیگران می گردد ضروری است که آهسته گفته شود.

۷- بلند گفتن تلبیه خاص برای مردها است و زن تلبیه را آهسته گوید طوری که خودش بشنود ولی درجایی که نامحرم وجود ندارد بلندگفتن تلبیه برایش جواز داشته و باکی ندارد.

۸- گفتن تلبیه از هنگام احرام بستن شروع و تا هنگام شروع به رمی جمره عقبه در روز اول عید قربان ادامه دارد شخص محرم در مسجد الحرام، منی (در روز هشتم)، عرفات و مزدلفه به تلبیه گفتن ادامه دهد.

۹- در هنگام طواف سعی نباید تلبیه گفت بلکه باید به دعا و استغفار مشغول گردید.

احکام احرام

احرام دارای احکام مختلفی است که از قبیل :

تحریم، فرض، واجب، سنت وغیره است.

ممنوعات احرام

۱- جماع و مقدمات آن مانند بوسه و کنار و غیره

۲- جنگ، دعوا

۳- شکار حیوانات

۴- اشاره و کمک به شکارچی مثل دادن کارد یا فشنگ

۵- استعمال مواد خوشبو

۶- تراشیدن مو و ناخن

۷- پوشیدن سر و صورت

۸- بوییدن عطریات و میوه های خوشبو

۹- پوشیدن پیراهن و شلوار، عمامه، کلاه و جوراب

۱۰- پوشیدن کفشهایی که برآمدگیِ وسط پا را بپوشد

۱۱- تأخیر احرام از میقات.

۱۲-کشتن جانور بدن مانند شپش
۱۳- خضاب و حنا کردن
۱۴- سرمه کردن.

تذکر: ارتکاب هر کدام از این موارد جرم شمرده می شود و به آن جزای معینی تعلق می گیرد که در باب جنایات خواهد آمد.

مباحات احرام

۱- با احرام دوش گرفتن و حمام جایز است ولی مستحب است که غسل به نیت نظافت نباشد بلکه به نیت دفع گرمی یا طهارت باشد.

۲- نشستن زیر سایه خیمه ، درخت و کجاوه جایز است طوری که آن اشیا از سر و صورت فاصله داشته باشند.

۳- بستن کمربند و اسلحه و دست کردن انگشتر جایز است.
۴- کشیدن دندان ، پانسمان زخم و بستن عضو شکسته نیز جایز است .
۵- بستن همیان .
۶- مسواک زدن
۷- دیدن در آینه و سرمه کشیدن
۸- حجامت کردن و یا رگ زدن
۹- گرفتن مژه از چشم در صورتی که باعث اذیت محرم شده باشد.
۱۰- گرفتن ناخن شکسته شده .
۱۱- پوشاندن قسمتی و یا همه اعضای بدن باستثنای سر و صورت .

۱۲- حمل طبق و یا طشت بر سر، ولی جامه لباسی که نرم بوده و قسمت زیادی از سر را می پوشاند جواز ندارد.

۱۳- استعمال روغن بی بوی و یا مرهم بر زخم و یا ترکیدگی دست و پای
۱۴- قطع کردن درخت و هرگیاه دیگری در غیر حرم.
۱۵- به نکاح گرفتن و به نکاح دادن.
۱۶- ذبح‌کردن حیوان اهلی مانند گاو وگوسفند و مرغ و امثال اینها
۱۷- کشتن زندگان مضر مانند مار، عقرب و امثال اینها.

۱۸- ادب کردن اولاد و خدمتگاران در صورتی که مستحق تأدیب بوده و محرم مرتکب فحش و بد زبانی نشده باشد.

۱۹- خاراندن سر و بدن به کف انگشتان و کف دست به طور آهسته که سبب کنده شدن موی نگردد.

فرق بین احرام و اعمال زنان با مردان

زن در احرام بستن از لحاظ نیت و تلبیه و دیگر افعال حج مثل مردان است غیر اینکه در چند مسئله فرق داردکه ذیلاً ذکر می شود.

۱- پوشیدن لباسهای عادی برایش جایز است .

۲- پوشیدن سر برایش جایز است ولی صورتش را نپوشد.

۳- در اجتماع با صدای بلند تلبیه نگوید.

۴- در طواف مثل مردها رَمَل[1](پهلوانی) نکنند.

۵- برای زن اضطباع[2] نیست.

۶- در موقع ازدحام مردان استلام حجرالاسود نکنند.

۷- در موقع کثرت مردان نماز طواف را کنار مقام ابراهیم ادا نکنند.

۸- در موقع سعی بین صفا و مروه میان دو میل ندود.

۹- در موقع حلال شدن سر خود را نتراشد.

۱۰- اگر به سبب حیض و یا نفاس طواف زیارت را به بعد از ایام نحر تأخیر کرد، بر او دم لازم نمی شود.

۱۱- اگر به سبب حیض و یا نفاس طواف وداع از او ترک شد و کاروان از مکه حرکت کرد بر او دم لازم نمی شود .

تذکر:

برای زن در حالت حیض و نفاس بستن احرام جائز است لیکن نماز احرام را نخواند و در این حالات طواف هم جایز نیست .

مقصد چهارم : در بیان طواف [3] و سعی[4] ونسک سه گانه

نحوهٔ داخل شدن در حرم و شهر مکه

یارب تو خواندی آمدیم   دل را ستـــاندی آمدیم

عشـــق و ولای کـــعبه را   بـــر دل نشاندی آمدیم

۱- درسه شوط اول پاها را به قوت برداشته هردو شانه را جنبانیده قدمها را قریب قریب نهاده اندکی تیز رفتن

۲ - چادر احرام را از زیر بغل راست درآورده وبر دوش چپ انداختن .

۳- چهار طرف کعبه شریف دور زدن.

٤- در میان صفا ومروه هفت مرتبه به طریق مخصوص رفت وآمد کردن .

یارب نـدایت را ز جـان لبیـک گویـان آمدیم
دل را ز هـر وابسـتگـی یک جا تکاندیم آمدیم

در وقـت داخل شدن به حرم مستحب است که پابـرهنه، بانهایت و قار و اطمینان، دعا و استغفارگویان وارد شود. برای دخول به مکه غسل کردن سنت است. بعد از داخل شدن در مکه اولاً اثاث خود را در جای مطمئن بگذارد سپس پیش از هر نوع عمل دیگر باید در مسجد الحرام برود، و زمانی که خانه های شهر مکه پدیدار شد این دعا را بخواند: ((بِسْمِ اللهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيْمِ اَللّهُمَّ اِنَّ هَذَا الْحَرَمَ حَرَمُكَ وَالبَلَدَ بَلَدُكَ وَالْاَمْنَ اَمْنُكَ وَالْعَبْدَ عَبْدُكَ جِئْتُكَ مِنْ بِلَادٍ بَعِيْدَةٍ بِذُنُوْبٍ كَثِيْرَةٍ وَاَعْمَالٍ سَيِّئَةٍ أَسْأَلُكَ مَسْأَلَةَ الْمُضْطَرِّيْنَ اِلَيْكَ الْمُشْفِقِيْنَ مِنْ عَذَابِكَ اَنْ تَسْتَقْبِلَنِيْ بِمَحْضِ عَفْوِكَ وَ اَنْ تُدْخِلَنِي فَسِيحَ جَنَّتِكَ جَنَّةِ النَّعِيْمِ ،اَللّهُمَّ اِنَّ هَذَاحَرَمُكَ وَحَرَمُ رَسُولِكَ فَحَرِّمْ لَحْمِي وَدَمِي وَعَظْمِي عَلَى النَّارِ))، **و مستحب است ورود به شهر مکه روز و از طرف باب المعلی باشد و بیرون رفتن از باب سفلی و همچنین برای داخل شدن به مکه، غسل سنت است.**

وقت دخول مکه بگوید: ((اَللّهُمَّ اجْعَلْ لِيْ بِهَا قَرَاراً وَارْزُقْنِيْ فِيْهَا رِزْقًا حَلالًا، اَللّهُمَّ اَنْتَ رَبِّيْ وَأَنَاعَبْدُكَ جِئْتُ لِأُءَدِّيَ فَرْضَكَ وَأَطْلُبَ رَحْمَتَكَ وَاَلْتَمِسَ رِضَاكَ مُتَّبِعًا لِاَمْرِكَ رَاضِيًا بِقَضَائِكَ أَسْأَلُكَ مَسْأَلَةَ الْمُضْطَرِّيْنَ اِلَيْكَ الْمُشْفِقِيْنَ مِنْ عَذَابِكَ اَنْ تَسْتَقْبِلَنِي الْيَوْمَ بِعَفْوِكَ وَتَحْفَظَنِيْ بِرَحْمَتِكَ وَتَتَجَاوَزَ عَنِّيْ بِمَغْفِرَتِكَ وَتُعِيْنَنِيْ عَلَى اَدَاءِفَرَائِضِكَ اَللّهُمَّ افْتَحْ لِيْ اَبْوَابَ رَحْمَتِكَ وَاَدْخِلْنِيْ فِيْهَا وَاَعِذْنِيْ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيْمِ)) **از وسیله سواری خود پیاده شده، با نظر مطوّف یا سرپرست اثاثیه خود را جای امنی بگذارد و به هیچ عملی مشغول نشود تا اولین استفاده‌اش از مکه طواف خانه باشد؛ از باب السلام[1] داخل مسجد گردیده، بخواند :**

((اَللّهُمَّ اَنْتَ السَّلَامُ وَمِنْكَ السَّلَامُ وَاِلَيْكَ السَّلَامُ وَاِلَيْكَ يَرْجِعُ السَّلَامُ فَحَيِّنَا رَبَّنَا بِالسَّلَامِ وَاَدْخِلْنَا الْجَنَّةَ دَارَكَ دَارَ السَّلَامِ تَبَارَكْتَ وَتَعَالَيْتَ يَا ذَاالْجَلَالِ وَالْاِكْرَامِ

۱- دروازه ای از مسجد الحرام مکه است که از این دروازه داخل شدن به مسجدالحرام افضل است.

اَللّهُمّ افْتَحْ لِی اَبْوَابَ رَحْمَتِكَ وَمَغْفِرَتِكَ وَاَدْخِلْنِی فِیْهَا بِسْمِ اللهِ وَالْحَمْدُ للهِ وَالصّلوةُ عَلَی رَسُولِ اللهِ ﷺ))

چون چشمش به بیت شریف افتاد، سه مرتبه لا اله الا الله **وسه مرتبه** الله اکبر **گفته، بخواند** : ((لَا اِلَهَ اِلّا اللهُ وَحْدَهُ لَا شَرِیْكَ لَهُ لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ وَهُوَ عَلَی کُلِّ شَیْءٍ قَدِیْرٍاَعُوْذُ بِرَبِّ الْبَیْتِ مِنَ الْکُفْرِ وَالْفَقْرِ وَضَیْقِ الصّدْرِ وَعَذَابِ الْقَبْرِوَاَسْاَلُهُ الْجَنّةَ بِغَیْرِ حِسَابٍ وَصَلّی اللهُ عَلَی سَیِّدِنَامُحَمّدٍوَعَلَی آلِهِ وَصَحْبِهِ اَللّهُمّ زِدْبَیْتَكَ هَذَا تَشْرِیْفًا وَتَکْرِیْمًا وَتَعْظِیْمًا وَمَهَابَةً وَرِفْعَةً وَبِرًّا وَزِدْ یَارَبِّ مَنْ کَرّمَهُ وَشَرّفَهُ وَعَظّمَهُ تَشْرِیْفًا وَتَکْرِیْمًا وَتَعْظِیْمًا وَمَهَابَةً وَرِفْعَةً وَبِرًّا)).﴿ رَبِّ اَدْخِلْنِی مُدْخَلَ صِدْقٍ وَاَخْرِجْنِی مُخْرَجَ صِدْقٍ وَاجْعَلْ لِی مِنْ لّدُنْكَ سُلْطَانًا نَصِیْرًا وَقُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ اِنّ الْبَاطِلَ کَانَ زَهُوقًا وَنُنَزِّلُ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَآءٌوّرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِیْنَ وَلَا یَزِیْدُ الظّالِمِیْنَ اِلّا خَسَارًا ﴾[1]

بیان چگونگی طواف

طواف در لغت یعنی گرد چیزی گردیدن و دور زدن است و در اصطلاح به معنی هفت مرتبه دور خانه کعبه گشتن. بعد از وارد شدن به مسجدالحرام، روبروی حجرالاسود قرار گیرد سپس نیت طواف بکند زیرا این نیت فرض است و بدون آن طواف معتبر نیست، نیت چنین است:« اَللّهُمّ اِنّی اُرِیْدُ طَوَافَ بَیْتِكَ الْحَرَامِ سَبْعَةَ اَشْوَاطٍ فَیَسِّرْهَالِی وَتَقَبّلْهَا مِنّی»

(خداوندا، من اراده کردم طواف بیت الحرامت را هفت چرخ پس آن را برایم آسان فرما و از من قبول کن).بعد از آن دستها را مثل اینکه به وقت تکبیر تحریمه در نماز بر می دارند، برداشته و این دعا را بخواند :

۱- آیه ۱۸۰ جزء ۱۵ سوره اسراء

« بِسْمِ اللهِ اللهُ اَكْبَر لَا اِلَهَ اِلَّا اللهُ وَ لِلّهِ الْحَمْدُ وَالصَّلَوةُ وَالسَّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللهِ اَللّهُمّ اِيْمَانًا بِكَ وَ وَفَاءً بِعَهْدِكَ وَ اتِّبَاعًا لِسُنَّةِ نَبِيِّكَ مُحَمّدٍ صَلّى اللهُ عَلَيْهِ وَ سَلّمَ »

(شروع می‌کنم به یاد خدا، خدا بزرگ است، و جز او معبودی نیست و او شایسته همه ستایش هاست و درود و سلام بر پیامبر او، خداوندا (طواف می کنم) از روی ایمان به تو و از روی وفا به عهد تو و به منظور پیروی سنت پیامبر تو حضرت محمدﷺ. و در صورت داشتن فرصت کافی این دعا را نیز بخواند : ((بِسْمِ اللهِ اَللهُ اَكْبَرُ اِيْمَانًا بِاللهِ وَتَصْدِيْقًا بِمَا جَآءَ بِهِ مُحَمّدٌ ﷺ لَا اِلَهَ اِلَّا اللهُ وَاللهُ اَكْبَرُ اَللّهُمّ اِلَيْكَ بَسَطْتُ يَدِىْ وَفِيْمَا عِنْدَكَ عَظُمَتْ رَغْبَتِى فَاقْبَلْ دَعْوَتِىْ وَاَقِلْنِىْ عِثْرَتِى وَارْحَمْ تَضَرُّعِىْ وَجَدَلِى بِمَغْفِرَتِكَ وَاَعِذْنِى مِنْ مُضِلّاتِ الْفِتَنِ)) .

لازم است که شخص حاجی به قدر امکان بکوشد تا بر دیگر مسلمانان در وقت ادای مناسک حج اذیت نرساند، چون اذیت رساندن بر مسلمان در هر جای، گناه بوده، ولی در بلد الحرام در داخل مسجد الحرام در ماههای حرام و درحال احرام بدون شک گناهش بیشتر است.

ارکان طواف

ارکان طواف عبارتند از :

۱- طواف کردن به همه خانه و اساساً طواف در داخل خانه و یا به جزء خانه طواف شمرده نمی شود .

۲- طواف کردن بیشتر از نیم هفت شوط (دور) اگر کسی سه شوط و یا کمتر انجام داد طوافش باطل است. و اگر چهار شوط گردید، طواف گفته می شود و ترک باقی مانده بر وی دم لازم است.

شرایط طواف

شروط طواف: امورى است که از ترک هر یک از آنها طوافش باطل می گردد و به دم جبران نمی شود و بر دو نوع است :

شروط عام : که در هر طوافی شرط است.

شروط خاص : که در بعضی از طوافها شرط بوده و در بعضی دیگر آنها شرط نیست.

الف) شروط عام عبارتند از :

۱- اسلام داشتن، شخص طواف کننده باید مسلمان باشد. طواف کافر و مشرک و... اصلاً طواف گفته نمی شود.

۲- نیت کردن، شخص طواف کننده قصد عبادت و ادای نسک از مناسک حج و یا عمـره را داشته باشد اگر کسـی جهت یافتن رفیـق گمشده خود و یا کاری دیگری غیر از طواف به دور خانه بسیار بگردد این گردیدنش طواف شرعی گفته نمی شود.

۳- طواف کردن از داخل مسجد، اگرکسی از بیرون مسجد طواف کرد طوافش جایز نیست. و اگر از پشت بام مسجد طواف کرد ولو که از ارتفاع خانه بلندتر هم باشد جواز داشته و طواف درست و صحیح است.

ب)شروط خاص سه چیز است :

۱- واقع شدن طواف در وقت معین آن، و این شرط خاص به طواف زیارت است زیرا ابتدا وقت این طواف بعد از طلوع فجر روز دهم ذی الحجه است و اگر قبل از آن صورت گرفت صحت پیدا نمی کند.

۲- قبلاً وقوف به عرفات را کرده باشـد، این شرط خاص برای طواف زیارت است زیرا کسی که وقوف به عرفات نکرد و یا رفتنش به عرفات به نیت ادای حج نبوده باشد طوافی که بعد از آن انجام می دهد طواف زیارت و یا طواف فرض شمرده نمی شود.

۳- قبلاً احرام را بسته باشد، این شرط متعلّق به طواف فرض حج وطواف عمره می باشد.

واجبات طواف

واجبات طواف عبارت از اعمالی است که انجام دادن آنها ضروری و لازمی است وفوت آنها سبب بطلان طواف نمی شود و به دادن دم جبران می گردد و به شرح ذیل می باشد :

۱- طهارت: یعنی شخص هنگام طواف از جنابت پاک و دارای وضو و طهارت باشد.

۲- پوشاندن عورت، مرد هنگام طواف عورت خویش را از ناف تا زیر زانو و برای زن تمام بدنش بجز صورت و دست (تامفصل کف) بپوشاند.

۳- انجام دادن طواف زیارت در ایام نحر، شخص محرم باید بعد از وقوف به عرفه طواف زیارت را حداکثر تا آخرین ایام نحر که همان ایام عید قربان است انجام دهد و اگر طواف را بعد از طلوع فجر روز سیزدهم ذی الحجه که روز چهارم عید قربان است انجام داد گر چه دراین حالت طوافش صحیح و حجش کامل می گردد ولی نسبت به تأخیر طواف از وقت معین آن بر وی دم لازم می گردد.

۴- شروع کردن به طواف از حجر الاسود، اگر توانست حجر الاسود را بوسه داده و بسم الله الله اکبر گفته شروع به طواف کند اگر باز هم میسر نشد با کشیدن دست به سنگ اکتفا نماید اگر باز هم میسر نشد از جای دورتر مقابل آن ایستد و با بلند کردن دستها طوری که کف دست به طرف حجر الاسود باشد تکبیر گفته و شروع به طواف نماید. آنچه از بوسه زدن و یا لمس کردن و یا اشاره نمودن به طرف حجرالاسود گفته شد خاص به شوط اول نبوده بلکه در هر شوطی تکرار می گردد.

۵- طواف نمودن از عقب حطیم، حطیم دیوار کوتاهی است که در قسمت شمال خانه کعبه قرار دارد و بین آن و خانه مساحت کوچکی است که آن هم در اصل جزیی از خانه است از این سبب شخص طواف کننده باید آن را در داخل طواف خود قرار دهد و از پشت حطیم طواف نماید و اگر چنین نکند و از داخل حطیم طواف کرد باید همان طواف را دوباره انجام دهد و یا که بروی دم لازم می گردد.

۶- کامل کردن هفت شوط، طواف از هر نوعی که باشد(یعنی طواف حج، عمره، فرضی، نفلی) همیشه هفت شوط یعنی هفت بارگردیدن به گردخانه معظمه است. وکسی که هفت شوط را کامل نکند نسبت به نوع طواف بروی جزای معین لازم می گردد.

۷- پیاده طواف کردن، این شرط برکسی است که قادر بر طواف کردن پیاده باشد. و اگر قادر نبود به هر طریقی که میسر است طواف کند و بر وی چیزی لازم نیست و طوافش صحت دارد.

۸- ادای دو رکعت نماز، دو رکعت نماز بعد از ختم طواف می باشد.

۹- طواف کردن از طرف راست خانه شخص طواف کننده هنگام طواف خانه مبارک را به طرف چپ خود قرار دهد اگر کسی ازطرف چپ طواف نمود باید که دوباره انجام دهد و یا بر وی دم لازم است و طوافش صحت پیدا می کند.

۱۰- ابتدا کردن به طواف از مقابل حجرالاسود

۱۱- استلام حجرالاسود در ختم طواف

سنتهای طواف

اعمالی که انجام دادن آنها مطلوب است و ثواب کامل دارد ولی ترک آنها طواف را باطل نکرده و موجب دم و صدقه‌نمی باشد فقط‌سبب ملامتی وگناه است، عبارتند از :

۱- استلام حجر الاسود طوری که در هر دور سنگ را ببوسد و اگر میسر نشد بر آن دست بکشد و اگر این هم میسر نشد با بلند کردن دستها طوری که گفته شد اشاره کند.

۲- اضطباع کردن عبارت از بیرون کردن شانه راست از زیر احرام است و کیفیت آن چنین است که یک سر ردا را به شانه چپ خود انداخته و دیگر سر را از زیر بغل راست کشانده و به سر شانه چپ خود بیاندازد.

تذکر:

الف ـ وقت اضطباع هنگام شروع کردن به طواف است.

ب ـ اضطباع فقط هنگام طواف صورت می گیرد.

ج ـ اضطباع فقط در طواف سنت است و در سعی بین صفا و مروه وجود ندارد.

د ـ فقط در طوافی اضطباع است که بعد از آن سعی بین صفا و مروه انجام می گیرد مثل طواف قدوم که می خواهد بعد از آن سعی نماید. و طواف عمره و طواف زیارتی که قبل از آن سعی نکرده است و هنوز ملبس به لباس احرام باشد.

ه ـ برای مردها اضطباع می باشد ولی برای زن نمی باشد.

۳- رَملْ درسه شوط اول ،عبارت از آنست که شخصی هنگام طواف قدمهایش را نزدیک هم گذاشته و با حرکت دادن شانه ها به سرعتی که از رفتار عادی تیزتر باشد طواف نماید.

رمـل بـرای مردهـا است و از زنها ساقط است . رمل فقط در سه شـوط اول می باشد.

۴- عادی رفتن در چهار شوط آخر

۵- رویآوردن به حجرالاسود در شروع طواف

۶- تتابع بین شوطهای طواف

۷- پاک بودن جامه و بدن یعنی که جسم و لباس شخص در هنگام طواف کردن پاک و پاکیزه باشد گرچه بعضی ها پاکی بدن و جامه را از واجبات طواف شمرده اند نه از سنتهای طواف.

مستحبات طواف

انجام دادن مستحبات ثواب داشته و از ترک آنها چیزی لازم نمی گردد و شخص طواف کننده گنهکار نمی شود و عبارتند از :

۱- طواف کردن از نزدیک خانه

۲- از سر گرفتن طوافی که قطع می گردد.

۳- ترک گفتگو

۴- ترک اعمال منافی با خشوع اعمالی که خشوع و فروتنی را برهم می زنند ترکش اولی است .

۵- آهسته خواندن ادعیه

۶- حضور قلب، به طوری که طواف کننده با همه وجودش روحاً و جسماً خود را در مقام راز و نیاز با ذات باریتعالی داند نه آنکه با جسم خویش دور خانه گردیده و با قلب خود مشغول فایده و نقص کارهای دنیایی خود باشد.

۷- عدم التفات به این طرف و آن طرف، یعنی هنگام طواف مشغول خواندن دعا و استغفار بوده و از نظر کردن به راست و چپ خودداری کند.

۸- استلام رکن یمانی[1]، رکن یمانی رکن مقابل حجرالاسود در عرض خانه مبارکه است و بر این رکن فقط باید دست کشیده و از بوسیدن آن خودداری نماید.

۹- دعا کردن بعد از دو رکعت نماز طواف

مباحات طواف

۱- گوشه جنوب غربی بیت الله را گویند که به جانب یمن است.

عبارتند از اعمالی که نه عمل کردن به آنها ثواب داشته و نه ترک آنها موجب گناه است که به شرح زیر می باشند :

۱- سلام کردن و این درصورتی است که طرف مقابل مشغول ذکر و دعا نباشد و اگر مشغول بود سلام دادن بر وی مکروه است.

۲- فتوی‌دادن اگر از شخص طواف کننده مسئله ای از مسایل شرعی پرسیده می شود در صورت علم داشتن به سؤال روا است که حکم آن برای کسی که فتوی خواسته است بیان کند. این درصورتی است که فتوی ندادن شخص طواف کننده سبب تعطیل حکم شرعی و یا ارتکاب ممنوعی از ممنوعات احرام برای شخص فتوی گیرنده نشود، ورنه فتوی دادن لازم بوده و ترک آن موجب گناه خواهد بود.

۳- فتوی خواستن و این درصورتی است که تأخیر در فتوی خواستن، سبب زایل شدن حکم شرعی نگردد؛ ورنه فتوی خواستن ضروری است.

۴- ترک طواف جهت دفع ضرورت مثل دفع قضای حاجت و یا عمل ضروری دیگری پیدا شد رواست که طواف را موقتاً ترک کند و رفع ضرورت نماید.

۵- آشامیدن آب البته در صورت عطش و تشنگی زیاد.

۶- ترک اوراد و ادعیه

۷- قرائت قرآن گرچه طواف در خانه معظمه بهترین وقت دعا و مناجات است با آن هم اگر کسی بجای دعا کردن به تلاوت قرآن مشغول شود، جایزاست.

۸-طواف سواره، طواف باید بطور پیاده انجام داده شود ولی اگرکسی از انجام دادن طواف بطور پیاده معذور باشد طواف کردن سواره برایش جایز است.

مکروهات طواف

مرتکب مکروهات طواف برایش دم یا صدقه لازم نمی گردد و عبارتند از :

۱- حرف زدن غیر ضروری

۲- خرید و فروش

۳- طواف در وقت خطبه جمعه و یا عیدین

۴- ترک سنتی از سنتهای طواف

۵- طواف کردن در وقت بر پا بودن نماز جماعت

۶- طواف در وقت غلبه بول و یا غائط

۷- عجله کردن در انجام دادن طواف

۸- طواف از طرف شخص دیگری پیش از طواف کردن برای خود، یعنی اگر کسی به نیابت از دیگری ـ که ازطواف کردن عاجزاست ـ طواف می نماید، باید اول طوافی را که بر ذمه خودش است، انجام دهد و سپس از طرف آن شخص طواف نماید؛ ورنه طوافش مکروه خواهد بود.

محرمات طواف

عبارت از اعمالی است که ارتکاب آنها موجب گناه است ولی طواف را باطل نمی کند و برای جبران آن دم لازم می گردد و محرمات طواف، ترک واجبی از واجبات آن است .

انواع طواف

طواف بر هفت نوع است:

۱ - طواف قدوم

۲- طواف افاضه

۳ - طواف وداع[1]

۴- طواف عمره[3]

۵- طواف نذری[2]

۶- طواف تحیه مسجد[4]

۷- طواف نفلی

طواف قدوم

عبارت است ازطوافی که محرم، هنگام رسیدن به مکه مکرمه ومسجد الحرام انجام می دهد.طواف قدوم سنت است و تارک آن مستوجب ملامتی بوده و از ترک آن دم و یا صدقه لازم نمی گردد.برای کسانی که درخودمکه سکونت دارند و یا در میقات ساکن اند سنت نیست و همچنین برکسی که عمره ادا می کند طواف قدوم لازم نیست دراین موقع حاجی مفرد هر نوع طوافی بکند چه نیت طواف قدوم بکند یا نیت مطلق طواف بکند این طواف، طواف قدوم محسوب می شود و نیت درآن اثر ندارد،اول وقت طواف قدوم ،هنگام رسیدن به مکه مکرمه، و آخروقت آن پیش از وقوف به عرفات است. بنابراین اگر کسی تا هنگام وقوف به عرفات طواف قدوم را انجام نداده بوداین طواف فوت گردیده و قضاء آن هم آورده نمی شود.

---

۱ - بر شخص حاجی هنگام عزم خروج از مکه واجب می گردد.

۲- به قصد عمره احرام بسته وارد مکه مکرمه می گردد.

۳- به قصد عمره احرام بسته وارد مکه مکرمه می گردد.

۴ - برای کسی که وارد مسجدالحرام می گردد مستحب است.

طواف قدوم از این اشخاص ساقط است :

الف)کسی که ساکن مکه مکرمه بوده و برای ادای حج از داخل مکه احرام بسته باشد.

ب)کسی که خانه اش داخل میقات بوده و برای ادای حج از خانه خود و یا داخل مکه مکرمه احرام بسته باشد.

ج)کسی که به نیت عمره احرام بسته باشد، چه بخواهد که بعد از عمره حج کند (متمتع) و یا نکند.

د)کسی که طواف قدوم را فراموش کرده است.

هـ)کسی که بعد از احرام بستن، تاهنگام وقوف به عرفه در حالت بیهوشی است.

و)از شخص دیوانه یا از زنی که تا هنگام وقوف به عرفه در حالت عادت ماهانگی یا مریضی ولادت باشد.

ز)از کسی که اگر طواف قدوم را انجام دهد، وقوف به عرفه اش فوت گردیده و حجش از بین می رود.

طواف افاضه[۱]

و این طواف به‌نام طـواف حـج، طـواف زیارت، طواف فرضی و طواف رکنی نیز یاد می شود و این همان طوافی است که بعد از وقوف به عرفه ادا می گردد. این طواف رکنی از ارکان حج بوده و بدون آن حج صحت پیدا نمی کند.

طواف وداع

طواف وداع طوافی است که بر شخص حاجی هنگام عزم خروج از مکه مکرمه واجب می گردد.

تذکر:

۱–در طواف وداع اضطباع و رمل[۲] نیست. چنانچه بعد از آن سعی بین صفا و مروه نمی باشد.

۱- یعنی طواف فرضی که طواف زیارت وطواف حج وطواف افاضه می گویند.

۲- در سه شوط اول طواف پاها را به قوت برداشته وهردو شانه را چسبانیده قدمها را قریب قریب نهاده اندکی تیز رفتن .

۲-مستحب است زنی که در حالت ماهانگی و یا مریضی ولادت از مکه مکرمه خارج می گردد به دروازه مسجد الحرام آمده و در آنجا دعا نموده و وداع کند و چیزی به فقرا صدقه بدهد.

۳-اگر کسی طواف وداع را انجام داده و سپس مدتی در مکه مکرمه باقی ماند، بر وی واجب نیست که هنگام خارج شدن از مکه مکرمه طواف وداع را دوباره انجام دهد گرچه بجا آوردن دوباره طواف وداع مستحب است.

۴-طواف وداع هنگام خارج شدن از مکه مکرمه واجب می گردد نه در هنگام به انجام رساندن مراسم مناسک حج و اساساً اگر کسی بعد از ادای حج سالها در مکه مکرمه زندگی کرد، طواف وداع تا هنگام عزم خروج از مکه مکرمه بر وی واجب نیست.

طواف عمره

طواف عمره بر کسی لازم است که به قصد عمره احرام بسته، وارد مکه مکرمه می گردد .

طواف نذری

و این طوافی است که در اصل بر شخص واجب نبوده و خودش بر خود الزام کرده است.

طواف تحیه مسجد

این طواف برای کسی که وارد مسجد الحرام می گردد، مستحب است .

طواف نفلی

و این طوافی است که شخص، بدون سببی از اسباب متذکره تقربا الی الله انجام می دهد. بعد از انجام طواف ـ از هر نوعی که باشد ـ مستحب است تا شخص اگر روزه دار نباشد، از آب زمزم به مقدار کافی نوشیده و از برای قضای حاجات مشروع خود اعم از امور دنیوی و اخروی مشغول به دعا و تضرع به درگاه الهی شود و مستحب است که هنگام آشامیدن روی خود را به طرف کعبه مشرفه کرده و به سه نفس بیاشامد.

طریقه استلام حجرالاسود

بعد از دعا به سوی حجرالاسود برود و استلام کند منظور از استلام این است که کف هر دو دست خود را بر روی حجر نهاده و در میان دستها دهان خود را بر

حجر بگذارد و به آهستگی ببوسد که صدای بوسیدن بلند نشود. سپس سر خود را بر حجر الاسود بنهد به همین نحو اگر امکان داشت بار دوم و سوم عمل کند.

پوشیده نماندکه استلام سنت است پس در زمان خلوت انجام دهد و در زمان ازدحام که موجب آزار دیگران می شود، بوسیدن را ترک کند زیرا ترک آزار واجب است.

استلام در مواقع ازدحام

اگر استلام به روش مذکوره ممکن نبود، پس هر دو دست خود را بر حجر بگذارد و اگر آن هم مقدور نبود، پس یک دست خود را بگذارد و گذاشتن دست راست اولی است و اگر نهادن یک دست هم مشکل بود، پس چوبی یا چیز دیگری به حجرالاسود برساند و همان چیز را ببوسد و اگر این هم امکان نداشت، روبروی حجرالاسود بایستد و هر دو دست خود را تا برابرگوشها طوری بلند کند که کف دستها به طرف حجرالاسود و پشت دستها به سوی چهره اش باشد و در این وقت چنین تصور کند که گویی دستها بر روی حجر الاسود است و بعد از آن طوری که قبلاً ذکر شد تکبیر و تهلیل بگوید و هر دو دست را ببوسد.

شروع طواف

بعد از استلام واجب است که به جانب راست حرکت کند، طوری که بیت شریف به سمت بازوی چپ طواف کننده باشد و همچنین واجب است که حطیم در طواف شامل شود اگر از میان حطیم و بیت الله بگذرد طواف صحیح نمی شود و باید آن را دوباره انجام دهد یا اینکه همان اندازه به دور حطیم طواف کند در حین طواف هر بار که به رکن یمانی که طرف جنوب غربی کعبه است، برسد او را نیز استلام کند و این هم مستحب است.

(**حطیم**[1] : دیواری است که با اندک فاصله در کنار خانه کعبه که در بناهای قبلی جزء خانه بوده و در این بنا ظاهراً جدا می باشد و حجر اسماعیل‌عليه السلام‌در آن واقع و میزاب رحمت در آن می ریزد و این قسمت در حقیقت جزء خانه است و طواف کننده باید در هنگام طواف آنرا در بر گیرد و از میان دیوار وخانه گذر نکند).

پیاده طواف کردن برای مستطیع شرط است و کامل کردن هفت شوط در طواف بیشتر از فرض می باشد و شروع کردن از حجر الاسود و قرار دادن خانه به

١- به جانب شمالی بیت الله متصل به خانه کعبه مقداری زمین به دیوار برابر به قد انسان حصار شده است که آن را حطیم وحجره وخطیره نیز می گویند.

طرف چپ، همچنین پوشیدن عورت در طواف و طواف نمودن از عقب حطیم واجب است .

استلام رکن یمانی

استلام رکن یمانی این است که هر دو دست و یا یک دست را بر او بنهد. دراستلام رکن یمانی بوسیدن مشروع نیست و در زمان ازدحام اشاره هم نکند. غیر از حجرالاسود و رکن یمانی ، استلام دو رکن دیگر مشروع نیست.

شروع طواف از حجرالاسود[1] واجب است

بخاطر داشته باشد که شروع طواف از حجرالاسود واجب است، درحین طواف هر بار که به حجرالاسود برسد باید استلام کند به نحوی که قبلاً ذکر شد، دستها را در نوبت اول بلند کند و در نوبت های بعدی دستها را بلند نکند هر بار که از حجرالاسود حرکت می کند و باز به آنجا می رسد یک شوط (چرخ) حساب می شود، اگر کسی بر عکس طواف کند یعنی طوری طواف کند که بازوی راست او به طرف بیت الله باشد یا طواف را به جای حجرالاسود از جای دیگر شروع کرد باید این طواف خود را تکرار کند و اگر به وطن برگشت و تکرار نکرد، دم واجب می شود نهایتاً اینکه هفت شوط طواف کند بعد از اتمام شوط هفتم برای بار هشتم استلام کند و این استلام سنت مؤکده است، در اینجا طواف او تمام می شود؛ بعد از آن به مقام ابراهیم عليه السلام برای ادای دو رکعت نماز واجب طواف برود.

توضیح: در هر طواف کامل هشت بار در صورت امکان استلام می شود، از این هشت بار نوبت اول و هشتم سنت موکده است، در بقیه چندان تأکیدی نیست.

رمل ویا پهلوانی رفتن عبارت از آن است که شخص هنگام طواف قدمهایش را نزدیک هم گذاشته و با حرکت دادن شانه ها به سرعتی که از رفتار عادی تیز تر باشد طواف نماید. رمل، خاص به مردها است و از زنها ساقط است .

بعد از اینکه طواف را انجام داد دو رکعت نماز طواف را ادا نماید و مقابل خانه ی معظمه دستها را برای دعا بلند کرده و به حق خود و والدین و عامه مسلمانان و بلاد اسلام خصوصاً وطن خود دعا نماید .

---

[1] – سنگ سیاه ، این سنگ بهشتی است به وقت آوردنش از بهشت مانند شیر سفید بود لیکن گناهان بنی آدم آن را سیاه کرده است، و در گوشه جنوبی بیت الله به اندازه قد یک انسان در دیوار نصب شده وبه گرداگردآن حلقه نقره ای نصب شده است.

بر پا شدن نماز جماعت در حین طواف

اگر در طواف بود و نماز جماعت شروع شد اگر به نماز می رسید طواف خود را تمام کند و در غیر این صورت در جماعت شریک شود و بعد از نماز از همان محلی که طواف را رها کرده بود ، دوباره طواف را شروع کند و به اتمام برساند. ودر صورت بی وضو شدن و حاضر شدن نماز جنازه نیز همین حکم است. به یاد داشته باشد اگر چهار چرخ زده بود، طواف را کامل کند در غیر اینصورت از نو شروع کردن طواف افضل است، بی جهت ترک طواف و ترک سعی مکروه است.

لازم به ذکر است که برای هر چرخ از طواف، دعاهای مأثوره ای توصیه شده است که در ذیل این مطالب آورده می شود. درصورت امکان بخواند و در غیر این صورت کلمۀ توحید و تمجید را ورد خود ساخته و بخواند.

ادعیه مأثوره در چرخ اول : اول کلمه توحید و تمجید و درود و بعد این دعا بخواند:((اَللّٰهُمّ اِيْمَانًا بِكَ وَتَصْدِيْقًا بِكِتَابِكَ وَوَفَاءً بِعَهْدِكَ وَاتِّبَاعًا لِسُنّةِ نَبِيِّكَ وَحَبِيْبِكَ مُحَمّدٍ(ص) اَللّٰهُمّ اِنِّيْ اَسْأَلُكَ الْعَفْوَ وَالْعَافِيَةَ وَالْمُعَافَاةَ الدَّائِمَةَ فِى الدِّيْنِ وَالدُّنْيَا وَالْاٰخِرَةِ وَالْفَوْزَ بِالْجَنّةِ وَالنَّجَاةَ مِنَ النَّارِ))درهر چرخ بین رکن یمانی و حجرالاسود بخواند: ((رَبَّنَا ءَاتِنَا فِى الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِى الْاٰخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ وَاَدْخِلْنَا الْجَنّةَ مَعَ الْاَبْرَارِ بِرَحْمَتِكَ يَا عَزِيْزُيَاغَفَّارُ يَا رَبَّ الْعَالَمِيْنَ))

دعای چرخ دوم : ((اَللّٰهُمّ اِنَّ هَذَا الْبَيْتَ بَيْتُكَ وَالْحَرَمَ حَرَمُكَ وَالْاَمْنَ اَمْنُكَ وَالْعَبْدَ عَبْدُكَ وَاَنَا عَبْدُكَ وَابْنُ عَبْدِكَ وَهَذَا مَقَامُ الْعَائِذِ بِكَ مِنَ النَّارِ فَحَرِّمْ لُحُوْمَنَا وَبَشرَتَنا عَلَى النَّارِ اَللّٰهُمّ حَبِّبْ اِلَيْنَا الْاِيْمَانَ وَزَيِّنْهُ فِى قُلُوْبِنا وكَرِّهْ اِلَيْنَا الْكُفْرَ وَالْفُسُوْقَ وَالْعِصْيَانَ وَاجْعَلْنا مِنَ الرَّاشِدِيْنَ اَللّٰهمّ قِنِىْ عَذَابَكَ يومَ تَبْعَثُ عِبَادَكَ اَللّٰهُمّ ارْزُقْنِى الْجَنّةَ بِغَيْرِحِسَابٍ.))

دعای چرخ سوم : ((اَللّٰهُمّ اِنِّى اَعُوْذُبِكَ مِنَ الشَّكِ وَالشِّرْكِ وَالشِّقَاقِ وَالنِّفَاقِ وَسُوءِ الْاَخْلَاقِ وَ سُوءِالْمَنْظَرِوَ الْمُنْقَلَبِ فِى الْمَالِ وَالْاَهْلِ وَ الْوَلَدِ اَللّٰهُمّ اِنِّى اَسْأَلُكَ

رِضَاكَ وَالْجَنَّةَ وَاَعُوْذُ بِكَ مِنْ سَخَطِكَ وَالنَّارِ اَللّٰهُمَّ اِنِّى اَعُوْذُ بِكَ مِنْ فِتْنَةِ الْقَبْرِ وَاَعُوْذُ بِكَ مِنْ فِتْنَةِ الْمَحْيَا وَالْمَمَاتِ)).

دعای چرخ چهارم: ((اَللّٰهُمَّ اجْعَلْهُ حَجًّا مَبْرُوْرًا وَ سَعْيًا مَشْكُوْرًا وَذَنْبًا مَغْفُوْرًا وَعَمَلًا صَالِحًا مَقْبُوْلًا وَتِجَارَةً لَنْ تَبُوْرَ يَا عَالِمَ مَا فِى الصُّدُوْرِ اَخْرِجْنِى يَا اللهُ مِنَ الظُّلُمَاتِ اِلَى النُّوْرِ اَللّٰهُمَّ اِنِّى اَسْأَلُكَ مُوْجِبَاتِ رَحْمَتِكَ وَعَزَائِمَ مَغْفِرَتِكَ وَالسَّلَامَةَ مِنْ كُلِّ اِثْمٍ وَالْغَنِيْمَةَ مِنْ كُلِّ بِرٍّ وَالْفَوْزَ بِالْجَنَّةِ وَالنَّجَاةَ مِنَ النَّارِ رَبِّ قَنِّعْنِى بِمَا رَزَقْتَنِى وَبَارِكْ لِىْ فِيْمَا اَعْطَيْتَنِىْ وَاخْلُفْ عَلَىَّ كُلَّ غَائِبَةٍ لِىْ مِنْكَ بِخَيْرٍ.))

دعای چرخ پنجم : «اَللّٰهُمَّ اَظِلَّنِىْ تَحْتَ ظِلِّ عَرْشِكَ يَوْمَ لَا ظِلَّ اِلَّا ظِلُّكَ وَلَا بَاقِىَ اِلَّا وَجْهُكَ وَاسْقِنِىْ مِنْ حَوْضِ نَبِيِّكَ سَيِّدِنَا مُحَمَّد(ص)شَرْبَةً هَنِيْئَةً مَرِيْئَةً لَا نَظْمَأُ بَعْدَهَا اَبَدًا اَللّٰهُمَّ اِنِّى اَسْأَلُكَ مِنْ خَيْرِ مَا سَأَلَكَ مِنْهُ سَيِّدُنَا مُحَمَّدٌ نَبِيُّكَ (ص)وَاَعُوْذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا اسْتَعَاذَكَ مِنْهُ سَيِّدُنَا مُحَمَّدٌ نَبِيُّكَ (ص) اَللّٰهُمَّ اِنِّىْ اَسْأَلُكَ الْجَنَّةَ وَنَعِيْمَهَا وَمَا يُقَرِّبُنِىْ اِلَيْهَا مِنْ قَوْلٍ اَوْ فِعْلٍ اَوْ عَمَلٍ وَاَعُوْذُ بِكَ مِنَ النَّارِ وَمَا يُقَرِّبُنِىْ اِلَيْهَا مِنْ قَوْلٍ اَوْ فِعْلٍ اَوْ عَمَلٍ»

دعای چرخ ششم : «اَللّٰهُمَّ اِنَّ لَكَ عَلَىَّ حُقُوْقًا كَثِيْرَةً فِيْمَا بَيْنِى وَبَيْنَكَ وَحُقُوْقًا كَثِيْرَةً فِيْمَا بَيْنِىْ وَبَيْنَ خَلْقِكَ اَللّٰهُمَّ مَا كَانَ لَكَ مِنْهَا فَاغْفِرْهُ لِى وَمَا كَانَ مِنْهَا لِخَلْقِكَ فَتَحَمَّلْهُ عَنِّى وَاَغْنِنِىْ بِحَلَالِكَ عَنْ حَرَامِكَ وَبِطَاعَتِكَ عَنْ مَعْصِيَتِكَ وَبِفَضْلِكَ عَمَّنْ سِوَاكَ يَا وَاسِعَ الْمَغْفِرَةِ اَللّٰهُمَّ اِنَّ بَيْتَكَ عَظِيْمٌ وَوَجْهَكَ كَرِيْمٌ وَاَنْتَ يَااللهُ حَلِيْمٌ كَرِيْمٌ عَظِيْمٌ تُحِبُّ الْعَفْوَ فَاعْفُ عَنِّىْ»

دعای چرخ هفتم :«اَللّٰهُمَّ اِنِّىْ اَسْأَلُكَ اِيْمَانًا كَامِلًا وَيَقِيْنًا صَادِقًا وَرِزْقًا وَاسِعًا وَقَلْبًا خَاشِعًا وَلِسَانًا ذَاكِرًا وَحَلَالًا طَيِّبًا وَتَوْبَةً نَصُوْحًا وَتَوْبَةً قَبْلَ الْمَوْتِ وَرَاحَةً عِنْدَ الْمَوْتِ وَمَغْفِرَةً بَعْدَ الْمَوْتِ وَالْعَفْوَ عِنْدَ الْحِسَابِ وَالْفَوْزَ بِالْجَنَّةِ وَالنَّجَاةَ مِنَ النَّارِ

بِرَحْمَتِكَ يَا عَزِيْزُ يَا غَفَّارُ رَبِّ زِدْنِی عِلْمًا وَاَلْحِقْنِی بِالصَّالِحِيْنَ»در چرخ هفتم پس از لمس حجرالاسود، خود را به **ملتزم**[1] که بین حجرالاسود و در بیت شریف است چسبانیده، به زاری و نیاز بخواند: اَللّٰهُمَّ يَا رَبَّ الْبَيْتِ الْعَتِيْقِ اَعْتِقْ رِقَابَنَا وَرِقَابَ آبَائِنَا وَاُمَّهَاتِنَا وَجِيْرَانِنَا مِنَ النَّارِ يَا ذَالْجُوْدِ وَالْكَرَمِ وَالْفَضْلِ وَالْمَنِّ وَالْعَطَاءِ وَالْاِحْسَانِ اَللّٰهُمَّ اَحْسِنْ عَاقِبَتَنَا فِی اُمُوْرِ كُلِّهَا وَاَجِرْنَا مِنْ خِزْیِ الدُّنْيَا وَعَذَابِ الْآخِرَةِ اَللّٰهُمَّ اِنِّی عَبْدُكَ وَابْنُ عَبْدِكَ وَاقِفٌ تَحْتَ بَابِكَ مُلْتَزِمٌ بِاَعْتَابِكَ مُتَذَلِّلٌ بَيْنَ يَدَيْكَ اَرْجُو رَحْمَتَكَ وَاَخْشَى عَذَابَكَ يَا قَدِيْمَ الْاِحْسَانِ اَللّٰهُمَّ اِنِّی اَسْاَلُكَ اَنْ تَرْفَعَ ذِكْرِیْ وَتَضَعَ وِزْرِیْ وَتُصْلِحَ اَمْرِیْ وَتُطَهِّرَ قَلْبِیْ وَتُنَوِّرَ لِیْ فِیْ قَبْرِیْ وَتَغْفِرَلِیْ ذَنْبِیْ وَاَسْاَلُكَ الدَّرَجَاتِ الْعُلَى مِنَ الْجَنَّةِ آمين.

تذکر: بعد از ختم طواف، اضطباع (یعنی انداختن پارچه را بر بدن خود به صورتی که شانه راست برهنه باشد و شانه چپ پوشیده) را ترک کند و شانه را پوشانده، نماز طواف را ادا کند. اضطباع و رمل (پهلوانی) فقط در طوافی است که بعد از آن سعی باشد و در هر احرام چه به نیت عمره و چه به نیت حج یک سعی است، طوافهای نفلی سعی ندارد .

نماز مقام ابراهیم عليه السلام [2]

وقتی که چرخ هفتم تمام شد نزدیک مقام ابراهیم دو رکعت نماز ادا کند و در صورت ازدحام هر جای مسجد که میسر شد ادا کند و بعد از نماز دعا کند مستحب دعای آدم عليه السلام است و آن این است:

اَللّٰهُمَّ اِنَّكَ تَعْلَمُ سِرِّیْ وَعَلَانِيَتِیْ فَاقْبَلْ مَعْذِرَتِیْ وَتَعْلَمُ حَاجَتِیْ فَاَعْطِنِیْ سُؤْلِیْ وَتَعْلَمُ مَافِیْ نَفْسِیْ فَاغْفِرْلِیْ ذُنُوْبِیْ اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْاَلُكَ اِيْمَانًا يُبَاشِرُ قَلْبِیْ وَ يَقِيْنًا صَادِقًا حَتّٰى اَعْلَمَ اَنَّهُ لَايُصِيْبُنِیْ اِلَّا مَا كَتَبْتَ لِیْ رِضًا مِنْكَ بِمَا قَسَمْتَ لِیْ اَنْتَ وَلِيِّیْ فِی الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ تَوَفَّنِیْ مُسْلِمًا وَ اَلْحِقْنِی بِالصَّالِحِيْنَ اَللّٰهُمَّ لَا تَدَعْ لَنَا فِیْ مَقَامِنَا

۱- دیوار درمیان سنگ حجرالاسود و دروازه بیت الله که خود را به آن چسبانیده ودعا خواستن مسنون است.

۲ -. سنگ بهشتی است که حضرت ابراهیم(ع) بر آن ایستاده بیت الله را بنا کرده بود، دراین ایام داخل مطاف شده است

هَذَا ذَنْبًا اِلّا غَفَرْتَهُ وَ لَا هَمًّا اِلّا فَرَّجْتَهُ وَ لَا حَاجَةً اِلّا قَضَيْتَهَا وَ يَسَّرْتَهَا فَيَسِّرْاُمُوْرَنَا وَاشْرَحْ صُدُوْرَنَا وَنَوِّرْ قُلُوْبَنَا وَ اخْتِمْ بِالصَّالِحَاتِ اَعْمَالَنَا اَللّهُمَّ تَوَفَّنَا مُسْلِمِيْنَ وَ اَلْحِقْنَا بِالصَّالِحِيْنَ غَيْرَ خَزَايَا وَلَا نَادِمِيْنَ،آمين ، **سپس لمس حجر نموده ، داخل حطیم به نزد حجر اسماعیل** **رفته این دعا را بخواند:** اَللّهُمَّ اَنْتَ رَبِّیْ لَا اِلَهَ اِلّا اَنْتَ خَلَقْتَنِیْ وَاَنَا عَبْدُكَ وَاَنَا عَلَى عَهْدِكَ وَ وَعْدِكَ مَا اسْتَطَعْتُ أَعُوْذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا صَنَعْتُ أَبُوْءُ لَكَ بِنِعْمَتِكَ عَلَيَّ وَأَبُوْءُ بِذَنْبِیْ فَاغْفِرْلِیْ فَإِنَّهُ لَايَغْفِرُالذُّنُوْبَ اِلّا اَنْتَ اَللّهُمَّ اِنِّی أَسْأَلُكَ مِنْ خَيْرِ مَا سَأَلَكَ بِهِ عِبَادُكَ الصَّالِحُوْنَ وَأَعُوْذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَااسْتَعَاذَكَ بِهِ عِبَادُكَ الصَّالِحُوْنَ ،اَللّهُمَّ بِاَسْمَائِكَ الْحُسْنَى وَ صِفَاتِكَ الْعُلْيَا طَهِّرْ قُلُوْبَنَا مِنْ كُلِّ وَصْفٍ يُبَاعِدُنَا عَنْ مُشَاهَدَتِكَ وَ مَحَبَّتِكَ وَأَمِتْنَا عَلَى السُّنَّةِ وَالْجَمَاعَةِ وَالشَّوْقِ اِلَى لِقَائِكَ يَا ذَاالْجَلَالِ وَالْاِكْرَامِ،اَللّهُمَّ نَوِّرْ بِالْعِلْمِ قَلْبِیْ وَاسْتَعْمِلْ بِطَاعَتِكَ بَدَنِیْ وَخَلِّصْ مِنَ الْفِتَنِ سِرِّیْ وَاشْغَلْ بِالْاِعْتِبَارِ فِكْرِیْ وَقِنِیْ شَرَّ وَسَاوِسِ الشَّيْطَانِ،وَأَجِرْنِیْ مِنْهُ يَارَحْمَانُ،حَتَّى لَا يَكُوْنَ لَهُ عَلَيَّ سُلْطَانٌ ،رَبَّنَا إِنَّنَا آمَنَّا فَاغْفِرْ لَنَا ذُنُوْبَنَا وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ، **بعد به زمزم رفته ، از آبش وضو سازد و بیاشامد وبگوید:** «اَللّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُكَ عِلْمًا نَافِعًا وَرِزْقًا وَاسِعًا وَشِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَ سُقْمٍ»

طواف قدوم

این طواف برای کسانی که از زمین حل (غیر حرم) می آیند سنت است وقت طواف قدوم از زمان ورود به مکه تا وقت وقوف عرفات است، هرگاه وقوف عرفه شروع شد، وقت این طواف تمام می شود.

سعی[1] بین صفا [2] و مروه[3]

سعی بین صفا ومروه از واجبات است. وقتی که آب زمزم را نوشید،قصد رفتن به سعی رابکند، اول استلام حجرالاسود کند و متوجه صفا شود و در حال بالا رفتن

۱- درمیان صفا ومروه هفت مرتبه به طریق مخصوص رفت وآمد کردن.

۲- نزدیک کعبه شریف به جانب جنوب یک کوهی است که سعی از آن شروع می شود.

۳- نزدیک گوشه شمال شرقی بیت الله نام یک کوه کوچکی است که سعی برآن ختم می شود.

به صفا این آیه را بخواند:

﴿ اِنَّ الصَّفَا وَالْمَرْوَةَ مِنْ شَعَائِرِ اللهِ فَمَنْ حَجَّ الْبَيْتَ اَوِاعْتَمَرَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِ اَنْ يَّطَّوَّفَ بِهِمَا وَمَنْ تَطَوَّعَ خَيْراً فَاِنَّ اللهَ شَاكِرٌعَلِيْمٌ ﴾[1]، **در بالای صفا رو به کعبه دستها را بلند کرده ((الله اکبر، ولااله الاالله)) و درود بخواند و از صفا پایین آمده، به سمت مروه برود. چون به دو میل سبز رسد که فعلاً ستونهای آن سبز رنگ است در بین صفا ومروه، تا دو ستون سبز دیگر بدود و بقیه را به عادت خود برود تا پای تپهٔ مروه از آنجا کریمهٔ((اِنَّ الصَّفَا وَالْمَرْوَةَ)) را بخواند تا به بالای تپهٔ مروه برسد در آنجا نیز متوجه کعبه، دست بلند کرده، تکبیر و تهلیل و صلوات بخواند. تا اینجا یک چرخ به شمار می آید سپس پایین آمده، برود به سوی صفا و در بین دو ستون سبز بدود و بقیه را به رفتار عادی برود تا « ان الصفا » خوانده، بالا شود بر صفا و افعال گذشته را انجام دهد؛ چرخ دوم تکمیل می شود به این ترتیب هفت چرخ را کامل کند که شروع از صفا و خاتمه در مروه است و در صورت توانایی در رفت و آمد بین صفا و مروه این دعا را بخواند :** اللهُ اَكْبَرُ كَبِيْراً ،وَالْحَمْدُ لِلّهِ كَثِيْراً ،وَسُبْحَانَ اللهِ الْعَظِيْمِ ، وَبِحَمْدِهِ الْكَرِيْمِ ،بُكْرَةً وَاَصِيلًا،وَمِنَ اللَّيْلِ فَاسْجُدْ لَهُ وَسَبِّحْهُ لَيْلًا طَوِيْلًا ،لَااِلَهَ اِلَّا اللّهُ وَحْدَهُ اَنْجَزَ وَعَدَهُ وَنَصرَ عَبْدَهُ وَهَزَمَ الْاَحْزَابَ وَحْدَهُ لَاشَيْءَ قَبْلَهُ وَلَا بَعْدَهُ يُحْيِي وَيُمِيْتُ وَهُوَ حَيٌّ دَائِمٌ لَا يَمُوْتُ وَلَا يَفُوْتُ اَبَداً بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَاِلَيْهِ الْمَصِيْرُ وَهُوَ عَلى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيْرٌ رَبِّ اغْفِروَارْحَمْ وَاعْفُ وَتَكَرَّمْ وَتَجَاوَزْ عَمَّا تَعْلَمُ ،اِنَّكَ تَعْلَمُ مَالَا نَعْلَمُ،اِنَّكَ اَنْتَ اللهُ الْاَعَزُّ الْاَكْرَمُ،رَبَّنَا نَجِّنَا مِنَ النَّارِ سَالِمِيْنَ غَانِمِيْنَ فَرِحِيْنَ مُسْتَبْشِرِيْنَ مَعَ عِبَادِكَ الصَّالِحِيْنَ مَعَ الَّذِيْنَ اَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّيْنَ وَالصِّدِّيْقِيْنَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِيْنَ،وَحَسُنَ اُوْلَئِكَ رَفِيْقًا ذَلِكَ الْفَضْلُ مِنَ اللهِ وَكَفَى بِاللهِ عَلِيْمًا، لَا اِلَهَ اِلَّا اللهُ حَقًّا حَقًّا،لَا اِلَهَ اِلَّا اللهُ تَعَبُّداً وَ رِقًّا لَا اِلَهَ اِلَّااللهُ وَلَانَعْبُدُ اِلَّا اِيَّاهُ،مُخْلِصِيْنَ لَهُ الدِّيْنَ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُوْنَ،لَا اِلَهَ اِلَّا اللهُ الْوَاحِدُ الْفَرْدُالصَّمَدُ الَّذِى لَمْ يَتَّخِذْ صَاحِبَةً

۱- آیه ۱۵۸جزء ۲ سوره بقره

وَلَا وَلَداً وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيْكٌ فِى الْمُلْكِ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِىٌّ مِنَ الذُّلِّ وَكَبِّرْهُ تَكْبِيْراً، اَللّٰهُمَّ اِنَّكَ قُلْتَ فِى كِتَابِكَ الْمُنَزَّلِ اُدْعُوْنِى اَسْتَجِبْ لَكُمْ دَعَوْنَاكَ رَبَّنَا كَمَا اَمَرْتَنَا فَاغْفِرْلَنَا كَمَا وَعَدْتَنَا اِنَّكَ لَا تُخْلِفُ الْمِيْعَادَ،رَبَّنَا اِنَّنَا سَمِعْنَا مُنَادِيًا يُنَادِىْ لِلْاِيْمَانِ اَنْ آمِنُوْا بِرَبِّكُمْ فَآمَنَّا رَبَّنَا فَاغْفِرْلَنَا ذُنُوْبَنَا وَكَفِّرْ عَنَّا سَيِّئَاتِنَا وَتَوَفَّنَا مَعَ الْاَبْرَارِ،رَبَّنَا وَآتِنَا مَا وَعَدْتَنَا عَلى رُسُلِكَ وَلَا تُخْزِنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ،اِنَّكَ لَا تُخْلِفُ الْمِيْعَادَ،رَبَّنَا عَلَيْكَ تَوَكَّلْنَا وَاِلَيْكَ اَنَبْنَا وَاِلَيْكَ الْمَصِيْرُ،رَبَّنَا اغْفِرْلَنَا وَلِاِخْوَانِنَا الَّذِيْنَ سَبَقُوْنَا بِالْاِيْمَانِ وَلَا تَجْعَلْ فِى قُلُوْبِنَا غِلًّا لِلَّذِيْنَ آمَنُوْا رَبَّنَا اِنَّكَ رَؤُوْفٌ رَّحِيْم،رَبَّنَا اَتْمِمْ لَنَا نُوْرَنَا وَاغْفِرْ لَنَا اِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَىْءٍ قَدِيْرٌ،اَللّٰهُمَّ اِنِّى اَسْأَلُكَ الْخَيْرَ كُلَّهُ عَاجِلَهُ وَآجِلَهُ وَاَسْتَغْفِرُكَ لِذَنْبِىْ وَاَسْئَلُكَ رَحْمَتَكَ رَبِّ زِدْنِى عِلْمًا وَلَا تُزِغْ قَلْبِىْ بَعْدَ اِذْ هَدَيْتَنِىْ وَهَبْ لِى مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً،اِنَّكَ اَنْتَ الوَهَّابُ،اَللّٰهُمَّ عَافِنِىْ فِى سَمْعِىْ وَبَصَرِىْ لَااِلَهَ اِلَّا اَنْتَ سُبْحَانَكَ اِنِّى كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِيْنَ،اَللّٰهُمَ اِنِّىْ اَعُوْذُ بِكَ مِنَ الْكُفْرِ وَالْفَقْرِ،اَللّٰهُمَّ اِنِّىْ اَعُوْذُ بِرِضَاكَ مِنْ سَخَطِكَ وَبِمَعَافَاتِكَ مِنْ عُقُوْبَتِكَ وَاَعُوْذُ بِكَ مِنْكَ لَا اُحْصِىْ ثَنَاءً عَلَيْكَ اَنْتَ كَمَا اَثْنَيْتَ عَلى نَفْسِكَ فَلَكَ الْحَمْدُ حَتّى تَرْضَى اَللّٰهُمَّ اِنِّى اَسْئَلُكَ مِنْ خَيْرِ مَا تَعْلَمُ وَاَعُوْذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا تَعْلَمُ وَاَسْتَغْفِرُكَ مِنْ كُلِّ مَا تَعْلَمُ اِنَّكَ تَعْلَمُ مَالَا نَعْلَمُ وَاَنْتَ عَلَّامُ الْغُيُوْبِ،لَااِلَهَ اِلَّااللهُ الْمَلِكُ الْحَقُّ الْمُبِيْنُ،مُحَمَّدٌ رَّسُوْلُ اللهِ الصَّادِقُ الْوَعْدِ الْاَمِيْنُ،اَللّٰهُمَّ اِنِّى اَسْئَلُكَ كَمَا هَدَيْتَنِىْ لِلْاِسْلَامِ اَنْ لَا تَنْزِعَهُ مِنِّىْ حَتّى تَتَوَفَّانِىْ وَاَنَا مُسْلِمٌ، اَللّٰهُمَّ اجْعَلْ فِى قَبْرِىْ نُوْراً وَفِى سَمْعِى نُوْراً وَفِى بَصَرِىْ نُوْراً،اَللّٰهُمَّ اشْرَحْ لِى صَدْرِىْ وَيَسِّرْ لِى اَمْرِىْ وَاَعُوْذُبِكَ مِنْ شَرِّ وَسَاوِسِ الصَّدْرِ وَ شَتَاتِ الْاَمْرِ وَفِتْنَةِ الْقَبْرِ، اَللّٰهُمَّ اِنِّىْ اَعُوْذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا يَلِجُ فِىْ اللَّيْلِ وَشَرِّ مَا يَلِجُ فِى النَّهَارِ وَمِنْ شَرِّ مَا تَهُبُّ بِنَاالرِّيَاحُ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِيْنَ،سُبْحَانَكَ مَا عَبَدْنَاكَ حَقَّ عِبَادَتِكَ سُبْحَانَكَ مَا ذَكَرْنَاكَ حَقَّ ذِكْرِكَ يَا اَللهُ سُبْحَانَكَ مَا شَكَرْنَاكَ حَقَّ شُكْرِكَ

يَاالله سُبْحَانَكَ مَا اَعْلَى شَأْنُكَ يَا اَلله،اَللّهُمّ حَبِّبْ اِلَيْنَاالْاِيْمَانَ وَزَيِّنْهُ فِيْ قُلُوْبِنَا وكَرّهْ اِلَيْنَا الْكُفْرَ وَالْفُسُوْقَ وَالْعِصْيَانَ،واجْعَلْنَا مِنَ الرّاشِدِيْنَ،اَللّهُمّ قِنَا عَذَابَكَ يَوْمَ تَبْعَثُ عِبَادَكَ اَللّهُمّ اهْدِنِيْ بِالْهُدَى وَنَقِّنِيْ بِالتّقْوَى وَاغْفِرْلِي فِي الْآخِرَةِ وَالْاُولَى اَللّهُمّ ابْسُطْ عَلَيْنَا مِنْ بَرَكَاتِكَ وَرَحْمَتِكَ وَفَضْلِكَ وَرِزْقِكَ اَللّهُمّ اِنّيْ اَسْأَلُكَ النّعِيْمَ الْمُقِيْمَ الّذِيْ لَا يَحُوْلُ وَلَا يَزُوْلُ اَبَدًا،اَللّهُمّ اِنّيْ عَائِذٌ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا اَعْطَيْتَنَا وَ مِنْ شَرِّ مَا مَنَعْتَنَا اَللّهُمّ تَوَفّنَا مُسْلِمِيْنَ،واَلْحِقْنَا بِالصّالِحِيْنَ،غَيْرَ خَزَايَا وَلَا مَفْتُوْنِيْنَ،رَبِّ يَسِّرْ وَلَا تُعَسِّرْ وَرَبِّ اَتْمِمْ بِالْخَيْرِ،رَبّنَا تَقَبّلْ مِنّا وَعَافِنَا وَاعْفُ عَنّا وَعَلَى طَاعَتِكَ وَشُكْرِكَ اَعِنّا وَعَلَى غَيْرِكَ لَا تَكِلْنَا وَعَلَى الْاِيْمَانِ وَالْاِسْلَامِ الْكَامِلِ جَمْعًا تَوَفّنَا وَاَنْتَ رَاضٍ عَنّا اَللّهُمّ ارْحَمْنِيْ بِتَرْكِ الْمَعَاصِيْ اَبَدًا مَا اَبْقَيْتَنِيْ وَارْحَمْنِيْ اَنْ اَتَكَلّفَ مَالَا يُعْنِيْنِيْ وَارْزُقْنِيْ حُسْنَ النّظَرِ فِيْمَا يُرْضِيْكَ عَنّيْ يَا اَرْحَمَ الرّاحَمِيْنَ.**و همیشه دربین دو ستون سبز**«رَبِّ اغْفِرْوَارْحَمْ» **را تا** «اَعَزُّ الْاَكْرَمُ»**را بخواند بعد از تمام شدن هفت چرخ صفا ومروه، در داخل مسجد دو رکعت نماز شکرانه ادا کند. در اینجا طواف قدوم حاجی مفرد تمام می شود (عمره متمتع وقارن هم تمام می شود).**

حکم سعی

سعی بین صفا و مروه بر عمره کننده و حاجی چه قران باشد و چه مفرد و چه متمتع واجب بوده و ترک آن موجب دم است.

کیفیت سعی

سعی هم مانند طواف هفت شوط[1] یعنی هفت بار گردیدن است بطوری که از صفا شروع و به مروه ختم گردد که رفتن از صفا به مروه یک شوط و آمدن از مروه به صفا شوط دیگری حساب می گردد.

تذکر :

۱- فاصله بین صفا و مروه منطقه ای است که ابتدا و انتهای آن دو چراغ سبز رنگ نشانی شده در این فاصله باید قدری تندتر از حالت عادی برود.

۲- به استثنای این فاصله مخصوص بقیه راه را به طور عادی برود.

۱- به چهار طرف بیت الله هفت بار دور می زنند هر دور را یک شوط گویند.

۳- مستحب است که شخص هنگام رسیدن به صفا و مروه خود را تا قسمت بالایی آن رسانده و بعداً روی خود را به طرف خانه مشرفه نموده و بعد از بالا کردن دستها تکبیر گفته و بعد به جانب دیگر سعی نماید.

شروط سعی[1]

مانند طواف برای سعی نیز شروطی است که در صورت فوت شدن حتی یکی از آنها، سعی باطل می گردد و عبارتند از :

۱- سعی در مسیر معین صفا و مروه، یعنی شخص هنگام سعی از مسیر معین صفا و مروه خارج نشود و اگر خارج شد و قسمت زیادتر سعیش در خارج این مسیرشد، سعیش باطل است.

۲- مسبوق بودن به طواف صحیح، پیش ازسعی، طواف صحیح انجام داده باشد.

۳- ابتدا کردن از صفا و ختم نمودن به مروه، اگر کسی برعکس سعی کرد سعیش باطل است گر چه که بعضی از فقها گفته اند که ترتیب مذکور واجب است نه شرط به این معنی که اگر از مروه شروع کرد یا باید همان شوط را دوباره انجام دهد و یا آنکه برای جبران آن بروی دم لازم می گردد و سعیش صحیح است.

۴- انجام دادن اکثر آن، یعنی باید که اقلاً چهار شوط را از هفت شوط انجام دهد؛ اگر کمتر انجام داد، سعیش باطل است.

۵- مسبوق بودن به احرام، یعنی پیش از سعی به احرام چه احرام حج و یا عمره داخل شده باشد.

واجبات سعی

سعی هم دارای واجباتی است که عبارتند از :

۱- تکمیل کردن هفت شوط، اگر کسی هفت شوط را کامل نکرد از ترک هر شوط به وی صدقه لازم وسعیش ادا گردیده است.

۲- با پای سعی نمودن، درصورتی که عذری نداشته باشد. اگرعذری داشت جایز است به هرشکلی که میسر است سعی نماید و بر وی چیزی لازم نیست و سعیش صحیح است.

۳- درحالت احرام بودن در سعی عمره.

۱- در میان صفا ومروه هفت مرتبه به طریق مخصوص رفت وآمد کردن.

۴- طی کردن همه مسافت، اگر به مروه نارسیده به طرف صفا بازگشت بروی صدقه لازم است و سعیش ناقص ادا می گردد. این در صورتی است که این عمل در بعضی از شوطها صورت گیرد و اگر در همه شوطها یا در اکثرشان تکرارشد سعیش باطل و باید دوباره انجام دهد و یا بر وی دم لازم می گردد.

سنتهای سعی

ترک سنتها سبب نقصان سعی می شود ولی موجب دم یا صدقه نمی گردد و عبارتند از :

۱- عدم تاخیر بین طواف و سعی، یعنی‌سنت است بعد از انجام دادن طواف بدون معطلی شروع به سعی‌نماید و تأخیر نمودن سعی از طواف بدون ضرورت سبب ملامتی بوده و سعی را ناقص می کند.

۲- رسیدن تا قسمت بالایی صفا و مروه

۳- پیاپی سعی نمودن، یعنی بین شوطها فاصله و تأخیر نیاندازد.

۴- شتابان رفتن بین دو چراغ سبز[1]

۵- با وضو بودن هنگام سعی

۶- نیت کردن در ابتدای سعی

مستحبات سعی

۱- ذکر ودعا

۲- پاک بودن جامه وبدن

۳- خشوع و فروتنی و به یاد خدا مشغول بودن

۴- ادای دو رکعت نماز بعد ازختم سعی، یعنی بعد ازختم سعی مستحب است که دو رکعت نماز بخواند. و مستحب است که در مسجدالحرام ادا نماید.

مکروهات سعی

۱- ترک سنتی از سنتهای سعی

۲- خرید و فروش هنگام سعی

۳- خوردن و آشامیدن، مگر در وقت غلبه تشنگی

۴- حرف زدن بدون ضرورت

---

[1] - مابین صفا ومروه حصه ای که حالا هردو طرف بر دیوارها با رنگ سبز نشان شده ومهتابی های سبز رنگ روشن است.

۵- اشتغال به امور غیر ضروری

بعد از طواف وسعی، مفرد چه کار کند؟

بعد از طواف و سعی حاجی مفرد به حالت احرام در مکه قیام کند و هر اندازه که می تواند طواف نفل به جای آورد زیرا برای آفاقی(غیر اهل حرم) طواف نفل از نماز بهتر است ولی برای اهل مکه در ایام حج، نماز نفل از طواف نفل افضلتر است، در طوافهای نفل اضطباع، رمل و استلام بعد از طواف نیست زیرا این گونه طوافها سعی بین صفا و مروه ندارد.

مقصد پنجم : دربیان حج فرض و وقوف به عرفات

شروع افعال حج در منی[1] و عرفات

روز هفتم ذی الحجه بعد از نماز ظهر امام خطبه می خواند و در آن مسائل حج را به مردم گوشزد می کند، این خطبه سنت است، روزهشتم ذی الحجه بعد از طلوع آفتاب بسوی منا برود، در وقت بیرون شدن از مکه این دعا را بخواند:

((اَللّٰهُمَّ إِيَّاكَ أَرْجُوْ وَ إِيَّاكَ أَدْعُوْ وَ اِلَيْكَ أَرْغَبُ اَللّٰهُمَّ بَلِّغْنِیْ صَالِحَ عَمَلِیْ وَ اَصْلِحْ لِیْ فِیْ ذُرِّيَّتِیْ)) وقت داخل شدن درمنا بخواند:((اَللّٰهُمَّ هَذِهِ مِنًى وَهَذِهِ مَا دَلَّلْتَنَا عَلَيْهَا مِنَ الْمَنَاسِكِ فَمُنَّ عَلَيْنَا بِجَوَامِعِ الْخَيْرَاتِ وَ بِمَا مَنَنْتَ عَلى اِبْرَاهِيْمَ خَلِيْلِكَ عليه السلام وَ مُحَمَّد حَبِيْبِكَ ﷺ وَ بِمَا مَنَنْتَ بِهِ عَلىَ اَهْلِ طَاعَتِكَ فَاِنِّیْ عَبْدُكَ وَ نَاصِيَتِیْ بِيَدِكَ جِئْتُ طَالِبًا مَرْضَاتِكَ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِیْ بَلَّغَنِيْهَا سَالِمًا مُعَافًى اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ أَسْأَلُكَ اَنْ تَمُنَّ عَلَیَّ بِمَا مَنَنْتَ عَلَى اَوْلِيْائِكَ اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ أَعُوْذُبِكَ مِنَ الْحِرْمَانِ وَالْمُصِيْبَةِ فِیْ دِيْنِیْ وَ دُنيَایَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِيْنَ وَصَلَّى اللهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَ عَلَى آلِهِ وَ صَحْبِهِ وَ سَلَّمَ))، باقی وقت را به دعا و درود و تلبیه صرف کند و باید دانست که تلبیه همیشه در مکه و منا و عرفات و مزدلفه مستحسن است تا شروع جمرهٔ عقبه در روز عید که در آن وقت تکبیر قائم مقام تلبیه گردد. و شب نهم را در منا بگذراند، زیرا این امر سنت است بعد از آن روز نهم ذی الحجه هنگامی که صبح خوب روشن شود که در اصطلاح اسفار گفته می شود و نماز صبح را در منا

---

[1]- میدانی است وسیع مابین دو کوه (جبل ضب وجبل ثبیر) به فاصله سه میل در شرق مکه واقع است.

ادا کند و چون خورشید بیرون آید از راه ضب تلبیه و تکبیر گویان بسوی عرفات به راه افتد (ضب نام کوهی است که متصل مسجد خیف به منا واقع است)، درتاریخ هشتم مستقیماًبه عرفات رفتن خلاف سنت است زیرا شب را در منا گذراندن و نمازهای پنجگانه را از ظهر روزهشتم تا بامداد نهم در آنجا اقامه کردن سنت است.

وقوف عرفات

بعد از نماز از مسجد بیرون شده به محل قیام خود در عرفات برود، افضل آن است که امام سوار و مقتدیان دور او پیاده حرکت کنند بعضی علما سوار بودن مقتدیان را نیز افضل گفته اند، نزدیک جبل رحمت، قریب امام هر مقدار که قرب میسر شود بهتر است رو به قبله بایستد و یا بنشیند وقوف ادا می شود، فقط این امر ضروری است که در موقف[1] باشد، سرزمین عرفات همه آن موقف است بجز بطن عرنه که یک وادی است در جانب غربی مسجد عرفه که مسجد نمره نامیده می شود. در منطقۀ عرنه قیام نکند این وادی بیرون از حد عرفات و قسمتی از حرم است، اگر کسی در این وادی قیام کند، معتبر نیست، در عرفات حاضر شود و به درود و ذکر الله و خواندن دعاهای مأثوره مشغول شود. لازم به ذکر است که حرکت به سوی عرفات به همراه امام یا نائب امام واجب، وقوف به عرفه فرض است و در صورتی که فوت شود حج ادا نمی گردد.

مستحب است که حاجی در روز نهم ذی الحجه که روز عرفه، بعد از اینکه نماز فجر را در منی ادا کرد به ذکر و دعا مشغول گردیده و انتظار بکشد تا اینکه آفتاب طلوع کند، بعد از طلوع آفتاب تلبیه و تکبیر گویان با آرامش دل و وقار به طرف عرفات حرکت نمایند .

ادعیۀ مأثوره در عرفات : ((لَاإِلَهَ إِلَّااللهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيْكَ لَهُ،لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ يُحْيِي وَيُمِيْتُ وَهُوَ حَيٌّ لَا يَمُوْتُ بِيَدِهِ الْخَيْرُوَهُوَعَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيْرٌ ، اَللّٰهُمَّ إِنَّكَ وَفَّقْتَنِي وَحَمَلْتَنِي عَلَى مَا سَخَّرْتَ لِيْ حَتّٰى بَلَّغْتَنِيْ بِإِحْسَانِكَ إِلَى زِيَارَةِ بَيْتِكَ وَالْوُقُوْفِ عِنْدَ هَذَا الْمَشْعَرِ الْعَظِيْمِ، اِقْتِدَاءً بِسُنَّةِ خَلِيْلِكَ وَاقْتِفَاءً لِآثَارِ خِيَرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ (ص)وَإِنَّ لِكُلِّ ضَيْفٍ قِرًى وَلِكُلِّ وَفْدٍ جَائِزَةً وَلِكُلِّ زَائِرٍكَرَامَةً

۱- محل وقوف مراد از آن محل قیام برای دعا در عرفات در مزدلفه است.

وَلِكُلِّ سَائِلٍ عَطِيّةً وَ لِكُلِّ رَاجٍ ثَوَابًا وَلِكُلِّ مُلْتَمِسٍ لِمَا عِنْدَكَ جَزَاءً وَ لِكُلِّ رَاغِبٍ اِلَيْكَ زُلْفَى وَلِكُلِّ مُتَوَجِّهٍ اِلَيْكَ اِحْسَاناً وَقَدْ وَقَفْنَا بِهَذَا الْمَشْعَرِ الْعَظِيْمِ رَجَاءً لِمَا عِنْدَكَ فَلَا تُخَيِّبْ اِلَهَنَا رَجَاءَنَا فِيْكَ يَا سَيِّدَنَا يَا مُوْلَانَا يَا مَنْ خَضَعَتْ كُلُّ الْاَشْيَاءِ لِعِزَّتِهِ وَعَنَتِ الْوُجُوْهُ لِعَظَمَتِهِ اَللّهُمّ اِلَيْكَ خَرَجْنَا وَبِفَنَائِكَ اَنَخْنَا وَاِيَّاكَ اَمَّلْنَا وَمَا عِنْدَكَ طَلَبْنَا وَلِاِحْسَانِكَ تَعَرَّضْنَا وَلِرَحْمَتِكَ رَجَوْنَا وَمِنْ عَذَابِكَ اَشْفَقْنَاوَلِبَيْتِكَ الْحَرَامِ حَجَجْنَا يَا مَنْ يَمْلِكُ حَوَائِجَ السَّائِلِيْنَ،وَيَعْلَمُ ضَمَائِرَ الصَّامِتِيْنَ ،يَا مَنْ لَيْسَ مَعَهُ رَبٌّ يُدْعَى وَلَااِلَهَ يُرجَى وَلَا فَوْقَهُ خَالِقٌ يُخْشَى وَلَا وَزِيْرٌ يُؤْتَى وَلَا حَاجِبٌ يُرْشَى يَا مَنْ لَا يَزْدَادُ عَلَى السُّؤَالِ اِلَّا كَرَمًا وَجُوْدًا وَعَلَى كَثْرَةِ الْحَوَائِجِ اِلَّا تَفَضُّلًا وَ اِحْسَانًا،اَللّهُمّ اِنّكَ تَرَى مَكَانِي وَتَسْمَعُ كَلَامِي وَتَعْلَمُ سِرِّي وَعَلَانِيَتِي وَلَا يَخْفَى عَلَيْكَ شَيْءٌ مِنْ اَمْرِي اَنَا الْبَائِسُ الْفَقِيْرُ الْمُسْتَغِيْثُ الْوَجِلُ الْمُشْفِقُ الْمُقِرُّ الْمُعْتَرِفُ بِذَنْبِهِ اَسْأَلُكَ مَسْأَلَةَ الْمِسْكِيْنِ وَاَبْتَهِلُ اِلَيْكَ ابْتِهَالَ الْمُذْنِبِ الذَّلِيْلِ وَاَدْعُوْكَ دُعَاءَالْخَائِفِ الضَّرِيْرِ،دُعَاءَمَنْ خَضَعَ لَكَ عُنُقُهُ وَذَلَّ لَكَ جَسَدُهُ وَفَاضَتْ لَكَ عَيْنَاهُ وَرَغَمَ لَكَ اَنْفُهُ لَا تَجْعَلْنِي رَبِّ شَقِيًّا وَكُنْ بِي رَؤُوْفًا رَحِيْمًا يَا خَيْرَ الْمَسْؤُوْلِيْنَ، وَيَا خَيْرَ الْمُعْطِيْنَ،رَبِّ اهْدِنَا بِالْهُدَى وَ زَيِّنَّا بِالتَّقْوَى وَاغْفِرْلَنَا فِي الْآخِرَةِ وَالْاُوْلَى اَللّهُمّ اجْعَلْ فِي قَلْبِي نُوْراً وَ فِي سَمْعِي نُوْراً وَ فِي بَصَرِي نُوْراً وَفِي لِسَانِي نُوْراً وَعَنْ يَمِيْنِي نُوْراً وَعَنْ يَسَارِي نُوْراً وَمِنْ فَوْقِي نُوْراً وَمِنْ تَحْتِي نُوْراً وَاجْعَلْ فِي نَفْسِي نُوْراً وَعَظِّمْ لِي نُوْراً ،رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي وَيَسِّرْ لِي اَمْرِي اَللّهُمّ اِنِّي اَسْأَلُكَ الْهُدَى وَالتُّقَى وَالْعَفَافَ وَالْغِنَى اَللّهُمّ اجْعَلْهُ حَجًّا مَبْرُوْراً وَذَنْبًا مَغْفُوْراً وَعَمَلًا صَالِحًا مَقْبُوْلًا، اَللّهُمّ اِنِّي قَدْ وَفَدْتُ اِلَيْكَ وَوَقَفْتُ بَيْنَ يَدَيْكَ فِي هَذَا الْمُوْضِعِ الشَّرِيْفِ رَجَاءً لِمَا عِنْدَكَ فَلَا تَجْعَلْنِي الْيَوْمَ اَخْيَبَ وَفْدِكَ فَاَكْرِمْنِي بِالْجَنَّةِ وَمُنَّ عَلَيَّ بِالْمَغْفِرَةِ وَالْعَافِيَةِ وَاَجِرْنِي مِنَ النَّارِ ،وَادْرَأْ عَنِّي شَرَّ خَلْقِكَ اِنْقَطَعَ الرَّجَاءُ اِلَّا مِنْكَ وَاُغْلِقَتِ الْاَبْوَابُ اِلَّا

بَابُكَ فَلَا تَكِلْنِىْ اِلَى اَحَدسِوَاكَ فِىْ اُمُوْرِ دِيْنِى وَدُنْيَاىَ طَرْفَةَ عَيْنٍ وَلَا اَقَلَّ مِنْ ذَلِكَ وَانْقُلْنِى مِنْ ذُلِّ الْمَعْصِيَةِ اِلَى عِزِّ الطَّاعَةِ وَنَوِّرْ قَلْبِى وَقَبْرِى وَاَعِذْنِى مِنَ الشَّرِّ كُلِّهِ وَاجْمَعْ لِىَ الْخَيْرَ كُلَّهُ يَا اَكْرَمَ مَنْ سُئِلَ وَاَجْوَدَ مَنْ اَعْطَى ،اَللّٰهُمَّ اجْعَلْ خَيْرَ عُمْرِى آخِرَهُ وَخَيْرَ عَمَلِى خَوَاتِمَهُ وَخَيْرَ اَيَّامِى يَوْمَ لِقَائِكَ اَللّٰهُمَّ ثَبِّتْنِى بِاَمْرِكَ وَاَيِّدْنِى بِنَصْرِكَ وَارْزُقْنِى مِنْ فَضْلِكَ وَنَجِّنِى مِنْ عَذَابِكَ يَوْمَ تَبْعَثُ عِبَادَكَ فَقَدْ اَتَيْتُكَ لِرَحْمَتِكَ رَاجِيًا وَعَنْ وَطَنِى نَائِيًا وَ لِنُسُكِى مُؤَدِّيًا وَلِفَرَائِضِكَ قَاضِيًا وَلِكِتَابِكَ تَالِيًا وَلَكَ رَاعِيًا وَ لِقَسْوَةِ قَلْبِى شَاكِيًا وَمِنْ ذَنْبِى خَاشِيًا وَلِنَفْسِى ظَالِمًا وَبِجُرْمِى عَالِمًا دُعَاءَ مَنْ جَمَعَتْ عُيُوبُهُ وَكَثُرَتْ ذُنُوبُهُ وَ تَصَرَّمَتْ آمَالُهُ وَبَقِيَتْ آثَامُهُ وَانْسَكَبَتْ دَمْعَتُهُ وَانْقَطَعَتْ مُدَّتُهُ دُعَاءَمَنْ لَا يَجِدُ لِنَفْسِهِ غَافِراً غَيْرَكَ وَلَا لِمَأْمُوْلِهِ مِنَ الْخَيْرَاتِ مُعْطِيًا سِوَاكَ وَلَا لِكَسْرِهِ جَابِراً اِلَّا اَنْتَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِيْنَ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللهِ الْعَلِىِّ الْعَظِيْمِ ،اَللّٰهُمَّ وَقَدْ دَعَوْتُكَ بِالدُّعَاءِ الَّذِى عَلَّمْتَنِيْهِ فَلَا تَحْرِمْنِى مِنَ الرَّجَاءِالَّذِى عَرَّفْتَنِيْهِ يَا مَنْ لَاتَنْفَعُهُ الطَّاعَةُ وَ لَا تَضُرُّهُ الْمَعْصِيَةُ وَمَا اَعْطَيْتَنِى مِمَّا اُحِبُّ فَاجْعَلْهُ لِى عَوْنًا فِيمَا تُحِبُّ وَاجْعَلْهُ لِى خَيْراً وَحَبِّبْ طَاعَتَكَ لِى وَالْعَمَلَ بِهَا كَمَا حَبَّبْتَهَا اِلَى اَوْلِيَاءِكَ حَتَّى رَأَوْا ثَوَابَهَا وَكَمَا هَدَيْتَنِى لِلْاِسْلَامِ فَلَا تَنْزِعْهُ مِنِّى حَتَّى تُقْبِضَنِى اِلَيْكَ وَاَنَا عَلَيْهِ اَللّٰهُمَّ حَبِّبْ اِلَىَّ الْاِيْمَانَ وَزَيِّنْهُ فِى قَلْبِى وَكَرِّهْ اِلَىَّ الْكُفْرَ وَالْفُسُوقَ وَالْعِصْيَانَ ،وَاجْعَلْنِى مِنَ الرَّاشِدِيْنَ اَللّٰهُمَّ اخْتِمْ لِى بِالْخَيْرَاتِ آجَالَنَا وَحَقِّقْ بِفَضْلِكَ آمَالَنَا وَسَهِّلْ لِبُلُوْغِ رِضَاكَ سُبُلَنَا وَحَسِّنْ فِى جَمِيْعِ الْاَحْوَالِ اَعْمَالَنَا يَا مُنْقِذَ الْغَرْقَى وَيَا مُنْجِىَ الْهَلْكَى يَا شَاهِدَ كُلِّ نَجْوَى يَا مُنْتَهَى كُلِّ شَكْوَى يَاقَدِيْمَ الْاِحْسَانِ ،يَا دَائِمَ الْمَعْرُوْفِ ،يَامَنْ رِزْقَ كُلِّ شَىْءٍعَلَيْهِ وَمَصِيْرُ كُلِّ شَىْءٍ اِلَيْهِ، اِلَيْكَ رُفِعَتْ اَيْدِى السَّائِلِيْنَ ،وَامْتَدَّتْ اَعْنَاقُ الْعَابِدِيْنَ ،نَسْأَلُكَ اَنْ تَجْعَلَنَا فِى كَنَفِكَ وَجُوْدِكَ وَحِرْزِكَ وَعِيَاذِكَ وَسِتْرِكَ وَاَمَانِكَ اَللّٰهُمَّ اِنَّا نَعُوْذُ بِكَ مِنْ جَهْدِ الْبَلَاءِ وَدَرَكِ الشَّقَاءِ

وَسُوءِالْقَضَاءِ وَشَمَاتَةِ الْاَعْدَاءِ وَسُوْءِ الْمَنْظَرِ وَالْمُنْقَلَبِ فِی الْمَالِ وَالْاَهْلِ وَالْوَلَدِ ، اَللّٰهُمّ لَاتَدَعْ لَنَافِی مَقَامِنَا هٰذَا ذَنْبًا اِلَّا غَفَرْتَهُ وَلَا هَمًّا اِلَّا فَرَّجْتَهُ وَلَا غَائِبًا اِلَّا رَدَدْتَهُ وَلَاكَرْبًا اِلَّا كَشَفْتَهُ وَلَا دَيْنًا اِلَّا قَضَيْتَهُ وَلَا عَدُوًّ اِلَّا كَفَيْتَهُ وَلَا فَسَاداً اِلَّا اَصْلَحْتَهُ وَلَا مَرِيضًا اِلَّا عَافَيْتَهُ وَلَا خَلّةً اِلَّا سَدَدْتَهَا وَلَا حَاجَةً مِنْ حَوَائِجِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ لَكَ فِيْهَا رِضىً وَلَنَا فِيْهَا صَلَاحٌ اِلَّا قَضَيْتَهَا فَاِنّكَ تَهْدِی السَّبِيْلَ وَتَجْبِرُالْكَسِيْرَ وَتُغْنِی الْفَقِيْرَ ، اَللّٰهُمّ لَا يَمْنَعُنِیْ مِنْكَ اَحَدٌ اِذَا اَرَدْتَنِیْ وَلَا يُعْطِيْنِیْ اَحَدٌ اِذَا حَرَمْتَنِیْ فَلَا تَحْرِمْنِی بِقِلّةِ شُكْرِیْ وَلَا تَخْذُلْنِی بِقِلّةِ صَبْرِیْ اَللّٰهُمّ اجْعَلِ الْمَوْتَ خَيْرَ غَائِبٍ نَنْتَظِرُهُ وَالْقَبْرَ خَيْرَ بَيْتٍ نُعَمِّرُهُ وَاجْعَلْ مَا بَعْدَهُ خَيْراً لّنَا مِنْهُ يَارَبِّ اغْفِرْلِی وَلِوَالِدَیَّ وَلِاَبْنَائِیْ وَلِاِخْوَانِیْ وَلِاَهْلِ بَيْتِی وَذُرِّيَتِیْ وَلِلْمُؤْمِنِيْنَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْمُسْلِمِيْنَ وَالْمُسْلِمَاتِ اَلْاَحْيَاءِمِنْهُمْ وَالْاَمْوَاتِ اَللّٰهُمّ اِنِّیْ اَسْاَلُكَ اِيْمَانًا يُبَاشِرُ قَلْبِی وَيَقِيْنًا صَادِقًا حَتّی اَعْلَمَ اَنّهُ لَا يُصِيْبُنِیْ اِلَّا مَا كَتَبْتَ لِیْ وَ اَرْضِنِیْ بِقَضَائِكَ وَاَعِنِّیْ عَلَی الدُّنْيَا بِالْعِفّةِ وَالْقَنَاعَةِ عَلَی الدِّيْنِ بِالطَّاعَةِ وَطَهِّرْ لِسَانِیْ مِنَ الْكِذْبِ وَقَلْبِی مِنَ النِّفَاقِ وَعَمَلِی مِنَ الرِّيَاءِ وَبَصَرِیْ مِنَ الْخِيَانَةِ فَاِنّكَ تَعْلَمُ خَائِنَةَ الْاَعْيُنِ وَمَا تُخْفِی الصُّدُوْرُ،اَللّٰهُمّ ارْحَمْ غُرْبَتِیْ فِی الدُّنْيَا وَمَصْرَعِیْ عِنْدَ الْمَوْتِ وَوَحْشَتِیْ فِی قَبْرِیْ وَمَقَامِیْ بَيْنَ يَدَيْكَ اَللّٰهُمّ اَنْتَ السّلَامُ وَمِنْكَ السّلَامُ تَبَارَكْتَ وَ تَعَالَيْتَ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْاِكْرَامِ،اَللّٰهُمّ اَنْتَ الْمَلِكُ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ وَاَنَا عَبْدُكَ ظَلَمْتُ نَفْسِیْ وَاعْتَرَفْتُ بِذَنْبِیْ فَاغْفِرْ لِیْ ذُنُوْبِیْ فَاِنّهُ لَا يَغْفِرُ الذُّنُوْبَ اِلَّا اَنْتَ وَاهْدِنِیْ لِاَحْسَنِ الْاَخْلَاقِ فَلَا يَهْدِیْ لِاَحْسَنِهَا اِلَّا اَنْتَ وَاصْرِفْ عَنِّیْ سَيِّئَهَافَاِنّهُ لَا يَصْرِفُ سَيِّئَهَا اِلَّا اَنْتَ لَبَّيْكَ وَ سَعْدَيْكَ ، وَ الْخَيْرُ كُلُّهُ بِيَدَيْكَ ، اَسْتَغْفِرُكَ وَاَتُوْبُ اِلَيْكَ، اَللّٰهُمّ اَحْيِنِیْ مَا عَلِمْتَ الْحَيوةَ خَيْراً لِیْ وَتَوَفّنِیْ اِذَا عَلِمْتَ الْوَفَاةَ خَيْراً لِی وَاهْدِنِیْ لِاَرْشَدِ اَمْرِیْ وَاَجِرْنِی مِنْ شَرِّ نَفْسِی،اَللّٰهُمّ اَحْسِنْ عَاقِبَتَنَا فِی الْاُمُوْرِ كُلِّهَا وَاَجِرْنَا مِنْ خِزْیِ الدُّنْيَا وَعَذَابِ الْآخِرَةِ وَارْحَمْ غُرْبَتِی فِی الدُّنْيَا وَتَضَرُّعِیْ عِنْدَ

الْمَوْتِ وَوَحْدَتِی فِی الْقَبْرِ وَمَقَامِی بَیْنَ یَدَیْكَ اللّٰهُمَّ اِنِّی اَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الطَّیِّبِ الطَّاهِرِ الْمُبَارَكِ الْاَحَبِّ اِلَیْكَ الَّذِیْ اِذَا دُعِیتَ بِهِ اَجَبْتَ وَاِذَا اسْتُرْحِمْتَ بِهِ رَحِمْتَ وَ اِذَا اسْتُفْرِجْتَ بِهِ فَرَّجْتَ اَنْ تُعِیْذَنِیْ مِنَ الْکُفْرِ وَالْفَقْرِ وَالْقِلَّةِ وَالْعِلَّةِ وَکَافَّةِ الْاَمْرَاضِ وَالْاَعْرَاضِ وَسَائِرِالْاَسْقَامِ وَالْآلَامِ،وَ اَسْأَلُكَ فَوَاتِحَ الْخَیْرِ وَخَوَاتِمَهُ وَجَوَامِعَهُ وَاَوَّلَهُ وَآخِرَهُ وَظَاهِرَهُ وَبَاطِنَهُ وَالدَّرَجَاتِ الْعُلَی،اللّٰهُمَّ اِنِّی اَسْأَلُكَ فَرَجًا قَرِیبًا وَنَصْرًا عَزِیْزًا وَصَبْرًا جَمِیْلًا وَفَتْحًا مُبِیْنًا وَعِلْمًا کَثِیْرًا نَافِعًا وَرِزْقًا وَاسِعًا مُبَارَکًا فِی عَافِیَةٍ بِلَا بَلَاءٍ وَاَسْأَلُكَ الْعَافِیَةَ مِنْ کُلِّ بَلِیَّةٍ وَاَسْأَلُكَ تَمَامَ الْعَافِیَةِ وَالشُّکْرَ عَلی الْعَافِیَةِ، اَللّٰهُمَّ اقْسِمْ لِی مِنْ خَشْیَتِكَ مَا تُحَوِّلُ بِهِ بَیْنِی وَبَیْنَ مَعاصِیْكَ وَمِنْ طَاعَتِكَ ما تُبَلِّغُنِیْ بِهِ جَنَّتَكَ وَمِنَ الْیَقِیْنِ مَا تُهَوِّنُ بِهِ عَلَیَّ مَصائِبَ الدُّنْیَا وَمَتِّعْنِیْ اَللّٰهُمَّ بِسَمْعِیْ وَبَصَرِیْ وَدِیْنِیْ وَاجْعَلْهُ الْوَارِثَ مِنِّیْ وَاجْعَلْ ثَأْرِیْ عَلَی مَنْ ظَلَمَنِیْ وَانْصُرْنِیْ عَلی مَنْ عَادانِیْ وَلَا تَجْعَلِ الدُّنْیَا اَکْبَرَ هَمِّیْ وَلَا مَبْلَغَ عِلْمِیْ وَلَا اِلَی النَّاسِ مَصِیْرِیْ اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْأَلُكَ بِنُوْرِكَ وَنُوْرِ وَجْهِكَ الْکَرِیْمِ،وَسُلْطَانِكَ الْعَظِیْمِ، تَوْبَةً صَادِقَةً وَاَوْبَةً خَالِصَةً وَاِنَابَةً کَامِلَةً وَمَحَبَّةً عالِیَةً وَشَوْقًا اِلَیْكَ وَرَغْبَةً فِیْمَا لَدَیْكَ وَفَرَجًا عَاجِلًا وَرِزْقًا وَاسِعًا وَلِسَانًا رَطْبًا بِذِکْرِكَ وَقَلْبًا مُنَعَّمًا بِشُکْرِكَ وَبَدَنًا هَیِّنًا لَیِّنًا بِطَاعَتِكَ وَاَعْطِنَا مَا لَا عَیْنٌ رَأَتْ وَ لَا اُذُنٌ سَمِعَتْ وَ لَا خَطَرَ عَلی قَلْبِ بَشَرٍ اَللّٰهُمَّ اِنَّا نَعُوْذُ بِكَ مِنَ الْفَقْرِ اِلَّا اِلَیْكَ وَمِنَ الذُّلِّ اِلَّا لَكَ وَمِنَ الْخَوْفِ اِلَّا مِنْكَ وَاَعُوْذُ بِكَ اَنْ اَقُوْلَ زُوْرًا اَوْ اَغْشَی فُجُوْرًا اَوْ اَکُوْنَ بِكَ مَغْرُوْرًا وَنَعُوْذُ بِكَ مِنْ شَمَاتَةِ الْاَعْدَاءِ وَعُضَالِ الدَّاءِ وَخَیْبَةِ الرَّجَاءِ وَزَوَالِ النِّعَمِ وَفُجَاءَةِ النِّقَمِ وَارْزُقْنَا حَلَاوَةَ مُنَاجَاتِكَ وَاسْلُكْ بِنَا سَبِیْلَ مَرْضَاتِكَ وَاقْطَعْ عَنَّا کُلَّ مَا یُبْعِدُنَا عَنْ خِدْمَتِكَ وَطَاعَتِكَ وَاَنْقِذْنَا مِنْ دَرَکَاتِنَا وَغَفَلَاتِنَا وَاَلْهِمْنَا رُشْدَنَا وَحَقِّقْ فِیْكَ قَصْدَنَا وَاسْتُرْنَا فِی دُنْیَانا وَآخِرَتِنَا وَاحْشُرْنَا فِی زُمْرَةِ الْمُتَّقِیْنَ وَاَلْحِقْنَا بِعِبَادِكَ الصَّالِحِیْنَ ،اَللّٰهُمَّ اجْعَلْنَا مِنَ الْاَئِمَّةِ الْاَبْرَارِ ، وَاَسْکِنَّا

مَعَهُمْ فِی دَارِالْقَرَآرِ،وَلَاتَجْعَلْنا مِنَ الْمُخَالِفِیْنَ الْفُجّارِ،وَوَفِّقْنَا لِحُسْنِ الْاِقْبَالِ عَلَیْكَ وَالْاِصْغَاءِ اِلَیْكَ وَالْمُبَادَرَةِ اِلَی خِدْمَتِكَ وَحُسْنِ الْاَدَبِ فِی مُعَامَلَتِكَ وَالتّسْلِیْمِ لِاَمْرِكَ وَالرِّضَاءِ بِقَضَائِكَ وَالصّبْرِ عَلَی بَلائِكَ وَالشُّكْرِ لِنَعْمَائِكَ وَاَعِذْنَا مِنْ اَحْوَالِ الشّقَاءِ وَوَفِّقْنا لِاَعْمَالِ اَهْلِ التُّقَی وَارْزُقْنَا الْاِسْتِعْدَادَ لِیَوْمِ اللِّقَاءِ یَامَنْ عَلَیْكَ الْاِعْتِمَادُ وَالْمتّكَلُ ، اَللّهُمّ انْهَجْ بِنَامَنا هِجَ الْمُفْلِحِیْنَ وَاَلْبِسْنا خِلَعَ الْاِیْمَانِ وَالْیَقِیْنِ وَخُصّنا مِنْكَ بِالتّوْفِیْقِ الْمُبِیْنِ وَوَفِّقْنَا لِقَوْلِ الْحَقّ وَاتِّبَاعِهِ وَخَلِّصْنَا مِنَ الْبَاطِلِ وَابْتِدَاعِهِ وَكُنْ لَنَا مُؤَیِّداً وَلَا تَجْعَلِ الْفاجِرَ عَلَیْنَا یداً وَاجْعَلْ لَنَا عَیْشًا رَغَداً وَ لَاتُشْمِتُ بِنَا عَدُوًّا وَ لَا حَاسِداً وَارْزُقْنا عِلْمًا نَافِعًا ،اَللّهُمّ عَامِلْنَا بِغُفْرَانِكَ وَامْنُنْ عَلَیْنَا بِفَضْلِكَ وَاِحْسَانِكَ وَنَجِّنَا مِنَ النّارِ وَعَافِنَا مِنْ دَارِ الْخِزْیِ وَالْبَوَارِ ،وَاَدْخِلْنَا بِفَضْلِكَ الْجَنّةَ دَارَ الْقَرَارِ ،وَاجْعَلْنا مَعَ الّذِیْنَ اَنْعَمْتَ عَلَیْهِمْ فِی دَارِ رِضْوَانِكَ ،اَللّهُمّ لَا تَجْعَلْ هَذَا آخِرَ عَهْدِیْ مِنْ هَذَا الْمُوْقِفِ الْعَظِیْمِ ،وَارْزُقْنِی الرُّجُوْعَ اِلَیْهِ مَرّات كَثِیْرَة بِلُطْفِكَ الْعَمِیْمِ ،وَاجْعَلْنِیْ مُفْلِحًا مَرْحُوْمًا مُسْتَجابَ الدُّعَاءِ فَائِزًا بِالْقَبُوْلِ وَالرِّضْوَانِ وَالتّجَاوُزِ وَالْغُفْرَانِ وَالرِّزْقِ الْحَلَالِ الْوَاسِعِ وَبَارِكْ لِیْ فِی جَمِیْعِ اُمُوْرِیْ وَمَا اَرْجِعُ اِلَیْهِ فِی اَهْلِیْ وَمَالِیْ وَاَوْلَادِیْ رَبّنَا آتِنَا فِی الدُّنْیَا حَسَنَةً وَفِی الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النّارِ،وَاغْفِرْلَنا وَلِوَالِدَیْنَا وَذُرِّیّاتِنَا وَاِخْوَانِنا وَاَهْلِیْنَا وَالْحَاضِرِیْنَ وَالْغَائِبِیْنَ مِنَ الْمُسْلِمِیْنَ اَجْمَعِیْنَ ، بِرَحْمَتِكَ یَا اَرْحَمَ الرّاحِمِیْنَ وَصَلّی اللهُ عَلَی سَیِّدِنَا مُحَمّدٍ وَعَلَی آلِهِ وَصَحْبِهِ اَجْمَعِیْنَ)).

جمع بین صلاتین در عرفات

در روز عرفه اگر امکان داشت نماز را در مسجد نَمِرَه[1] با امام ادا نماید، در این روز نماز ظهر و عصر با یک اذان و دو اقامه ادا می گردد. بعد از ادا کردن فرض ظهر فوراً فرض عصر ادا کرده می شود و در میان دو نماز، سنت و نفل خوانده

۱- کنار حدود عرفات مسجدی است که آن را مسجد حضرت ابراهیم(ع) نیز می نامندکه مشهور به مسجد نَمِرَه است.

نمی شود البته بعد از هر نماز تکبیرات تشریق گفته می شود. برای جمع بین دو نماز شرایطی وجود داردکه ذکر می گردد:

۱- اینکه مقام عرفات باشد.

۲- روز نهم ذی الحجه باشد.

۳- اینکه امام یا نایبش حاضر باشد.

۴- در حالت احرام باشد.

اینکه نماز ظهر قبل از نماز عصر ادا گردد و اگر از این شرایط پنجگانه یکی وجود نداشت، جمع بین دو نماز در یک وقت صحیح نیست. اما اگر نمازها را در خیمه ها ادا می کند هر یک را به وقت خود ادا کند.

تذکر: اگر در روز عرفه امام مقیم باشد و نمازها را قصر نماید، برای احناف اقتدا صحیح نیست خواه مقتدی مسافر و خواه مقیم باشد.

وقت وقوف به عرفه

وقوف به عرفه بعد از زوال آفتاب و بعد از ادای نماز ظهر و عصر شروع می شود و اگر چه وقوف در هر جای عرفات جواز دارد ولی در صورتی که میسّر بود، بهتر آن است که در نزدیک جبل الرحمه در دامن این کوه متبرک باشد و چون در این مکان مقدس وقوف نمود، با قلب سرشار از خشوع و تضرع و چشم گریان و امید واثق به رحمت پروردگار و ترس و خوف از عذاب پروردگار دستها را به سوی آسمان بلند کرده و به دعا و ثنا و استغفار مشغول گردد. و چون پیامبر اکرم(ص)می فرمودند : « بهترین دعاها دعای روز عرفه است» بکوشد تا هیچ موقع از دعا و زاری و استغفار و تضرع به درگاه رب العزت و الجلال غافل نماند و در این مکان مقدس و متبرک با خدای خویش عهد و پیمان کند که از گناه اجتناب ورزیده و از اوامر خدای تعالی پیروی کرده و از نواهی وی اجتناب و دوری نماید و حقوق مردم را بر ایشان مسترد داشته و از ظلم و ستم و مردم آزاری دوری کند و بر مسلمانان و والدین خویش و نفس خود دعای مغفرت و رحمت نماید هر چند می تواند دعا و تضرع کند که محل اجابت است.

تذکر:

۱- کلاً متوجه باشد که قبل از غروب آفتاب از عرفات خارج نگردد.

۲- شیله یا رودی که در غرب عرفات بنام « **وادی عُرِنَه** » یاد می شود اگر چه جزیی از عرفات است، ولی موقف شمرده نمی شود اگر کسی فقط در همین جا

وقوف نموده و به عرفات داخل نگردید وقوفش صحت پیدا نکرده، لذا حجش باطل است.

شروط صحت وقوف به عرفه

برای آنکه وقوف به عرفه صحت پیدا کند، چهار چیز شرط است اگر یکی از اینها فوت شد، وقوف صحیح نیست و حج باطل می گردد که عبارتند از :

مسلمان بودن، پس وقوف کافر، چه اصلی و چه مرتد صحت ندارد.

محرم بودن به حج، وقوفش وقتی درست است که قبلاً محرم گردیده و در احرام داخل شده باشد و کسی که نیت حج نکرده و به احرام حج داخل نشده، اگرچه به عرفه وقوف نماید، وقوف وی باطل و ساقط است.

واقف شدن وقوف در زمین عرفات، وقوف در غیر زمین عرفات، اگر چه به طریق خطا و اشتباه باشد، وقوف شمرده نشده و حجش درست نمی باشد.

واقع شدن وقوف در وقت معین آن، وقت وقوف به عرفه از زوال آفتاب روز نهم ذی الحجه شروع شده و به طلوع صبح صادق روز دهم آن خاتمه می پذیرد. اگر کسی ولو چند لحظه از این وقت را در عرفات بگذراند، وقوفش تحقق پذیرفته و حجش صحت می یابد ولی اگر در هیچ لحظه ای از این وقت در عرفات وقوف ننماید، حج وی باطل می گردد.

احکام وقوف به عرفه

احکام وقوف به عرفه عبارتند از :

واجب وقوف، در وقوف به عرفه یک چیز واجب است و آن استمرار وقوف تا غروب آفتاب است .از این جهت اگر کسی پیش از غروب آفتاب از عرفات خارج شد وقوفش صحیح بوده ولی به ترک این واجب، دم بر وی لازم می شود.

تذکر :

الف) کسی که به عرفات بعد از غروب آفتاب داخل می شود و در شب وقوف می نماید، این واجب از وی ساقط می گردد.

ب)اگر کسی قبل از غروب آفتاب از عرفات خارج گردیده و هنوز آفتاب غروب نکرده، به عرفات بازگشت دم از وی ساقط می شود ولی اگر بعد از غروب آفتاب بازگشت، دم بر وی لازم است.

ج) در وجوب دم به سبب خارج شدن از عرفات قبل از غروب آفتاب فرقی بین خارج شدن با عذر و یا بدون عذر نیست. اگر کسی آگاه یا ناآگاه باشد مثلاً برای پیدا کردن رفیق خود یا دیگر کاری پیش از غروب آفتاب از عرفات خارج شده و تا غروب برنگردد، دم بر وی لازم است.

سنتهای وقوف :

۱- غسل کردن قبل از وقوف در صورت میسّر بودن

۲- خطبه خواندن امام و یا نایبش بعد از زوال و یا پیش از نماز در مسجد «نَمِرَه »

۳- توجه به سوی موقف بعد از ادای نماز بدون تأخیر

۴- وقوف جزیی از شب در عرفات مثلاً ده الی پانزده دقیقه بعد از غروب

۵- عدم تأخیر بسیار در رفتن به سوی مزدلفه

مستحبات وقوف :

۱- آماده شدن برای وقوف

۲- گفتن تلبیه زیاد

۳- استمرار در دعا و ذکر و استغفار تا غروب آفتاب

۴- داشتن امید راسخ به عفو و رحمت پروردگار

۵- اظهار عجز و فروتنی

۶- بالا کردن دستها به سوی آسمان در هنگام دعا کردن

۷- با طهارت بودن

۸- روی آوردن به قبله هنگام دعا کردن

۹- قرار گرفتن هرچه نزدیکتر به امام مسلمین؛ البته درصورت موجود بودن وی

۱۰- دوری نجستن از آفتاب مگر به سبب عذر

۱۱- خود داری از کلام و سخن غیر ضروری

۱۲- لطف خوش و همکاری و مهربانی با همراهان

۱۳- سعی و کوشش به اعمال خیر

۱۴- صدقه دادن و دستگیری و کمک و معونت و همکاری به درماندگان

۱۵- شروع و ختم دعا با حمد و ثنای خداوند و درود بر نبی اکرم ﷺ

مکروهات وقوف :

۱- تأخیر نمودن در وقوف به عرفه بعد از نماز ظهر وعصر
۲- خوابیدن و یا استراحت نمودن در راه بین عرفات و مزدلفه بدون عذر
۳- غفلت و سهل انگاری در دعا هنگام وقوف
۴- تأخیر در حرکت به سوی مزدلفه از وقت معین آن
۵- ترک سنتی از سنتهای وقوف
۶- ادای نماز شام و یا عشاء در راه بین عرفات و مزدلفه
۷- شتاب نمودن هنگام رفتن به سوی مزدلفه

حرکت به سوی مزدلفه

شب مشعر شب راز و نیاز است — در رحمت به روی خلق باز است
رسد آواز هَلْ مِنْ تَائِب باز — گنهکاران کنون وقت نیاز است
بیایید ای گنهکاران بیایید — که حق بخشنده و بنده نواز است
فغان و ناله و آه گنهکار — به تاریکی شب بس چاره ساز است
نفس باقی و فرصت هست دردست — الا ای عاصیان هنگام راز است

تا غروب آفتاب ماندن در عرفات واجب است و بعد از غروب با امام به سمت مزدلفه(که در شرق منا به فاصله شش کیلومتری حدودحرم واقع‌است)حرکت کند، متوجه باشد که قبل از امام حج، حرکت نکنند. دو کوهی را که از آنها می گذرد بین عرفه و مزدلفه واقع است و وقتی که نزدیک مزدلفه رسید، مستحب است که پیاده وارد شود ، در راه با وقار و سکینه حرکت کند و به کثرت به ذکر الله و تلبیه مشغول باشد و در مزدلفه با مردم قیام کند و از مردم جدا نباشد و برای خود جهت زدن جمره ها در روزهای آینده (۷۰ دانه ریگ)تهیه نماید.

کیفیت ادای نماز در مزدلفه

وقتی که وارد مزدلفه شد اگر توانست به مسجد مشعرالحرام[1]برود و نماز مغرب و عشاء را با جماعت ادا کند. خواندن نماز مغرب در وقت مغرب و در عرفات و در راه صحیح نیست بلکه آن را در وقت عشا با نماز عشا به یک اذان و یک اقامه، بر پا نماید به نحوی که اول نماز مغرب را بخواند و بعد نماز عشا را، بین

---

۱ - نام مسجد مزدلفه است وکوه مزدلفه وجبل قزح ومشعرالحرام نیز می گویند.

نمازهای مغرب و عشا نمازهای سنت و نفل ترک می شود برای جمع کردن بین این دو نماز چند شرط لازم است که ذکر می شود:

۱- مُحرِم باشد.

۲- قبل از آن وقوف به عرفه انجام شده باشد.

۳- شب دهم ذی الحجه و قیام در مزدلفه باشد.

۴- وقت عشا باشد.

تذکر: جمع بین این دو نماز واجب است و جماعت شرط نیست اگر تنها هم بود نماز مغرب را در وقت عشا به شکل مذکور ادا کند.

وقوف به مزدلفه[1]

در شب مزدلفه شب زنده داری و دعا، ذکر و دیگر عبادات مستحب است صبح زود نماز فجر را با امام در تاریکی ادا کرده و نزدیک امام اگر مقدور بود وقوف نماید به همان نحوی که در عرفات ذکر شد. محل وقوف مزدلفه کوه قزح و باقی زمین مزدلفه می باشد بجز از وادی محسر[2] که وقوف در آن جایز نیست، زمان این وقوف از طلوع صبح صادق تا کمی قبل از طلوع آفتاب است این وقوف واجب است اگر چه به مدت یک لحظه باشد ولی سنت این است که تا روشن شدن صبح وقوف ادامه داشته باشد در این موضع درود، تکبیر، استغفار و ذکر زیاد بخواند. بجز وادی محسّر همه سرزمین مزدلفه کلاً موقف است هر کجا قیام نماید، کفایت می کند. وادی محسر بدان جهت از موقف خارج است که موقف اصحاب فیل است و اگر کسی در این وادی قیام نماید در وقوف به مزدلفه شمار نخواهد شد.

دعای مأثوره مزدلفه: «اَللّٰهُمَّ كَمَا اَوْقَفْتَنَا فِيْهِ وَاَرَيْتَنَا اِيَّاهُ فَوَفِّقْنَا لِذِكْرِكَ كَمَا هَدَيْتَنَا وَاغْفِرْلَنَا وَارْحَمْنَا كَمَا وَعَدْتَنَا بِقَوْلِكَ وَقَوْلُكَ الْحَقُّ فَاِذَا اَفَضْتُمْ مِنْ عَرَفَاتٍ فَاذْكُرُوا اللهَ عِنْدَ الْمَشْعَرِالْحَرَامِ ،وَاذْكُرُوْهُ كَمَا هَدَاكُمْ وَاِنْ كُنْتُمْ مِنْ قَبْلِهِ لَمِنَ الضَّالِّيْنَ،ثُمَّ اَفِيْضُوْا مِنْ حَيْثُ اَفَاضَ النَّاسُ وَاسْتَغْفِرُوا اللهَ ،اِنَّ اللهَ غَفُوْرٌ رَحِيْمٌ اَللّٰهُمَّ اِنَّا نَسْأَلُكَ يَا غَفُوْرُ يَا رَحِيْمُ اَنْ تُفَتِّحَ لِاَدْعِيَتِنَا اَبْوَابَ الْاِجَابَةِ يَامَنْ اِذَا سَأَلَهُ الْمُضْطَرُّ اَجَابَهُ يَا مَنْ يَقُوْلُ لِلشَّيْءِكُنْ فَيَكُوْنُ، اَللّٰهُمَّ اِنَّاجِئْنَاكَ بِجَمْعِنَا مُتَشَفِّعِيْنَ اِلَيْكَ فِي

---

[1] – میدانی است بین منی وعرفات وفاصله اش از منی سه میل به طرف مشرق .

[2] – میدانی است متصل به مزدلفه به جانب منی .

غُفْرَانِ ذُنُوبِنَا فَلَا تَرُدَّنَا خَائِبِیْنَ وَآتِنَا اَفْضَلَ مَاتُؤْتِی عِبَادَكَ الصَّالِحِیْنَ وَلَا تَصْرِفْنَا مِنْ هَذَا الْمَشْعَرِ الْعَظِیْمِ اِلَّا فَائِزِینَ مُفْلِحِیْنَ غَیْرَخَزَایَا وَلَا نَادِمِیْنَ وَلَا ضَالِّینَ وَلَا مُضِلِّیْنَ یَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِیْنَ، اَللّٰهُمَّ وَفِّقْنَا لِلْهُدَی وَاَعْصِمْنَا مِنْ اَسْبَابِ الْجَهْلِ وَالرَّدَی وَسَلِّمْنَا مِنْ آفَاتِ النُّفُوْسِ فَاِنَّهَا شَرُّ الْعُدَی وَاجْعَلْنَا مِمَّنْ اَقْبَلْتَ عَلَیْهِ فَاَعْرَضَ عَمَّنْ سِوَاكَ وَخُذْ بِاَیْدِیْنَا اِلَیْكَ وَارْحَمْ تَضَرُّعَنَا بَیْنَ یَدَیْكَ اِلَهَنَا قَوِّمْنَا اِذَا اعْوَجَجْنَا وَاَعِنَّا اِذَا اسْتَقَمْنَا وَكُنْ لَنَا وَلَا تَكُنْ عَلَیْنَا وَاَحْیِنَا فِی الدُّنْیَا مُؤْمِنِیْنَ طَائِعِیْنَ وَتَوَفَّنَا مُسْلِمِیْنَ تَائِبِیْنَ وَاجْعَلْنَا مِمَّنْ یَأْخُذُ كِتَابَهُ بِالْیَمِیْنِ ،وَاجْعَلْنَا یَوْمَ الْفَزَعِ الْاَكْبَرِ مِنَ الْآمِنِیْنَ وَمَتِّعْنَا اللّٰهُمَّ اِلَی وَجْهِكَ الْكَرِیْمِ ،بِرَحْمَتِكَ یَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِیْنَ رَبَّنَا آتِنَا فِی الدُّنْیَا حَسَنَةً وَ فِی الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ)) **در اول و آخر دعا این تکبیر بخواند :**
((اَللهُ اَكْبَرُ ، اَللهُ اَكْبَرُ ،لَااِلَهَ اِلَّا اللهُ وَاللهُ اَكْبَرُ، اَللهُ اَكْبَرُ، وَ لِلّٰهِ الْحَمْدُ))

رفتن بسوی منی[1]

وقتی که در مزدلفه دید که تا طلوع خورشید به قدر ادای دو رکعت نماز باقی مانده است، از آنجا به سوی منا حرکت کند. در راه به ذکر و تلبیه مشغول باشد؛ چون به وادی محسر رسید، با سرعت از آنجا عبور کند. مساحت این وادی حدوداً ۵۰۰ متر می باشد. بعد از گذشتن از این موضع به روش عادی خود حرکت کند. این وادی به منا و مزدلفه تعلق ندارد بلکه بین آنها واقع است و از هر دو جدا است؛ لازم به ذکر است که حرکت از مزدلفه به سوی منا همراه با امام باشد. اگر به عذرموجهی قبل از امام حرکت کند، اشکال ندارد صدقه لازم نمی شود.

رمی جمرهٔعقبه

رمی جمار در لغت انداختن سنگ های کوچک و یا همان ریگ ها است، جمار جمع جمره و جمره سنگ کوچک و ریگ است و درشریعت، پرتاب کردن ریگ ها در زمان و مکان مخصوص و تعداد مخصوص و اما در روز دهم ذی الحجه از جمره های سه گانه، فقط رمی جمرهٔ عقبه انجام می شود. در انتهای حد منی به جانب

۱- به فاصله سه میل از مکه مکرمه در میان دو کوه میدان بزرگی است که رمل وقربانی درآنجا انجام داه می شود آن درحرم داخل است حجاج سه روز درآنجا قیام می کنند.

مکه جمره عقبه واقع است که آنرا جمرهٔ کبری نیز می نامند. وقتی که به آنجا برسد، هفت عدد سنگ ریزه که قبلاً آماده کرده است، بزند این سنگ ریزه زدن را رمی جمار می گویند، این رمی در روز دهم ذی الحجه زده می شود. در روزهای بعد (روز یازده و دوازده اگر شب در منا بود روز سیزده) نیز رمی انجام می شود، رمی جمار واجب است و مستحب آن است که موقع حرکت از مزدلفه هفت عدد ریگ برای جمره عقبه بردارد، برای دو جمرهٔ دیگر جای بخصوصی نیست، فقط از نزدیک موضع جمار ریگ بر ندارد زیرا این ریگها طبق حدیث مردود است و شصت و سه ریگ دیگر که در بقیه روزها رمی می شود، آوردنش از مزدلفه یا منا جایز است. سعی کند ریگهایی که بر می دارد پاکیزه باشد اگر مشکوک بود، ریگها را بشوید. وقت مسنون (سنت) این جمره از طلوع آفتاب تا زوال آفتاب است و بعد از زوال تا غروب نیز جایز است، بعد از غروب رمی مکروه است مگر برای مریض و زنها که مکروه نیست، فاصلهٔ رمی کننده با موضع رمی کمتر از پنج متر نباشد(بیشتر اشکال ندارد)، متوجه باشد که ریگها حدوداً به اندازهٔ هسته خرما باشد که اگر به کسی برخورد کرد صدمه نبیند، ریگها را پشت انگشت ابهام (شصت) و شکم انگشت شهادت (اشاره) قرار داده و پرتاب کند و بخواند: ((بِسْمِ اللهِ اَللهُ اَكْبَرُ،رَجْمًا لِلشّيْطَانِ وَحِزْبِهِ))بعد از آن به طرف منا حرکت کند و این دعا را بخواند:

((بِسْمِ اللهِ اَللهُ اَكْبَرُ ،رَجْمًا لِلشّيْطَانِ وَحِزْبِهِ اَللّهُمّ اجْعَلْهُ حَجًّا مَبْرُوْرًا وَذَنْبًا مَغْفُوْرًا وَسَعْيًا مَشْكُوْرًا وَعَمَلًا صَالِحًا مَقْبُولًا وَتِجَارَةً لَنْ تَبُوْرَ ،بِسْمِ اللهِ اَللهُ اَكْبَرُ ،صَدَقَ وَعْدَهُ وَنَصرَ عَبْدَهُ وَاَعَزّ جُنْدَهُ وَهَزَمَ الْاَحْزَابَ وَحْدَهُ لَا اِلَهَ اِلّا اللهُ وَلَا نَعْبُدُ اِلّا اِيّاهُ مُخْلِصِيْنَ لَهُ الدِيْنَ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُوْنَ ،وَصَلّى اللهُ عَلَى سِيِّدِنَا مُحَمّد وَعَلَى آلِهِ وَاَصْحَابِهِ اَجْمَعِينَ ،رَبّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النّارِ ، بِرَحْمَتِكَ يَا اَرْحَمَ الرّاحِمِيْنَ)) دعا و درود هر چه بخواهد بخواند.

اوقات رمی جمره ها [1]

وقت رمی جمره عقبه از طلوع فجر روز دهم تا آخر شب یازدهم است، زمانی که فجر یازدهم طلوع کند، وقت این رمی تمام می شود. بر کسی که رمی انجام نداده است، دم لازم می شود. پیش از طلوع آفتاب در روز دهم رمی مکروه است ، در وقت ازدحام برای زنها و اشخاص ضعیف و مریض مکروه نیست.

کیفیت رمی

ترتیب رمی از جمره اولی وسطی و اخری سنت است.

۱- رمی به دست راست باشد.

۲- مرد یا کودک به خلاف زن و خنثی دستش را به هنگام رمی بالا ببرد تا سفیدی زیر بغلش دیده شود.

۳- رمی جمره عقبه از بطن وادی باشد و مکه در طرف چپش و منی درطرف راستش قرار دهد و رو به عقبه کند؛ سپس رمی کند و در آنجا نایستد.

۴- رمی در حالت سواره و پیاده هر دو حالت صحیح است.

بیان ذبح[2] و حلق[3]

ازاعمال روز دهم، بعد از رمی، قربانی است اگرچه این قربانی برای مفرد واجب نیست و مستحب است. مفرد می تواند قبل از قربانی، حلق(تراشیدن و یا کوتاه کردن موی سر)کند ولی قارن و متمتع قبل از قربانی نمی توانند حلق کنند. لازم است که بعد از انجام شدن رمی، قربانی کند و بعد از قربانی موی سر خود را بتراشد و یا به اندازۀ یک بند انگشت کوتاه کند، البته تراشیدن از کوتاه کردن افضل تر است. مستحب است که در وقت کوتاه کردن از جانب راست سر شروع کند و کسی که سرش مو ندارد یا سرش زخمی است کشیدن تیغ بر سر او کافی است آنگاه این واجب ساقط می شود. بعد از حلق، کوتاه کردن ناخنها و موی پشت لب مستحب است .بعد از حلق و یا قصر تمام کارهایی که به سبب احرام ممنوع

---

۱ - در منی سه جا است که به اندازه قد انسان برآنها ستون بنا شده است درهمین جا سنگریزه ها زده می شود یکی از آنها قریب مسجد خیف به طرف مشرق واقع است آن را جمرۀ الاولی گویند وآن دیگری که بعد ازآن است جمرۀ الوسطی وسوم را که بعد ازآن است جمرۀ الکبری وجمرۀ العقبه وجمرۀ الآخری می گویند.

۲ - کشتن قربانی

۳ - موهای سر خود را تراشیدن و یا تراشانیدن به همین عمل از احرام بیرون می آیند.

شده بود مجاز می شود به جز همبستری با زن که تا بعد از طواف زیارت برای او حلال نیست.

قصر[1] براي زنها

حلق که عبارت از تراشیدن موی سر است برای زنها حرام است، زنها باید از یک چهارم سر به قدر سر انگشتها قصر کند و قصر تمام سر برای آنها مستحب است.

بیان طواف زیارت

وقتی که ازحلق فارغ شد به مکه برود و طواف کند، نام این طواف، طواف رکن است و آن را طواف زیارت نیز می گویند این طواف سومین و آخرین فرض حج است، در این طواف نیت طواف فرض است، در این طواف چهار شوط اول فرض است و تکمیل هفت شوط واجب. این را در ایام نحر انجام دادن واجب است و به ترتیب انجام دادن یعنی بعد از رمی، حلق کند و پس از حلق طواف کردن، سنت است. در این طواف، نائب گرفتن صحیح نیست بلکه بر هر کس فرض است که خود او آن را شخصاً انجام دهد، حتی اگر بیهوش باشد نیابت صحیح نمی باشد؛ این طواف تا دم مرگ فوت نمی شود و با دادن عوض هم ادا نمی شود مگر برای شخصی که بعد از وقوف عرفات فوت کند و قبل از فوت وصیت اتمام حج کرده باشد در این صورت ذبح بُدنه(گاو یا شتر)واجب می شود. بدین نحو حج او کامل می شود.

تذکر : اول وقت طواف زیارت از اول روز دهم تا آخر ایام نحر می باشد .ولی وقت سنت آن بعد از حلق است .اگر کسی تا بعد از ایام نحر تأخیر نمود دم واجب می شود و طواف از ذمه اش بر داشته نمی شود .

رمی[2] روز یازدهم ذی الحجه

روز یازدهم بعد از زوال آفتاب وقت رمی جمرات است. طریقه سنت این است که اول جمره اولی را که مکان آن نزدیک مسجد خیف است، رمی (انداختن ریگ) کند و بر هر رمی طبق معمول هفت عدد ریگ بزند مواظب باشد که پی در پی ریگ ها را پرتاب کند و در موقع رمی هر ریگ تکبیر بگوید. بعد از زدن هفت ریگ جمره اول کمی به جلوتر برود و رو به قبله بایستد دستها را بلند کرده دعا کند. در مکان دعا به اندازه خواندن یک جزء قرآن یا حداقل به اندازه تلاوت بیست

۱- کوتاه کردن موی سر

۲- بر جمرات سنگریزه انداختن

آیه قیام کند. هر قدر که توان داشت اختیار کند. در این قیام تکبیر، تهلیل، استغفار و درود بخواند. با تضرع و انکسار برای خود و مومنین دعا کند؛ بعد از آن به سمت موضع جمرۀ وسطی حرکت کند و مثل جمره اول رمی کرده و باز در گوشه ای توقف کند و به اندازه جمره اولی مشغول دعا و ذکر شود و باز به همین نحو جمره عقبه را رمی نموده، به راه افتد و برای دعا توقف نکند.

رمی روزهای دوازدهم و سیزدهم ذی الحجه

باز در روز دوازدهم بعد از زوال آفتاب به همان روش روز یازدهم هر سه جمره را رمی کند و تمام مسایل که برای آن رمی ذکر شد، اینجا مراعات نماید، قیام شبهای یازده و دوازده در مناسنت مؤکده است. اگر شب سیزدهم را درمنا صبح کرد رمی روز سیزدهم، هم لازم می شود، روزهای یازدهم و دوازدهم پیش از زوال، رمی جایز نیست و بعد از غروب آفتاب مکروه است، در روز سیزدهم اگر مشکل داشت، رمی قبل از زوال جایز ولی مکروه تنزیهی است، به محض طلوع فجر دوازدهم وقت رمی یازدهم ختم می شود و رمی یازدهم فوت می شود حالا باید قضای آنرا به همراه رمی روز دوازدهم بکند. آخر وقت رمی ها قبل از غروب روز سیزدهم است در صورت فوت شدن بر او دم لازم می شود. کسی که پیش از غروب آفتاب دوازدهم از منا به مکه برود، رمی روز سیزدهم بر او واجب نیست.

قیام محصب

وقتی که از منا فارغ شد، بین مکه و منا قیام محصب سنت است، محصب جزء مکه است. در این جا حتماً قیام کند ولو یک ساعت، اگر چه کمال سنت این است که نمازهای ظهر، عصر، مغرب و عشا را همان جا برگزار کند. سپس کمی بخوابد، بعد از آن وارد شهر مکه شود، در زمان قیام در مکه مکرمه وقت را غنیمت شمرده،به دعا و تلاوت و دیگر عبادات مشغول شود.خصوصاً اگر توانست عمره های نفلی نیز به جای آورد. در مدت قیام مکه مکرمه از هرگونه گناه پرهیز نماید زیرا چنانچه ثواب عمل نیک، تا صدهزار برابر است، گناه هم در آنجا وبالش بیشتر است.

مقصد ششم: دربیان طواف وداع ونیابت حج و عمره

طواف وداع[1]

وقت وداع است و اجل در کمین — خاصــه وداع صنــمی این چنین
کس نکند محــنت هــجر اختیار — مرگ جدایی استمیــان دو یار
ای گــل بــاغ مــلکوت الــوداع — می روم اکنون به طــواف وداع

هر وقت تصمیم به کوچ کردن از مکه مکرمه را داشته باشد، طواف صدر (وداع)کند. طواف صدر برای کسانی که خارج میقات زندگی می کنند واجب است ولی برای اهل میقات و اهل حرم واجب نیست. اگر بدون ادای طواف صدر از مکه خارج شود، تا وقتی که در زمین حرم است، بازگشتن و انجام طواف واجب است، در صورتی که از میقات خارج شد، مخیر است که احرام عمره بسته و به مکه بیاید، اول عمره را بجای بیاورد و سپس طواف وداع را انجام دهد و یا گوسفندی ذبح و صدقه کند. اول وقت طواف وداع بعد ازطواف زیارت است و آخر وقت آن معین نیست، زیرا اگر این طواف تأخیر شود به سبب آن چیزی لازم نمی شود. سعی نماید که طواف صدر آخر عهد او با بیت الله باشد اگر بعد از طواف وداع چند روز در مکه گذراند دوباره طواف کردن مستحب است، هر گاه که طواف صدر را بجای آورد دو رکعت نماز طواف خوانده،کنار زمزم برود، رو به قبله از آب آن بنوشد و بر سر و صورت خود مالیده و بریزد، به سوی بیت الله نظر کند بر دروازه بیت الله آمده عتبه مبارکه را ببوسد و دعا کند.

ادعیهٔ مأثوره در طواف وداع : ((اِنَّ الَّذِیْ فَرَضَ عَلَیْكَ الْقُرْآنَ لَرَادُّكَ اِلَی مَعَاد،یَا مُعِیْدُ اَعِدنِیْ وَیَا سَمِیْعُ اَسْمِعْنِیْ وَیَا جَبَّارُ اجْبُرْنِیْ یَا سَتَّارُ اسْتُرْنِیْ یَا رَحْمَانُ ارْحَمْنِیْ یَا رَادُّ ارْدُدْنِیْ اِلَی بَیْتِكَ وَارْزُقْنِیَ الْعَوْدَ ثُمَّ الْعَوْدَ کَرَّات بَعْدَ مَرَّات تَائِبُوْنَ عَابِدُوْنَ سَائِحُوْنَ لِرَبِّنَا حَامِدُوْنَ صَدَقَ اللهُ وَعْدَهُ وَنَصَرَ عَبْدَهُ وَهَزَمَ الْاَحْزَابَ وَحْدَهُ اَللّٰهُمَّ اکْتُبِ السَّلَامَةَ وَالْعَافِیَةَ وَالْغَنِیْمَةَ لَنَاوَ لِعَبِیْدِكَ الْحُجَّاجِ وَالْعُمَّارِ وَ الزُّوَّارِوَ الْغُزَاةِ وَالْمُسَافِرِیْنَ وَالْمُقِیْمِیْنَ فِی بَرِّكَ وَبَحْرِكَ مِنْ اُمَّةِ مُحَمَّد(ص)اَجْمَعِیْنَ ،اَللّٰهُمَّ احْفَظْنِیْ عَنْ یَمِیْنِی وَعَنْ یَسَارِیْ وَمِنْ فَوْقِی وَ مِنْ تَحْتِی حَتّی تُوْصِلَنِی اِلَی اَهْلِیْ وَبَلَدِیْ

---

[1] – موقع برگشتن از مکه مکرمه طوافی که می کنند به آن (طواف صدر) ویا طواف وداع می گویند.

فَاِذَا اَوْصَلْتَنِی اِلَی اَهْلِیْ وبَلَدِیْ اَسْأَلُكَ اَنْ لَا تُخْلِینِیْ مِنْ رَحْمَتِكَ طَرْفَةَ عَیْنٍ وَلَا اَقَلَّ مِنْ ذَلِكَ اَللّهُمَّ كُنْ لَنَا صَاحِبًا فِی سَفَرِنَا وَخَلِیْفَةً فِی اَهْلِنَا وَاطْمِسْ عَلَی وُجُوْهِ اَعْدَائِنَا وَامْسَخْهُمْ عَلَی مَكَانَتِهِمْ فَلَایَسْتَطِیْعُوْنَ الْمُضِیَّ وَلَا الْمَجِیْئَ اِلَیْنَا، اَللّهُمَّ ارْحَمْنِیْ بِتَرْكِ الْمَعَاصِیْ وَمَا لَا یَعْنِیْنِیْ مَا اَبْقَیْتَنِیْ وَارْحَمْنِیْ اَنْ اَتَكَلَّفَ مَا لَا یَعْنِیْنِیْ وَارْزُقْنِیْ حُسْنَ النَّظَرِ فِیْمَا یُرْضِیْكَ عَنِّیْ اَللّهُمَّ مَتِّعْنِیْ بِبَصَرِیْ وَاجْعَلْهُ الْوَارِثَ مِنِّی وَاَرِنِیْ مِنَ الْعَدُوِّ ثَأْرِیْ وَانْصُرْنِیْ عَلَی مَنْ ظَلَمَنِی اَللّهُمَّ اِنِّی اَعُوْذُ بِكَ مِنَ الْهَمِّ وَالْحُزْنِ وَاَعُوْذُ بِكَ مِنَ الْجُبْنِ وَالْبُخْلِ وَاَعُوْذُ بِكَ مِنْ غَلَبَةِ الدَّیْنِ وَقَهْرِ الرِّجَالِ اَللّهُمَّ اِنَّا نَسْأَلُكَ فِی سَفَرِنَا هَذَا الْبِرَّ وَالتَّقْوَی وَمِنَ الْعَمَلِ مَا تَرْضَی اَللّهُمَّ هَوِّنْ عَلَیْنَا سَفَرَنَا هَذا وَاطْوِعَنَّا بُعْدَهُ ،اَللّهُمَّ اَنْتَ الصَّاحِبُ فِی السَّفَرِ وَالْخَلِیْفَةُ فِی الْاَهْلِ،اَللّهُمَّ اِنِّی اَعُوذُ بِكَ مِنْ وَعْثَاءِ السَّفَرِ وكَابَةِ الْمَنْظَرِ وَسُوءِالْمُنْقَلَبِ فِی الْمَالِ وَالْاَهْلِ وَالْوَلَدِ ،اَللّهُمَّ اَصْحِبْنَا بِنِعَمِكَ وَاَقْبَلْنَا بِذِمَّةٍ اَللّهُمَّ اطْوِلَنَا الْاَرْضَ وَهَوِّنْ عَلَیْناالسَّفَرَوَاَعِذْنَا مِنْ كَابَةِ الْمُنْقَلَبِ)) (آمین) **وقت اراده خروج به ملتزم چسبیده بخواند:** ((اَللّهُمَّ هَذَا بَیْتُكَ وَاَناعَبْدُكَ وَابْنُ عَبْدِكَ وَابْنُ اَمَتِكَ حَمَلْتَنِیْ عَلَی مَا سَخَّرْتَ لِی مِنْ خَلْقِكَ وَ سَیَّرْتَنِیْ فِی بِلَادِكَ حَتّی بَلَّغْتَنِیْ اِلَی بَیْتِكَ وَ اَعَنْتَنِی عَلَی اَدَاءِ نُسُكِیْ فَاِنْ كُنْتَ رَضِیْتَ عَنِّی فَازْدَدْ عَنِّی رِضًا وَ اِلّا فَمِنَ الْآنِ قَبْلَ اَنْ تَنْأَی عَنْ بَیْتِكَ دَارِیْ وَهَذَا اَوَانُ انْصِرَافِی اِنْ اَذِنْتَ لِی غَیْرَ مُسْتَبْدِلٍ بِكَ وَلَا بِبَیْتِكَ وَلَا رَاغِبًا عَنْكَ وَلَا عَنْ بَیْتِكَ اَللّهُمَّ فَاَصْحِبْنِیَ الْعَافِیْةَ فِی بَدَنِی وَالصِّحَّةَ فِیْ جِسْمِیْ وَ الْعِصْمَةَ فِی دِیْنِی وَاَحْسِنْ مُنْقَلَبِیْ وَارْزُقْنِی طَاعَتَكَ مَا اَبْقَیْتَنِی وَاجْمَعْ لِی بَیْنَ خَیْرَیِ الدُّنْیَا وَالْآخِرَةِ ،اِنَّكَ عَلَی كُلِّ شَیْءٍ قَدِیْرٌ وَصَلَّی اللهُ عَلَی سَیِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَعَلَی آلِهِ وَصَحْبِهِ اَجْمَعِیْنَ)) **بعد رو به کعبه پشت به خارج، قهقری وار طوری که اذیتش به کسی نرسد از دروازهٔ وداع خارج شود.**

بیان نیابت حج

نیابت درحج و عمره صحیح است به این شرط که خود شخص معذور دائمی باشد یعنی تا آخر عمر امکان بازگشت سلامتی او نباشد برای نیابت درحج نفل و عمره شرطی موجود نیست اما برای نیابت حج فرض شرایطی وجود دارد از آن جمله این که کسی که نایب می گیرد، حج بر او فرض شده باشد و همچنین کسی که نایب می شود برای او نیز شرطهایی وجود دارد:

۱- مسلمان باشد ۲- عاقل باشد ۳- بالغ باشد.

فرق نمی کند که نایب مرد باشد و یا زن.اگر امر کننده عذری داشت که توقع رفع آن عذر هم وجود داشت، به کسی امر کرد که به جای او حج ادا کند و حج هم طبق دستور او ادا شد و بعد از ادای حج عذر او مرتفع شد، این حج بَدَل به جای حج فرض او محسوب نمی شود بلکه لازم است که خود او شخصاً ادای حج نماید.

شرط دوم: این است که آمر اگر شخصاً عاجز است، باید خود او نایب خود را تعیین نموده و به وی دستورادای حج، از جانب خود را بدهد. همچنین هزینۀ رفت و آمد و مخارج مربوط به آن را به او بپردازد و نایب هم با همین مال سفر کرده و طبق دستور(آمر) ادای حج نماید. کسی که نزدیک به مرگ خود وصیت به حج کرده باشد، وارثان و یا وصی او شخصی را برای حج(نیابتاً) معین کنند و هزینۀ سفر را به وی تحویل نمایند. این حج درست است. اگرکسی را آمر دستور حج بدهد ولی هزینۀ سفر را نپردازد، حج از جانب آمر ادا نمی شود مگر اینکه بعد از حج، آمر مخارج سفر را بپردازد.

شرط سوم: این است که مأمور صلاحیت ادای حج را داشته باشد،یعنی مسلمان و عاقل و بالغ باشد. بچه و دیوانه نباشد. همچنین از میقاتی که آمر دستورمی‌دهد، احرام ببندد و مخالف دستور آمر، کار نکند، یعنی اگر آمر دستور حج مفرد داده بود، مأمور حج تمتع یا قران نمود، ضامن می شود.

شرط چهارم: این است که مأمور در موقع بستن احرام، نیت حج از جانب آمر بنماید، یعنی بگوید: نَوَیْتُ الْحَجّ عَنْ فَرْضِ فُلَانٍ.اگر در موقع احرام نیت نکرد باید قبل از شروع افعال حج نیت کند. نیت بعد از شروع افعال اعتبار ندارد و این حج از جانب مأمور ادامی شود، لذا اموال آمر را باید به او پس بدهد.

شرط پنجم: این است که خود مأمور موظف به ادای حج است؛ مأمور نمی تواند شخص دیگری را نایب بگرداند مگر اینکه آمر به او این اجازه را داده باشد، در این صورت اشکال ندارد.

اگرحج بدل فاسد شد ،چه حکمی دارد؟

زمانی که مأمور طبق شرایط مذکوره از جانب آمر حج ادا نمود، حج از طرف آمر ادا می شود. اما اگر حج فاسد شد، تاوان به ذمۀ مأمور است و حج آمر هم ادا نشده است. بیشتر از ادای افعال حج، توقف نمودن برای مأمور جایز نیست مگر اینکه مخارج آن را خود او قبول کند، در این صورت توقف نمودن و یا عمره به جای آوردن برای خود، جایز است. اگر در حین افعال حج از مأمور جنایتی سر زد که دم و یا صدقه لازم شد، آن دم و یا صدقه بر عهدۀ مأمور می باشد. اگر کسی خود او حج نکرده باشد و امر به حج بدل شده باشد، این حج از جانب آمر ادا می شود.

تذکر: دم احصار بر عهدۀ آمر است ولی دم تمتع و قران بر عهده مأمور است، اگر چه آمر دستور حج تمتع و یا قران داده باشد، مگر اینکه آمر تبرعاً بپردازد.

بیان عمره[1]

عمره عبارت از زیارت بیت الله الحرام به هیئت مخصوص جهت طواف به خانه مشرفه و سعی بین صفا و مروه است. عمره در اغلب احکام خود مانند حج است مگر در چند مسئله که عبارتند از :

۱- حج برای شخص مستطیع و توانمند فرض است ولی عمره بر چنین شخصی فرض نیست بلکه سنت یا واجب است.

۲- برای حج وقت معینی است ولی برای عمره وقت معینی نیست که در تمام سال به استثنای چند روز معین به جا آورده می شود.

۳- اگر حاجی درحج، وقوف به عرفه را انجام نداد حج وی باطل است ولی در عمره چنین نیست. بعد از نیت و احرام مدتها بعد ادا می گردد.

۴- از ارکان حج وقوف به عرفه، مبیت(شب گذراندن) به مزدلفه ومنی، زدن جمره ها و ذبح هدی می باشد ولی در عمره هیچ یک از اینها رکن نمی باشد.

۵- درحج طواف وداع واجب است، ولی در عمره طواف وداع مستحب یا سنت است.

---

۱ - از میقات احرام بسته بیت الله را طواف کردن وبین صفا ومروه سعی کردن.

۶- طواف حج اگر در حالت جنابت یا عادت ماهانگی یا مریضی ولادت صورت گیرد، فدیه اش یک شتر است؛حال آنکه فدیه عمره درچنین حالاتی فقط یک گوسفند است.

۷- میقات[1]حج برای ساکنین مکه مکرمه، چه ساکن اصلی یا ساکن موقت باشد، خود مکه مکرمه است در حالی که میقات عمره برای چنین اشخاصی، زمین حل یعنی خارج از محدوده حرم است.

۸- تلبیه حج برای قارن و مفرد[2]، تا هنگام زدن جمره عقبه در روز اول عید ادامه می یابد و تلبیه در عمره به مجرد شروع کردن به طواف قطع می گردد.

تذکر:

۱- بهترین وقت برای ادای عمره در درجه اول ماه مبارک رمضان و در درجه دوم ماه رجب است. پیامبر اکرم(ص)می فرمایند: عمره درماه رمضان به اندازه حجّی که به مصاحبت من ادا گردد، ثواب دارد.

۲- ادای عمره از روز عرفه تا روز سوم ایام تشریق بر همه مکروه است.

۳- تکرار عمره مستحب است و اجر جزیل دارد مگر در ایام مکروهه.

۴- کسی که به حج مفرد احرام بسته است، برایش مستحب اکید است که بعد از ایام تشریق اگر مانع جدی نباشد، به ادای عمره مبادرت ورزد.

در تمام مدت عمر، یکبار عمره رفتن سنت مؤکده است و عمره ی ماه مبارک رمضان از دیگر ماهها افضل است. روش ادای عمره این است که از میقات احرام ببندد، در طواف رمل اضطباع کند، در استلام اول تلبیه را قطع کند، بعد از طواف دو رکعت نماز طواف بجای بیاورد، سپس حجرالاسود را استلام نموده و بعد از آن بین صفا و مروه سعی کند بعد از سعی، سر را یا بتراشد یا کوتاه کند. در تمام سال ادای عمره جایز است به استثنای **نهم تا سیزدهم ذی الحجه که مکروه تحریمی است** اگر اهل مکه و میقات اراده حج نداشته باشند در این روزها برای آنها بدون کراهیت، عمره جایز است .

فرایض و واجبات عمره

در عمره دو فرض است:

۱- بستن احرام

۱- آن محلی است که بر عازمین مکه از آنجا احرام بستن واجب است.

۲ - کسی که تنها احرام حج را بسته است.

۲- چهار شوط طواف و تکمیل هفت شوط، واجب است و همچنین سعی و حلق واجب است و کیفیت احرام و طواف و سعی در عمره مانند حج است.

احصار[۱]

عبارت از بازماندن از حج و یا عمره به سبب مانعی از موانع است از قبیل : دشمن، مرض گم شدن زاد و راحله و غیره. اموری که باعث باز داشتن محرم از وقوف به عرفات و طواف به خانه معظمه می گردد که در این حالت شخص محصر باید گوسفندی و یا قیمت آن را ذریعه شخص امین به مکه مکرمه فرستاده، تا درآن جا ذبح نموده و به فقرا تقسیم نماید.

تذکر:

۱- کسی که به نیت حج و یا عمره و یا هر دو احرام بسته ولی به سببی موفق به انجام دادن آنها نگردد به نام مُحْصِر یاد می شود.

۲- محصر باید با شخصی که هدی را ذریعه وی فرستاده است روزی را برای ذبح هدی تعیین نماید. تا آنکه پیش از ذبح هدی خود را از احرام خارج نسازد.

۳- هدی احصار بایدحتماً در حرم ذبح گردد و در خارج از حرم جواز ندارد.

۴- هدی احصار لازم نیست که حتماً در روز اول عید ذبح گردد بلکه ذبح آن پیش از عید و بعد از آن نیز جواز دارد.

۵- شخصی که از حج بازمانده است اگر به نیت حج قران احرام بسته بود، بر وی دو دم لازم می گردد. یکی برای احرام حج ؛ دیگری برای احرام عمره.

۶- بر محصر تراشیدن و یا کوتاه کردن موی سر در وقت خارج شدن از احرام مستحب بوده و واجب نیست.

۷- محصر اگر قبلاً حج نکرده باشد، حج فرضی بر ذمه اش باقی مانده و هر وقت که قدرت پیدا کرد باید آن را ادا نماید.

۸- اگر حج و یا عمره شخص محصر نفلی باشد، بر وی لازم می گردد تا آن حج و عمره را درآینده، به جا بیاورد.

۹- محصر در دادن هدی احصار می تواند مانند هر شخص عادی دیگری با هفت نفر در یک شتر و یا یک گاو شریک شود.

۱- بازماندن از حج ویا عمره به سبب مانعی از موانع .

فوت شدن حج

عبارت از آن است که شخص مُحرم برای‌حج وقتی که به مکه مکرمه می رسد وقوف به عرفه اش فوت شده است چنین شخصی باید اعمال عمره را چه نیت آن را کرده باشد قبلاً یا نه به طور کامل انجام داده و بعد از ادای عمره خود را از احرام خارج سازد و قضا آوردنش لازم است. از شخصی که حجش فوت می شود چه مفرد چه قارن چه متمتع (هدی) ساقط است. حج قران در صورتی که حجش فوت شد باید دو طواف و دو سعی انجام دهد. قارن که عمره خود را ادا می کند فقط قضای حج مانند مفرد و متمتع بر ذمه اش باقی می ماند و بس .

مسایل مربوط به مناسک حج

مسئله: آن سعی که بعد از وقوف عرفات یا طواف زیارت انجام می گیرد، درآن احرام شرط نیست؛ بلکه افضل و مستحب آن است که روز دهم به منی حلق و قربانی به جا آورده خود را از احرام خارج کند سپس به طواف زیارت و سعی بپردازد اگر چه پیش از خروج احرام نیز طواف زیارت و سعی جایز است، لیکن در حج آن سعی که پیش از وقوف عرفات انجام می گیرد، درآن احرام شرط است همین طور آن سعی که در عمره به جا می آورند، درآن احرام شرط است (حیات القلوب).

مسئله: اگر بعد از طواف قدوم سعی نکرده است، پس در ایام نحر بعد از طواف زیارت سعی به جا آورد و تأخیرآن تا بعد از ایام نحر مکروه است.(حیات القلوب).

مسئله: اولین طوافی که حاجی قارن و متمتع بجا می آورند، از عمره شان محسوب می گردد و برایشان سعی بین صفا و مروه نیز لازم است. بنابراین بر آنها در اولین طوافشان اضطباع و رمل لازم و ضروری است ولی حاجی مفرد که فقط برای حج احرام بسته است، اولین طواف او طواف قدوم محسوب می گردد بعد از طواف بر او سعی واجب نیست بلکه اختیار دارد سعی را بعد از طواف زیارت روز دهم ذی الحجه انجام دهد و یا پس از طواف قدوم بجا آورد؛ البته اگر بخواهد که سعی را بعد از طواف قدوم بجا آورد در طواف قدوم درسه شوط اول اضطباع[1] و رمل

۱- اضطباع : چادر احرام را از بغل راست درآورده به شانه چپ بیاندازید این اضطباع فقط برای مردان سنت است درپایان طواف چون دوگانه طواف می خواهید بخوانید چادر را به حالت عادی با پوشانیدن هردوشانه بپوشانید.

سنتی را انجام دهد البته افضل برایش آن است که سعی را بعد طواف زیارت انجام دهد.

اگر احرام فقط برای عمره و یا حج تمتع بوده است، پس به اینجا احرام و افعال عمره تمام شده اند در نتیجه موی سر را بتراشید و یا اندکی قیچی کنید البته تراشیدن افضل است. تراشیدن را حلق و قیچی نمودن را قصر می نامند.

بعد از این عمل عمره کننده و حاجی متمتع هر دو از احرام خارج شده اند و هیچ گونه پایبندی احرام بر آنها عاید نمی گردد، بلکه مانند عام اهل مکه در مکه مقیم می باشند و در انتظار روز هشتم ذی الحجه باشند و در این ایام هر قدر طواف نفلی و حاضر شدن و زیارت بیت الله نمودن داشته باشند، غنیمت بشمرند و اوقات گرانمایه خود را به این اعمال صرف نمایند و از تضییع اوقات خود داری کنند. اما اگر این شخص که سعی را تمام کرده است، حاجی مفرد باشدکه فقط برای حج احرام بسته است و یا حاجی قارن باشد که برای حج و یا عمره یک جا با هم احرام بسته است احرام این هر دو هنوز باقی است لذا این دو گروه باید ممنوعات احرام را رعایت کنند و در حالت احرام در مکه سکونت داشته باشند و اکثر اوقات حضور در مسجدالحرام و طواف بیت الله را غنیمت دانسته و اوقات گرانمایه را بیهوده صرف نکند و در انتظار روز هشتم باشد.

مسئله: از آب زمزم وضو و غسل مناسب نیست البته برای بی وضو، وضو کردن جایز است ولی استنجا و شستن نجاست از بدن و لباس جایز نیست(غنیه). مستحب است که از طواف و غیره فارغ شده، به محل آب زمزم برود و رو به بیت الله کرده با سه نفس آب زمزم به پری شکم بنوشد در اول آن بسم الله و در آخر الحمد لله بگوید.

دعا به وقت نوشیدن آب زمزم: دو رکعت نماز طواف به مقام حضرت ابراهیم (ع) خوانده به کنار زمزم رفته و آب زمزم بنوشد و این دعا را بعد از نوشیدن آب زمزم بخواند:

« اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْئَلُكَ عِلْمًا نَافِعًا وَ رِزْقًا وَاسِعًا وَ شِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ ».

مسئله: سنگریزه به قدر نخودی باشد و اگر به قدر هسته خرمایی باشد هم اشکالی نیست اما سنگ بزرگتر از آن مکروه است(زبده).

مسئله:رمی جمار با سنگریزه های ناپاک مکروه است؛ لذا بهتر آن است که قبل از رمل سنگریزه ها را بشوید ولی اگر ناپاکی یقینی نیست، بدون شستن هم اشکالی نیست.

مسئله: وقت رمی لااقل پنج گز[1]ازجمره فاصله گرفته شود و اگر از فاصله بیشتری رمی کند اشکالی نیست و هر سنگریزه را با دست راست با گفتن بسم الله، الله اکبر بیاندازد و اگر یاد داشته باشد بهتراست این دعا را بخواند:

«رَغْمًا لِلشّیْطَانِ وَ رَضًی لِلرّحْمَنِ اَللّهُمّ اجْعَلْهُ حَجًّا مَبْرُوْراً وَسَعْیًا مَشْکُوراً وَ ذَنْبًا مَغْفُوراً »

((این سنگریزه ها را برای ذلیل کردن شیطان و رضامندی خدا می زنم ای الله حج مرا بپذیر و کوششم را قبول فرما و گناهم را ببخش)).

مسئله: اگر کسی هر هفت سنگریزه را به یک مرتبه انداخت، اینها همه یک مرتبه محسوب می گردد و شش بار دیگر باید اضافه نماید.

مسئله: سنگریزه اگر به جمره نخورد و نزدیک آن در محوطه دیوار کشی بیفتد، جایز است البته اگر خارج از محدوده دیوار اطراف آنها بیفتد دوباره اعاده کند.

مسئله: سنگریزه ها را بر قسمت پایینی جمره بزنید ولی اگر بر قسمت بالایی هم بخورند، اشکالی ندارد.(غنیه)

مسئله: در مسجد الحرام اگر کسی از جلوی نماز گزاری بگذرد، او را منع نکند اعم از آن که گذرنده طواف کننده ای باشد یا غیرآن.

مسئله: داخل بیت الله رفتن مستحب است به شرطی که منجر اذیت و آزار خود و دیگران و دادن رشوه چنان که بعضی مردم به دربان می دهند، نشود.

مقصد هفتم : در بیان محظورات احرام

اعمالی که درحالت احرام ارتکاب آنها جرم محسوب می شود ،**محظورات** احرام نامیده می شود و آن بر سه قسم است:

۱- محظوری که فاسد کننده حج است.

۱- هرگز ۱۰۲ سانتیمتر است.

۲- محظوری که بر انجام آن دم[1] لازم می شود.

۳- محظوری که به انجام دادن آن صدقه لازم می شود.

نوع اول: اگر مُحرم ،قبل از وقوف عرفه مرتکب عمل جنسی (جماع) خواه در راه مشروع و یا در راه غیر مشروع شود، به نحوی که به اندازهٔ حشفه در موضع خود پنهان کند، اعم از اینکه انزال شود و یا نشود و اعم از اینکه زن در خواب باشد و یا بیدار باشد، و همچنین زن محرمه اگر ذکر بریده ای را در موضع مخصوص خود، داخل کند در تمام صورت های فوق حج فاسد می شود. برای این اشخاص لازم است که افعال حج را همچنان ادامه دهد و مثل بقیه از تمام محظورات احرام که برای محرم ممنوع است، اجتناب کند. بعد از ادای اعمال حج و حلال شدن،دم فساد حج بر او واجب است و تا زمانی که همه افعال حج را به جای نیاورده باشد، از احرام ،خارج نمی شود و قضای حج را در آینده بجا بیاورد.خواه حج فاسد شده، حج فرض است و یا نفل.

نوع دوم : محظوری است که جزای مرتکب شونده آن بُدنه[2] است و آن بر دو نوع است، یکی اینکه بعد از وقوف عرفه، محرم جماع کند. اگر این عمل پیش از حلق و طواف زیارت بود، باید بُدنه بدهد، اگر بعد از حلق و پیش از طواف زیارت بود، دم لازم می شود. و دوم اگر در حالت جنابت و یا در حالت حیض و نفاس طواف زیارت نمود جزای آن بدنه می شود، برای این گونه اشخاص بهتر این است که طواف خود را عود کند اگر این عود در ایام نحر باشد، دم لازم نمی شود. اگر بعد از ایام نحر بود، دم تأخیر لازم می شود.

ادا کردن جنایات فوراً واجب نیست، البته اگر ظن غالب باشد که دیگر عمر وفا نخواهد کرد و زمان مردن نزدیک است، فوراً باید ادا کند و تأخیر کردن گناه است و اگر پیش از ادا کردن، موت فرا رسد وصیت کردن واجب است، و اگر وصیت نکرد اما وارثش تبرعاً ادا نمود، ادا می شود بجز روزه که بطور تبرع ادا نمی شود.

جنایت عام است چه عمداً بکند یا به فراموشی، دانسته بکند و یا ندانسته، مسئله را بداند و یا نداند، به خوشی خود بکند و یا به اجبار و اکراه دیگری، در حالت خواب بکند و یا در بیداری، در حال مستی بکند و یا بیهوشی، در حال

۱- دم اصطلاحاً به قربانی گفته می شود که در عوض جنایت،ذبح می شود و شامل شتر،گاو وگوسفند می شود.

۲- گاو وشتر وگوسفد را گویند.

تنگدستی بکند و یا در حال ثروتمندی، خود او بکند و یا دیگری را امر کند، در حکم همه برابر است و در هر حال جزا واجب می شود.

جنایات

اگر از طواف عمره، چهار شوط باقی مانده بود و محرم، جماع کرد، عمره اش فاسد می شود و دم بر وی واجب است. با وجود فاسد شدن افعال، عمره را ادامه دهد و بعد از آن از احرام خارج شود و لازم است که قضای این عمره را بجا بیاورد و اگر بعد از چهار شوط مرتکب آن عمل شد، عمره اش فاسد نمی شود ولی دم واجب می شود. و دیگر محظوراتی که به ارتکاب آنها دم یعنی کشتن گوسفند لازم می شود:

۱ـ استعمال خوشبویی در تمام یک عضو

۲ـ رنگ کردن به حنا،در صورتی که حنا رقیق باشد،یک دم در صورت غلیظ بودن دو دم واجب می شود:یکی به علت خوشبویی و دومی به علت پوشانیدن سر.

۳ـ مالیدن روغن کنجد و زیتون و مثل آنها در عضو کامل

۴ـ پوشیدن جامه دوخته به طریق عرف و عادت، به مدت یک شب یا یک روز.

۵ ـ پوشیدن صورت یا سر، به مدت یک شب یا یک روز.

۶ ـ تراشیدن یک چهارم سر یا ریش یا تمام گردن یا زیر یکی از دو بغل یا زیر ناف

۷ـ تراشیدن محل حجامت و حجامت کردن.

۸ ـ کوتاه کردن تمام ناخنها یا پنج ناخن ردیفی.

۹ـ طواف قدوم یا وداع را در حالت جنابت یا حیض انجام دادن و یا طواف زیارت را، بی وضو طواف کردن.

۱۰ـ طواف و سعی عمره را بی وضو انجام دادن که در صورت عود کردن این طواف وسعی، دم ساقط می گردد.

۱۱ـ قبل از غروب آفتاب از عرفات بیرون شدن.

۱۲ـ ترک وقوف مزدلفه یا پیش از روشنی صبح بیرون شدن.

۱۳- ترک تمام جمره ها یا جمرهٔ یک روز یا بیشتر ریگچه های یک روز.

۱۴ ـ ذبح هدیه پیش از زدن جمرهٔ عقبه.

۱۵ـ تراشیدن سر پیش از ذبح.

۱۶- تراشیدن سر برای تحلیل حج بیرون حرم در ایام عید یا در حرم بعد از ایام عید ولی بعد از عید و خارج حرم، دو دم و برای تحلیل عمره در خارج حرم یک دم لازم می شود.

۱۷ـ جماع پیش از طواف فرض و بعد از تراشیدن سر.

۱۸ ـ مباشرهٔ فاحشه یا بوسه و مساس زن به شهوت اگر چه انزال نشود.

۱۹ـ تأخیر طواف فرض از ایام عید.

۲۰ـ ترک سه چرخ یا کمتر از طواف فرض و به ترک چهار چرخ نزدیکی زن برایش حلال نمی شود تا وقتی که ادا کند آن را ولی اگر طواف وداع انجام داده، کسری فرض از طواف وداع او تکمیل و برای کسری وداع جبیره لازم می شود.

۲۱ـ ترک کل طواف وداع یا اکثرش.

۲۲ـ ترک تمام سعی بین صفا و مروه یا بیشتر آن.

۲۳ ـ سواره سعی نمودن بدون عذر و با اعاده ساقط می گردد.

۲۴ـ شروع طواف از سمت چپ، در صورت اعادهٔ طواف، دم ساقط می شود.

۲۵ـ برهنه شدن یک چهارم عضو عورت در بین طواف؛ و به اعادهٔ طواف ، ساقط می گردد.

۲۶ـ طواف را از غیرحجرالاسود شروع و عود نکردن.

۲۷ـ در طواف از وسط حطیم گردیدن و عود نکردن.

۲۸ـ جماع در عمره پس از چهار چرخ برای غیر قارن و پیش از چهار چرخ مفسد عمره است و پس از فساد باید افعال عمره را انجام دهد و گوسفندی ذبح کند و قضا به جا آورد.

مسائل

۱- اگر محرم قسمتی از موی لب و یا قسمتی از موی گردن خود را گرفت بر وی صدقه لازم می گردد ولی در گرفتن کامل موی لب و یا موی گردن و یا گرفتن کامل موی هر عضو دیگر، دم لازم است.

۲- از تراشیدن و یا کندن موی زیر هر بغل دم لازم می گردد و اگر کمتر از آن باشد، صدقه لازم است.

۳- از هنگام وضو ساختن و یا غسل کردن از سر و یا ریش محرم یک و یا دو موی افتاد بر وی چیزی نیست و اگر بیشتر از آن بود، در مقابل هر موی یک دانه خرما و یا معادل آن را باید صدقه بدهد.

۴- اگر هنگام پختن طعام و یا عمل دیگری، موی سر و یا ریش و یا ابرو و یا موی دیگر اعضای بدن محرم سوخت، به تناسب مقدار سوختگی به تفصیلی که در مسئله بیست و نه ذکر شد، بر وی دم و یا صدقه لازم می گردد.

۵- اگر محرم در حال استمرار احرام سر شخص دیگری چه محرم باشد و چه غیر محرم تراشید، بر وی صدقه لازم می گردد.

۶- اگر محرم سر محرم دیگری را که می خواهد از احرام خارج شود بتراشد، بر هیچ کدام از حالق و محلوق فدیه لازم نیست.

۷- اگر حاجی موی سر خود را در هنگام خارج شدن از احرام در بیرون از زمین حرم تراشید در نزد امام ابوحنیفه (رح) بر وی دم لازم می گردد.

۸- اگر ناخن محرم بدون قصد و اختیار وی شکست و این شکستگی باعث اذیت او می گردید، از گرفتن آن ناخن شکسته بر وی چیزی لازم نمی گردد.

۹- اگرکسی تمام طواف زیارت و یا اکثر آن را در حالت بی وضویی انجام داد، بر وی دم لازم می گردد. ولی اگر این طواف را دو مرتبه بجا آورد، دم از وی ساقط می شود.

جنایت قارن

« اگر قارن قبل از طواف عمره و وقوف به عرفه جماع کند، حج وعمره اش، هردو باطل می شود. در این صورت دو، دم به ذمهٔ او واجب می شود« به سبب دو احرام» و باید تمام افعال حج را تا به آخر انجام دهد و قضای حج را در آینده بجا بیاورد و اما اگر بعد از وقوف عرفه و بعد از طواف عمره پیش از حلق، جماع کند، بر او یک بُدنه و یک دم لازم می شود و دم قران را هم باید بدهد .»

نوع سوم : محظوراتی که به ارتکاب آنها صدقه لازم می شود. نوعی از محظورات در احرام است که به آن صدقه لازم می شود و مقدار این صدقه به اندازهٔ صدقهٔ فطر است، یعنی از گندم(نصف صاع[1]) و از جو (یک صاع)می باشد. در ذیل به برخی از این محظورات اشاره خواهدشد:

۱ـ بکار بردن خوشبویی در قسمتی از اعضا و یا عضوی کوچک.

۲ـ مالیدن روغن یاحنا در بعضی از اعضا.

۳ـ پوشیدن جامهٔ دوخته کمتر از یک روز و یا یک شب.

۱- صاع تقریباً چهار کیلوگرم وزن دارد.

۴ـ پوشیدن صورت یا سر کمتر از یک روز و یا یک شب.

۵ـ تراشیدن کمتر از یک چهارم سر یا ریش یا قسمتی از زیر بغل و ناف و گردن.

۶ـ تراشیدن محل حجامت و حجامت نکردن.

۷ـ اگر محرم سر حلالی را بتراشد، بر وی صدقه است و اگر سر محرمی را بتراشد،بر تراشنده صدقه و بر تراشیده شده دم واجب می شود.

۸ـ کوتاه کردن حتی یک ناخن از دست و پا، مادامی که به پنج ناخن مجتمع نرسد؛به طوری که صدقات متفرقه قیمت گوسفندی را تشکیل ندهد.

۹ـ طواف قدوم یا وداع را بی وضو انجام دادن.

۱۰ـ ترک هر یک چرخ از طواف وداع، مادامی‌که به چهار چرخ نرسد.

۱۱ـ ترک حتی یک چرخ از سعی صفا و مروه در کمتر از چهار چرخ.

۱۲ـ ترک حتی یک ریگچه تا سه دانه از جمرۀ روز اول عید و در بقیۀ ایام تا ده دانه؛ مگر آنکه قیمت صدقات به گوسفندی برسد؛ در این صورت از قیمت گوسفند اندازۀ کمی کسر کند و در ترک زیادتر از ده ریگچه، گوسفندی لازم می شود.

محظورات متفرقه و تدارک آنها

۱ـ به کشتن شکار بیابانی یا اشاره یا دلالت بر آن جزا لازم می شود (جزا آن است که دو نفر عادل با بصارت قیمت شکار را در جایی که کشته شده تعیین کنند؛ آنگاه مُحرم اختیار دارد که به همان مبلغ گوسفندی گرفته، ذبح کند؛ یا طعام خریده، به هر مسکین یک من گندم بدهد؛یا در عوضِ هر یک من گندم،یک روز روزه بگیرد یا همان مقدار را به فقیر بدهد. به یک فقیر دو من یا کمتر ازیک مَن دادن، جایز نیست.

۲ـ به کشتن درندگان، جزا لازم شود ولی باید قیمتش بیشتر از گوسفندی نشود؛ اگر چه خوک یا فیل باشد.

۳ـ به زخم یا قطع عضو یا کندن موی شکار، اندازه نقصان لازم می شود.

۴ـ به قطع قوۀ دفاعیه مثل بال و دست و پای شکار، قیمت تمام آن لازم می شود.

۵ ـ به شکستن بیضۀ شکار و کندن گیاه و درخت تازه و بی صاحب در زمین حرم، قیمت‌تمام لازم می شود ولی‌کندن فریز درخت خشک معاف است.

۶ ـ کشتن احرام دارشکار را حرام می گرداند ولی ذبح حیوانات اهلی، زیانی ندارد.

۷ـ به کشتن مار و کژدم و گرگ و سگ و موش و تیز و زاغ و پشه و کیک و کنه و زنبور و خارپشت و لاک پشت و مارمولک و سوسمارو پروانه و درندۀ حمله کننده، چیزی لازم نیست ؛ اما بدون ضرورت آزار هیچ حیوانی شایستۀ حال مُحرِم نیست.

۸ ـ به کشتن ملخ و شپش یا انداختن آن، یک خرما یا کمی طعام بدهد.

۹ـ به تراشیدن سر یا پوشیدن جامۀ دوخته یا استعمال خوشبوئی در حال ضرورت، مجاز است بین ذبح گوسفند و اطعام شش مسکین و روزه گرفتن سه روز

۱۰ـ کسی که پیش از طلوع صبح عید روز عرفه یا شب عید در عرفات لحظه ای توقف نکرد، حجش فوت و لازم است مثل عمره، طواف و سعی نموده، خود را حلال سازد و در آینده قضا به جا آورد بدون جبیره. درجمیع محظورات، جریمۀ حاجی قران دو برابر است؛ مگر جرم تجاوز از میقات بی احرام، و هدیۀ شکرانه که یکی است برای متمتّع و قارن بلافرق.

۱- حکم حج	فرض فور بر مستطیع	۲- حکم عمره	سنت موکده
۳- نیت احرام برای حج	شرط	۴- نیت احرام برای عمره	شرط
۵- احرام از میقات	واجب	۶- هزمان بودن تلبیه با احرام	واجب
۷- غسل کردن برای احرام	سنت	۸- خوشبویی کردن برای احرام	سنت
۹- طواف قدوم برای مفرد و قارن	سنت	۱۰- تلبیه	واجب
۱۱- نیت طواف	شرط	۱۲-شروع طواف از حجرالاسود	واجب
۱۳- قرار دادن خانه به طرف چپ طواف کننده	واجب	۱۴- پیاده طواف کردن در صورت نداشتن عذر	واجب
۱۵- طهارت ازبی وضویی در طواف	واجب	۱۶- پاک بودن بدن و جامه و مکان	سنت
۱۷- بودن طواف ازپشت حطیم	واجب	۱۸- بودن طواف درمسجد	شرط
۱۹- هفت شوط برای طواف	واجب	۲۰- پی درپی بودن شوطهای طواف	سنت
۲۱- پوشیدن عورت در طواف	واجب	۲۲- دو رکعت نماز طواف	واجب
۲۳- طواف عمره	رکن	۲۴- سعی بین صفا و مروه	واجب
۲۵- واقع شدن سعی بعد از طواف	واجب	۲۶- نیت سعی	واجب
۲۷- شروع سعی ازصفا و ختم آن به مروه	واجب	۲۸- پیاده سعی کردن در صورت نبودن عذر	واجب
۲۹- هفت شوط بودن سعی	واجب	۳۰- پی در پی بودن شوطهای سعی	سنت
۳۱- حکم حلق وتقصیر در عمره	واجب	۳۲- شب گذراندن درمنی شب عرفه	سنت
۳۳- وقوف درعرفات	رکن	۳۴- وقت وقوف	بعد از

		درعرفات	زوال
۳۵- امتداد وقوف تا بعد از غروب اگر از روز آنجا بوده	واجب	۳۶- حرکت ازعرفه با امام یا نایبش	واجب
۳۷- جمع نماز مغرب و عشاء در مزدلفه	واجب	۳۸- وقوف در مزدلفه	واجب
۳۹- وقوف به مزدلفه نزد مشعر الحرام از فجر تا طلوع	واجب	۴۰- رمی جمره عقبه در روز عید	واجب

۴۱- حلق یا تقصیر در حج	واجب	۴۲- طواف افاضه (زیارت)	رکن
۴۳- بودن طواف اضافه در ایام عید	واجب	۴۴- تأخیر طواف افاضه از رمی عقبه	سنت
۴۵- رمی جمار سه گانه در ایام تشریق	واجب	۴۶- عدم تاخیر رمی تا شب	سنت
۴۷- شب گذراندن در منی شبهای ایام تشریق	سنت	۴۸- طواف وداع	واجب
۴۹- ادای عمره در روزهای تشریق	مکروه تحریمی	۵۰- ترتیب رمی جمره اولی و وسطی و اخری	سنت
سعی			
محل آن	بعد از طواف	۸- موالات بین سعی و طواف	سنت
رسیدن تا قسمت بالایی صفا ومروه	سنت	۹- دعای لا اله الا الله	مستحب
۳-استلام حجرقبل ازسعی	بلی	۱۰- دویدن در قسمت مشخص	سنت
۴-حکم سعی	واجب	۱۱- سعی	هفت شوط دارد
۵- سعی	از صفا آغاز میشود	۱۲- درسعی پیاده	واجب
۶- موالات بین اشواط	سنت	۱۳- درسعی سواره با	جایز

		عذر	
۷-شوط اضافی بطور عمد		باطل	
طواف(هفت دور چرخیدن به دور خانه کعبه معظمه)			
طهارت از حدث	واجب	۶-اصل نیت	شرط
۲- نیت طواف	واجب	۷- درصورت توان پیاده طواف کند	واجب
۳- از حجر الاسود طواف را آغاز کند	واجب	۸- قرار دادن خانه طرف چپ	واجب
۴- موالات(پی درپی طواف کردن)	سنت	۹- اکمال هفت شوط	واجب
۵- نماز طواف	واجب در وقت	۱۰- ستر عورت	واجب
حلق تقصیر(تراشیدن وکوتاه کردن موی سر)			
۱- تقصیر یاحلق بعد از سعی انجام شود	مخیر	۶- عمره تمتع در صورت حلق کفاره ندارد	بلي
۲- در عمره مفرده مخیره بین حلق و تقصیر	بلي	۷- د رحج مخیر بین حلق تقصیر	بلي
۳- برای زنان فقط تقصیر معین است	بلي	۸- حلق یا تقصیر حج در منی انجام می شود	بلي
۴- با حلق تقصیر زنان حلال نمی شود	بلي	۹- با حلق تقصیر بوی خوش حلال می شود	بلي
۵- زمان حلق روز عید است		بلي	

وقوف در عرفات			
۱- وقوف عرفه رکن اصلی حج است	بـلـي	۶- در صورت فوت سال آینده بجا می آورد	بـلـي
۲- تمامی عرفات موقف است بجز وادی «عرنه»	بـلـي	۷- افضل کنار جبل الرحمه است	بـلـي
۳- وادی عرنه از موقف نیست	بـلـي نـيـست	۸- حد عرفات از کوه شرف برغه تا کوه مقابل	بـلـي
۴- زمان وقوف عرفات از ظهر عرفه تا طلوع فجر عید	بـلـي	۹- بیتوته(ماندن) شب عرفه در منی	سنت
۵- نیت و قصد وقوف شرط است	خيـر	۱۰- طهارت برای وقوف شرط نیست	بـلـي
رمی جمرات			
۱- تنها رمی جمره عقبه روز عید	و ا جب	۶- زمان :از هنگام طلوع تا غروب	بـلـي
۲- قبل از طلوع بدون عذر جایز نیست	بـلـي	۷- رمی قبل از طلوع یا بعد از غروب کفاره ندارد	بـلـي
۳- نیت هفت سنگریزه جدا جدا	بـلـي	۸- طهارت شرط نیست، افضل است	بـلـي
۴- باید به صورت رمی باشد نه ریختن	بـلـي	۹- در صورت شک بنا را بر کمتر می گذارد	بـلـي
۵- سنگ ریزه مستعمل نباشد		بـلـي	

قربانی			
۱- اضحیه : مانند زکوت فطر هر سال واجب است	بلي بر مالك نصابش	۲- قربانی واجب است	بلي
۳- محل آن برا ی حجاج در حرم مشتمل در منی	بلي	۴- محل آن برای غیر حجاج در وطن	بلي
۵- حجاج میتواند اضحیه را در غیر منی انجام دهند	بلي در حرم	۶- زمان اضحیه در منی روز عید تا دو روز بعد	بلي
۷- ودر غیر منی روز عید تا دو روز بعد		بلي	
هدی			
۱- برای حج کننده تمتع غیر مکی واجب است	بلي	۲- هدی برای عمره مفرده و حج مفرده واجب نیست	بلي
۳- قربانی شتر گاو ، گوسفند بز است	بلي	۴- بر کسی که حج قران بجا می آورد نیز واجب است	بلي
۵- وقت ذبح هدی روز عید و یازدهم و دوازدهم است	بلي	۶- هدی باید سالم از عیوب باشد	بلي
۷- بدل از هدی درصورت نتوانستن قربانی	بلي سه روز روزه در حج و هفت روز در بازگشت	۸- مکان ذبح حرم مشتمل بر منی است	بلي
۹- جواز خوردن از هدی	بلي	۱۰- وکالت دادن به دیگری برای ذبح جایز است	بلي

مکه	احرام روز هشتم ذی الحجه
منی	شب گذرنیدن از ظهر هشتم تا صبح نهم
عرفات	وقوف از ظهر نهم تا غروب
مزدلفه	وقوف شب دهم تا طلوع آفتاب
منی	۱ـ رمی جمره عقبه روز دهم ۲ـ قربانی روز دهم ۳ ـ حلق یا قصر روزدهم
مسجدالحرام	۱ـ طواف حج روز دهم ۲ـ نماز طواف روز دهم
سعی بین صفا و مروه	سعی بین صفا ومروه
منی	۱ـ شب گذراندن در شبهای یازدهم ودوازدهم ۲ـ رمی جمرات سه گانه در روز های یازدهم ودوازدهم
طواف وداع	قبل از خروج از مکه

مقصد هشتم : در مواضع مخصوصی از مکه که زیارت آنها مأثوراست

مکانهای نماز رسول الله ﷺ در مسجدالحرام

۱ـ پشت مقام ابراهیم علیه السلام

۲ـ روبروی حجرالاسود

۳ـ نزدیک رکن شامی[1] از جانب حطیم

۴ـ پای آستانۀ کعبه

۵ـ پای ستونی که از جانب غرب به حطیم وصل است پشت به باب عمره

۶ـ پشت به مقام ابراهیم علیه السلام رو به خانه

۷ـ بین رکن یمانی و حجرالاسود

۸ـ داخل حطیم زیر میزاب رحمت[2].

۱- گوشه شمال غربی کعبه که به جانب شام (سوریه) واقع است.

۲- آن ناودان بیت الله درحطیم است که موقع باران آب سقف بیت الله ازآن جا می ریزد باید زیر آن ایستاده ودعا کند چراکه درآنجا دعا قبول می شود.

مولدهای متبرکه

۱ـ مولدالنبی ﷺدرسوق اللیل معروف است.

۲ـ مولد بی بی فاطمه (رض)در سرای بی بی خدیجه (رض).

۳ـ مولد حضرت عمر فاروق رضی الله عنه در جبل نوبی.

۴ـ مولد حضرت علی رضی الله عنه در شعب علی.

۵ ـ مولد سیدنا حمزه رضی الله عنه پایین مکه بر راه ماجن.

۶ـ مولد حضرت امام جعفر صادق (رح) در سرای ابی سعید رضی الله عنه.

سراهای متبرکه

۱ـ سرای حضرت ابو بکر صدیق که اسلام آوردن حضرت علی و عثمان و طلحه و زبیر و بسیاری از صحابه (رضی الله عنهم)در آنجا بود در کوچه ای بنام زقاق الحجر که بر دیوار آن کوچه اثر مرفق آن حضرت ﷺ بر سنگی باقیمانده که وقتی خود را به دیوار تکیه داده، یا ابابکر ندا می فرمودند؛ آرنج مبارک ﷺ بر سنگ اثر گذاشت و نیز مقابل این سرا، دیواری است سنگی برآن نصب، و روی آن نوشته بود:

اَنَا الْحَجَرُ الْمُسَلِمُ كُلّ حِيْنٍ   عَلَى خَيْرِ الْوَرَى فَلِيَ الْبِشارَةُ

وَنِلْتُ فَضِيْلَةً مِنْ ذِي الْمَعَالِي   خُصِّصْتُ بِهَا وَاِنِّي مِنْ حِجارِهِ

مشهور است که قبل از بعثت، بر حضرت ﷺ سلام می کرده و ایشان علیک الاسلام می فرمودند و تا چند سال قبل زیارت می شد ولی فعلاً حکومت سعودی او را برداشت، به خزانه نقل داده و جای او بر دکّان نبش کوچه ظاهر است.

۲ـ دار خِیْزَ ران که در آن مسجدی است که اول دوره اسلام پیغمبر ﷺآنجا بودند و جای اسلام حضرت عمر رضی الله عنه و امیرحمزه رضی الله عنه و محل اجتماع اصحاب رضی الله عنه بود.

۳ـ رباط موفق یا مغار به در سوق باب ابراهیم علیه السلام محل اجابت دعا است.

۴ـ معبد سلطان ابراهیم ادهم ، سرایی است بر جبل جزل.

۵ ـ دار بی بی خدیجه (رضی الله تعالی عنها) محل نزول وحی به وسیله جبرییل علیه السلام و مسکن آن حضرت ﷺ و جای ولادت اولاد امجادش.

مساجد متبرکه موجود در مکه مکرمه

۱ ـ مسجد الرایه در بلندی مکه نزد مناره ابی شامه.

۲ـ مسجدی است پیش مسلخ بزرگ بر دست راست کسی که به مکه می آید.

۳ـ مسجد مختبا در سوق اللیل قریب مولد النّبیﷺ.

۴ـمسجد ابراهیم بر جبل ابی قبیس.

۵ـ مسجدسیدناابی بکر صدّیق رضی الله عنه در پایین مکه پهلوی دارا لهجره.

۶ـ مسجد الحرس که به بیعت الجن معروف است.

۷ـ مسجد الاجابه بریسار(چپ) راهی که به سمت منی است.

۸ـ مسجد بیعت الانصار نزدیک عقبه، دست چپ راه به سمت منی.

۹ـ مسجد نحر، بین جمره اولی و وُسطی در سمت راست راه عرفات.

۱۰ـ مسجد کبش در سمت چپ راه عرفات.

۱۱ـ مسجد سیدتنا عایشه (رض)، در بلندیِ مسجد غاری است و دارای بنایی که محل اعتکاف بی بی بوده است.

۱۲ـ مسجد خیف که جای نماز هفتاد نفر از انبیا ـ علیهم السلام ـ بوده خصوصاً قبّه وسط مسجد بزرگ.

۱۳ـ مسجدضبّ بر کوه بلندی خیف و غار مرسلات نیز آنجا است که دارای نشان سر مبارکﷺو محل نزول سوره والمرسلات است.

۱۴ـ مسجد سیدنا ابراهیم علیه السلام در عرفات.

۱۵ـ مسجد نمره در عرفات.

۱۶ـ مسجد فتح در وادی مرّ .

۱۷ـ مسجد جعرانه در راه طائف که جای احرام آن حضرت ﷺ و سیصد پیغمبر دیگر، آنجا آبیست که از اثر دست یا نیزه مبارکﷺجوشیده و تا کنون فیضش به حاجت مندان می رسد.

۱۸ـ مسجدی است که در نزدیکی راهی که از باب عمره به سوق باب ابراهیم علیه السلام می رود.

۱۹ـ مسجد مشعر الحرام در مزدلفه. زیارت مساجد فوق در اوقات مباحه به نماز و در اوقات مکروهه به ذکر و دعا و درود است .

۲۰ـ مسجد صفاع در جنوب مسجد خیف.

کوههای متبرکه

۱ـ جبل ابو قبیس بر بلندی صفا که در بعضی روایات جسد مطهّر حضرت آدم و حوا و شیث ـ علیهم السلام ـ در این کوه دفن شده و اولین کوههای دنیا و بهترین کوههای مکه و امین حجر الاسود و محل اجابت دعا و شق القمراست .

۲ـ جبل خندمه کوهی است بالای ابی قبیس مدفن هفتاد نفر از انبیاء ـ علیهم السلام ـ .

۳ـ جبل حرا یا نور که در وی غاری است که مبارکﷺ از مشرکین کناره گرفته، آنجا به سر می بردند تا جبرئیل علیه السلام فرود آمده، مژده رسالت را به نزول اول سوره اِقرأ آورد.

۴ـ جبل ثور یا اطحل در دو میلی پایین مکه که در او غاری است که شب هجرت آن حضرت ﷺ با سیدنا ابوبکرؓ در آنجا آمدند و به امرخدا همان ساعت بر در غار درختی سبز شد و عنکبوت تنید و کبوتر تخم گذاشت تا از شر کفار محفوظ ماندند و کریمه ﴿ثَانِیَ اثْنَیْنَ اِذْ هُمَا فِی الْغَارِ﴾ در شأن آن وارد آمده است.

۵ ـ جبل ثبیر به منی پیش از بعثت جای عبادت حضرت پیغمبرﷺ بود و در خبر است که چون به کوه طور تجلّی واقع شد، شش قطعه از او جدا گشته، پرید که سه از آن به مکه افتاد که حرا و ثور و ثبیر است و سه قطعه دیگر در مدینه که احد و رقان و رضوی است.

۶ ـ ثبیر غینا در منی.

۷ـ ثبیر اعرج در منی این دو کوه بر د و جانب وادی افاعیه واقع است.

۸ـ جبل ثبیر نصح در مزدلفه درسمت چپ راهی که به منی می رود.

۹ـ ثبیر خضرا در راه منی بر وادی خضیرا.

۱۰ـ ثبیر احدب یا احیدب مقابل مسجد خیف.

مقابرمتبرکه

۱ـ مقبره المعلی قبر بی بی خدیجه (رض) و عبدالله بن عمرؓ و قاسم بن پیغمبر ﷺ و فضیل عیاض و بسیاری از سادات صحابه و تابعین و علما و صلحا.

۲ـ مقبره مهاجرین نزد جبل بکاء.

۳ـ مقبره شبیکه در پایین مکه.

۴ـ قبر بی بی میمونه (رض) در طرف هفت میلی مکه در راه وادی مرّ .

۵ ـ قبر عبد الله بن عبّاس ﷺ در وادی طائف.

۶ ـ قبری است بر سرکوه برقه از وادی مرّ که گویند مقبرهٔ بی‌بی مریم(ع) والدهٔ حضرت عیسی (ع) است.

مواضع اجابت دعا

۱ـ دوره طواف
۲ـ ملتزم
۳ـ زیر میزاب رحمت
۴ـ داخل کعبه
۵ ـ پشت مقام ابراهیم
۶ ـ نزد زمزم
۷ـ صفا
۸ ـ مروه
۹ـ درحال سعی بین صفا ومروه.
۱۰ـ در منی عموماً و خصوصاً نزد جمرات سه گانه.
۱۱ـ مزدلفه .
۱۲ـ عرفات.
۱۳ وقت دخول از باب السلام.
۱۴ـ سرای بی بی خدیجه(رض) در شبهای جمعه.
۱۵ـ مولد النبی ﷺ وقت زوال آفتاب در روز دوشنبه.
۱۶ـ دار خیز ران بین شام و خفتن.
۱۷ـ جبل ثور وقت ظهر.
۱۸ـ جبل حرا مطلقا.

توسعه مسجدالحرام

این مسجد در زمان حضرت پیغمبر ﷺ و صدیق اکبر ﷺ دیواری جداگانه نداشت منازل بر آن محیط و دروازه ها از وسط مسجد باز می شد خلیفه ثانی پیغمبر ﷺ؛ حضرت عمرﷺ در دوره خلافتش به نام فنائیت کعبه و مسجد، منازل نزدیک را خریداری نموده، مسجد را وسیع ساخته و دیواری کوتاهتر ازقامت انسانی برگرد آن قرار داده است و مردم جهت روشنایی مسجد، چراغها بر آن دیوار می گذاشتند. خلیفه سوم حضرت عثمان ﷺ نیز در دوره خود منازلی خریداری نموده، داخل مسجد دادند و بر دروازه ها ایوان بنا کردند عبدالله بن زبیر ﷺ نیز منازل زیادی خریده، بر فراخی مسجد افزود. عبد الملک پسر مروان دیوار را بلند و سقف را تبدیل به چوب ساج نمود و بر سر هر استوانه پنجاه مثقال طلا قبّه قرار داد ولید پسرش نیز بر فراخی مسجد افزود و استوانه ها و سطح را رخام و

سقف را ساج طلا اندود ساخت، منصور خلیفه عبّاسی درحد شامی و غربی و پسرش در جانب شرقی و یمانی، حصّه ای از جانب غربی به توسعه مسجد افزودند ، معتضد عبّاسی زیادی دارالندوه و مقتدربالله زیادی باب ابراهیم را به مصارف زیادی، ضمیمه مسجد ساختند تعمیرات و تغییرات زیادی شده که تشریح آنها به طول می انجامد ولی تا دوره سعودی بر وسعتش افزوده نشده است. اکنون سلاطین سعودیّه از چهار طرف توسعه بسیاری داده و عمرانات شایسته و دل پسندی کرده اند.

مناره های مسجد الحرام

۱ـ منارۀ باب السلام.
۲ـ منارۀ باب العمره.
۳ـ منارۀ باب علی رضی الله عنه.
۴ـ منارۀ باب عزوره.
۵ ـ منارۀ مدرسه سلطان.
۶ ـ منارۀ زیادۀ دارالندوه.

ابواب مسجد الحرام

الف ــ در جانب شرقی :

۱ـ باب السلام دارای سه طاق .
۲ـ باب سلطان قایتبای.
۳ـ باب النبی صلی الله علیه وسلم.
۴ـ باب العبّاس رضی الله عنه دارای سه طاق.
۵ ـ باب علی رضی الله عنه دارای سه طاق.

ب ــ در حدّ جنوبی :

۱ـ باب النسا دارای دو طاق.
۲ـ باب البغله دارای دو طاق.
۳ـ باب الصّفا دارای پنج طاق.
۴ـ باب الرحمه دارای دو طاق.
۵ ـ باب اجیاددارای دو طاق.
۶ـ باب حمیدیه دارای دو طاق.

ج ــ در جانب غربی :

۱ـ باب الوداع دارای دو طاق.
۲ـ باب ابراهیم.
۳ـ باب داودیه.
۴ـ باب العمره.
۵ ـ باب العتیق.

دــ در جانب شمالی :

۱ـ باب الزّمامیّه.
۲ـ باب الباسطیه.

۳ـ باب القطبی. ۴ـ باب الزّیاده.
۵ ـ باب المحکمه. ۶ـ باب السلیمانیه.
۷ـ باب الدریبه.

در ساختمان سعودی مقابل هر یک از این دروازه ها بابی ساخته شده و به همان نام یاد می شود و نیز مناره هایی غیر از مناره های قدیمی ساخته شده که به نام مناره های قدیمه یاد می شود .

حدود زمین حرم

از جانب مدینه مسجد عایشه (رض) در تنعیم قریب پنج میل و از جانب عراق کوهی است به نام مقطع به مسافت هشت میل از کعبه و از جانب عرفه به مسافت هشت میل و خود عرفه از حل است و از جانب جعرانه به مسافت نُه میل محلی به نام شعب آل عبدالله بن خالد و از طرف جده، ده میل یعنی تا آخر حدیبیه که در این زمان حِدّه نامیده می شود و از طرف یمن اضا که محل اجتماع آب رود حل می باشد وجه تسمیهٔ زمین محدوده به حرم آنست که چون آدم ؈ به زمین فرود آمد، از ساکنین زمین هراس داشت؛ خداوند برای محافظت وی ملائکه را فرستاد تا گرداگرد وی حلقه زده، جن و شیاطین را که ساکن زمین بودند، نگذارند وارد این محروسه شوند تا آدم بتواند با فراغ خاطر به عبادت پروردگارش بپردازد و گویند چون ابراهیم ؈ حجرالاسود را در محلش نصب نمود، نوری از آن درخشید که زمین مذکور را روشن ساخت به هر صورت زمین محدوده حرم نامیده شده و شکار و قطع گیاه و درخت در آن حرام است.

مساجد بین راه مکه ومدینه

۱- مسجد ذی طوی اول خروج از مکه به مدینه.
۲- مسجد حضرت عایشه (رض) در تنعیم.
۳- مسجد سرف هفت میلی مکه محل عروسی و مدفن بی بی میمونه (رض).
۴- مسجد فتح در راه ظهران در یک منزلی مکه.
۵- مسجد خلیص در سه منزلی مکه.
۶- سه مسجد در جحفه نزدیک رابغ.
۷- مسجد صفرا میان حرمین شریفین جائی است پر آب و درخت.
۸- مسجدالرسول ﷺ در بدر که در آنجا شهدای بدر را نیز زیارت کنند و تل نقاره و شق وسط کوه اصل معتمدی ندارد.

۹- مسجد عرق الظبیه در یک فرسخی روحاء.

۱۰- مسجد غزاله در آخر روحاء.

۱۱- مسجد صغیر در شرف روحاء که در آنجا نیز شهدا را زیارت کنند.

۱۲- مسجد معرس در دو فرسخی مدینه.

۱۳- مسجد شجره ام غیلان در ذی الحلیفه جای احرام و نماز حضرت رسول اکرم ﷺ نزد استوانه وسطی مسجد بوده. زیارت مساجد مذکور مأثور و جای نماز آنحضرتﷺ و محل اجابت دعا می باشد.

مقصد نهم : بیان آداب زیارت مدینه طیبه و روضه اطهر

بعد از حج از بهترین اعمال، زیارت شهر مدینه و خصوصاً روضهٔ اطهرمی باشد، چنانچه رسول اکرمﷺ فرموده است: هرکس که قبر مرا زیارت کند شفاعت من برای او واجب شد و در جای دیگر فرموده است: شخصی که بعد از وفات من قبر مرا زیارت کند، مانند کسی است که در زمان حیات مرا زیارت کرده است. شک نیست که بدون محبت آن سرور، ایمان کامل نمی شود و همچنین حاضر شدن روبروی روضهٔ پاکیزهٔ آن حضرت ﷺ و سلام و درود فرستادن، دارای برکات و خیراتی است که سلام و درود فرستادن از راه دور حائز آن نیست. برای کسانی که حج می کنند، بهتر است که اول احکام حج را به جای بیاورند و بعد رهسپار زیارت روضهٔ رسول اکرم ﷺ شوند. اگر به سببی قبل از حج مشرف به مدینه شدند، اشکالی ندارد.

آداب ورود به مدینهٔمنوره

بعد از حرکت به سوی مدینه منوره ، اول اینکه نیت زیارت روضهٔ اطهر و مسجد النبی را داشته باشد. مستحب این است که غسل کند، لباس پاکیزه بپوشد، خود را معطر بسازد و در راه درود زیاد بخواند وقتی که از دور بناها و درختهای مدینه ظاهر شد درود بیشتر بخواند و دعا کند. دعا این است:(اَللّٰهُمّ هَذَا حَرَمُ نَبِيِّكَ فَاجْعَلْهُ وَقَايَةً لِيْ مِنَ النّارِواَمَانًا مِنَ الْعَذَابِ وَ سُوْءِالْحِسَابِ)) چون به شهر مدینه نزدیک شود پیاده برود، هر اندازه که می تواند از خود تواضع و انکسار نشان دهد و عظمت این شهر پاکیزه را در نظر داشته باشد، حرکت کند و به مدینه منوره داخل شود و در حین ورود این دعا را بخواند: «رَبِّ اَدْخِلْنِيْ مُدْخَلَ صِدْقٍ واَخْرِجْنِي

مُخْرَجَ صِدْقٍ وَّاجْعَلْ لِّی مِنْ لَّدُنْكَ سُلْطَانًا نَّصِیْرًا ، اَللّٰهُمَّ افْتَحْ لِی اَبْوَابَ رَحْمَتِكَ وَارْزُقْنِی مِنْ زِیَارَةِ رَسُوْلِكَ ﷺ مَا رَزَقْتَ اَوْلِیَاءَكَ وَاَهْلِ طَاعَتِكَ وَاغْفِرْلِیْ وَ ارْحَمْنِیْ یَا خَیْرَ مَسْؤُوْلٍ» بعد از آن مواظب باشد که هیچ عملی خلاف ادب از او سر نزند، این را لحاظ کند که این جا شهر و آرامگاه حضرت رسولﷺ،مهبط وحی و قدمگاه حضرت جبرئیل‌عليه السلام و صحابه می باشد، در همه حال از ادب غافل نباشد و در مدینه منوره بعد از نمازهای پنجگانه بیشترین عمل خود را درود بر آن حضرتﷺ قرار بدهد، این افضل است.

آداب ورود به مسجد نبوی ﷺ

بعد از ورود به شهر مدینه در اولین فرصت به زیارت روضۀ اطهر برود، وقتی که می خواهد وارد مسجد نبوی شود اگر امکان داشت از باب جبرئیل عليه السلام که در جانب شرقی مسجد است با پای راست وارد شود و دعایی که موقع ورود به مساجد می خوانند را بخواند :(بِسْمِ اللهِ وَالصَّلٰوةُ وَالسَّلَامُ عَلٰى رَسُوْلِ اللهِ ،اَللّٰهُمَّ اغْفِرْلِیْ ذُنُوْبِی وَافْتَحْ لِی اَبْوَابَ رَحْمَتِكَ) و بعد از آن در ریاض الجنه که مابین قبر شریف و منبر واقع است و در آنجا قسمتی از بهشت قرار داده شده است، دو رکعت نماز تحیه المسجد بخواند و در جایی بایستد که منبر در مقابل شانۀ راست او و ستون روبروی او قرا بگیرد، در همین جا که موقف آن حضرت ﷺ است، هر دعایی که می خواهد، بکند زیرا اینجا محل اجابت دعا است.

بیان کیفیت حضور بر روضۀ مطهره

سپس به سمت قبلۀ قبر مبارک برود و به فاصلۀ سه و یا چهار گز پشت به قبله بایستد، کمی به طرف چپ مایل شود تا مواجه به چهره مبارک گردد، با کمال ادب و نهایت خشوع بایستد، بعد از آن رو به روضۀ شریف نموده، به آرامی و ادب سلام عرض نماید:(اَلصَّلَوةُ وَ السَّلَامُ عَلَیْكَ اَیُّهَا النَّبِیُّ الْکَرِیْمُ وَ الرَّسُوْلُ الْعَظِیْمُ الرَّؤُوْفُ الرَّحِیْمُ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكَاتُه ، اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ یَا رَسُوْلَ اللهِ ،اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ یَا نَبِیَّ اللهِ،اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ یَا صَفِیَّ اللهِ ، اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ یَا خَیْرَ خَلْقِ اللهِ ،اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ یَا خِیَرَةَ اللهِ مِنْ جَمِیْعِ خَلْقِهِ ،اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ یَا سَیِّدَ وُلْدِ آدَمَ، اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ یَا حَبِیْبَ اللهِ

، اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نَبِیَّ الرَّحْمَةِ ، اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا شَفِيعَ الْأُمَّةِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سَيِّدَ الْمُرْسَلِيْنَ ، اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَاتَمَ النَّبِيِّيْنَ ،اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُزَمِّلُ ، اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُدَّثِّرُ ، اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى اَهْلِ بَيْتِكَ الطَّيِّبِيْنَ الطَّاهِرِيْنَ الَّذِيْنَ اَذْهَبَ اللهُ عَنْهُمُ الرِّجْسَ وَطَهَّرَهُمْ تَطْهِيراً،جَزَاكَ اللهُ عَنَّا اَفْضَلَ مَا جَزَى نَبِيًّا عَنْ قَوْمِهِ وَرَسُولًا عَنْ اُمَّتِهِ اَشْهَدُ اَنْ لَا اِلَهَ اِلَّا اللهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيْكَ لَهُ ، وَاَشْهَدُ اَنَّكَ عَبْدُهُ وَرَسُوْلُهُ ،اَشْهَدُ اَنَّكَ قَدْ بَلَّغْتَ الرِّسَالَةَ وَ اَدَّيْتَ الْاَمَانَةَ وَنَصَحْتَ الْاُمَّةَ وَ كَشَفْتَ الْغُمَّةَ وَاَوْضَحْتَ الْحُجَّةَ وَجَاهَدْتَ فِی سَبِيْلِ اللهِ وَقَاتَلْتَ عَلَى دِيْنِ اللهِ حَتَّى اَتَاكَ الْيَقِيْنُ ،فَصَلَّى اللهُ عَلَى رُوْحِكَ وَجَسَدِكَ وَقَبْرِكَ صَلَاةً دَائِمَةً اِلَى يَوْمِ الدِّيْنِ ،يَا رَسُوْلُ نَحْنُ وَفْدُكَ وَ زُوَّارُ قَبْرِكَ جِئْنَاكَ مِنْ بِلَادٍ شَاسِعَةٍ وَ نَوَاحِی بَعِيْدَةٍ قَاصِدِيْنَ قَضَاءَ حَقِّكَ وَالنَّظَرَ اِلَى مَآثِرِكَ وَالتَّيَامُنَ بِزِيَارَتِكَ وَالْاِسْتِشْفَاعَ بِكَ اِلَى رَبِّنَا فَاِنَّ الْخَطَايَا قَدْ قَصَمَتْ ظُهُوْرَنَا وَالْاَوْزَارَ قَدْ اَثْقَلَتْ كَوَاهِلَنَا وَاَنْتَ الشَّافِعُ الْمُشَفَّعُ الْمَوْعُوْدُ بِالشَّفَاعَةِ وَالْمَقَامِ الْمَحْمُوْدِ وَقَدْ قَالَ اللهُ تَعَالَى وَلَوْ اَنَّهُمْ اِذْ ظَلَمُوْا اَنْفُسَهُمْ جَاءُوْكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُوْلُ لَوَجَدُوْا اللهَ تَوَّابًا رَحِيْمًا ،وَقَدْ جِئْنَاكَ ظَالِمِيْنَ لِاَنْفُسِنَا مُسْتَغْفِرِيْنَ لِذُنُوْبِنَا فَاشْفَعْ لَنَا اِلَى رَبِّكَ وَاسْأَلْهُ اَنْ يُمِيْتَنَا عَلَى سُنَّتِكَ وَاَنْ لَا يَجْعَلَ هَذَا آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ قَبْرِكَ وَيُرْزِقَنَا الْعَوْدَ اِلَيْهِ وَاَنْ يَحْشُرَنَا فِی زُمْرَتِكَ وَاَنْ يُوْرِدَنَا حَوْضَكَ وَاَنْ يَسْقِيَنَا بِكَأْسِكَ غَيْرَ خَزَايَا وَلَا نَادِمِيْنَ ،اَلشَّفَاعَةَ اَلشَّفَاعَةَ يَا رَسُوْلَ اللهِ ،اَللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِهِ وَسَلِّمْ.

توسل به رسول خداﷺ

در حین دعای ذکر شده، با توسل به رسول خداﷺ دعا کند و برای خود طلب شفاعت نماید و بگوید:«يَا رَسُوْلَ الله اَسْأَلُكَ الشَّفَاعَةَ وَاَتَوَسَّلُ بِكَ اِلَى اللهِ فِی اَنْ اَمُوْتَ مُسْلِمًا عَلَى مِلَّتِكَ وَ سُنَّتِكَ »،**در این دعا هرچه که بخواهد می تواند اضافه کند سعی نماید که با آهستگی دعا نماید و از ادب و عاجزی غفلت ننماید.**

رساندن سلام از جانب دیگران

و اگر از مردم کسانی دیگر وصیت کرده بودند که از جانب آنها به خدمت آن حضرت عرض سلام نماید، باید اینگونه عرض سلام کند:«اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ مِنْ فُلَان وَفُلَان» یا به طور عموم «اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ مِمَّنْ اَوْصَانِیْ وَيَسْتَشْفِعُ بِكَ اِلَی رَبِّكَ فَاشْفَعْ لَهُ وَلِجَمِيْعِ الْمُسْلِمِيْنَ»متوجه باشد که در این سلام به جای فلان ابن فلان اسم شخص وصیت کننده و پدر او را بگوید.

عرض سلام خدمت صدیق اکبر رضی‌الله‌عنه

بعد به اندازه یک ذرع تقریباً به اندازۀ دست راست به سمت مشرق رفته، در روزنه دیگری که روبروی سینه سیدنا ابوبکر صدیق رضی‌الله‌عنه می باشد ایستاده، سلام عرض کند :((اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَلِيْفَةَ رَسُوْلِ اللهِ (ص) اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا صَاحِبَ رَسُوْلِ اللهِ(ص) فِی الْغَارِ ، اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَفِيقَهُ فِی الْاَسْفَارِ ، اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا اَمِيْنَهُ عَلَی الْاَسْرَارِ ، جَزَاكَ اللهُ عَنَّا اَفْضَلَ مَا جَزَی اِمَامًا عَنْ اُمَّةِ نَبِيِّهِ وَقَدْ خَلَفْتَهُ بِاَحْسَنِ خَلَف وَسَلَكْتَ طَرِيْقَهُ خَيْرَ مَسْلَك وَقَاتَلْتَ اَهْلَ الرِّدَةِ وَالْبِدَعِ وَ مَهَّدْتَ الْاِسْلَامَ وَوَصَلْتَ الْاَرْحَامَ وَلَمْ تَزَلْ لِلْحَقِّ نَاصِرًا لِاَهْلِهِ حَتَّی اَتاكَ الْيَقِيْنُ ، وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكَاتُهُ ،اَللّهُمَّ اَمِتْنَا عَلَی حُبِّهِ وَ لَاتُخَيِّبْ سَعْيَنَا فِی زِيَارَتِهِ بِرَحْمَتِكَ يَا كَرِيْمُ)).

عرض سلام خدمت فاروق اعظم رضی‌الله‌عنه

بعد یک ذرع به اندازه دست راست روبروی روزنه سوم رفته،که محاذی سینه سیدنا عمر فاروق رضی‌الله‌عنه است، ایستاده، سلام تقدیم کند:((اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُظْهِرَ الْاِسْلَامِ، اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا اَمِيْرَ الْمُؤْمِنِيْنَ ، اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا كَاسِرَ الْاَصْنَامِ جَزَاكَ اللهُ عَنَّا اَفْضَلَ الْجَزَاءِ فَلَقَدْ نَصَرْتَ الْاِسْلَامَ وَالْمُسْلِمِيْنَ حَيًّا وَمَيِّتًا وَكَفَلْتَ الْاَيْتَامَ وَوَصَلْتَ الْاَرْحَامَ وَقَوِیَ بِكَ الْاِسْلَامُ ،وَكُنْتَ الْاِسْلَامِ اِمَامًا مَرْضِيًّا وَهَادِيًا مَهْدِيًّا جَمَعْتَ شَمْلَهُمْ

وَاَغْنَيْتَ فَقْرَهُمْ وَجَبَرْتَ كَسْرَهُمْ فَالسَّلَامُ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكَاتُهُ)) **بعد بین دو روزنه هر دو یار پیغمبر ﷺ ایستاده، بگوید:**

((اَلسَّلَامُ عَلَيْكُمَا يَا ضَجِيعَىْ رَسُوْلِ اللهِ (ص)وَرَفِيْقَيْهِ وَوَزِيْرَيْهِ وَمُشِيْرَيْهِ وَالْمُعَاوِنِيْنَ لَهُ عَلَى الْقِيَامِ فِى الدِّيْنِ وَالْقَائِمِيْنَ بَعْدَهُ بِمَصَالِحِ الْمُسْلِمِيْنَ ،جَزَاكُمَا اللهُ عَنَّا اَحْسَنَ الْجَزَاءِجِئْنَا كُمَا نَتَوَسَّلُ بِكُمَا اِلَى رَسُولِ اللهِ (ص)لِيَشْفَعَ لَنَا وَيَسْأَلَ رَبَّنَا اَنْ يَتَقَبَّلَ سَعْيَنَا وَيُحْيِينَا عَلَى مِلَّتِهِ وَيُمِيْتَنَا عَلَيْها وَيَحْشُرَنَا فِى زُمْرَتِهِ اِنَّهُ كَرِيْمٌ رَحِيْمٌ)) **بعد برای خود و پدر و مادر خود و سایر مسلمانان دعا کند، آنگاه روبروی حضرت رسول (ص) ایستاده، بگوید:**((اَلْحَمْدُ للهِ وَالصَّلَوةُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللهِ يَا خَيْرَ الرُّسُلِ اِنَّ اللهَ تَعَالَى اَنْزَلَ كِتَابًا صَادِقًا عَلَيْكَ وَقَالَ فِيْهِ وَلَوْ اَنَّهُمْ اِذْ ظَلَمُوا اَنْفُسَهُمْ جَاءُوكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللهَ تَوَّابًا رَحِيْمًا ،وَقَدْ جِئْنَاكَ يَا رَسُولَ اللهِ سَامِعِيْنَ قَوْلَكَ طَائِعِيْنَ اَمْرَكَ مُسْتَشْفِعِيْنَ بِكَ اِلَى رَبِّكَ اَللّٰهُمَّ رَبَّنَا اغْفِرْلَنَا وَ لِوَالِدَيْنَا وَ لِاَ سَاتِذَتِنَا وَ لِعَشَائِرِنَا وَلِاِخْوَانِنَا الَّذِيْنَ سَبَقُوْنَا بِالْاِيْمَانِ ، وَ لَا تَجْعَلْ فِى قُلُوبِنَا غِلًّا لِلَّذِيْنَ ءَ امَنُوْا رَبَّنَا اِنَّكَ رَؤُوْفٌ رَّحِيْمٌ ،رَبَّنا ءَاتِنَا فِى الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِى الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ))**بعد به جانب مغرب یا مشرق برود تا جایی که چون رو به قبله ایستاد، قبر مبارک ﷺ پشت سرش قرار نگیرد حمد خدا و درود خوانده این دعا را بخواند** :((اَللّٰهُمَّ اقْسِمْ لَنَا مِنْ خَشْيَتِكَ مَا يَحُوْلُ بَيْنَنَا وَبَيْنَ مَعْصِيَتِكَ وَمِنْ طَاعَتِكَ مَا تُبَلِّغُنَا بِهِ جَنَّتَكَ وَمِنَ الْيَقِيْنِ مَا تُهَوِّنُ بِهِ عَلَيْنَا مَصَائِبَ الدُّنْيَا وَمَتِّعْنَا اَللّٰهُمَّ بِاَسْمَاعِنَا وَاَبْصَارِنَا وَقُوَّاتِنَا مَا اَحْيَيْتَنَا وَاجْعَلْهُ الْوَارِثَ مِنَّا وَاجْعَلْ ثَأْرَنَا عَلَى مَنْ ظَلَمَنَا وَانْصُرْنَا عَلَى اَعْدَائِنَا وَلَا تَجْعَلْ مُصِيْبَتَنَا فِى دِيْنِنَا وَلَا تَجْعَلِ الدُّنْيَا اَكْبَرَ هَمِّنَا وَ لَامَبْلَغَ عِلْمِنَا وَ لَاتُسَلِّطْ عَلَيْنا مَنْ لَايَرْحَمُنا اَللّٰهُمَّ اِنِّى اَعُوْذُ بِكَ مِنَ الشِّقَاقِ وَسُوْءِالْاَخْلَاقِ رَبَّنا آتِنَا فِى الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِى الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ ،رَبَّنَا اقْضِ حَوَائِجَنَا وَيَسِّرْ اُمُوْرَنَا وَاشْرَحْ صُدُوْرَنَا وَتَقَبَّلْ زِيارَتَنَا وَآمِنْ خَوْفَنَا وَاسْتُرْ

عُيُوْبَنَا وَاغْفِرْ ذُنُوبَنَا وَاكْشِفْ كُرُوْبَنَا وَاخْتِمْ بِالصَّالِحَاتِ اَعْمالَنَا وَرُدَّغُرْبَتَنَا اِلَى اَهْلِنَا وَاَوْلَادِنَا سَالِمِيْنَ غَانِمِيْن،اَللّٰهُمّ شَفِّعْ فِيْنَا نَبِيّكَ مُحَمّدًا عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ ،اَللّٰهُمَّ يَا ذَاالْجَلَالِ وَالْاِكْرَامِ لَا تَحْرِمْنَا شَفَاعَةَ خَاتَمِ النَّبِيِّيْنَ نَحْنُ وَوَالِدَيْنَا وَجَمِيْعَ الْمُسْلِمِيْنَ وَاجْعَلْنَا مِنْ عِبَادِكَ الصَّالِحِيْنَ الَّذِيْنَ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَ لَا هُمْ يَحزَنُوْنَ ، وَارْحَمْنَا بِرَحْمَتِكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِيْنَ)) **بعد وارد روضة الجنان گردیده، چه در محراب نبوی ﷺ و چه در پای یکی از استوانه های مخصوصه، نماز خوانده توبه و دعاکند:**((اَللّٰهُمَّ اِنِّى اَسْاَلُكَ رَحْمَةً مِنْ عِنْدِكَ تَهْدِى بِهَا قَلْبِىْ وَ تَجْمَعُ بِهَا شَمْلِىْ وَ تَلُمُّ بِهَا شَعْثِىْ وَ تُصْلِحُ بِهَا دِيْنِى وَ تَحْفَظُ بِهَا غَائِبِىْ وَتَرْفَعُ بِهَا شَاهِدِىْ وَ تُزَكِّىْ بِهَا عَمَلِى وَ تُبَيِّضُ بِهَا وَجْهِى وَتُلْهِمُنِىْ بِهَا رُشْدِىْ وَتَرُدُّبِهَا الْفِتَنَ عَنِّى وَتَعْصِمُنِىْ بِهَا مِنْ كُلِّ سُوْءٍ ، اَللّٰهُمَّ اَعْطِنِىْ اِيْمَانًا صَادِقًا وَ يَقِيْنًا لَيْسَ بَعْدَهُ كُفْرٌ وَ رَحْمَةً اَنَالُ بِهَاشَرَفَ كَرَامَتِكَ فِى الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ، اَللّٰهُمَّ اِنِّى اَسْاَلُكَ الْفَوْزَ عِنْدَ الْقَضَاءِ وَمَنَازِلَ الشُّهَدَاءِ وَعَيْشَ السُّعَدَاءِ وَالنَّصْرَ عَلَى الْاَعْدَاءِ وَمُرَافَقَةَ الْاَنْبِيَاءِ،اَللّٰهُمَّ اِنِّى اُنْزِلُ بِكَ حَاجَتِىْ وَاِنْ ضَعُفَ رَأْيِىْ وَقَلّتْ حِيْلَتِى وَقَصُرَ عَمَلِى وَافْتَقَرْتُ اِلَى رَحْمَتِكَ فَاِسْاَلُكَ يَا كَافِىَ الْاُمُوْرِ وَيَا شَافِىَ الصُّدُوْرِ كَمَا تُجِيْرُ بَيْنَ الْبُحُوْرِ اَنْ تُجِيْرَنِىْ مِنْ عَذَابِ السَّعِيْرِ وَمِنْ دَعْوَةِ الثُّبُوْرِ وَمِنْ فِتْنَةِ الْقُبُوْرِ،اَللّٰهُمَّ مَا ضَعُفَ عَنْهُ رَأْيِىْ وَقَصُرَ عَمَلِىْ وَلَمْ تَبْلُغْهُ نِيَّتِىْ وَاُمْنِيَّتِى مِنْ خَيْرٍ وَعَدْتَهُ اَحَدًا مِنْ عِبَادِكَ اَوْ خَيْرًا اَنْتَ مُعْطِيْهِ اَحَدًا مِنْ خَلْقِكَ فَاِنِّى اَرْغَبُ اِلَيْكَ فِيْهِ وَاَسْاَلُكَ اِيَّاهُ بِرَحْمَتِكَ يَا رَبَّ الْعَالَمِيْنَ، اَللّٰهُمَّ يَا ذَاالْحَبْلِ الشَّدِيْدِ وَالْاَمْرِ الرَّشِيْدِ اَسْاَلُكَ الْاَمْنَ يَوْمَ الْوَعِيْدِ وَالْجَنَّةَ يَوْمَ الْخُلُوْدِ مَعَ الْمُقَرَّبِيْنَ الشُّهُوْدِ الرُّكَّعِ السُّجُودِ الْمُوفِيْنَ بِالْعُهُوْدِ،اِنَّكَ رَحِيْمٌ وَدُوْدٌ،وَاِنَّكَ تَفْعَلُ مَا تُرِيْدُ، اَللّٰهُمَّ اجْعَلْنَا هَادِيْنَ مُهْتَدِيْنَ غَيْرَ ضَالِّيْنَ وَ لَا مُضِلِّيْنَ سِلْمًا لِاَوْلِيَائِكَ وَعَدُوًّا لِاَعْدَائِكَ نُحِبُّ بِحُبِّكَ مَنْ اَحَبَّكَ وَنُعَادِىْ بِعِدَاوَتِكَ مَنْ خَالَفَكَ اَللّٰهُمَّ هَذَا الدُّعَاءُ وَعَلَيْكَ الْاِجَابَةُ وَهَذَا الْجَهْدُ وَعَلَيْكَ التُّكْلَانُ اَللّٰهُمَّ اجْعَلْ لِىْ نُوْرًا فِىْ قَبْرِىْ وَنُوْرًا فِى قَلْبِىْ وَنُوْرًا بَيْنَ يَدَىَّ

وَنُوْراً مِنْ خَلْفِي وَنُوْراً عَنْ يَمِيْنِي وَنُوْراً عَنْ شِمَالِيْ وَنُوْراً مِنْ فَوْقِي وَنُوْراً مِنْ تَحْتِيْ وَنُوْراً فِي سَمْعِيْ وَنُوْراً فِي بَصَرِيْ وَنُوْراً فِي شَعْرِيْ وَنُوْراً فِي بَشَرِي وَنُوْراً فِي لَحْمِيْ وَنوْراً فِي دَمِي وَنُوْراً فِي عَظْمِيْ وَنُوْراً فِي جَمِيْعِ جَوَارِحِيْ اَللّٰهُمَّ اَعْظِمْ لِي نُوْراً وَاَعْطِنِيْ نُوْراً وَاجْعَلْ لِي نُوْراً سُبْحَانَ الَّذِي تَعَطَّفَ بِالْعِزِّ وَقَالَ بِهِ سُبْحَانَ الَّذِيْ لَبِسَ الْمَجْدَ وَتَكَرَّمَ بِهِ سُبْحَانَ الَّذِيْ لَا يَنْبَغِي التَّسْبِيْحُ اِلَّا لَهُ سُبْحَانَ ذِيْ الْفَضْلِ وَالْكَرَمِ سُبْحَانَ ذِيْ الْمَجْدِ وَالْاِكْرَامِ.

استوانه های مخصوصه در روضۀ الجنان

۱ـ استوانه مخلقه جانب غربی محراب نبوی ﷺ که استوانه حنّانه نیز تحتش مدفون است.

۲ـ استوانه عایشه (رض) در صف اوّل داخل روضة الجنان، استوانه سوم از منبر به جانب ضریح پیغمبر ﷺ.

۳ـ استوانه توبه بین ضریح و استوانه عایشه(رض) یعنی چهارم از منبرشریف.

۴ـ استوانه سریر، در شرق توبه در ضریح.

۵ ـ استوانه علی ؓ،در شمال توبه.

۶ ـ استوانه وفود، در شرق استوانه علیؓ در دیوار ضریح.

۷ـ استوانه تهجّد، در شمال ضریح معروف به محراب تهجّد بر دیوار خانه بی بی فاطمه (رضی الله تعالی عنها).

۸ـ استوانه مربّعة القبر که وسط خرج افتاده و مسلمانان از زیارتش محرومند.

سپس در مدینه منوره سکونت ورزیده، مراعات ادب نگهدارد و بپرهیزد از گردش بازار و لهو و لعب و سخن لغو و خوردن و آشامیدن چیزهای بدبو از قبیل سیر و پیاز و بقیۀ دخانیات و تراشیدن ریش. و غنیمت شمرد نعمت اقامت خود را در آن دیار مشرّفه و صرف کند اوقات خود را به نماز و دعاء و قرآن و درود خواندن در مسجد الرسولﷺخصوصاً نمازهای فرض پنجگانه را سعی کند تا در روضة الجنان یا در مسجد قدیم پیغمبر ﷺ و یا حداّقل در هر حصّه از مسجد بزرگ به جماعت اوّل ادا کند زیرا طبق فرموده پیغمبر ﷺ دریافت برات خلاصی از نفاق و

عذاب دوزخ، مشروط به چهل نماز متوالی با جماعت در مسجد الرسول ﷺ است که از قبر شریف به محراب و منبر گرفته و تا صد ذرع یعنی پای ستون هایی که بر آنها حدّ المسجد النبوی ﷺ نوشته شده است و از محراب نبوی ﷺ به جانب شمال تا صد ذرع که به کناره صحن اوّل می رسد و بطور مربع ده ستون در ده ستون واقع شده است. کسی که بخواهد فضل مذکور را در یابد، باید پیش از وقت خود را به مسجد رسانیده، جای بگیرد و چنانچه دیر آمد که صفها بسته شده بود، هر جا که فارغ دید بنشیند و از روی گردن و شانه های مسلمانان عبور نکند، زیرا گناه مزاحمت مسلمانان از حِرمان فضل مسجد بیشتر است. بقیّه اوقات خود را به یاد خدا و صلوات پیغمبر ﷺ سپری کند.

زیارت بقیع و اُحد

و خوب است هر روز به زیارت بقیع رفته، خصوصاً روز جمعه با وضوی کامل داخل محوطه گردیده، بگوید: ((اَلسَّلَامُ عَلَیْکُمْ دَارَ قَوْمٍ مُؤْمِنِیْنَ ، اَنْتُمْ سَابِقُوْنَ وَ اِنَّا اِنْ شَاءَاللهُ بِکُمْ لَاحِقُوْنَ،اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِاَهْلِ الْبَقِیْعِ الْغَرْقَدِ وَلَا تَحْرِمْنَا اَجْرَهُمْ وَلَا تَفْتِنَّا بَعْدَهُمْ اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لَنَا وَلَهُمْ))**اوّل بجانب شرقی محوطه به زیارت سیدنا عثمان بن عفّان**رضی الله عنه **رفته، سلام عرض کند** :((اَلسَّلَامُ عَلَیْکَ یَا اَمِیْرَ الْمُؤْمِنِیْنَ ،اَلسَّلَامُ عَلَیْکَ یَا اِمَامَ الْمُسْلِمِیْنَ اَلسَّلَامُ عَلَیْکَ یَا ثَالِثَ الْخُلَفَاءِالرَّاشِدِیْنَ، اَلسَّلَامُ عَلَیْکَ یَا ذَا النُّوْرَیْنِ ،اَلسَّلَامُ عَلَیْکَ یَا مَنْ جَمَعَ الْقُرْآنَ بَیْنَ الدَّفَّتَیْنِ ،اَلسَّلَامُ عَلَیْکَ یَا خَلِیْفَةَ نَبِیِّ الرَّحْمَانِ،اَلسَّلَامُ عَلَیْکَ یَا سَیِّدَنَا عُثْمَانُ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَکَاتُهُ اَللّٰهُمَّ ارْضَ عَنْهُ وَاَکْرِمْ نُزُلَهُ وَارْفَعْ دَرَجَاتِهِ فِی الْجَنَّةِ وَاغْفِرْلَنَا وَ لِوَالِدِیْنَا وَلِجَمِیْعِ الْمُسْلِمِیْنَ ،وَاَوْصِلْ اِلَی رُوْحِهِ وَاَرْوَاحِهِمْ جَمِیْعًا الْفَاتِحَةَ مَعَ الْاِخْلَاصِ)) **بعد قبر سعد بن معاذ و ابی سعید خدری**رضی الله عنه**که بیرون محوطه به حدّ شمال شرقی بقیع است. از همانجا رو به دیوار شرقی متوجه قبور گردیده ،سلام کند** : ((اَلسَّلَامُ عَلَیْکَ یَا اَبَا سَعِیْدِ الْخُدْرِیِّ (رض) اَلسَّلَامُ عَلَیْکَ یَا رَاوِیَ اَحَادِیْثِ النَّبِیِّ (ص)اَلسَّلَامُ عَلَیْکَ یَا سَعْدَ بْنَ مَعَاذ صَاحِبَ رَسُوْلِ اللهِ (ص) اَلسَّلَامُ عَلَیْکَ یَا مَنِ اهْتَزَّعَرْشُ الرَّحْمَنِ لِمَوْتِهِ وَشَیَّعَ جِنَازَتَهُ

سَبْعَوْنَ اَلْفًا مِنَ الْمَلَائِكَةِ اَنْتُمَا سَلَفُنَا وَنَحْنُ بِالْاَثَرِ نَسْأَلُ اللهَ تَعَالَى لَنَا وَلَكُمَا الْعَافِيَةَ وَيَرْحَمُ اللهُ الْمُسْتَقْدِمِيْنَ وَالْمُسْتَأْخِرِيْنَ مِنَ الْمُسْلِمِيْنَ ،اَللّٰهُمَّ ارْضَ عَنْهُمَا وَ اَجْزِلْ ثَوَابَهُمَا وَارْفَعْ دَرَجَاتِهِمَافِى الْجَنَّةِ وَاغْفِرْلَنَاوَلِوَالِدِيْنَا وَلِجَمِيْعِ الْمُسْلِمِيْنَ ،وَ اَوْصِلْ اِلَى اَرْوَاحِهِمْ جَمِيْعًانِ الْفَاتِحَةَ مَعَ الْاِخْلَاص))**بعد گوشه شمال شرقی قبر بی بی حلیمه ـ شیر ده حضرت رسولﷺ ـ را زیارت کند** ((اَلسَّلَامُ عَلَيْكِ يَا حَلِيْمَةُ السَّعْدِيَّةُ ،اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا اُمَّ رَسُوْلُ اللهِ مِنَ الرِّضَاعَةِ،نَسْأَلُ اللهَ تَعَالَى لَنَاوَلَكِ الْعَافِيَةَ وَيرْحَمُ اللهُ الْمُسْتَقْدِمِيْنَ وَالْمُسْتَأْخِرِيْنَ مِنَ الْمُسْلِمِيْنَ ،اَللّٰهُمَّ ارْضَ عَنْهَا وَاَجْزِلْ ثَوَابَهَا وَارْفَعْ دَرَجَاتِهَا فِى الْجَنَّةِ آمين وَاغْفِرْلَنَا وَلِوَالِدِيْنَا وَلِجَمِيْعِ الْمُؤْمِنِيْنَ وَاَوْصِلْ اِلَى اَرْوَاحِهِمْ جَمِيْعًانِ الْفَاتِحَةَ مَعَ الْاِخْلَاص))**بعد شهدا الجنه را که در چهار دیواری شمالی راه قبر حضرت عثمانؓ است زیارت کند** :((اَلسَّلامُ عَلَيْكُمْ اَيُّهَا الشُّهَدَاءُ اَلسَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا اَوْفِياءُ اَلسَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا اَهْلَ الصِّدْقِ وَالتُّقَى اَنْتُمْ سَلَفُنَا وَنَحْنُ بِالْاَثَروَيَرْحَمُ اللهُ الْمُسْتَقْدِمِيْنَ وَالْمُسْتَأْخِرِيْنَ مِنَ الْمُسْلِمِيْنَ ، نَسْأَلُ اللهَ تَعَالَى لَنَاوَلَكُمُ الْعَافِيَةَ اَللّٰهُمَّ ارْضَ عَنْهُمْ وَاَجْزِلْ ثَوَابَهُمْ وَارْفَعْ دَرَجَاتِهِمْ فِى الْجَنَّةِ وَاغْفِرْلَنَا وَلِوَالِدِيْنَا وَلِجَمِيْعِ الْمُؤْمِنِيْنَ وَاَوْصِلْ اِلَى اَرْوَاحِهِمْ جَمِيْعًانِ الْفَاتِحَةَ مَعَ الْاِخْلَاص))**سمت جنوبی همان راه، محوطه ای است که جگر گوشه حضرت پیغمبرﷺسیدنا ابراهیم ؑ با جمعی دیگر مدفونند را زیارت کند. و این دعا را بخوانند:** ((اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سَيِّدَنَا اِبْرَاهِيْمَ يَابْنَ رَسُوْلِ اللهَ (ص) اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عُثْمَانَ بْنَ مَظْعُون الْاَخَ مِنَ الرِّضَاعِ لِرَسُوْلِ اللهِ (ص) اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَبْدَالرَّحْمَانِ بْنَ عَوْف صَاحِبً رَسُوْلِ اللهِ (ص) وَاَحَدَ الْعَشَرَةِ الْمُبَشَّرَةِ بِالْجَنَّةِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سَعْدَ بْنَ اَبِى وَقَّاص صَاحِبً رَسُولِ اللهِ (ص)وَاَحَدَ الْعَشَرَةِ الْمُبَشَّرَةِ بِالْجَنَّةِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَبْدَاللهِ بْنً مَسْعُود رَاوِىَ اَحَادِيْثِ رَسُولِ اللهِ (ص) اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خُنَيْسَ بْنَ حِذَافَةَ السَّهْمِىَّ صَاحِبً رَسُولِ اللهِ (ص) اَلسَّلَامُ عَلَيْكِ يَا فَاطِمَةُ بِنْتُ اَسَدٍ اُمَّ

عَلِیّ بْنِ اَبِی طَالِب یَا مَنْ اَلْحَدَكِ رَسُوْلُ اللهِ (ص) بِیَدِهِ وَقَالَ اَنْتِ اُمّی بَدَلُ اُمِّی وَدَعَالَكِ، اَلسّلَامُ عَلَیْکُمْ اَهْلَ الْقُبُورِ مِنَ الْمُؤْمِنِیْنَ وَالْمُسْلِمِیْنَ اَنْتُمْ سَلَفُنَا وَنَحْنُ بِالْاَثَرِوَیَرْحَمُ اللهُ الْمُسْتَقْدِمِینَ وَالْمُسْتَأْخِرِیْنَ مِنَ الْمُسْلِمِیْنَ ،اَنْتُمْ سَابِقُونَ وَاِنَّا اِنْ شَاءَ اللهُ بِکُمْ لَاحِقُوْنَ، نَسْأَلُ اللهَ تَعَالَی لَنَاوَلَکُمُ الْعَافِیَةَ اَللّهُمّ ارضَ عَنْهُمْ وَاَجزِلْ ثوَابَهُم وَارْفَعْ دَرَجَاتِهِمْ فِی الْجَنّةِ وَاغْفِرْلَنَا وَلِوَالِدِیْنَا وَلِجَمِیْعِ الْمُسْلِمِیْنَ وَاَوْصِلْ اِلَی اَرْوَاحِهِمْ جَمِیْعًانِ الْفَاتِحَةَ مَعَ الْاِخْلَاص)) **در غرب این محوطه چهار دیواری دیگری است که قبر نافع مولی عبدالله بن عمرﷺ استاد قرائت و امام مالک است، را زیارت کند:**((اَلسّلَامُ عَلَیْكَ یَا نَافِعُ مَوْلی عَبْدِاللهِ بْنِ عُمَرَ (رض)یَا شَیْخَ الْقُرّاءِ،اَلسّلَامُ عَلَیْكَ یَا مَالِكَ بْنَ اَنَس اِمَامَ دَارِ الْهِجْرَةِ اَنْتُمَا سَلَفُنَا وَنَحْنُ بِالْاَثَرِ نَسْأَلُ اللهَ تَعَالَی لَنَا وَلَکُمَا الْعَافِیَةَ وَیَرْحَمُ اللهُ الْمُسْتَقْدِمِیْنَ وَالْمُسْتَأْخِرِیْنَ مِنَ الْمُسْلِمِیْنَ ،اَللّهُمّ ارضَ عَنْهُمَا وَاَجْزِلْ ثوَابَهُمَا وَارْفَعْ دَرَجَاتِهِمَافِی الْجَنّةِ وَاغْفِرْلَنَاوَلِوَالِدِیْنَا وَلِجَمِیْعِ الْمُسْلِمِیْنَ ،وَ اَوْصِلْ اِلَی اَرْوَاحِهِمْ جَمِیْعًانِ الْفَاتِحَةَ مَعَ الْاِخْلَاص))**در جوارش محوطه دیگری است که مدفن سَادتنا عقیل بن ابی طالب و عبداله بن جعفر طیّار و سفیان بن حارث رضی الله عنهم می باشد را زیارت کند:** ((اَلسّلَامُ عَلَیْكَ یَا عَقِیْلَ بْنَ اَبِی طَالِبِ اَلسّلَامُ عَلَیْكَ یَا سُفْیَانَ بْنَ الْحَارِثِ اَلسّلَامُ عَلَیْكَ یَا عَبْدَاللهِ بْنَ جَعْفَرٍ الطّیّارِ،اَلسّلَامُ عَلَیْکُمْ یا اَهْلَ الدّیَارِ مِنَ الْمُؤْمِنِیْنَ ، اَنْتُمْ سَلَفُنَا وَنَحْنُ بِالْاَثَرِ نَسْأَلُ اللهَ تَعَالَی لَنَاوَلَکُمُ الْعَافِیَةَ وَیَرْحَمُ اللهُ الْمُسْتَقْدِمِیْنَ وَالْمُسْتَأْخِرِیْنَ مِنَ الْمُسْلِمِیْنَ ، اَللّهُمّ ارْضَ عَنْهُمْ وَاَجْزِلْ ثَوَابَهُمْ وَاَکْرِمْ نُزُلَهُمْ وَارْفَعْ دَرَجَاتِهِمْ فِی الْجَنّةِ وَاغْفِرْلَنَا وَلِوَالِدِیْنَا وَلِجَمِیْعِ الْمُسْلِمِیْنَ وَاَوْصِلْ اِلَی اَرْوَاحِهِمْ جَمِیْعًانِ الْفَاتِحَةَ مَعَ الْاِخْلَاص)) **بعد به سمت جنوب راه متوجه گردیده، قبور ازواج مطهّـرات** (رَضِیَ اَللهِ عَنْهُنّ) **را که جمعـاً سـوای بی بی خدیجه(رض) و بی بی میمونه(رض) در آنجا مدفونند را زیارت کند** :((اَلسّلَامُ عَلَیْکُنّ یَا اَزْوَاجَ رَسُولِ اللهِ اُمّهَاتِ الْمُؤْمِنِیْنَ، اَنْتُنّ سَلَفُنَا

وَنَحْنُ بِالْاَثَر نَسْأَلُ اللهَ تَعَالَی لَنَاوَلَكُنّ الْعَافِيَةَ وَيرْحَمُ اللهُ الْمُسْتَقْدِمِيْنَ وَالْمُسْتَأْخِرِيْنَ مِنَ الْمُسْلِمِيْنَ ، اَللّٰهُمّ ارْضَ عَنْهُنّ وَاَجْزِلْ ثَوَابَهُنّ وَاَكْرِمْ نُزُلَهُنّ وَارْفَعْ دَرَجَاتِهِنّ فِی الْجَنّةِ وَاغْفِرْلَنَا وَلِوَالِدِيْنَا وَلِجَمِيْعِ الْمُسْلِمِيْنَ وَاَوْصِلْ اِلَی اَرْوَاحِهِمْ جَمِيْعًانِ الْفَاتِحَةَ مَعَ الْاِخْلَاص)) **بعد قبور دختر های آن حضرت ﷺ را زیارت کند؛ سه دختر یعنی بی بی زینب و بی بی رقیّه و بی بی ام گلثوم(رض) در یک جا مدفونند:** ((اَلسّلَامُ عَلَيْكُنّ يَا بَنَاتِ رَسُولِ اللهِ(ص) اَنْتُنّ سَلَفُنَا وَنَحْنُ بِالْاَثَرِ نَسْأَلُ اللهَ تَعَالَی لَنَاوَلَكُنّ الْعَافِيَةَ وَيرْحَمُ اللهُ الْمُسْتَقْدِمِيْنَ وَالْمُسْتَأْخِرِيْنَ مِنَ الْمُسْلِمِيْنَ ، اَللّٰهُمّ ارْضَ عَنْهُنّ وَاَجْزِلْ ثَوَابَهُنّ وَاَكْرِمْ نُزُلَهُنّ وَارْفَعْ دَرَجَاتِهِنّ فِی الْجَنّةِ وَاغْفِرْلَنَا وَلِوَالِدِيْنَا وَلِجَمِيْعِ الْمُؤْمِنِيْنَ وَاَوْصِلْ اِلَی اَرْوَاحِهِمْ جَمِيْعًانِ الْفَاتِحَةَ مَعَ الْاِخْلَاص)) **نزدیک دیوار غربی، محوطه بزرگی است که حضرت عبّاس ﷺ عموی مبارک ﷺ و بی بی فاطمه(رضی الله عنها) و امام حسن مجتبی ﷺ و امام علی زین العابدین و امام محمد باقر و امام جعفر صادق ــ رحمهم الله تعالی ــ آن جا مدفونند.** ((اَلسّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَبّاسُ عَمّ رَسُولِ اللهِ (ص) رضی الله عَنْكَ يَا مَنِ اسْتَسْقَی بِشَيْبَتِكَ عُمَرُ (رض) اَلسّلَامُ عَلَيْكِ يَا فَاطِمَةُ بِنْتُ رَسُولِ اللهِ (ص)اَيّتُها الزّهْرَاءُالْبَتُوْلُ اَلسّلَامُ عَلَيْكَ اَيُّهَا الْاِمَامُ الْحَسَنُ (رض) اَلسّلَامُ عَلَيْكُمَا يَا سَيّدَا شَبَابِ اَهْلِ الْجَنّةِ فِی الْجَنّةِ اَلسّلَامُ عَلَيْكَ اَيُّهَا الْاِمَامُ زَيْنُ الْعَابِدِيْنَ اَلسّلَامُ عَلَيْكَ اَيُّهَا الْاِمَامُ مُحَمّدِنِ الْبَاقِرُ اَلسّلَامُ عَلَيْكَ اَيُّهَا الْاِمَامُ جَعْفَرُ الصّادِقُ رَضِیَ اللهُ عَنْكُمْ وَاَرْضَاكُمْ اَلسّلَامُ عَلَيْكُمْ اَهْلَ الدِّيَارِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ اَنْتُمْ سَلَفُنَا وَنَحْنُ بِالْاَثَر نَسْأَلُ اللهَ تَعَالَی لَنَاوَلَكُمُ الْعَافِيَةَ وَيرْحَمُ اللهُ الْمُسْتَقْدِمِيْنَ وَالْمُسْتَأْخِرِيْنَ مِنَ الْمُسْلِمِيْنَ ، اَللّٰهُمّ ارْضَ عَنْهُمْ وَاَجْزِلْ ثَوَابَهُمْ وَاَكْرِمْ نُزُلَهُمْ وَارْفَعْ دَرَجَاتِهِمْ فِی الْجَنّةِ وَاغْفِرْلَنَا وَلِوَالِدِيْنَا وَلِجَمِيْعِ الْمُؤْمِنِيْنَ وَاَوْصِلْ اِلَی اَرْوَاحِهِمْ جَمِيْعًانِ الْفَاتِحَةَ مَعَ الْاِخْلَاص)) **بعد قبور عمّه های حضرت پیغمبر ﷺ را در زاویه شمال غربی بقیع، زیارت کند و بخواند:** ((اَلسّلَامُ عَلَيْكِ يَااُمّ

الزُبَیْرِ حَوَارِی رَسُوْلِ اللهِ(ص)اَیّتُهَا السّیِدَةُ صَفِیّةُ اَلسّلَامُ عَلَیْكِ یَا اُمّ الْبَنِیْنِ اَلسّلَامُ عَلَیْكِ یَا عَاتِكَةُ اَلسّلَامُ عَلَیْكُنّ یَا عَمّاتِ رَسُولِ اللهِ(ص) اَنْتُنّ سَلَفُنَا وَنَحْنُ بِالْاَثَر نَسْأَلُ اللهَ تَعَالَی لَنَاوَلَكُنّ الْعَافِیَةَ وَیَرحَمُ اللهُ الْمُسْتَقْدِمِیْنَ وَالْمُسْتَأْخِرِیْنَ مِنَ الْمُسْلِمِیْنَ ، اَللّهُمّ ارْضَ عَنْهُنّ وَاَكْرِمْ نُزُلَهُنّ وَاَجْزِلْ ثَوَابَهُنّ وَارْفَعْ دَرَجَاتِهِنّ فِی الْجَنّةِ وَاغْفِرْلَنَا وَلِوَالِدِیْنَا وَلِجَمِیْعِ الْمُسْلِمِیْنَ وَاَوْصِلْ اِلَی اَرْوَاحِهِمْ جَمِیْعًاِنِ الْفَاتِحَةَ مَعَ الْاِخْلَاص)) **قبر عبدالرحمن بن عمر ﷺ بین امام مالک و سیدنا ابراهیم و قبر اسماعیل ابن امام جعفر صادق (رح) که پشت دیوار غربی بقیع واقع است را نیز زیارت کند.**

مسجد قبا،اولین مسجد در اسلام

در روزهای شنبه مستحب است که به مسجد قبا برود و در حد توان نماز نافله بخواند و برای خود و مؤمنین دعا کند و برای نماز ظهر خود را به مسجد الرسول ﷺ برساند؛ زیرا قبا اولین مسجدی است که در اسلام بنا شده و سنگ اولش را حضرت پیغمبر ﷺ و سنگ دوم را حضرت ابوبکر صدیق ﷺ و سنگ سوم را حضرت عمر فاروق ﷺ و سنگ چهارم را حضرت عثمان ذوالنورین ﷺ به کار زده اند و آیهٔ کریمهٔ ﴿لَمَسْجِدٌ اُسِّسَ عَلَی التّقْوَی﴾ **در بارهٔ وی نزول یافته و در حدیث، ثواب ادای دو رکعت نماز در آن برابر حج عمره است .**

دعای مأثورهٔ مسجد قبا

اَللّهُمّ یَا صَرِیْخَ الْمُسْتَصْرِخِیْنَ وَ یَا غِیَاثَ الْمُسْتَغِیْثِیْنَ وَ یَا مُفَرّجَ كُرُوْبِ الْمَكْرُوْبِیْنَ وَیَا مُجِیبَ دَعْوَةِ الْمُضْطَرّیْنَ صَلّ عَلَی سَیّدَنا مُحَمّد وَآلِهِ وَاكْشِفْ كَرْبِی وَ حُزْنِی كَمَا كَشَفْتَ عَنْ رَسُوْلِكَ كَرْبَهُ وَحُزْنَهُ فِی هَذَا الْمَقَامٍ یَا حَنّانُ یَا مَنّانُ یَا كَثِیرَ الْمَعْرُوْفِ وَیَا دَائِمَ الْاِحْسَانِ اَللّهُمّ كَمَا بَلّغْتَنَا زِیَارَةَ نَبِیّنَا مُحَمّدٍ(ص)وَ مَآثِرَهُ الشّرِیْفَةَ فَلَا تَحْرِمْنَا یَا اَللهُ مِنْ فَضْلِ شَفَاعَتِهِ وَارْزُقْنَا اتّبَاعَهُ وَ اَمِتْنًا عَلَی مَحَبّتِهِ وَسُنّتِهِ وَاحْشُرْنَافِی زُمْرَتِهِ وَتَحْتَ لِوَائِهِ وَاسْقِنَا مِنْ حَوْضِهِ الْمَوْرُوْدِ شِرْبَةً هَنِیْئَةً مَرِیْئَةً لَا نَظْمَأُ بَعْدَهَا اَبَدًا اِنّكَ عَلَی كُلّ شَیْءٍ قَدِیْرٌ)) **روزهای پنجشنبه به زیارت احد**

که از جبال جنّت به شمار می رود رفته، در مسجد سیدنا حمزه ﷺ حدّاقلّ دو رکعت نماز خوانده، مرقد امیر حمزهﷺ و همجوران ایشان را زیارت کند:((اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ یَا سَیِّدَنَا حَمْزَةَ بْنَ عَبْدِالْمُطَّلِبِ اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ یَا اَسَدَ اللهِ وَاَسَدَ رَسُوْلِهِ (ص)رَضِیَ اللهُ عَنْكَ یَاعَمَّ رَسُولِ اللهِ(ص)الّذِیْ دَافَعْتَ عَنْ رَسُوْلِ اللهِ(ص) اَشَدَّ الدِّفَاعِ وَنَاضَلْتَ عَنْ سَیِّدِ الرُّسُلِ اَشَدَّ النِّضَالِ وَفَدَیْتَه بِمَالِكَ وَاَهْلِكَ وَرُوْحِكَ جَزَاكَ الله عَنّا اَفْضَلَ الْجَزَاءِ، اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ یَا عَبْدَاللهِ ابْنَ حَجْش یَا بْنَ عَمّةِ رَسُولِ اللهِ(ص)وَاَخُوزَوْجَتِهِ، اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ یَا مُصْعَبُ بْنُ عُمَیْر اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ یَاعَقِیْلُ شَرِیْفُ مَكّةَ ، اَلسَّلَامُ عَلَیْكُمْ وَعَلَی مَنْ حَولَكُمْ مِنَ الشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِیْنَ، اَللّهُمَّ ارْضَ عَنْهُمْ وَاَجْزِلْ ثَوَابَهُمْ وَارْفَعْ دَرَجَاتِهِمْ فِی الْجَنّةِ وَاغْفِرْلَنَا وَلِوَالِدِیْنَا وَلِجَمِیْعِ الْمُؤْمِنِیْنَ وَاَوْصِلْ اِلَی اَرْوَاحِهِمْ جَمِیْعًا الْفَاتِحَةَ مَعَ الْاِخْلَاص))**بعد سائر شهدای غزوه احدرادرمحوطة پهلوی قنات زیارت کند:((**اَلسَّلَامُ عَلَیْكُمْ اَیُّهَا الشُّهَدَاءُتَحْتَ رَأْیَةِ رَسُوْلِ اللهِ(ص)رَضِیَ اللهُ عَنْكُمْ اَلّذِیْنَ لَاقَیْتُمْ مِنْ اَجْلِ عِزّ الْاِسْلَامِ وَرِفْعَتِهِ اَشَدَّ الْعَنَاءِ،اَللّهُمَّ اجْزِهِمْ عَنّا اَفْضَلَ الْجَزَاءِ وَاَجْزِلْ ثَوَابَهُمْ وَاَكْرِمْ نُزُلَهُمْ وَارْفَعْ دَرَجَاتِهِمْ فِی الْجَنّةِ وَاغْفِرْلَنَا وَلِوَالِدِیْنَا وَلِجَمِیْعِ الْمُؤْمِنِیْنَ وَاَوْصِلْ اِلَی اَرْوَاحِهِمْ جَمِیْعًا الْفَاتِحَةَ مَعَ الْاِخْلَاص))**موضع شهادت دندان مبارکﷺ را که بین مدفن شهدا و کوه احد است را زیارت کند و بنا به بعضی روایات، قبر هارون برادر حضرت موسی ــ علیهما السلام ــ بر سر این کوه می باشد و غار این کوه و سنگی که بر آن نشان سر انسانی دیده می شود و نسبتش را به پیغمبرﷺ می دهند اصل معتمدی ندارد. ــ والله اعلم ــ .مساجد احد را از قبیل مسجد فسح و رکن جبل عینین و وادی را به نماز و دعا زیارت کند.**

مساجد معروف مدینه

۱ــ مسجد وادی یا جمعه در سمت راست راه قبا.

۲ــ مسجد فضیح یا شمس در شرق قبا.

۳ــ مسجد بنی قریظه در شرق مسجد شمس.

۴ـ مسجد بی بی ماریه قبطیه (رض) درشمال مسجد بنی قریظه.

۵ ـ مسجد بنی ظفر در شرق بقیع و به نام بغله نیز یاد می شود؛ آنجاسنگی است که پیغمبرﷺ بر آن نشسته اند؛ چنین مشهور است که زنان بی اولاد بر آن نشسته دعامی کنند خداوند به ایشان اولاد عطا می کند.

۶ ـ مسجد اجابت بر راه مسجد قبلتین.

۷ـ مسجد بقیع یا اُبیّ بن کعب در غرب قبر سیدنا عقیل بن ابی طالب.

۸ـ مسجد بی بی فاطمه (رضی الله عنها).

۹ـ مسجد ابی ذرّ الغفّاری رضی الله عنه در راه احد.

۱۰ـ مصلاّی عید در غرب مدینه.

۱۱ـ مصلاّی سیدنا ابی بکر صدّیق رضی الله عنه در شمال غربی مصلاّی اوّل.

۱۲ـ مصلاّی سیدنا علی رضی الله عنه شامی مصلاّی اوّل.

۱۳ـ مسجد فتح یا احزاب بر قطعه غریبه جبل سلع.

۱۴ـ مسجد سلمان فارسی رضی الله عنه درقبله فتح.

۱۵ـ مسجد سیدنا ابی بکر صدیق رضی الله عنه در جنوب غربی مسجد سلمان رضی الله عنه.

۱۶ـ مسجد سیدنا عمر رضی الله عنه در جنوب مسجد سیدنا ابی بکر رضی الله عنه.

۱۷ـ مسجد سیدتنا فاطمه (رضی الله عنها) در جنوب مسجد سیدنا عمر رضی الله عنه.

۱۸ـ مسجد سیدنا علی رضی الله عنه درشرق مسجد بی بی فاطمه(رضی الله عنها) (این شش مسجد که پهلوی یکدیگر قرار دارد، به نام مساجد خندق یاد می شود) .

۱۹ـ مسجد بنی حرام در بالای جبل سلع که در غار این مسجد، نزول وحی بوده است.

۲۰ـ مسجد قبلتین در غرب فتح قریب وادی عقیق، حضرت رسول اکرمﷺ در این مسجد دو رکعت از نماز ظهر را به سمت بیت المقدس ادا کرده بودند که امر توجه به کعبه رسید و دو رکعت اخیر را گردیده، رو به کعبه ادا فرمودند.

۲۱ـ مسجد ذباب یا رأیه شرقی جبل سلع.

۲۲ـ مسجد سقیا در سمت چپ راه ذی الحلیفه و فعلاً در مدینه منوره مسجدی است به نام غمامه که گویند جای نماز استسقاء آن حضرت است ﷺ و شاید مصلاّی عید، عبارت از همین مسجد بوده باشد که مصلاّی سیدنا ابی بکر رضی الله عنه و مصلاّی علی رضی الله عنه نیز در شمال آن واقع شده امّا فعلاً در وسط مدینه قرار گرفته و در سمت جنوب غربی این مسجد به نام حضرت بلال رضی الله عنه ، مسجدی بود که آن را

حکومت برداشته، ساختمان دولتی بنا نمود؛ در جنوب این ساختمان مسجدی است باقی و به نام حضرت عمرﷺیا دو زیارت می شود و در سوق العیش مسجدی است به نام سیدتنا فاطمه (رض)و در حدّ شمالیش مسجدی است به نام انس بن مالک ﷺ. خلاصه مساجد زیادی است. هیچ مسجدی خالی از تأثیر نیست خصوصاً در مدینه منوره که قدمگاه پیغمبرﷺ و اصحاب (رض) و مهبط جبرئیل و نزول وحی است که از زیارت آنها بخل نورزد.

چاههای متبرکه در مدینه

وضوساختن و غسل و آشامیدن از آب چاههای مدینه منوره مورث شفا امراض است به اذن خداوند، شافی الامراض و برکت آب دست و دهان مبارکﷺ.

۱ـ چاه اریس در غرب قبا آبش شور بوده که به برکت آب دهن مبارکﷺ، شیرین و گوارا گردیده، مریضان و تشنه لبان را حکم زمزم پیدا کرده و خاتم حضرت رسالت پناهیﷺ که نقش آن محمد رسول الله بود و خود حضرت ﷺ و سادتنا ابوبکر و عمر و عثمان ـ رضی الله عنهم ـ هر یک در دوره خلافت خود به دست داشتند، از دست خلیفه سوم در این چاه افتاده، تا کنون یافته نشده است.

۲ـ چاه غرس در شمال شرقی قبا و نظر به حدیث از چاههای بهشت بشمار می رود.

۳ـ چاه رومه معروف به بئر عثمان ﷺکه حضرتﷺ فرمودند:

« مَنْ حَفَرَ بِئْرَ رَوْمَةَ فَلَهُ الْجَنَّةُ» حضرت عثمانﷺ کلیه آن را به سی و پنج هزار درهم از یهودی خریده؛ حفر نموده دلو و ریسمان بر او قرار داده، وقف عامه مسلمین نمودند؛ در شمال قبلتین.

۴ـ چاه بضاعه، خارج باب شامی مدینه به جوار ثقیفه بنی ساعده و جاییکه اصحاب(رض) با حضرت ابی بکر ﷺ بیعت کردند از اثر دعا و آب دهن مبارکﷺمتبرک گردید که چون مریض در آن غوطه زند، به اذن خدا شفا یابد.

۵ ـ چاه بُصّه در سمت چپ راهی که از بقیع به قبا می رود و سر مبارکﷺدر آن شسته شده است.

۶ ـ چاه حاء در شمال مسجد نبویﷺ در کوچه روبروی باب مجیدی.

۷ـ چاه اهاب یا زمزم المدینه در سنگلاخی در غرب مدینه.

۸ ـ چاه عهن در کوه بلند مدینه، در شرق قبا.

۹ـ چاه ابی عنبه یا ودی در راه بدر، یک میلی مدینه .

۱۰ـ چاه انس ﷺیا زناطیه در دار انس بن مالک ﷺ.

۱۱ـ چاه سَقیا یا اعجام در سمت چپ راه چاه علی.

۱۲ـ چاه علیﷺ در ذی الحلیفه و بدانید که گرد و غبار مدینه چنانچه در بعضی روایات آمده، شفای همهٔ امراض است؛ خصوصاً خاک حفره وادی صعیب که در بطحان واقع و برای تب داران بنی الحارث امر مبارکﷺ صادر گردید تا از آن خاک گرفته، در آب حل کنند و یکی از ایشان((بِسْمِ اللهِ تُرَابُ اَرْضِنَا بِرِيْقِ بَعْضِنَا شِفَاءٌ لِمَرِيْضِنا بِإِذْنِ رَبِّنَا))خوانده، آب دهن خود را در آن انداخته، به خوراک مریض دهند این دستور را عملی نمودند به کلی تب ایشان زائل شد. خرمای عجوه مدینه به حدیث صحیح ثابت شده که هر کس ناشتایی هفت دانه از آن بخورد، تا بیست و چهار ساعت هیچ زهر و جادویی بر وی کار نکند و مرض سرگیجه را شفا می بخشد به اذن خدا و همچنین درباره تمربرنی آمده که بهترین خرمای شما تمربرنی است.

کیفیت وداع مدینهٔ منوره و رسول کریمﷺ

وقتی که می خواهد از مدینه منوره مرخص شود، اول در مسجد نبویﷺ دو رکعت نماز نفل ادا کند و سپس نزد قبر مبارک آن حضرت ﷺ حاضر شود و به همان روش که قبلاً ذکر شد بر حضرت رسول ﷺ و یاران سلام عرض نماید، در آخر نزد قبر مبارکﷺ دعا کند و از خداوند بخواهد که زیارت او را قبول نموده و او را سالم به اهل و اولاد او بازگرداند و از آن جمله این دعا را بخواند:«اَللّٰهُمَّ اَنْتَ اَحَقُّ مَنْ ذُكِرَ وَ اَحَقُّ مَنْ عُبِدَ وَ اَنْصَرُ مَنِ ابْتُغِيَ وَ اَرْأَفُ مَنْ مَلَكَ وَ اَجْوَدُ مَنْ سُئِلَ وَ اَوْسَعُ مَنْ اَعْطَى وَاَنْتَ الْمَلِكُ لَاشَرِيْكَ لَكَ وَ الْفَرْدُ لَانِدَّلَكَ كُلُّ شَيْءٍ هَالِكٌ اِلَّا وَجْهَكَ لَنْ تُطَاعَ اِلَّا بِإِذْنِكَ وَلَنْ تُعْصَى اِلَّا بِعِلْمِكَ تُطَاعُ فَتَشْكُرُ وَ تُعْصَى فَتَغْفِرُ اَقْرَبُ شَهِيْدٍ وَ اَدْنَى حَفِيْظٍ حُلْتَ دُوْنَ النُّفُوسِ وَاَخَذْتَ بِالنَّوَاصِيْ وَ كَتَبْتَ الْآثَارَ وَنَسَخْتَ الْآجَالَ،اَلْقُلُوْبُ لَكَ مَفْضِيَّةٌ وَالسِّرُّعِنْدَكَ عَلَانِيَةٌ ، وَالْحَلَالُ مَا اَحْلَلْتَ وَ الْحَرَامُ مَا حَرَّمْتَ وَالدِّيْنُ مَاشَرَّعْتَ وَ الْاَمْرُ مَا قَضَيْتَ وَ الْخَلْقُ خَلْقُكَ وَالْعَبْدُ عَبْدُكَ اَنْتَ اللهُ الرَّؤُفُ الرَّحِيْمُ ،اَسْأَلُكَ بِنُوْرِ وَجْهِكَ الَّذِيْ اَشْرَقَتْ لَهُ السَّمٰوَاتُ وَالْاَرْضُ وَبِكُلِّ حَقٍّ

هُوَ لَكَ وَبِحَقِّ السَّائِلِيْنَ عَلَى￼كَ اَنْ تَقْبَلَنِيْ فِى هَذَا الْوَقْتِ وَاَنْ تُجِيْرَنِى مِنَ النَّارِ بِقُدْرَتِكَ اَللّهُمَّ اغْفِرْلِيْ خَطِيْئَتِيْ وَجَهْلِى وَاِسْرَافِيْ فِى اَمْرِىْ وَمَا اَنْتَ اَعْلَمُ بِهِ مِنِّىْ اَللّهُمَّ اغْفِرْلِىْ جِدِّى وَهَزْلِىْ وَخَطَئِىْ وَعَمْدِىْ وَكُلُّ ذَلِكَ عِنْدِىْ اَللّهُمَّ اغْفِرْلِىْ مَا قَدَّمْتُ وَمَا اَخَّرْتُ وَمَا اَسْرَرْتُ وَمَا اَعْلَنْتُ وَمَا اَنْتَ اَعْلَمُ بِهِ مِنِّى اَنْتَ الْمُقَدِّمُ وَاَنْتَ الْمُؤَخِّرُ وَاَنْتَ عَلَى كُلِّ شَىْءٍقَدِيْرٌ، اَللّهُمَّ لَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ بِمَسْجِدِ رَسُولِكَ (ص)وَيَسِّرْلِىَ الْعَوْدَ اِلَى الْحَرَمَيْنِ الشَّرِيْفَيْنِ سَبِيْلًا سَهْلًا وَ لَا تَحْرِمْنِىْ يا اَللهُ مِنَ الْوُقُوْفِ فِى هَذِهِ الْاَمَاكِنِ الْمُقَدَّسَةِ وَ الصَّلَوةِ فِى هَذِهِ الْبُقَاعِ الطَّاهِرَةِ الَّتِىْ صَلَّى فِيْها نَبِيُّنَا مُحَمَّدٌ (ص)وَخُلَفَاؤُهُ الرَّاشِدُوْنَ وَ اَصْحَابُهُ الْغُرُّ الْمُحَجَّلُوْنَ ،اَللّهُمَّ اكْتُبِ السَّلَامَةَ وَالْعَافِيَةَ وَالْفَوْزَ وَالنِّجَاحَ لَنَا وَلِعَبِيْدِكَ الْحُجَّاجِ وَ الزُّوَّارِوَالْغُزَاةِ الْمُجَاهِدِيْنَ لِاِعْلَاءِ كَلِمَتِكَ وَنَصْرِ دِيْنِكَ فِى بَرِّكَ وَبَحْرِكَ مِنَ الْمُسْلِمِيْنَ ،رَبَّنا ءَاتِنَا فِى الدُّنْيَا حَسَنَةً وَ فِى الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ ،اَللهُ اَكْبَرُ ،اَللهُ اَكْبَرُ ،لَا اِلَهَ اِلَّا اللهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيْكَ لَهُ ،لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَىْءٍقَدِيْرٌ،آئِبُوْنَ تَائِبُوْنَ عَابِدُونَ سَاجِدُونَ لِرَبِّنَا حَامِدُوْنَ ،صَدَقَ اللهُ وَعْدَهُ وَنَصَرَ عَبْدَهُ وَهَزَمَ الْاَحْزَابَ وَحْدَهُ اَللّهُمَّ اغْفِرْلَنَا وَلِوَالِدِيْنَا وَلِجَمِيْعِ الْمُؤْمِنِيْنَ وَاَوْصِلْ اِلَى اَرْوَاحِهِمْ جَمِيْعًانِ الْفَاتِحَةَ مَعَ الْاِخْلَاص»**بعد از آن با دلی پر از حسرت و چشمهایی پر از اشک برگردد و از مسجد بیرون شود و به اندازه توفیق و طاقت، صدقه به فقرا دهد و درود گویان و گریه کنان از مدینه منوره رهسپار وطن خود گردد و هنوز که به محل اهل و عیال خود نرسیده، اهل خود را اطّلاع داده و بهتر این است که روزانه وارد محل خود گردد تا آثار شعائر اسلامی ظاهر گردد و بر استقبال کنندگان نیز دشوار نیاید ابتدا وارد مسجد محل گردیده، دو رکعت نماز تحیّت ادا کند آنگاه به خانهٔ خود رفته، بعد از سلام بگوید:** «تَوْبًا تَوْبًا لِرَبِّنَا اَوْبًا لَايُغَادِرُ عَلَيْنَا حَوْبًا اِنْ تَغْفِرِ اللّهُمَّ فَاغْفِرْ جَمًّا وَ اَىَّ عَبْدٍ لَكَ مَا اَلَمَّا» **در خانه دو رکعت نماز ادا نموده، خانه را با عطر و عود معطر کنند و در مقابل این نعمت بزرگ شکر گوید و سعی کند اول ورودش بر کسی باشد که او**

را از همه کسان خود دوست تر داشته باشد؛ زیرا حضرت رسول خدا ﷺ بر خانهٔ جگر گوشهٔ خود حضرت بی بی فاطمه (رض)وارد می شدند و بقیهٔ عمر خود را کوشش کند به اعمال صالحه و اخلاق حسنه و معاشرت نیکو بگذراند زیرا علامت« الْحَجُّ الْمَبْرُوْرُ اَنْ يَعُوْدَ خَيْراً مِمّا كَانَ فِي جَمِيْعِ الْاُمُوْرِ اَللّٰهُمَّ ارْزُقْنا آمِيْنَ يَا رَبَّ الْعَالَمِيْنَ»

شمه ای از توسعه مسجد نبوی ﷺ

چون حضرت رسول اکرم ﷺ از قبا حرکت نموده و وارد مدینه منوره شدند، این دعا بر زبان دُر اَفشان مبارک ﷺ جریان یافت که ﴿ رَبِّ اَنْزِلْنِيْ مُنْزِلًا مُّبَارَكًا وَّ اَنْتَ خَيْرُ الْمُنْزِلِيْنَ﴾[1]با وجود استقبال کنندگان بسیار، در منزل هیچ یک از سرداران و ثروتمندان مدینه نزول اجلال نفرمود و منتظر فرمان الهی بود تا کنار باغی رسیدند که متعلق بود به سهل و سهیل، دو فرزند یتیم تحت سرپرستی اسعد بن زراره یا ابوایوب انصاری رضی الله عنه؛ شتر آن حضرت ﷺ به زانو درآمد و حضرت ﷺ فرمودند: اینجا منزل ماست و صاحبان باغ را خواسته، باغ را از آنها خریده، طرح مسجد انداخت. اولاً فرمود تا درختان خرما و خار غرقد را قطع نموده، آبهای باران که در آنجا جمع شده بود، جریان داده، زمین را خشک و مسطح ساختند و خود حضرت ﷺ به کمک مهاجرین (رض) و انصار (رض) مسجد را بنا نهاد در حالی که دیوارها از خشت خام و ستونها و قبلهٔ مسجد از تنهٔ درخت خرما و سقفش از شاخه های باریک خرما بود؛ این بنا به طول ۷۰ ذرع و پهنای ۶۰ ذرع به ارتفاع ۷ذرع دست زیر بنا و دارای حیاط کوچکی و دو خانه برای سکونت دو خانوادهٔ محترمهٔ مبارک ﷺ و قبلهٔ این مسجد به سمت بیت المقدس یعنی جانب شمال بود؛ سه دروازه برای وی قرار دادند: یکی جانب مشرق به نام باب آل عثمان که امروز به نام باب جبرئیل یاد می شود: دیگری سمت مغرب به نام باب عاتکه که امروز باب الرحمه گفته می شود و سومی در جانب جنوب که بعد از تحویل قبله، مسدود گشته و در عوض آن از جانب شمال دروازه ای به نام باب نساء گشادند. طولی نکشید که مسلمانان زیاد شدند و مسجد تنگی می نمود؛ خانه ای بود پهلوی

۱- آیه ۲۹ جزء ۱۸ سوره مومنون

مسجد صاحبش را فرمودند:خانه ات را برای مسجد واگذار کن تا در بهشت خانه ای بهتر به تو ارزانی فرمایند؛ آن مرد راضی نشد تا عثمان انصاری ﷺ همان خانه را به ده هزار درهم خرید و عرض کرد یا رسول اللهﷺ من حاضرم با شما و خدا معامله نمایم؛ حضرت ﷺ با خوشحالی قبول فرموده آن خانه را نیز داخل مسجد دادند. مساحت مسجد در آن زمان ۱۰۰×۱۰۰ ذرع دست که ۲۴۷۵ متر مربع مساحت آن می شد گردید و این نیز پوشیده نماند که وقت تعیین قبله حجاب از پیش چشم مبارکﷺ برداشته شده بود و طوری ساخته شد که میزاب رحمت کعبه مواجه ناصیهٔ مبارکﷺ قرار می گرفت و این مسجد از محراب و منبر معری بود؛ بلکه وقت امامت در محل محراب قدیمی که داخل مسجد نبویﷺ به نام محراب الرسولﷺ یاد می شود، ایستاده می شدند و برای خطبه به تنهٔ درخت خرمایی که در جانب قبله قرار داده بودند، تکیه می فرمودند تا زنی از انصار اجازت خواسته، منبری از چوب ساج دارای سه پله ترتیب داده، تقدیم خدمت نمود چون حضرتﷺ بر منبر بالا رفتند آن تنهٔ درخت، عاشق وار ناله آغاز کرد مبارکﷺ او را در بغل گرفته، فرمودند: آرام باش! میل داری در مقام اصلی ات بنشانم تا مثل اول سبز و بار ور گردی و مردم از سایه و میوهٔ تو بهره بگیرند یا در بهشت بنشانمت تا از جویها و چشمه های آن بنوشی پس میوهٔ نیکو به بار آوری و دوستان خدا به طور جاوید از میوهٔ تو استفاده بگیرند؛ جواب داد که بهشت را اختیار کردم زیرا فنا ندارد مبارکﷺ فرمود:

«قَدْ فَعَلْتُ»یعنی به تحقیق تو را در بهشت نشاندم آنگاه نالهٔ وی قطع گردید .

مولانا چه زیبا می فرماید:

اُستن حنانه از هجر رسول — ناله می زد همچو ارباب عقول
گفت پیغمبر چه خواهی ای ستون — گفت: جانم از فراقت گشت خون
مسندت من بودم از من تاختی — بر سر منبر تو مسند ساختی
گفت می خواهی تورا نخلی کنند — شرقی وغربی ز تومیوه چنند
یا در آن عالم تو را سروی کند — تا تر و تازه بمانی تا ابد
گفت آن خواهم که دایم شد بقاش — بشنو ای غافل کم ازچوبی مباش
آن ستون را دفن کرد اندر زمین — تا چو مردم حشر گردد یوم دین
تا بدانی هر که را یزدان بخواند — ازهمه کار جهان بیکار ماند[1]

۱- مثنوی شریف دفتر اول

در این وقت صحابه (رض) برای خانه های خود از داخل مسجد دروازه ها گشاده بودند و عبور و مرور مردم در مسجد زیاد شد پیغمبر(ص) امر فرمود غیر از پنجره حضرت ابوبکرﷺ همهٔ دروازه ها را بستند و به تدریج هر چه بر تعداد ازواج مطهّرات (رض) افزوده می شد، از خانه های اطراف مسجد برای آنها خریده، در اختیار ایشان می گذاشتند و تا وقت رحلت خانه های اهل بیت به اطراف مسجد غیر از سمت مغرب احاطه داشت. در زمان خلافت حضرت ابوبکر صدیقﷺ ستونهای چوبی مسجد فرسوده شده بود، بنای قدیم را برداشته، بر هیات اصلیش تجدید بنا نمودند و حضرت عمر فاروقﷺ در دورهٔ خلافت خود خانه های اطراف مسجد را به غیر از خانه های ازواج مطهّرات(رض)خریده ۱۱۰۰مترمربع ازسمت مغرب و جنوب بر وسعت مسجد افزودند و حضرت عثمان ذی النورین (رض) نیز در عهد خلافت خود ۴۹۶ مترمربع از سمت مغرب و جنوب خریداری نموده، داخل مسجد دادند و در سال۹۱ هجری عمر بن عبدالعزیز(رح) به دستور ولید بن عبدالملک اموی خانه های ازواج مطهرات(رض)و بسیاری از اصحاب را خریده ، مسجد را به سمت مشرق و مغرب و شمال ۲۳۶۹ مترمربع توسعه داد و تمام بنای سابق را برداشته، از اطراف و جوانب کمک خواسته،دیوارهای مسجد را به سنگهای مرمر و منقّش و سقف را با چوب ساج و آب طلا و محل نماز آن حضرتﷺرا محرابی از سنگ رخام و قنادیل زیادی بر سقف آویزان و در چهار زاویهٔ مسجد چهار مناره به ارتفاع شصت ذرع بنا نمود؛ بعد از آن در دورهٔ مهدی پسرمنصور عباسی در سال ۱۶۱ هجری به جانب شمال ۲۴۵۰ مترمربع توسعه یافت و در سال ۸۸۸ هجری ملک الاشرف سلطان قایتبای ۱۲۰مترمربع بر وسعت مسجد افزوده، اراضی و دکانهای زیادی برای متولّی ها و خدمهٔ مسجد وقف نمود و در سالهای ۱۲۶۵ تا۱۲۶۷هجری سلطان عبدالحمیدخان عثمانی۱۲۹۳مترمربع از اطراف خریده داخل مسجد داد و درسال۱۳۷۰تا ۱۳۷۲ هجری قمری ملک عبدالعزیز و پسرش ملک سعود ۶۰۲۴مترمربع مسجد را توسعه داده و۶۲۴۷ متر بنای مسجد قدیم را نیز برداشته، به طور عالی تجدید بنا نمودند و دروازه های مسجد از زاویهٔ جنوب غربی به ترتیب در:

سمت مغرب :

۱- باب السلام.

۲- باب الصدیقﷺ از بیرون دارای سه طاق و از داخل یک پنجره نیز دارد.

۳- باب الرحمه. ۴- باب سعود دارای سه طاق.

و در **سمت شمال :**

۱- باب سیّدنا عمربن خطابرضي الله عنه. ۲- باب عبدالحمید.

۳-باب سیدناعثمان بن عفّانرضي الله عنه.

و در **جانب مشرق :**

۱- باب عبدالعزیز دارای سه طاق ۲- باب النساء ۳- باب جبرئیلعليه السلام

در جانب جنوب یعنی قبله دروازه ای باز ندارد. از باب جبرئیل که داخل می شویم سکوی دست راست مقام اصحاب صفّه و سکوی دست چپ جای نماز تهجّد مبارکصلى الله عليه وسلم بوده است. مسجد فعلی دارای سه محراب است داخل روضة الجنان، محراب حضرت پیغمبرصلى الله عليه وسلم در غرب این محراب و نیز سمت مغرب منبر شریف، محراب سلطان سلیمان عثمانی و محراب بزرگ در جنوب ضریح به نام سیّدنا عثمان بن عفّانرضي الله عنه یاد می شود. این بود خلاصه ای از افعال حج و زیارت مدینه منوره و مقامهای متبرکه، که ذکر شد. امید است که مفید واقع شود و از خوانندگان و زوّار گرامی خواستار دعای خیر می باشم.

اصطلاحات و اماکن متبرکه

آفاقی:کسی که بیرون از محوطه میقات سکونت دارد، مانند مردم ایران، عراق، سوریه، افغانستان، پاکستان، هند و ...

ابطح: جایی است بین (منی) و (مسجد الحرام) در نزدیکی جنت المعلی .

استلام : بوسه گرفتن حجرالاسود (سنگ سیاه) و به دست زدن و لمس کردن آن رکن یمانی (استلام)اطلاق می شود.

اشهر حج : شوال، ذوالقعده، نصف ذوالحجه(همه۷۵روز می شود).

اضطباع: آوردن چادر در ز یربغل راست و انداختن دو طرفش بر شانه چپ.

افراد: بستن احرام فقط برای ادای افعال حج .

ایام تشریق: روزهایی که در آن تکبیر تشریق می گویند(از ۹ تا ۱۳ ذی الحجه)

ایام نحر: دهم ذی الحجه تا دوازدهم که در آن قربانی جایز است.

باب سلام : نام یکی از دروازه های مسجد الحرام است که ورود به مسجد الحرام از این در افضل است.

باب جبرئیل: نام یکی از درهای مسجدالنبی است هنگامی که جبرئیل به خدمت رسول اکرم(ص)حاضر می شد از همین در می آمد و زائرین جنت البقیع اکثراً نیز از همین در وارد می شوند .

بدنه: شتر یا گاو ی که برای جنایت حج لازم می گردد .

بطن عرنه: مکانی است نزدیکی عرفات چون خارج از حدود عرفات است، وقوف درآن صحیح نیست.

پرده کعبه: بر روی کعبه پوششی پارچه ای است و سیاه رنگ که آن را پرده کعبه می نامند. نخستین کسی که خانه کعبه را پوشاند «تُبع حمیری» پادشاه یمن بود و سالی یک بار آن را عوض می کنند و بر آن آیه هایی از قرآن کریم قلاب دوزی شده است و آنها عبارتند از« لَااِلَهَ اِلّا اللهُ »« مُحَمَّدٌ رَسُوْلُ اللهِ »در میان مربع ها با رشته های ابریشمی بافته شده و در دو طرف راست و چپ آن در میان مربع بزرگ لفظ «جل جلاله» به شکل شماره حج ۸ نقش گردیده و در خالیگاه آن لفظ«یا الله» نقش می باشد، مالک پرده پادشاه می باشد اگر خواست می تواند آن را بفروشد و صرف مصالح خانه کند و اگر خواست می تواند آن را به شخصی بدهد و اگر خواست بین فقرا تقسیم کند جایز نیست که کسی خوشبویی آن را بگیرد و لو اینکه برای تبرک باشد و لازم است که آن را برگرداند.

تمتع : آن است که حاجی در زمان حج، عمره را اول و حج را پس از عمره انجام دهد و بین آن دو از احرام در آمده و محلّ گردد.

تکبیر: گفتن اَللهُ اَکْبَرُ

تکبیر تشریق: اَللهُ اَکْبَرُ ، اَللهُ اَکْبَرُ ،لَااِلَهَ اِلّا اللهُ وَاللهُ اَکْبَرُ، اَللهُ اَکْبَرُ، وَ لِلّهِ الْحَمْدُ.

تلبیه: :لَبَّیْكَ اللّهُمَّ لَبَّیك، لَبَّیْكَ لَا شَرِیْكَ لَكَ لَبَّیْكَ اِنَّ الْحَمْدَ وَالنِّعْمَةَ لَكَ وَالْمُلْكَ لَا شَرِیْكَ لَكَ .

تهلیل: خواندن لَااِلَهَ اِلّا اللهُ

تنعیم: :نام موضعی است به فاصله شش کیلو متر از مکه، که در آنجا مسجدی به نام مسجد حضرت عایشه ـ رضی الله عنها ـ موجود است و در ایام اقامت مکه از آنجا احرام عمره می بندند، چون نزدیک ترین موضع در محدوده ی حرم است .

ثج : قربانی

جمرات یا جمار : در منی سه مقام است که بر روی آنها ستونهایی بنا شده است در موقعی که حضرت ابراهیم و اسماعیل (ع) برای ادای قربانی می رفتند شیطان در این سه موضع ظاهر شده و کوشش کرده بود حضرت ابراهیم (ع) را از اجرای فرمان خداوند باز دارد و به همین منظور حجاج آن مواضع را با سنگ سنگسار می کنند از آنها یکی نزدیک مسجد خیف است به جانب مشرق جمره الاولی نام دارد و دومی را جمره الوسطی و سومی را که بسوی مکه واقع است جمره الکبری و جمره العقبه و جمره الاخری می نامند.

جحفه: نزدیک رابغ به فاصله ی سه منزل از مکه موضعی است که میقات اهل سوریه است.

جبل ثبیر: نام کوهی است در منی.

جبل قزح: کوهی است در مزدلفه.

جبل ابو قبیس: کوهی است در مکه نزدیک کوه صفا و بر آن مسجدی است به نام مسجد بلال و برخی از سیره نویسان معتقدند که معجزه شق القمر در همین کوه ظاهر شده است.

جنایت : فعلی که در حال احرام در حدود حرم ممنوع است .

جنۀ المعلی : نام گو رستانی است در مکه که حضرت ام المؤمنین خدیجه الکبری و دو فرزند رسول اکرم(ص) و دیگر اصحــاب در آنجا به خاک سپـــرده شده اند .

جنۀ البقیع : نام گورستانی است در مدینه که به مشرق مسجد نبوی واقع شده است که رسول اکرم (ص) در حیات طیبه خود اکثر شبها به زیارت بقیع می رفتند، و آرامگاه حضرت عثمان غنی(رض)، عموی پیامبر(ص)حضرت عباس (رض)، حضرت حسن (رض)، حضرت علی بن الحسین (رض)، حضرت محمد بن علی الباقر(رض)، جعفربن محمدالصادق (رض)،ائمه اهل بیت و آرامگاه دو فرزند رسول اکرم(ص) حضرت ابراهیم (رض)، حضرت فاطمه (رض) و مادر رضائی پیامبر (ص)

حلیمه سعدیه و امهات المومنین به استثنای میمونه (رض) (که مدفن آن در سرف است) و در بقیع می باشند .

حجرالاسود : سنگی است بهشتی که اول مانند شیر سفید بوده است ، گناهان بنی آدم سیاهش کرده ، اکنون در زاویه جنوب شرقی کعبه به اندازه بلندی سر انسان نصب شده است و چهار طرف آن به نقره مرصع است حجاج بیت الحرام این سنگ را می بوسند و مس می نمایند و آن دارای چهل تکه می باشد چون دزدان آن را شکسته بودند و حالا با وحله نقره ای از پشت به هم وصل شده اند .

حدیبیه : مکانی است خارج از حرم که امروزه به شمیسیه معروف است و راهی که از جده به مکه می رود از همانجا می گذرد و در آن رسول اکرم (ص)در سال شش هجری معاهده بستند و بیعت الرضوان که پیامبر در مورد آن فرمودند: که هرکس در زیر این درخت با من پیمان بسته وارد آتش جهنم نمی شود، در همین جا صورت گرفت و حد حرم از همین مکان شروع می شود و مسجدی نیز در آنجا بنا شده است که به آن مسجد البیعه گفته اند چرا که پیمان عقبه در آن مکان صورت گرفت و در سال ۲۴۴ قمری به فرمان منصور عباسی ساخته شد این مسجد اکنون نمای بسیار محقر و مخروبه ای دارد و مورد توجه کسی نیست و همچنین مسجد دیگری به نام بیعه نامیده شده که آن هنگامی که پیامبر(ص) عازم فتح مکه شدند در میان شعب بنی عامر و سوق النعم، مکانی که آن حضرت پس ازده سال هجرت با مردم مکه ملاقات کرده و آنها در این مکان با پیامبر(ص) بیعت کردند این مسجد در دوران سعودی هم باز سازی شده و گنبد آن با رنگ طلائی پوشیده شده است .

حطیم: در جانب شمال کعبه به ارتفاع ۱/۳۰متر دیواری است که در اصل داخل کعبه شمرده می شده است و آن را حجر اسماعیل و حظیره نیز می نامند.

حرم: هر چهار طرف مکه مکرمه تا کمی دور را زمین حرم می نامند بر حدود آن شکار کردن درخت بریدن و حیوان چرانیدن ممنوع است .

حرمی: شخصی که در زمین حرم ساکن است ، اعم از اینکه در داخل شهر مکه باشد یا خارج شهر مکه و داخل حدود حرم باشد حرمی می گویند .

حل: خارج از محدوده حرم، تمام زمین را حل می گو یند زیرا در آنجا کارهایی که داخل حرم ممنوع است، مباح می باشد .

حلی: شخصی که داخل زمین حل سکونت دارد .

حلق: تراشیدن موی سر و با این عمل از احرام بیرون می آید.

حرا: در شمال مکه کوهی بلندی است مشرف بر منا به نام کوه نور که در دامنه جنوبیش به فاصله ۱۶۰ متری از قله آن، غاری است به نام (حرا) و یکی از مکانهای مقدس شهر مکه است و حضرت محمد (ص) پیش از بعثت در آنجا با خدا خلوت می کردند. و نخستین بار در آن غار به ایشان وحی شد و آیات الهی مبنی بر فرمان حق تعالی «اقرا باسم ربک الذی خلق .خلق الانسان من علق. اقرا و ربک الاکرم الذی علم بالقلم» به ایشان رسید . نبوتی که نورش بشریت را فرا گرفت و عدل و برکت آن همگان را در پوشاند و همه از آن بهره مند شدند از همین آغاز شد این کوه ثبیر اعرج نامیده می شد و اینک کوه نور و وادی جلیل از آن به سمت غرب آغاز می شود . امروزه ساختمانهای مکه تا دامنه های غربی آن رسیده است حرا ۲۰۰ متر از سطح در یا ارتفاع دارد و در دامنه جنوبی آن آثار قنات زعفران که زبیده همسر هارون الرشید آن را ایجاد کرد و آب آن به مکه می رسید و بعدها قطع شد؛ دیده می شود.

حره : سنگلاخ آتشفشانی .

حوقله: لا حول و لا قوه الا با لله گفتن

خانه ام المؤمنین خدیجهٔ کبری (رض): خانه ای که رسول اکرم (ص) در ایام قیام مکه بعد از ازدواج با حضرت خدیجه کبری در آن ساکن بود و تمام اولاد آن حضرت بجز ابراهیم در آنجا بدنیا آمدند در سوق معلی در زقاق حجر یا زقاق عطارین یا زقاق صواغین واقع است فعلاً در آنجا مدرسه تعلیم قرآن ساخته شده است در این کوچه دکان هایی مربوط به جواهر فروشان و صرافان وجود دارد این موضع بعد از مسجد الحرام از تمام زمین مکه افضل می باشد.

خانه کعبه: کعبه ساختمان چهارگوشه مسقفی است در داخل مسجد الحرام که نمای ظاهری آن را سنگ های مایل به رنگ خاکستری تشکیل می دهد و در تمام مدت سال، با پرده ای سیاه که حاشیه فوقانی آن با نخ های طلایی قلاب دوزی شده، پوشیده است. بلندی خانه ی کعبه تقریبا ۱۵ متر، طول ضلع درِ کعبه، یعنی از رکن اسود تا رکن عراقی ۶۸/۱۱ متر، طول رکن عراقی تا شامی، طرفی که حجر اسماعیل در آن قرار دارد ۹۰/۹ متر، طول رکن شامی تا رکن یمانی ۰۴/۱۲ متر و طول رکن یمانی تا رکن اسود ۱۸/۱۰ متر است. تا به حال پنج بار تجدید بنا گردیده است.

دار ارقم: این همان منزلی است که پیامبر(ص) و مسلمانان نخستین، در آغاز اسلام، پنهانی در آنجا جمع می شدند و خدا را عبادت می کردند. و الآن داخل مسجد الحرام قرار گرفته است.

در خانه: بر ضلع شرقی کعبه قرار دارد و بلندی آن از زمین دو متر و در تمام سال، جز هنگامی که بخواهند داخل خانه را شستشو کنند، و یا مهمانی بلند پایه از کشورهای اسلامی داشته باشند بسته است.

دم : در حالت احرام به سبب ارتکاب بعضی از کارهای ممنوع، ذبح کردن گوسفند واجب می شود آن را دم می نامند .

ذوالحلیفه: جایی است سر راه مدینه به مکه تقریباً به فاصله ۱۲ کیلو متر که اهل مدینه در آنجا احرام می بندند این مکان میقات اهل مدینه است که به بئر علی(رض) معروف است.

ذات عرق: جایی است تقریباً به مسافت سه روز از مکه به عراق و میقات اهل عراق است که امروزه ویران شده است.

رکن: اگر کلمه رکن بدون پسوند به کار رود مقصود همان رکنی است که حجر الاسود در آن قرار دارد.

رکن یمانی: گوشهٔ جنوب غربی بیت الله که طرف یمن واقع شده است .

رکن عراقی: گوشهٔ شمال شرقی بیت الله الحرام که در طرف عراق واقع شده است.

رکن شامی: گوشهٔ شمال غربی بیت الله الحرام که طرف سوریه می باشد .

رمی: سنگ زدن جمرات.

رمل: سه گردش اول طواف که حاجی با کیفیت خاصی دست و شانه را تکان می دهد و قدم ها را تند تند نزدیک هم می گذارد و کمی تیز راه می رود رمل گویند.

زمزم :چاهی است درمسجد الحرام، نزدیک کعبه که هزاران سال پیش خدای تعالی بقدرت لامتناهیش برای بندگان خالص خودحضرت اسماعیل ومادرش علیهماالسلام به صورت چشمه جاری فرموده و هنوز هم قابل بهره برداری است چاه اسماعیل، حفیره عبدالمطلب، شفای سقم، عافیه و میمونه. از نامهای دیگر این چاه است..

سعی: هفت دفعه رفتن به کوه صفا و مروه و رفتار خاصی که درمیان مسافت آنها به کار برده می شود.

شارع الحجون : بغل بازار ابو سفیان و سمت چپ وزارات البرید و مسجد شجره هم آنجاست .

شعب ابی طالب: جایی است که مشرکان مکه پیامبر(ص) و بنی هاشم را حدود سه سال در آنجا محصور کردند و مردم را از دیدار و معامله با آنان منع نمودند، این دره به سوی کوه ابوقبیس سرازیر است و همان جایی است که کتابخانه مکه هم اکنون در آنجا است و در کنار مسجد الحرام واقع شده است.

شوط: دور زدن به چهار سوی بیت الله است. هر دوری را یک شوط می نامند و در وقت سعی بین صفا و مروه از صفا به مروه یک شوط و از مروه به صفا شوط دوم محسوب می شود.

صدقه: یعنی دو کیلو گندم یا قیمت آن داده شود. مراد مقدار صدقه فطر است.

صفا و مروه: صفا کوهی است نزدیک به کعبه طرف جنوب آن که سعی از آن شروع می شود و مروه کوهی است نه زیاد بلند که طرف شمال شرقی بیت الله واقع است و سعی بر آن پایان می یابد. طول صفا و مروه ۵/۳۹۴ و عرض آن ۲۰متر است و ارتفاع طبقه اول ۱۲ و طبقه دوم ۹ متر می باشد. مسعی مجموعاً ۱۸ در دارد.

صاع: وزن شرعی است که معادل سه کیلو و هشتصد گرم می باشد.

طواف: دور زدن چهار جانب کعبه را طواف گویند.

طواف قدوم: طوافی که حاجی هنگام رسیدن به مکه بجا می آورد طواف قدوم یا طواف تحیه می نامند و این طواف برای قارن و مفرد آفاقی سنت قرارداده شده است.

طواف زیارت: طوافی است که بعد از وقوف به عرفات انجام می گیرد و چون این طواف در حج فرض است آن را طواف رکن نیز می گویند.

طواف صدر: طوافی که حجاج هنگام بازگشت از مکه بجا می آورند طواف صدر یا طواف وداع می نامند.

عرفات: صحرایی است در شرق مکه(ما بین ثویه، عرنه ،نمره ،یا ذی المجاز قرار دارد) اندکی مایل به جنوب در فاصله ۲۱ کیلومتری بر سر راه طائف. گفته اند

در آنجا آدم و حوا همدیگر را یافتند. و یا به روایتی به این دلیل عرفات نام نهاده شد، که جبرائیل در آن روز احکام حج را به ابراهیم (ع) آموخت در جهت شمالی این دشت کوهی است که آن را جبل الرحمۀ یا جبل عرفات می نامند. در این سال ها صحرای عرفات درختکاری شده است و هر حاجی باید از ظهر روز نهم تا بعد از غروب شرعی آن روز به قصد قربت در این صحرا وقوف نماید. طول تقریبی آن دوازده کیلومتر و عرض آن هشت کیلو متر است.

عمره : بستن احرام، از حل و یا میقات و طواف بیت الله و سعی بین صفا و مروه و تراشیدن سر را عمره می نامند.

کوه جبل الرحمه : تقریباً در انتهای عرفات قرار دارد به طول تقریبی سیصد متر و بطور مستقل و مجزا ازکوههای اطراف می باشد .

عج : بالا بردن صدا به تلبیه .

غار حرا : یکی از معروفترین کوهها و یا در حقیقت معروف ترین کوه مکه است. این غار خیلی سرد است و بوی خوشی دارد و در مدینه در شکاف کوه احد هم همین بو استشمام می شود .

غار ثور: کوه ثور در سه کیلومتری جنوب شهر مکه و در جنوب منطقه ای به نام «مسفله» قرار دارد که غار ثور بر روی آن واقع است و پیامبر(ص) با حضرت ابوبکر (رض) هنگام هجرت به طرف مدینه، سه شبانه روز درآن پنهان شدند و خداوند با بستن تار عنکبوت و تخم گذاشتن کبوتر بر دهانه غار، آن حضرت را از شر مشرکان نگاه داشت و پس از رفع خطر به مدینه هجرت کردند .دو یا سه نفر می توانند نیم خیز به داخل آن بروند و در این غار آیاتی در شأن حضرت ابوبکر صدیق (رض) نازل شد ﴿ إِذْ يَقُولُ لِصَاحِبِهِ لَا تَحْزَنْ ... . ﴾

غارمرسلات: غاری است در کوه نزدیک مسجد خیف در منی واقع است سوره والمرسلات قرآن مجید آنجا بر رسول پاک (ص) نازل شده است.

قارن: کسی که حج قران ادا کند.

قبرستان ابوطالب: محوطه وسیعی است که در کنار پل حجون قرار دارد و اکنون گورستان مردم مکه است در گذشته بنام شعب ابی دُب معروف بوده و عبدالمناف، عبدالمطلب، ابوطالب، خدیجه کبری و تعداد زیادی از صحابه و تابعین و علماء در آنجا مدفونند و نام دیگر آن جنهٔ المعلا می باشد.

قران: احرام حج و عمره را با هم بستن اول عمره و سپس حج کردن.

قرن: کوهی است که تقریبا ۸۴ کیلومتر از مکه فاصله دارد و میقات کسانی است که از طرف نجد- یمن و یا نجد-حجاز و یا نجد تهامه می آیند.

قصر (درنماز) : چهار رکعت فرض، را دو رکعت خواندن .

قصر:به منظور بیرون شدن ازاحرام یا موهای سر راکوتاه‌کردن قصرمی گویند.

ماثوره : حدیث نقل کرده شده دعاء ماثوره : دعایی که ازبزرگان دین نقل شده است.

مبیت یا بیتوته: شب گذراندن در جایی را می گویند.

محرم : کسی که احرام بسته است.

محرم : (برای زن) شوهر و هر کسی که نکاح همان زن بطور ابد برایش حرام است مانند: پدر، برادر، عمو، و امثال اینها.

مْحسر: میدانی است متصل به مزدلفه که هنگام عبور از آنجا به سرعت و تند می گذرند همان جایی است که بر اصحاب فیل عذاب الهی نازل شد.

مْدّعی:جای دعاکردن، مراد از آن موضوعی است که ما بین قبرستان مکه (جنه المعلی) و مسجد الحرام واقع است و در موقع دخول مکه درآن دعا کردن مستحب است .

مسجد: ۱- مکان خاصی است که برای عبادت ساخته شده است.

۲- بر اساس روایت پیامبر بر سراسر زمین اطلاق می گردد که می تواند سجده گاه انسان عابد باشد در اسلام همه زمین سجده گاه و مسجد است کلمه مسجد ۲۸ بار در قرآن آمده است که بیشتر به مسجد الحرام اشاره شده است مهم ترین نقش مسجد مرکزیت بخشیدن به عبادت مسلمانان است و قدیمی ترین محل عبادت مسجد الحرام و کعبه است و نخستین مسجدی که بر پایه تقوا ساخته شد مسجد قبا بود .

مُسعی: محل سعی بین صفا و مروه.

مشعر الحرام : نام مسجد مزدلفه است و جبل قزح نیزمی نامند و حاجیان پس از عرفات به آنجامی روند که یک سوی آن عرفات و سوی دیگر آن محسرمیباشد.

منی : منی در اصل از ریشه امنیه یا آرزوست، محدوده ی آن از آخر وادی محسر تا جمره عقبه است گویند چون حضرت آدم به زمین هبوط نمود در این مکان فرود آمد از او پرسیدند آیا آرزویی داری لذا این سرزمین به منا معروف شد و آن دره ای است به عرض تقریبا ٥٠٠ متر و طول حدود سه و نیم کیلومتر در شرق مکه که حاجیان در روزهای دهم تا دوازدهم در آنجا شب می گذرانند و رمی جمار و ذبح قربانی در آنجا صورت می گیرد و این سرزمین شامل حرم می باشد. این سرزمین و قایع مهمی را شاهد بوده است. ازجمله پیمانهای عقبه اول و دوم و آماده ساختن مقدمات فتح مکه .

مقام ابراهیم : وَّ اتَّخِذُوامِنْ مَّقَامِ اِبْرَاهِیْمَ مُصَلًّی » مقام ابراهیم در اصل از سنگهای بهشت است در فاصله حدود سیزده متری دیوار کعبه و درسمت

حجر الاسود، بنایی باقبه ای کوچک و طلایی رنگ وجود دارد. درون آن سنگی است که جای پایی درآن دیده می شود و آن منسوب به جای پای ابراهیم (ع) است.در گذشته بر روی این محل قبه ای بزرگ از آجر و سنگ و چوب بنا شده بود که اطراف آن را با آیات قرآن مزین کرده بودند و چون ازفضای مطاف می کاست در سال ۱۳۸۵ هــ.ق تخریب و به جای آن ضریحی کوچک به شکل کنونی ساخته شد.

مطاف : محل طواف دور کعبه که داخل مسجد الحرام است. ۱۸۰۰۰۰متر و مساحت آن ۳۶۰۰۰۰ متر کل منطقه مسجد الحرام و پشت دیوارها منطقه ای که بیشتر آبادی را به خود گرفته و ۴ درب مخصوص دارد که باب معروف آنها باب بنی شیبه می باشد و ورود از آن مستحب است .

مفرد: کسی که فقط احرام حج را بسته است.

ملتزم : آن قسمت از دیوار خانه، که میان حجر الاسود و درِ خانه کعبه واقع است ملتزم می نامند زیرا حاجیان خود را موظف و ملزم می دانند که در آنجا دعا کنند چون دعا در آنجا قبول می شود.

میقات : جایی است که برای زائرین مکه از آنجا احرام بستن واجب است.

میقاتی: کسی که در حدود میقات سکونت دارد.

مسجد الحرام : نام مسجدی است که گرداگرد کعبه قرار دارد و قدیمی ترین و معروف ترین مسجد در تاریخ اسلام به شمار می رود. تاریخ نشان می دهد که تا پس از رحلت رسول گرامی (ص) مردم خانه های خود را نزدیک به خانه کعبه می ساختند، سپس در دوران خلفای راشدین از آن جلوگیری کردند و به تدریج بر مساحت مسجد افزودند، به شکلی که هم اکنون حدود یکصد و هشتاد هزار متر مربع مساحت دارد. شصت و دو در بزرگ و کوچک برای آن ساخته اند، سه در اصلی و بزرگ آن به نام های باب العمره، باب السلام و باب ملک عبدالعزیز معروف است و بر هر یک دو مناره به ارتفاع نود و دو متر با قاعده ای به ابعاد ۷×۷ متر قرار دارد و بر تارک هر مناره، هلالی به ارتفاع۵/۶ متر از برنز طلا کاری است. هفتمین مناره مسجد بر در باب الصفا است دو مناره بزرگ که هر یک به ارتفاع ۸۹ متر است در ضلع غربی مسجد، در توسعه اخیر بنا گردیده بدین ترتیب تعداد آنها به نه عدد رسیده است. مسجد با وسعت فعلی گنجایش حدود هشتصد و بیست هزار نماز گذار را دارد.

مسجد ابوبکر: این مسجد در پائین مکه درسمت مسفله دویست متری مسجدالحرام قراردارد که به دارالهجره معروف بوده چون در این مکان حضرت ابوبکر به همراه پیامبر به هجرت عزیمت نمودند به این نام نهاده شده است پشت آن یک خانه بوده که آنها در آنجا مخفی شده بودند که امروزه از آن خبری نیست.

مسجد حنیف: مسجدی در منی که متصل به کوه شمالی منی ساخته شده است.

مسجد راحه: مسجدی است که گنبد آن از طلا و در زمان عثمانی ها بنا شد.

مسجد کبش: این مسجد به دلیل هبوط قوچ که برای قربانی ازجانب حضرت ابراهیم به این نام نهاده شده است مکان دقیق این مسجد بین جمره اولی و وسطی است، ولی در جریان احداث پل هوائی جمرات ثلاثه در دوران اخیر تخریب شده است .

مسجد الشکا: این مسجد در اجیاد صغیر، در شعبی کوچک که به پشت کوه ابوقبیس چسبیده قرار داشته است.

مسجد نمره : مسجدی است در گوشه عرفات که آن را مسجد ابراهیم نیز می نامند و به روایتی حضرت ابراهیم در این مکان وقوف کرده و به نماز ایستادند. این مسجد در ابتدای عرفات است. در سال ۱۵۰ قمری در روز گار خلافت عباسیان ساخته شد.

مساحت مسجد عرفه: در قرن سوم درطول۳۲۳ ذراع (برابربا ۱۵۳ متر) و در عرض۳۴۰ ذرع (برابر با ۱۶۶ متر) بوده که مساحت مسجد به ۲۵۳۹ متر می رسیده است در قرن ششم بیش از چهار هزارمتر بر آن افزوده شد مساحت کنونی مسجد به هیجده هزار متر می رسد .

مزدلفه: (در لغت به معنای محل جمع شدن می باشد) میدانی است میان منی و عرفات که تقریبا شش کیلومتر به طرف شرق منی می باشد که حاجیان هنگام بازگشت از عرفات شب را در آنجا می گذرانند. همچنین مسجدی مربع شکل نیز می باشد که مساحت اولیه آن ۱۷۰۰ متر مربع بوده است این مسجد ابتدا شش در ورودی داشته است و دیوارهایش کنگره ای بوده است درعهد عباسی به چهار هزار متر رسیده است و در دوران سعودی حدود دو هزار متر مربع بر مساحت قبلی آن افزوده شده و تعمیرات در آن صورت گرفته است.

مُوقَف: محل وقوف. مراد از آن محل قیام برای دعا در عرفات یا مزدلفه است.

میلین اخضرین: مابین صفا و مروه حصه ای که درحین سعی برای مردان دویدن افضل است هر دو طرف با رنگ سبز نشان شده و مهتابی های سبز رنگ روشن است.

میزاب رحمت : ناودانی بر بام خانه، میان رکن عراقی تاشامی و بر فراز حجر اسماعیل واقع است گویند نخست آن را حجاج بن یوسف نهاد تا باران بر بام خانه جمع نشود در زیر این ناودان دعا کردن مستحب است و موجب اجابت دعا می گردد.

الراتیه: مسجدی است سر راه جنت المعلی که رسول الله (ص)روز فتح مکه در آنجا پرچمی نصب فرمودند.

مسجد تنعیم: این مسجد نزدیک ترین مسجد به حدود حرم، و در راه مدینه واقع است که غالبا برای عمره مفرده از این مسجد محرم می شوند.

مسجد جن: این مسجد در پایین کوه حجون به سمت حرم، حدود پنجاه متر پس از پل حجون و نزدیک قبرستان ابوطالب واقع است و حدود دویست متر فاصله داشته است چون سوره جن در این مکان بر پیامبر (ص) نازل شد به این نام معروف شد و نام دیگر آن مسجد الحرس است.

مسجد خیف: بزرگ ترین مسجد منی و در سمت جنوبی و بر جانب چپ کسی است که از سوی عرفات به منی می آید. رسول الله (ص) در حجه الوداع خیمه خود را در این مکان زدند. و در جایی که محراب مسجد است، پنج نماز، از نماز ظهر تا نماز صبح خواندند. معتمد عباسی به سال ۲۵۶، محمد بن علی اصفهانی به سال ۵۵۹، ابن مرجانی به سال ۷۲۰، قایتبای به سال ۸۷۴، سلطان محمد غزنوی به سال ۱۰۷۲ و سلیمان آغا از جانب سلطان محمد به سال ۱۰۹۲ هر یک تعمیراتی در آن انجام دادند این مسجد تنها در ایام منی باز است و متأسفانه اجتماع افراد بی سر پناه درآنجا مانع ازحضور زائران ـ جز دراوقات نمازـ می شود و به سختی می توان در آنجا نماز گذارد. گویند هفتاد پیامبر در این مسجد نماز خواندند به روایتی قبر هفتاد پیامبر در مسجد خیف است و در روایتی از سعدبن ابی وقاص آمده که گفته اگر من از اهل مکه می بودم جمعه ای نبود که به مسجد خیف نماز نخوانم و نماز در این مسجد برای من از اقامه نماز در مسجدالاقصی بهتر است، طول آن ۲۳۷ ذراع و عرض آن ۱۴۰ ذراع بوده که مجموعا بالغ بر ۶۳۸۰ متر مربع

می شده است آن هنگام حدود ۱۸۶ ستون و۲۰ در ورودی و خروجی داشته است، تا دوران عثمانی تنها قسمت مصلای رسول خدا و مقداری از اطراف دیواره های مسجد دارای سقف وشبستان بوده است لیکن در دوران اخیر تماماً مسقف گردیده و مساحت آن حدود چهار برابر دوران قبلی رسیده است.

مسجد صفائح : در جنوب مسجد خیف، دامنه ی کوه صفایح مسجدی است که در آنجا سوره ی مرسلات بر پیغمبر اکرم(ص)نازل شده است و غاری به اندازه سر انسان در آن کوه وجود داشته، بعدها این غار به غار مرسلات معروف شد.

وادی محسر: مکانی است میان منا و مزدلفه که بر اساس روایات تاریخی اصحاب فیل و سپاهیان ابرهه در همین نقطه به هلاکت رسیدند. در کتب مناسک آمده است که نباید تا قبل از طلوع آفتاب از این وادی گذشت و به منا وارد شد حجاج باید بعد از غروب شرعی روز عرفه و پس از پایان وقوف در عرفات به این سمت حرکت کنند. تا از طلوع فجر روز دهم ذی الحجه تا طلوع آفتاب همان روز اعمال مخصوص این مکان را انجام دهند مشعر در محدوده حرم واقع شده و به همین علت آن را مشعرالحرام گویند. طول وادی مشعر الحرام را بعضی قریب چهار هزار متر و برخی نیز بیشتر از آن ذکر کرده اند برای مشعرالحرام محدودهای مشخص کردند، در حقیقت مشعر به سرزمینی مشخص در انتهای مزدلفه گفته می شود .

هدی: حیوانی که حاجی در روز عید ذبح می کند.

یوم ترویه: روز هشتم ذی الحجه که از مکه با احرام سوی منی حرکت می کنند . ترویه در لغت به معنای سیراب کردن هم می باشد .

یوم عرفه: نهم ذی الحجه که حجاج در بیابان عرفات جمع شده و دعا و استغفار می نمایند.

یلملم: نام کوهی است به جانب جنوب شهر مکه به فاصله دو منزل حالا به نام سعدیه نیز معروف است و میقات اهل یمن می باشد.

مسافات و مساحات

از مکه مکرمه تا مدینه طیبه	۴۲۴ کیلومتر
ازمکه مکرمه تاجده	۷۵ کیلو متر
از جده تا مدینه منوره	۲۵۰ کیلو متر
از مکه تا طائف	۱۲۳ کیلومتر

ازمکه تا غار ثور	۳ کیلومتر
از مکه تا عرفات	۲۱کیلومتر
ازمسجدالحرام تاتنعیم	۱۰ کیلومتر
ازمسجدالحرام تا اول منی	۷ کیلومتر
ازاول منی تااول مزدلفه	۴ کیلومتر
از اول مزدلفه تا آخرمزدلفه	۵کیلومتر
از آخرمزدلفه تامیدان عرفات	۱۰کیلومتر
ارجده تامدینه طیبه	۳۸۰کیلومتر
ازجده تامیدان هوائی	۴۰کیلومتر
ازمدینه طیبه تامیدان هوائی	۱۵کیلومتر
ازمدینه طیبه تاذوالحلیفه	۹کیلومتر
از ریاض تا جده	۹۵۰ کیلو متر
ارتفاع خانه	۱۵متر
طول خانه از رکن حجر الاسود تا رکن عراقی ضلع درب	۱۱/۸۶متر
طول خانه از رکن عراقی تا رکن شامی	۹/۹۰متر
طول خانه از رکن شامی تا رکن یمانی	۱۲/۰۴متر
طول خانه ازرکن یمانی تا رکن حجر الاسود	۱۰/۱۸متر
ارتفاع حجر الاسود از کف مسجد	۱/۵متر
ارتفاع درب خانه از کف مسجد	۲متر
مقدار طلای خالص مصرفی درب	۲۸۰کیلو گرم
مسافت بین صفا ومروه	۳۹۴/۵متر
عرض مسعی	۲۰متر
ارتفاع سقف مسعی در منزل اول	۱۲متر
ارتفاع سقف مسعی درمنزل دوم	۹متر
فاصله بین دو چراغ سبز	۷۰متر
تعداد دربهای مسعی	۱۸باب
ارتفاع قبه مقام حضرت ابراهیم	۱متر
ارتفاع پایه مقام ابراهیم	۷۵سانتیمتر
وزن مجموعی مقام ابراهیم	۱۷۰۰کیلو گرم

فاصله مقام ابراهیم تا کعبه	۱۳متر
تعدادمناره ها	۹عدد
ارتفاع هفت مناره قبلی	۸۹ متر
ارتفاع دومناره جدید	۹۲متر
قاعده مناره ها	۷×۷متر
ارتفاع هلال برنز طلا کاری شده	۵/۶ متر
مساحت مسجدالحرام	۸۰۰۰۰مترمربع
مسا حت مسجد الحرام بعد از پا یان این توسعه	۱۶۰۱۶۸ متر مربع
ظرفیت مسجدالحرام با وسعت فعلی	۸۲۰۰۰۰نمازگزار
مساحت مسعی پس از ضمیمه شدن به مسجد الحرام	۱۰۱۷۲متر مربع
مساحت طبقه دوم	۶۰۵۶۰متر مربع
مساحت طبقه زیر زمین رواق های توسعه	۲۹۰۰۰ متر مربع
تعدادرواق های شمالی	۵ مورد
تعداد رواق های شرقی	۳ مو رد
تعداد رواق های میانی	۳ مورد
تعداد رواق های غربی	۳ مورد
طول دیوار شرقی مسجد	۱۲۸متر
طول دیوار شمالی مسجد	۹۱متر
تعداد مناره های قبلی	۱۰ مورد
عمق هر گلدسته	۱۷متر
تعداد مناره های جدید	۲مورد
ارتفاع مناره های جدید	۹۲متر
ارتفاع مناره های قبلی	۷۲متر
ارتفاع سقف مسجد	۱۲/۶۰متر
تعداد دروازه ها	۸۱باب
تعداد ستون های مربع شکل متصل به دیوار بناها	۴۷۴ مورد
تعداد ستون های دایره شکل بنا ها	۲۳۲مورد
مساحت منی	۳۵۰۰×۵۰۰متر

مراجع و مأخوذ این کتاب

۱- قرآن شریف
۲- مشکوة المصابیح
۳- صحیح بخاری شریف
۴- صحیح مسلم
۵- نسائی
۶-ترمذی
۷- رد المحتار
۸- فقه علی مذمب الاربعه
۹- فتح القدیر
۱۰- هدایه
۱۱- ارشاد الساری لمناسک ملا علی قاری
۱۲- مناسک حج عربی
۱۳- زبدة المناسک
۱۴- غنیة المناسک
۱۵- حیاۀ القلوب
۱۶- تنویر الایمان به زیارت آثار حبیب الرحمان
۱۷- الفتاوی الهندیه مشهور به فتا وای عالم گیری
۱۸- کشف الحقایق شرح کنز الدقایق
۱۹- احیاءالعلوم امام محمد غزالی
۲۰- وفاء الوفاءباخبار آثار دارالمصطفی
۲۱- دارالقطنی
۲۲- طبرانی
۲۳- مختصر احیاء العلوم
۲۴- تاریخ الکعبۀ المعظمه مؤلفه عبدالله حضرمی

صد سلام

السلام ای صاحب خلق عظیم
السلام ای معدن لطف عمیم

السلام ای سرور عالی جناب
السلام ای شافع یوم الحساب

السلام ای مقتدای مرسلین
السلام ای رحمة للعالمین

السلام ای پیشوای انبیاء
السلام ای پس روِ تو اولیاء

السلام ای ورد بستان هدی
السلام ای عارفان را مقتدا

السلام ای آنکه ابررحمتی
السلام ای آنکه کان نعمتی

السلام ای بحر علم من لدن
السلام ای مخزن اسرار کن

السلام ای مشرق انوار غیب
السلام ای ما حی ظلمات ریب

السلام ای مطلع نور و ضیا
السلام ای معدن علم و حیا

السلام ای نجم ثاقب السلام
السلام ای عارضت ماه تمام

السلام ای صیقل مرآت دل
السلام ای کاشف هرغش‌وغل

السلام ای روی تو بدر منیر
السلام ای بوی‌تومشک‌وعبیر

السلام ای منبع جود و عطا
السلام ای نور بخش اهل صفا

السلام ای قاب قوسینت مقام
السلام ای انبیا کرده امام

السلام ای درگهت دار الامان
السلام ای خاتم پیغمبران

السلام ای چشمه آب حیات
السلام ای‌نورتو هر شش‌جهات

السلام ای کور چشمان را دلیل
السلام ای صاحب خلق‌جمیل

السلام ای بیکسان رادستگیر
السلام ای رازدان روشن‌ضمیر

السلام ای سرور هر دو جهان
السلام ای رهنمای گمرهان

السلام ای خسته رامرهم نهی
السلام ای تشنه را شربت دهی

السلام ای ذکر تو غفلت‌ربای
السلام ای فکرتو ظلمت زدای

السلام ای چاره بیچارگان
السلام ای مونس غمخوار گان

السلام ای فخر هر پیغمبری
السلام ای دلبر هردلبری

السلام ای معطی هر آرزو
السلام ای فیض تو هر چارسو

السلام ای درد مندان را دوا
السلام ای مایه هر بینوا

السلام ای جلوه گر در سینه ام
السلام ای مصقل آیینه‌ام

السلام ای ذکر تو ایمان من
السلام ای فکر تو درمان من

السلام ای نام تو ورد زبان السلام ای حب تو دردل نهان
السلام ای موصل مطلوبها السلام ای منعم مرغوبها
السلام ای دست ده افتادگان السلام ای دلبر دل دادگان
السلام ای تاج عزت برسرت السلام ای فیض واحسان‌بردرت
السلام ای حل مشکل السلام السلام ای کار من از تو تمام
السلام ای عذرخواه مذنبین لطف فرما بر گناه ما مبین
السلام ای ابررحمت فیض‌بار برتو هم‌بر چاروشش‌هم‌هشت‌وچار
صد سلام از ماوازتویک علیک صدسؤال از ما و از تو یک‌لبیک
صدسلام‌ازما بهردم صبح وشام بر تو هم بر آل و اصحابت تمام
بر امید آنکه ای عالی جناب از لب شیرین تو آیدیک جواب
درد مندم ای طبیب غیب دان رنج ما دریاب از نبض تپان
از علاج ما تو نیکو آگهی داروی درد دلم هم تو دهی
هست داروی دل بیمار من شربت وصل تو ای دلدار من
پس چشان یکجرعه از جام وصال پیش از این مگذار ما را در ملال
هین مران ما را ز بهر درد و رنج رحم کن برمابه حق هفت وپنج
یا رسول الله‌بسی درمانده ام باد در کف خاک بر سر کرده ام
بیکسان را کس تویی در هر نفس من ندارم در دو عالم جز توکس
یک نظر سوی من غمخواره کن چاره کار من بیچاره کن
گرچه ضایع کرده ام عمر از گناه توبه کردم عذرمن از حق بخواه
روز و شب بنشسته در صد ماتمم تا شفاعت خواه باشی یکدمم



ز مهجوری برآمد جان عالم ترحم یا نبی الله ترحم
نه آخر رحمه للعالمینی زمحرومان چرافارغ نشینی
ز خاک ای لالۀ سیراب برخیز چو نرگس خواب چند از خواب‌برخیز
برون آور سر از برد یمانی که روی توست صبح زندگانی
شب اندوه ما را روز گردان زرویت روز ما فیروز گردان
بسر بر بند کافوری عمامه به تن درپوش عنبر بوی جامه
فرو آویز از سر گیسوان را فکن سایه بپا سرو روان را
ادیم طایفی نعلین پا کن شراک از رشته جانهای ماکن

جهانی دیده کرده فرش را هند | چو فرش اقبال پابوس تو خواهند
ز حجره پای در صحن حرم نه | به فرق خاک پا بوسان قدم نه
بده دستی ز پا افتادگان را | بکن دلداری دل دادگان را
اگر چه غرق دریای گناهیم | فتاده خشک لب بر خاک راهیم
تو ابر رحمتی آن به که گاهی | کنی درحال لب خشکان نگاهی
خوش آن کز گرد ره سویت رسیدیم | به دیده گرد از کویت کشیدیم
به مسجد سجده شکرانه کردیم | چراغت را زجان پروانه کردیم
به گرد روضه ات گشتیم گستاخ | دلی چون پنجره سوراخ سوراخ
زدیم از اشک ابر چشم بی خواب | حریم آستان روضه ات آب
گهی رفتیم زان ساحت غباری | گهی چیدیم زوخاشاک خاری
به سوی منبرت ره بر گرفتیم | ز چهره پایه اش در زر گرفتیم
ز محرابت به سجده گام جستیم | قدمگاهت به خون دیده شستیم
به پای هر ستون قد راست کردیم | مقام راستان درخواست کردیم
ز داغ آرزویت با دل خوش | زدیم از دل به هر قندیل آتش
کنون گر تن نه خاک آن حریم است | بحمد الله که جان آنجا مقیم است
به خود درمانده ایم از نفس خود رأی | ببین درمانده ی چند و ببخشای
اگر نبود چو لطفت دستیاری | ز دست ما نیاید هیچ کاری
قضا می افکند از راه ما را | خدا را از خدا در خواه ما را
که بخشد از یقین اول حیاتی | دهد آنگه به کار دین ثباتی
چو هول روز رستاخیز خیزد | به آتش آبروی ما نریزد
کند با این همه گمراهی ما | تو را اذن شفاعت خواهی ما
چو چوگان سرفکنده آوری روی | به میدان شفاعت امتی گوی

به حسن اهتمامت کار جامی
طفیل دیگران یابد تمامی

اَللّٰهُمَّ ارْزُقْ لِیْ وَ لِجَمِیْعِ الْمُسْلِمِیْنَ زِیَارَةَ حَرَمِكَ وَحَرَمِ نَبِیِّكَ سَیِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَ صَلِّ وَ سَلِّمْ وَ بَارِكْ عَلَیْهِ وَ عَلَی آلِهِ وَ اَصْحَابِهِ اَجْمَعِیْنَ

تمت

اختتامیه

الحمد لله رب العالمین

خدای عزوجل را سپاسگزارم که توفیق جمع آوری وترتیب این کتاب مسمّی به « احکام حج درمذهب حنفی و معارف حرمین » رابه این بنده راجی الی عفو الغفور عطا فرموده و مسئلت دارم که بر توفیق یابنده ی مطالعه کننده کتاب هذا حج حرمین شریفین نصیب گرداند و امیدوارم که مورد استفاده ی همگان قرار گیرد.

می توانی که دهی اشک مرا حسن قبول
ای که در ساخته ای قطره بارانی را

چون که بنده محل سهو و نسیان است اگر برادری نقایصی را مشاهده کند شیوه عفو و احسان را پیش گرفته این فقیر را آگاه کند. رخاتمه از بارگاه خداوند متعال التجا دارم تا این عمل ناچیزم را خالصاً لوجهه الکریم گردانیده وآن را در روزی که « لَایَنْفَعُ مَالُ وَلَابَنُوْنُ اِلَّا مَنْ اَتَی اللهُ بِقَلْبٍ سَلِیْمٍ» در پله حسناتم قرار دهد. تمت بمنه وکرمه .

به تاریخ اول رمضان ۱۴۲۷ هـ .ق

مصادف با مهر ۱۳۸۵ هـ .ش

خادم خانقاه مشایخ کبار

سید عبدالله نقشبندی مجددی شمسی

مژده

مجموعه کتابهای منتشرشده به شرح

زیر می باشد :

جامع السلوك (چاپ شده)

طريقة الراشدين وحجة المسترشدين(چاپ شده)

حجة السالكين في رد المنكرين(چاپ شده)

سراج العارفين في تراكم ظلمات المنكرين(چاپ شده)

نغمه عشاق و معارف عاشقان (در دست چاپ)

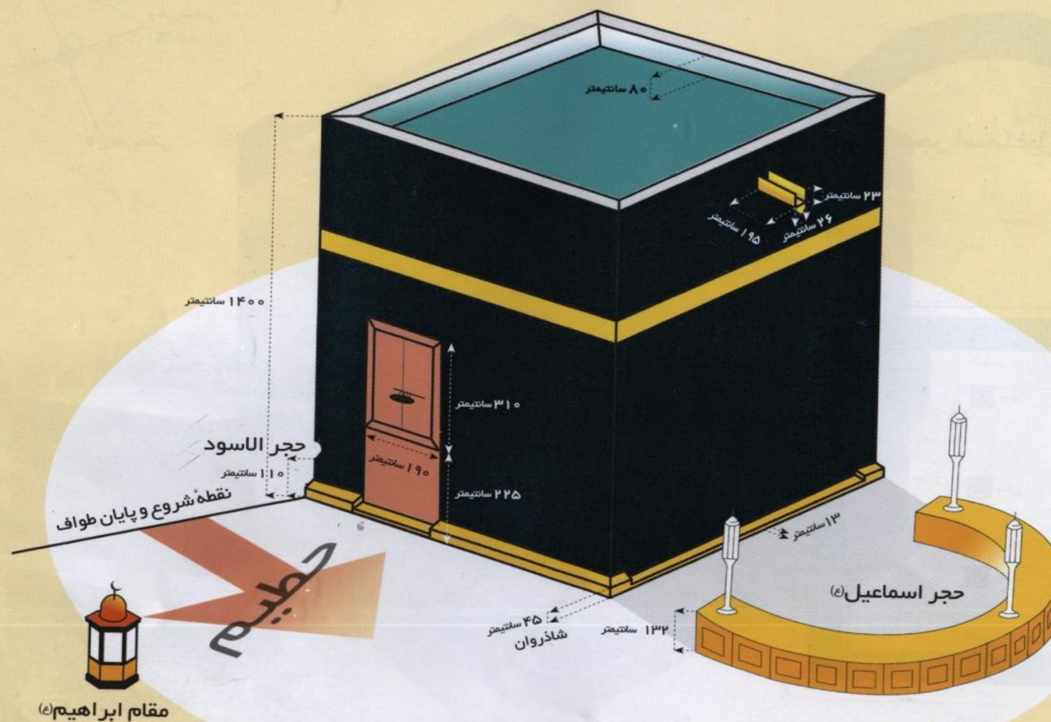
مقامات حضرت شاه نقشبند رح (دردست چاپ)

ادعية الشفاء من شمس العرفاء(دردست چاپ)

مجموعه تصاويري از اماکن متبرکه

« مکه مکرمه ومدينه منّوره»

ابعاد کعبه شریفه و محدوده مطاف



میقات‌های حج



القرارة
دغيبجة
رضوان
العطيف
بركة العقيق
القريشيات
الحفائر
عشيرة
المحاني
العرفاء
الحوية
ذات عرق
قرن المنازل (السيل)
الطائف
الملعب
غرابة
الشفا
وادي محرم
العلبة
بوا
ابوراكة
غزايل
الصور
صيادة
الشعاعيب
السحن
لغب
بسوى رياض
بسوى رنية
بسوى تربة
بسوى الباحة
بسوى الليث
بسوى بريدة
بسوى فدك - حائل
بسوى خيبر
بسوى ينبع البحر
مهدالذهب
الحناكية
قران
السويرقية
الصويدرة
طريق الهجرة
الأكحل
البتمة
العيون
المدينة المنورة
ذوالحليفة (آبار علي)
الفريض
الفريش
المندسة
المسيجيد
وجمة
العقيق
الواسطة
البركة
بدر
الغزلان
النصايف
مستورة
الابواء
ينبع النخل
رابغ
غديرخم
الجحفه
صعبر
القديمة
قول
خليص
غران
عسفان
المقيطع
القعرة
الفيج
المكسر
الدوارة
المضحاة
الكامل
الغريف
مدركة
حشاش
هداة الشام
الجموم
الجعرانة
الزيمة
مكة المكرمة
حديبية
حدة
ام السلم
بريمان
جدة
يلملم
الشعيبة

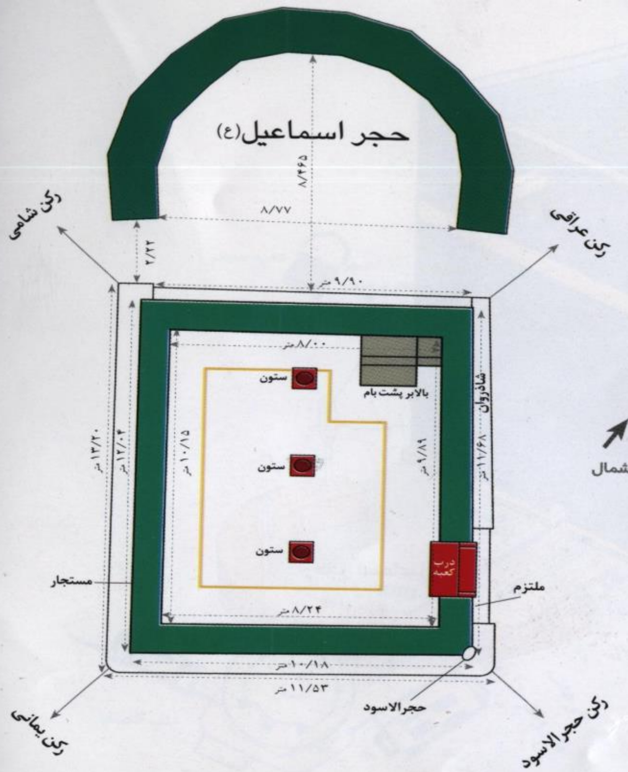
دریای سرخ

مقیاس ۱:۲،۵۰۰،۰۰۰
کیلومتر
۰ ۲۵ ۵۰ ۷۵ ۱۰۰ ۱۲۵

معاونت آموزش و پژوهش بعثه مقام معظم رهبری

شرکت مهندسین مشاور گنو داد

برش افقی کعبه شریفه

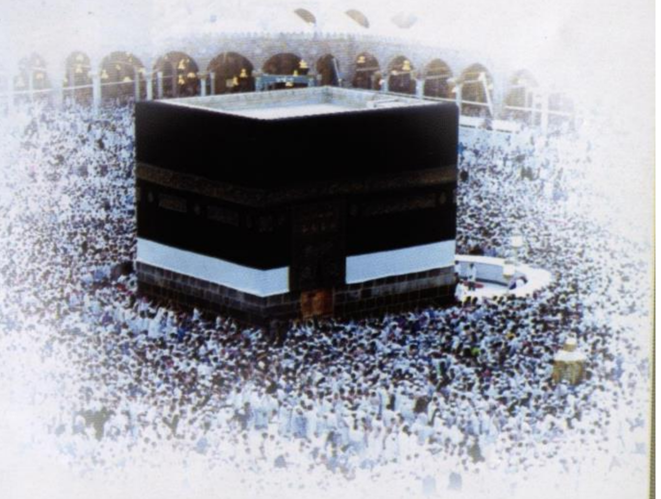




مقام ابراهیم(ع)







نقشه عرفات

رنگ	راهنما
	حجاج ایرانی
	حجاج ترکیه و مسلمانان کشورهای آمریکا و استرالیا
	حجاج عربستان سعودی
	حجاج کشورهای حاشیهٔ خلیج فارس
	حجاج کشورهای عربی
	حجاج کشورهای آفریقایی غیرعربی
	حجاج کشورهای جنوب آسیا
	حجاج کشورهای جنوب شرق آسیا
	پارکینگ
	ساختمانهای دولتی

- بزرگراه
- خیابان اصلی
- خیابان فرعی
- مسیر پیاده‌رو
- حدود عرفات
- حدود حرم
- علایم حرم
- مسجد
- مراکز درمانی

جبل سعد

خیمه گاه ایران

جبل الرحمة

وادی عرنة

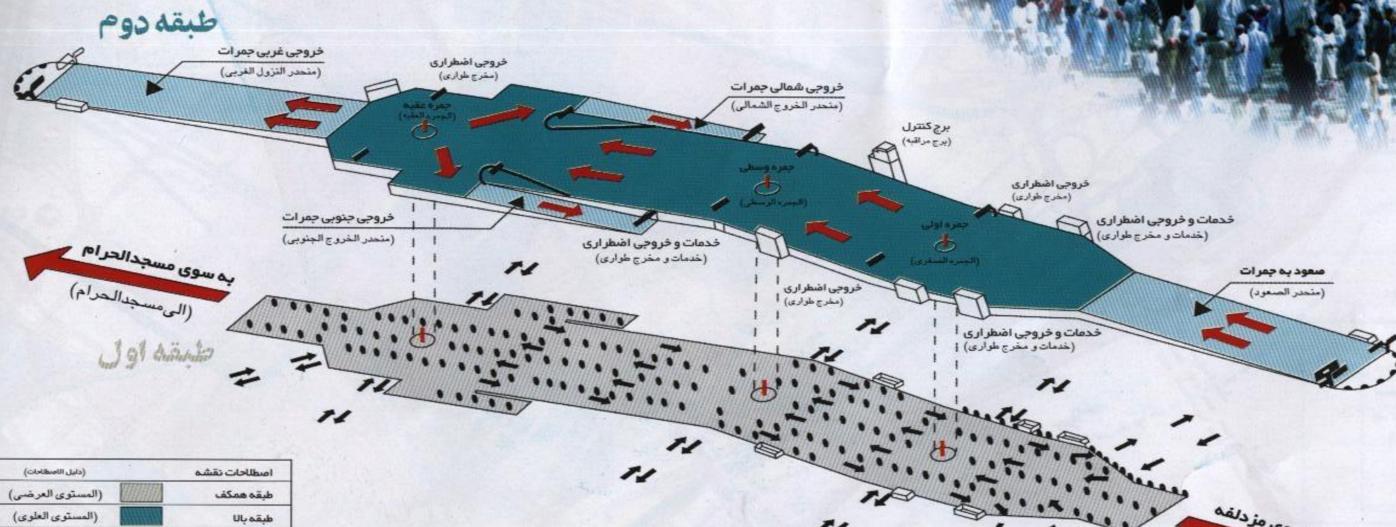


شرکت مهندسین مشاور گسوداد

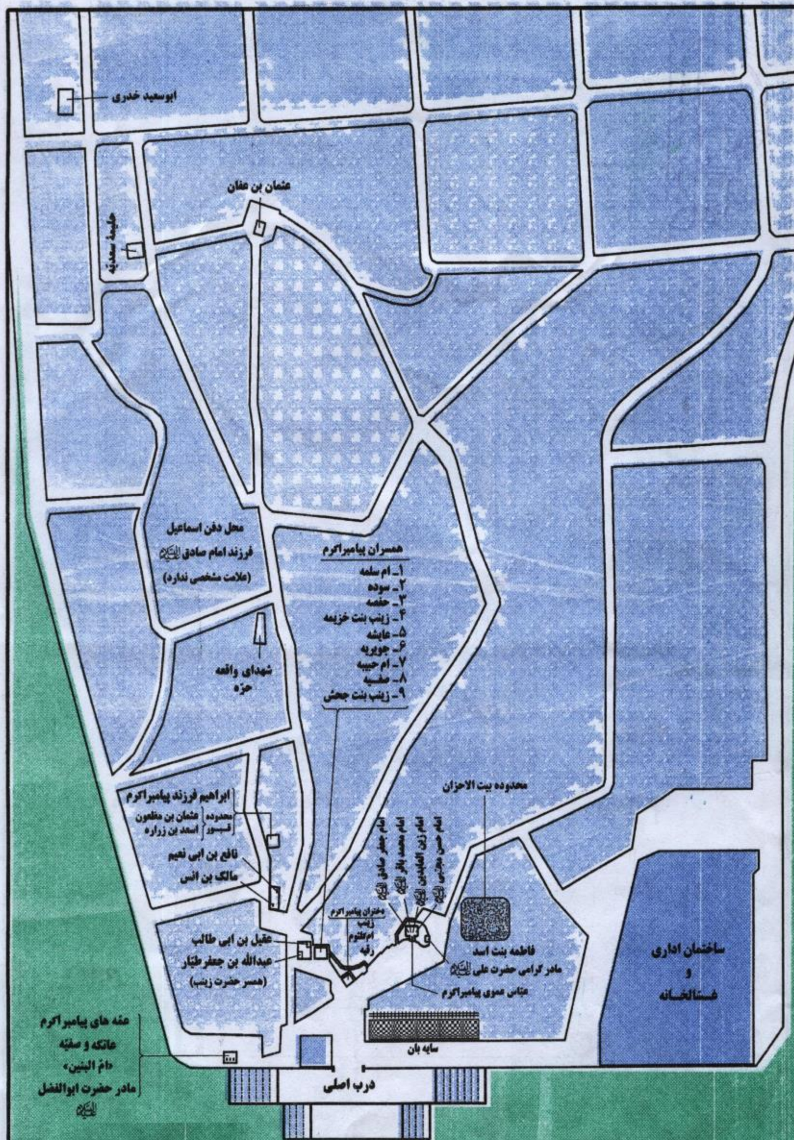
معاونت آموزش و پژوهش بعثه مقام معظم رهبری


منطقه منا
جبل ثبير غيناء
قبله
طريق الملك فهد
جسر الجمرات
انفاق المشاة
انفاق المعيصم
جبل فرعي ثبير غربي
جبل فرعي ثبير مركزي
مسجد منى
مسجد الخيف
طريق الملك فيصل
طريق الملك عبدالعزيز
شارع الرابطة
رابطة العالم الإسلامي
جسر الملك خالد
انفاق جسر الملك خالد
شارع سوق العرب
شارع الجوهرة
الشارع الجديد
طريق المشاة
جبل منى اليماني
خيمه گاه ايران
وادي محسر
المعيصم
خزان مياه
طريق المشاة الجديد
مزدلفة (مشعر الحرام)
حدود منى
حدود مزدلفة
طريق الملك عبدالعزيز
مقياس: ۱:۱۹،۰۰۰
بزرگراه
خيابان اصلی
خيابان فرعی
مسير پيادەرو
حدود منا
مسجد
مراكز درمانی
قربانگاه
حجاج ايرانی
حجاج تركيه و مسلمانان كشورهای آمريكا و استراليا
حجاج عربستان سعودی
حجاج كشورهای حاشيهٔ خليج فارس
حجاج كشورهای عربی
حجاج كشورهای آفريقايی غيرعربی
حجاج كشورهای جنوب آسيا
حجاج كشورهای جنوب شرق آسيا
شركت مهندسين مشاور گنوداد
معاونت آموزش و پژوهش بعثه مقام معظم رهبری

موقعیت جمرات (طبقهٔ اول - طبقهٔ فوقانی)



اصطلاحات نقشه		(دلیل الاصطلاحات)
طبقه همکف		(المستوی العرضی)
طبقه بالا		(المستوی العلوی)



نقشه قبرستان بقیع



قیمت: ۱۵۰۰۰ تومان